[1]







مجموعه مقالات متون و کتیبه‌های دوران اسلامی

تالیف: جمعی از پژوهشگران

بسم الله الرحمن الرحيم



پژوهشگاه

مجموعه مقالات کتیبه‌ها و متون دوران اسلامی

تألیف:

جمعی از پژوهشگران

۱۳۸۵

عنوان و پدیدآور	:	مجموعه مقالات کتیبه‌ها و متون دوران اسلامی/جمعی از پژوهشگران.
مشخصات نشر	:	تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده زبان و گویش: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات، اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۵.
شابک	:	964-421-008-5:
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	ایران -- آثار تاریخی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع	:	ایران -- باستان‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع	:	کتیبه‌های ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شناسه افزوده	:	سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. اداره کل امور فرهنگی.
شناسه افزوده	:	سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. پژوهشکد ه زبان و گویش.
رده بندی کنگره	:	DSR۱۳/م۲۲
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۰۴۳
شماره کتابخانه ملی	:	۸۵-۴۶۱۲۷م



پژوهشگاه

پژوهشکده زبان و گویش

مجموعه مقالات متون و کتیبه‌های دوران اسلامی

تألیف و تحقیق: جمعی از پژوهشگران

ناشر: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی

چاپ: اول / ۱۳۸۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: نوآور

لیتوگرافی/ چاپ: نوربخش/ توسکاگستر

شابک: ۵-۰۰۸-۴۲۱-۹۶۴

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

نشانی: خ آزادی – نبش زنجان جنوبی – سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری

تلفن: ۳-۶۶۰۱۷۰۷۱

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۷
کتیبه‌نگاری سکه‌های مغولان هند	۹
کتیبه‌ها، عنصری کلیدی در توسعه پایدار آب‌انبارها	۱۹
معرفی اجمالی کتیبه قاجاری بر پهنه کوه نقش رستم	۴۱
کتیبه‌های بقعه امامزاده سهل بن علی در شهرستان آستانه	۵۱
پژوهشی در کتیبه‌های مدرسه دارالفنون	۷۳
محراب گچی مسجد ملک زوزن ـ خواف	۱۱۳
کتیبه‌های مسجد جامع ورامین	۱۱۹
مروری بر کتاب «خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان»	۱۴۳
معرفی کتاب «مطلع العلوم و مجمع الفنون»	۱۵۱
معرفی فرمان صادر شده از سوی فتحعلیشاه قاجار	۱۵۵
فرمان تخفیف مالیاتی عهد ناصری بر سنگ نبشته مسجد جامع زنجان	۱۶۳
کتیبه‌نگاری و کتیبه‌شناسی	۱۷۱
کتیبه‌های پولک‌های زیرکوبه خانه عباسیان در کاشان	۱۸۷
بقعه شیخ دانیال خنج و منار تاریخی آن با تأکید بر کتیبه‌های تاریخی آن	۲۰۵

پیشگفتار

مجموعه مقالات پیش رو، بخشی از تحقیقات و فعالیت‌هایی است که پژوهشگران متـون و کتیبه‌های دوران اسلامی پژوهشگاه میراث فرهنگی، برای شناسایی و معرفی کتیبه‌ها، سکه‌ها و متون دوران اسلامی انجام داده‌اند.

هدف از انتشار این مجموعه، در دسترس قرار دادن اطلاعات متون و کتیبه‌ها بـرای آگـاهی پژوهشگران و علاقمندان این رشته و کمک به گسترش مطالعات و عطف عنایت به تحقیـق در زمینه متون و کتیبه‌هاست.

با توجه به طولانی بودن تاریخ کتابت و کثرت اسناد مکتوب در قلمرو ایران، تحقیق درباره کتیبه‌ها، متون و سکه‌ها، که بی شک اسناد بسیار معتبری در زمینه‌های مختلف تاریخ سیاسـی، اجتماعی، اقتصادی، هنری، فرهنگ و تاریخ تمدن، جغرافیای تاریخی، باستان شناسـی، زبـان شناسی، مردم شناسی و دیگر دانش‌ها به شمار مـی‌رود، زمینـه سـاز فـراهم آوردن تـصویری روشنتر از تحولات تاریخی و ویژگی‌های دوران‌هایی است که در قلمـرو جغرافیـایی فرهنگـی مردمان این سرزمین روی داده است.

این اطلاعات همچنین به درک دقیق‌تر از سهمی که مردمان این قلمـرو در آفـرینش تمـدن بشری داشته‌اند، کمک می‌کند.

علیرغم قدمت تمدن در ایران، حجم مطالعـات و انتـشارات در زمینـه آثـار تـاریخی آن در مقایسه با دیگر مراکز مدنیت نظیر یونان، مصر و هند انـدک اسـت و حجـم قابـل تـوجهی از مطالعات موجود نیز توسط متخصصان غیر ایرانی این رشته انجام شده است که بعضاً خـالی از اشکال نیست.

گسترش تحقیقات و مطالعات و عرضه اطلاعات آثار تاریخی ایران بی گمان زمینه ساز ارتباط مراکز علمی در داخل و در سطح بین‌المللی و نیز فراهم آوردن امکان آشنایی بیشتر با این سرزمین است.

این کتاب نخستین مجموعه تخصصی در این زمینه از سوی پژوهشگاه میراث فرهنگی است. در این کتاب مقالاتی درباره کتیبه‌ها، سکه‌ها، متون دوره اسلامی، نقد کتاب و معرفی آثار خطی عرضه شده است که می‌تواند محملی برای نشر آثار و نگاشته‌های پژوهشگران این رشته در سراسر کشور باشد.

در پایان شایسته است از آقای دکتر سید طه‌هاشمی رئیس محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و آقای رسول بشاش سرپرست محترم پژوهشگاه زبان و گویش به منظور عنایت و مساعدت در انتشار این مجموعه سپاسگزاری شود.

ومن الله التوفیق

مدیر گروه متون و کتیبه‌های دوران اسلامی

گیلان فقیه میرزائی

تابستان ۱۳۸۵

کتیبه نگاری سکه‌های مغولان هند

دکتر مژگان اسماعیلی*

* عضو هیات علمی پژوهشکده زبان و گویش گروه کتیبه‌ها و متون دوران اسلامی

چکیده

اطلاعات ذیل حاصل مطالعه تعدادی از سکه‌های هندیِ موجود در گنجینه فلک الافلاک است. سکه‌های مغولان هند به دلیل بالا بودن کیفیت فلز مورد استفاده در ساخت سکه‌ها، و زیبایی طرح و نقوش همچنین به لحاظ کمیت و تعداد ضرابخانه‌ها حائز اهمیت است.

در اوایل این دوره سکه‌های درهم (نقره) با عناوین مختلف ضرب می‌شد و سکه‌های طلا را، اشرفی یا مهر می‌نامیدند. روی سکه‌ها نام پادشاه به همراه القاب وی و نام ضرابخانه و تاریخ ضرب و یا سال جلوس شاه برتخت سلطنت حک می‌شد. علاوه بر اینها گاه تصاویری از حیوانات، صور فلکی و خدایان هندی، نام خلفای راشدین و اشعاری در مدح شاه نیز بر روی سکه‌ها دیده شده است.

شهرهائی که ضرابخانه‌ها در آن واقع بودند نیز عمدتا به همراه شهرتی آورده می‌شد و گاه یک شهر دارای چندین شهرت بود مانند احمد آباد ملقب به شهر معظم، دارالسلطنه، دارالخلافه، زینت البلاد، و یا یک شهرت برای چندین شهر بکار می‌رفت مانند دارالامان برای شهرهای آگرا و جمون و دارالسرور برای برهانپور و سهارنپور و غیره...

موقعیت مناسب اقتصادی و آرامش حاکم بر هندوستان آن روز، زمینه حمایت و توجه به هنر را فراهم آورده بود. بر سکه‌های مغولی در فاصله کلمات، گل‌های چهار و شش پر حک می‌شد؛ و سجع‌ها عمدتا به خط رقاع و نستعلیق نوشته می‌شدند. سکه‌های مغولی یک اثر هنری حساب می‌شود چرا که افراد بسیار ماهری چون شاعران، حکاکان، خطاطان، ضرابان و فلز کاران در بوجود آوردن آن نقش داشته‌اند.

سکه‌های مغولان هند

مغولان هند برای مدت سه قرن، خالص‌ترین سکه‌های طلا (اشرفی) و نقره‌ای (روپیه) را ضرب کردند. سکه‌های مغولان نه تنها به دلیل بالا بودن کیفیت طلا و نقره و زیبایی طرح و نقوش، بلکه به لحاظ کمیت و تعداد ضرابخانه بسیار حائز اهمیت است.

در دوران حکومت بابر و همایون، سکه‌های درهم (به شکل نقره نازک) به وزن حدود ۵-۴ گرم و قطر ۲۷-۲۴ میلی متر ضرب می‌شد، همچنین بابر و همایون سکه‌های نقره‌ای نازکی به

نام «شاهرخی» ضرب می‌کردند،اگر چه، تا مدت‌ها سکه‌های سلاطین لودی نیز رایج بود و روپیه مغولان ارزش داشت و تنکا خوانده می‌شد.[۱]

در مجموعه سکه‌های هندی قلعه فلک الافلاک سکه منحصر به فرد ظهیرالدین محمد بابر با سجع «علی ولی الله» از جنس نقره وجود دارد که مربوط به دوره‌ای است که شیبک خان ازبک به فراغنه حمله کرده بود و شاه اسماعیل اول به بابر قول داده بود در صورت پذیرش مذهب تشیع و ضرب سکه به شعار شیعیان فراغنه را از تصرف شبیک خان در آورد. بر روی سکه‌های اکبر شاه، اسامی چهار خلیفه در حاشیه روی سکه، به شکل دایره یا مربع حک می‌شد و پشت سکه، اسم شاه به لقب «جلال الدین محمد اکبر پادشاه غازی»، همراه با ذکر نام ضرابخانه و تاریخ ضرب آورده می‌شد ؛ از سال سی ام حکومت اکبر شاه سکه‌های طلا و نقره او به شکل مربع و با سجع «الله اکبر جل جلاله» ضرب می‌شد؛ و از سال بیست ونهم سلطنتش از واژه «سال الهی» به جای «سنه» و «هجری» استفاده می‌شد و البته کلمه «تاریخ» نیز به جای زبان عربی به زبان فارسی نوشته می‌شد.

از سال سی و پنجم حکومتش نیز سکه‌های طلا که به «مهر» و «اشرفی» معروف بود، بسیار رایج شد، که ارزش حدود ۱۰تا ١٦برابر سکه روپیه (نقره) را داشت و به وزن‌های ۱۰،۲۵،۵۰ و حتی ۱۰۰گرمی نیز وجود داشت[۲] که البته وزن‌های سنگین به شکل «مدال» و برای هدیه تهیه می‌شد. کمترین سکه دوره اکبرشاه که «مسی» بود به «دم» معروف بود و روپیه ارزش داشت.[۳] از دوره اکبرشاه حداقل ٤٥ ضرابخانه شناخته شده، که سکه نقره را ضرب می‌کرد و ٦٥ ضرابخانه که به ضرب سکه‌های مسی مشغول بودند.

اکبر در اواخر سلطنتش، تصاویری از شاهین، مرغابی، راما و سیتا (خدایان هندی) را بر روی مهرها و سکه‌های روپیه خود حک می‌کرد.[٤]

---

۱ - دایرة المعارف اسلامی، ج ۷ ، ص ۳۴۶ - ۳۴۴.

۲ - همانجا.

۳ - همانجا.

4 -A Treasury of Indian Coins P.90

اشعار روی سکه‌های اکبر را شخصی، به نام «شریف سرمدی»[۱] می‌سرود.

بر روی سکه‌های اکبر این سجع‌ها دیده شده است.

مهر مهر شاه اکبر آبروی این زر است	تا زمین و آسمان را مهر انور زیور است
زیست از مهر اکبر پادشـــــــاه نور	بر آن زرنـــــــام شـــــاه نور علی نور
همیشه همچو زر مهـر و ماه رائج باد	بغـــرب و شــــرق جهان سکه اله آباد

موقعیت مناسب اقتصادی و آرامش حاکم بر هندوستان شرایطی را برای جهانگیر به وجـود آورد که توجهاش را به هنر بیشترکرد. او در گسترش هنـر در جوانـب مختلـف جامعـه هنـد می‌کوشید، و حدود۲۰٪ تا ۲۵٪[۲] وزن روپیه و مهرها را افزایش داد و آن را بـه نـام‌هـای «نـور جهانی» «جهانگیری» ضرب نمود.[۳]

روی سکه‌های جهانگیر، تصویر وی را در بر داشت و در پشت سکه‌ها، تصاویری از شـیر یا خورشید یا هر دو با هم ضرب می‌شد. در واقع جهانگیر به وجود آورنده سکه‌هـای زیبـا بـا طرح‌های بدیع بود مثلا در سیزدهمین سال سلطنت خود سکه‌هایی با طرح‌های منظومه شمسی و با سمبل‌های مختلف مثل تصویر «قوچ» برای فـروردین مـاه و «گـاو» بـرای اردیبهـشت و... ضرب نمود. ظاهرا برای ضرب سکه‌ها با تصاویر «صور فلکی»، ضـرابخانه‌هـای خاصـی مثـل ضرابخانه‌های «اجمیر» و «کشمیر» وجود داشت که این نوع سکه را ضرب می‌کردند.

از نظر زیبایی، ظرافت و ادبیات، سکه‌های دوره جهانگیر در نوع خود بی نظیر است. زمینه آرابسک و اشعار زیبا از شاخصه‌های سکه‌های جهانگیر اسـت ؛ بـه عـلاوه اینکـه تـاریخ روی سکه‌های جهانگیر سال سلطنت وی را به «هجری» نـشان مـی‌دهـد (سـنه دوازدهـم سـلطنت) سکه‌های جهانگیر به شکل مربع و دایره ضرب می‌شد.

جهانگیر سکه‌ای دارد که بر روی آن تصویر وی را در حالیکه جامی در دسـت دارد، نـشان می‌دهد و ظاهرا این سکه برای هدیه دادن ضرب می‌شده اسـت. جهـانگیر بعـدها سـکه‌هـایی ضرب کرد که در کنار شمایل خودش، تصویر ملکه «نور جهان» نیز قرار داشت.

۱- همانجا، ص ۱۰۲.

۲- همانجا.

۳- همانجا.

در زمان جهانگیر سکه‌های نقره‌ای کوچکی به نام «نثار» نیز ضرب می‌شد که در مراسم اعیاد و جشن‌ها در بین مردم توزیع می‌شد.

آصف خان پدر ملکه نور جهان شعر روی مهر جهانگیر[1] را و امیرالامراء «شریف خان» شعر روی مهر نور جهانی را سروده است.

به حکم شاه جهانگیر یافت صد زیور ز نام نور جهان پادشاه بیگم زر[2]



سکه‌های پادشاهان مغول هند

۱- همانجا، ص ۱۰۴.

2- The World Of Islam, P.392.

سجع بعضی دیگر از مهرها و سکه‌های جهانگیر به شرح ذیل است.

۱- مالک الملک سکه زد بر زر
شاه سلطان سلیم شاه اکبر

۲- روی زر ساخت نورانی برنگ مهر و ماه
شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

۳- سکه زد در شهر اگره خسرو گیتی پناه
شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

۴- سکه زد در شهر کابل خسرو گیتی پناه
شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

۵- زد بزر این سکه در اجمیر شاه دین پناه
شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

۶- بشرق و غرب مهر احمد آباد
الهی تا جهان باشد روان باد

۷- از شاه جهانگیر بود دور زمان
در اگره زنام اوست زر نور فشان

تا هست نشان ز پنج نوبت به جهان
این سکه پنج مهر بیش باد روان

۸- همیشه باد ابر روی سکه لاهور
ز نام شاه جهانگیر شاه اکبر نور

۹- برروی سکه زر داد چندین زیب‌وزیور
شبیه شاه نورالدین جهانگیر ابن شاه اکبر

زد بزراین سکه در اجمیر شاه دین پناه
شاه نورالدین جهانگیر ابن اکبر پادشاه

۱۰- یافت در اگره روی زر زیور
از جهانگیر شاه شاه اکبر

۱۱- سکه اگره داد زینت زر
از جهانگیر شاه شاه اکبر

۱۲- سکه زد در احـــــمدآباد جنانات‌الله (عنایات‌اله)

شـــــاه نورالـــدین ابن اکـــبر شـــــاه

۱۳- زر احمـــــد آبـــــاد را داد زیـــــور

جـــــهانگیر شــــــاه شهنشـــــاه اکبـــر

۱۴- بدهـــــد باد روان تا فلـــــک بــــود در دور

بنام شـــــاه جــــهانگیر ســـکه لاهــــور

۱۵- در اسفندار مزاین سکه را در اگره(لاهور) زد بر زر

شهنشاه زمان شاه جــــهانگیر ابن شاه اکـــــبر

۱۶- بـــماه تیر در لاهور زد این ســــکه را بر زر

پناه دیــــن ملک شاه جــــــهانگیر ابن شاه اکبر

۱۷- مــــاه اردیبهشــــت این ســــــکه

در لاهــــــــــــــور زد بـــــــــر زر

۱۸- زر لاهور شد در ماه بهمن چون مه انـــــور

بــــدور شاه نورالدین جهانگیر ابن شاه اکـــــبر

۱۹- جــــهان فیروز در اجمیر گشت ســـکه زر

زنور نام جهانگیر شــــــاه شــــاه اکــــــبر

۲۰- ســـــکه قــــندهــــار شد دلخــــواه

از جـــــهانـگیر شــــاه اکبـــر شــــــاه

۲۱- بــــــفروردین زر اگره فروزان گشت چون اختر

زنور سکه شـــــاه جـــــهانگیر ابن شـــاه اکبر

۲۲- بــــفروردین زر لاهور شد رشـــــک مه انور[۱]

سکه‌های شاه جهان دارای تنوع بوده است و از لقب «صاحب قران ثانی» استفاده مـی‌کـرده است. برای تعیین سال ضرب، واژه‌های «تاریخ الهی» و «هجری» در آن به کار رفته است.

شاه جهان دارای سکه‌های منظوم نیز بوده است. در این عصر به هنر خطاطی بیشتر اهمیـت داده می‌شد شاید به دلیل تعصب مذهبی شاه جهان بود که از تصاویر کمتری استفاده می‌شد.

۱- اشعار از مجموعه کتیبه‌های سکه‌های موزه آمستردام گرفته شده است.

یکی از مهرهای شاه جهان دارای این سجع بود «شهاب الدین محمد صاحب قران ثانی شاه جهان بادشاه غازی»

سمت راست: صاحب قران ثانی شاه جهان دین پناه

سمت چپ: تا از پرتو خورشید روشن شود روی ماه

پایین: روی زر باد از نقش سکه اش عالم فروز

بالا: سکه بر مهر دو صد مهری زد از لطف اله[۱]

سجع زیر نیز در بعضی از مهرهای شاه جهان دیده شده است.

وسط مربع: لا اله الا الله محمد رسول الله ضرب دارالخلافه شاه جهان آباد ١٠٦٤

اطراف مربع: بالا: از صدق ابی بکر ایمان انور شد

پایین: از شرم و حیای عثمان دین تازه شد

راست: از عدل عمر اسلام قوی دست شد

چپ: و از علم علی ولایت زیور یافت[۲]

در بیشتر سکه‌های شاه جهان این سجع دیده می‌شود:

سکه شاه جهان آباد رائج باد در جهان

جاودان بادا بنام ثانی صاحب قران

ضرابخانه‌های مهم زمان شاه جهان، آگرا، اجمیر،برهانپور و کشمیر بوده است.[۳]

سکه‌های اورنگ زیب نیز به طلا و نقره ضرب می‌شد و سجع «سنه...»«جلوس میمنت مانوس» بر روی آن همراه با نام «ضرابخانه» و «سال سلطنت» ضرب می‌شد.

در این دوره سکه نقره‌ای ضرب می‌شد به نام «درهم شرعی» که ۲/۸۸ گرم وزن داشت البته سکه «نثار» تا بعد از او در دوره «فرخ سیار» همچنان رایج بود. شاعر سکه‌های منظوم «اورنگ زیب» فردی به نام «عبدالباقی» معروف به «صهبای» بود.[٤]

---

1 –A Treasury of Indian Coins, P.93

۲- همانجا.

۳- همانجا، ص ۱۰۲.

۴- همانجا، ص ۱۰۴.

یکی از سجع‌های سکه اورنگ زیب شعر زیر بود.

سکه زد در جهان چو مهر منیر   شـــــاه اورنگ زیب عالم گیر

این سجع نیز بر روی سکه‌های «فرخ سیار» دیده شده است.

سکه زد از فضل حق بر سیم و زر   پـــــادشاه بحر و بر فـــــرخ سیر

آخرین پادشاه مغول «بهادر شاه ظفر» دارای سکه‌ای با این سجع منظوم بود.

به زر زد ســکه نصرت ترازی   سراج الدین بهادر شاه غازی[۱]

در میان سکه‌های مغول «نذرانه» و «نثار» برای اهداف خاصی ضرب مـی‌شـد «نثـار» بـرای اعیاد و جشن‌های خاص در بین مردم توزیع می‌گشت و «نذرانه» سکه‌های یادبودی بود که بـا خطاطی خاصی ضرب می‌شد.[۲]

سکه‌های مغولی یک اثر هنری محسوب می‌شود چرا که افراد بسیار ماهری در بوجودآمـدن آن دخیل بودند غیر از ضرابان سکه، شاعران، شـعر روی سـکه‌هـای منظـوم را مـی‌سـرودند و حکاکان و خطاطان با مهارت و دقت متون را روی سکه حک می‌کردند و فلز کـاران نیـز هنـر خود را در تغییر فلزات مختلف به سکه را به کار می‌گرفتند.

ضرابخانه‌های هندوستان

تقریبا بیشتر شهرهای هندوسـتان در دوره مغـولان دارای ضـرابخانه بودنـد نمونـه‌هـایی از سکه‌های ضرب این شهرها در موزه‌های لندن، برلین، دهلی، حیدرآباد، بمبئـی و غیـره موجـود می‌باشد. ضرابخانه‌های آنها نیز دارای شهرتی ویژه بوده‌اند و گـاهی یـک شـهر دارای چنـدین شهرت بوده است، به طور مثال شهر اگره (اگرا) به دارالخلافه، دارالامان، دارالعدل، بلده، شـهر خسرو پناه معروف بوده است و شهر اجمیر بـه دارالخیـر، سـلمکده، مـستقر الخلافـه و شـهر احمدآباد به شهر معظم، دارالسلطنه، دارالخلافه، زینت البلاد معروف بوده است. شهرت بعـضی از شهرها در زیر آمده است.

۱- همانجا.

۲- همانجا، ص ۱۰۲

دارالبرکات: ناگپور
دارالجهاد: حیدرآباد
فرخنده بنیاد: حیدرآباد
بلده فاخره: برهانپور
دارالعدل: اگره
دارالخیر و سلمکده: اجمیر
شهر معظم: احمدآباد
دارالظفر: بیجاپور
دارالمصور: جونپور
دارالمنصور: جودهپور
دارالملک: دهلی
دارالنصر: فتح آباد
زینت البلاد: احمد آباد

بعضی از القاب برای چندین شهر در دوره‌های مختلف استفاده می‌شده است. مانند:

دارالامان: اگرا، جمون
دارالاسلام: دهلی، بهاولپور
خطه متبرک: جیپور و جونپور
دارالسرور: برهانپور، سهارنپور
دارالسلطنه: احمد آباد، فتح پور، لاهور
دارالمجید: جیپور، جودهپور

منابع:

۱- سکه‌های مغولی موجود در گنجینه فلک الافلاک، سازمان میراث فرهنگی لرستان.

2- ***A Treasury of Indian Coins***, ed. Carter. Marg publications, Bombay, 1994.

3- ***Michael Mitchiner, Oriental Coins and Their Values the World of Islam,*** Hawkins publication, London, 1977.

4- ***The Encyclopaedia of Islam***, ed. C.E. Bosworth, vol. VII, Leiden Brill, 1993.

5- ***A Manual of Musalman Numismatics***, O.Cordington, M. D. D. S. A. Amsterdam, verlag B. R. Grüner, 1970.

کتیبه‌ها، عنصری کلیدی در توسعه پایدار آب انبارها: مطالعه موردی آب انبارهای شاخص میبد

محمد اسماعیل اسماعیلی جلودار*

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد سوادکوه.

چکیده

مقاله حاضر که با عنوان «کتیبه‌ها، عنصری کلیـدی در توسـعه پایـدار آب انبارهـا، مطالعـه موردی آب انبارهای شاخص میبد» تهیه و تنظیم شده است، در واقـع بخـشی از نتـایج پـروژه تحقیقاتی می‌باشد که با حمایت و پشتیبانی‌های مادی و معنوی موسسه گنجینه ملـی آب ایـران تهیه شده است. در این مقاله سعی شده تا به کتیبه‌ها همچون عناصری کلیدی در توسعه پایدار آب انبارها از زمان احداث تا به امروز پرداخته شود. بنابراین برخی از آب انبارهـا ی شـاخص میبد مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدولی نیز از وضعیت آب انبارهای استان یزد با توجه به کتیبه‌های موجود در آنهـا تهیـه و در انتهای متن آورده شده است.

میبد

بلوک میبد از ۱۷ روستای به هم پیوسته که فاصله روستاها را اغلب باغات انار پر مـی‌کنـد تشکیل شده است.این شهر در ۵۰ کیلومتری شمال غربـی یـزد و ۸ کیلـومتری جنـوب شـرقی اردکان بر سر راه یزد به اصفهان قرار دارد. میبد عـلاوه بـر اینکـه نـام مرکـز دهـات اطـرافش می‌باشد به ۱۷ روستای اطراف آن هم اطلاق می‌شـود کـه از لحـاظ آمـاری شـهر بـه حـساب می‌آیند.[۱] در روایت تاریخی که بیشتر مربوط به متون قرن۹ هجری به بعـد مـی‌باشـد، سـاخت میبد به دو پادشاه منـسوب اسـت. اول میبـدار، سـرهنگ یزدگـرد پـسر بهـرام گـور ساسـانی. می‌نویسند که چون یزدگرد فرزند بهرام به دستور پدر از مداین به فارس و سپس به یزد آمد به ترتیب بیده، عقدا و میبد را بنا نهادند.[۲]

دوم زمان شاه قباد و درباره ی آن می‌نویسد:«چون شاه موید فرزند قبـاد بیمـار بـود حکمـا هوای میبد را سازگار با حال او دیدند پس شاه دستور داد که در آن مکان خانـه‌هـا و بـاغ‌هـا و قلعه‌ای بر آنها بسازند»، «و چون شاه موید مدینه میبد را تمام کرد او را موید گرد نام کرد و بـه

۱- حیدر زاده، بلوک میبد، ۹-۷

۲- کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد،ص ۳۲ ؛مستوفی، جامع مفیدی،ص ۱۶-۱۵ ؛مشکور، محمد جواد – جغرافیـای تـاریخی ایران باستان، ص ۵۰۴-۵۰۳و ۴۹۹

مرور ایام گرد را محذوف کردند و موبد را میبد گفتند»[۱]

هم کاتب و هم مستوفی، بنای میبد را با احتمال قوی به زمان قباد نسبت می‌دهند.[۲]

به احتمال قوی این شهر در دوره ساسانی از جمله شهرهای مهم منطقه بوده است. در بررسی‌های تاریخی ؛سکه‌هایی معرفی شده که در دوره پوراندخت ساسانی (دختر انوشیروان) در شهر میبد ضرب می‌شده است.[۳]

از میبد در متون مورخین قرون اولیه هجری، به عنوان یکی از شهرهای کوره اصطخر یاد شده است که اغلب نام آن پس از یزد یا کثه آمده است.[٤] این نام گاها به صورت میبد نیز آمده است. اشاره اصطخری مبنی بر وجود مسجد جامع در این شهر نشان از اعتبار این شهر کهن است. از محصولات مهم این شهر که شهرت فراوان داشته و دارد انار میبد است که ابن بلخی بدان اشاره می‌کند.[٥]

از جمله آثار قدیمی این شهر نارین قلعه است که طبق روایت تاریخ جدید یزد به سلیمان نبی منسوب است. اهمیت این قلعه مربوط به سلاطین آل مظفر است که خود از این شهر برخاستند و یزد و فارس و کرمان را متصرف شدند که شهرتش در کتب تاریخ آمده است. با انقراض این سلسله و تخریب آن به دست تیمور، صدمات فراوانی به میبد وارد آمد. وجود کاروانسرا یا رباط و چاپارخانه ی شاه عباسی که هنوز سالم باقی مانده‌اند، بیانگر اهمیت شهر میبد در دوره صفوی است.

مهمترین منبع تامین آب در میبد، قنات می‌باشد. نبود رودخانه و چشمه در این منطقه باعث توجه مردم این سرزمین به قنات و ارزش تاریخی آن شده است.

از جمله سازه‌های آبی دیگری که در منطقه استان یزد و میبد جهت حفظ و مصرف بهینه‌ی

۱- کاتب یزدی، پیشین، ص ٤٠

۲- کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد،ص ٤٠ ؛مستوفی، جامع مفیدی،ص ١٧ ؛مشکور، محمد جواد – جغرافیای تاریخی ایران باستان، ص ٥٠٤-٥٠٣و ٤٩٩

۳- مستوفی الممالکی، یزد نگین کویر، ص ٥٧

۴- جیهانی، اشکال العالم، ص ١٥٧، ١١٩، ١١٠; اصطخری، مسالک الممالک،ص ٩٧ ؛ابن حوقل، صوره الارض

۵- ابن بلخی، فارسنامه، ص ١٢٢

آب ساخته شده‌اند، ساختمان آب انبارها می‌باشد. اشاره مورخین قرون اولیه به این سازه‌ها در یزد، ابرقو و نواحی اطراف آن تحت عنوان حوض و استخر، و آباد بودن این شهرها حداقل در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی همگی، بیانگر این مطلب می‌باشد که این نوع ساختمان‌ها دارای پیشینه تاریخی درخشانی در استان یزد بوده است به طوری که حتی امروزه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

با توجه به کتیبه‌های بر جای مانده، قدیمی‌ترین آب انبار ساخته شده در یزد، آب انبار جنک در پشت مسجد جامع یزد با تاریخ ۸۷۸ هـ ق می‌باشد. مهم‌ترین انگیزه در ساخت این بناها کمبود آب و نیاز ساکنین به ذخیره و نگهداری از آب بوده است. پس از دسترسی به آب مساله‌ی اساسی حفظ و نگهداری آن می‌باشد. با توجه به هوا بین بودن قنات و کمبود آب آنها، به خصوص در فصل تابستان، ساکنان این منطقه اقدام به احداث آب انبارها جهت ذخیره‌سازی آب کرده.نوع آب انبارها با توجه به موقعیت جغرافیایی که بنا می‌بایست در آن احداث شود متفاوت می‌باشد. از این دیدگاه آب انبارها را می‌توان به صورت ذیل دسته بندی کرد:

- آب انبارهای شهری مثل آب انبار باغ گندم یزد(۹۷۱هـ ق)
- آب انبار قلعه‌ای مثل آب انبار قلعه خورمیز در مهریز (منسوب به دوره ساسانی)
- آب انبار میان راهی مثل آب انبار برسیویه تفت(۹۸۹ هـ ق)
- آب انبار روستایی مثل آب انبار توده رکن آباد (۱۰۳۹هـ ق)
- آب انبار بیابانی مثل آب انبار فرسخی مهریز
- آب انبار کوهستانی مثل آب انبار قلعه دون گائون مهریز

انتخاب محل ساخت آب انبارها در استان یزد بسیار دقیق صورت گرفته به طوری ساخت آنها بدون در نظر گرفتن منابع آبی، کاری عبث و بیهوده می‌باشد. از این منظر آب انبارهای یزد عمدتا در کنار مظهرهای قنات، در مسیر مسیل‌ها با انحراف آب از آنها به وسیله کانال‌هایی و یا در کنار کوره قنات، با انحراف شاخه‌ای از قنات اصلی صورت گرفته است. مسیر آب هم معمولا کانالی است که در انتها به وسیله تنبوشه‌ای سفالی به مخزن متصل می‌شود. این منفذ معمولا مدور می‌باشد. آب انبارها از نظر شیوه برداشت آب به دو دسته آب انبارهای پاشیر دار

و دستی تقسیم می‌شوند.

مهمترین قسمت‌های آب انبارهای پاشیردار در یزد عبارتند از سردر، راهروی دسترسی به مخزن، اطاق پاشیر، مخزن با پوشش گنبدی یا مسطح، بادگیر و فضاهای وابسته یا مشترک با آب انبار.

قسمت اصلی در این نوع آب انبارها، سر در ورودی آن است که معمولا تزییناتی در این قسمت صورت گرفته است. تزیینات، شامل تزیینات آجری، گچی، کاشی کاری با نقوش هندسی، گیاهی و کتیبه است. بدون شک اغلب آب انبارهای این منطقه دارای نغولی قابی شکل جهت نصب کتیبه بوده‌اند که امروزه بیشتر آنها به دلایل متعدد در جای خود نصب نمی‌باشند و بیم آن میرود مابقی آنها هم از گزند آسیب‌های طبیعی و انسانی سالم باقی نمانند.

ورودی آب انبارها معمولا دارای سکوهایی در دو طرف جهت استراحت مردم بوده. قسمت فوقانی ورودی طاقدار آب انبارهای استان یزد اغلب دارای کتیبه بوده و جنس آنها بیشتر از سنگ، کاشی، گچ و در یک نمونه منحصر به فرد در میبد از چوب می‌باشد. متاسفانه امروزه اکثر کتیبه‌ها در محل خود قرار ندارند و تنها جای آنها باقی مانده است.

پس از ایوان ورودی، پلکان طاقدار یا راهروی طاقدار متصل به اطاق پاشیر قرار دارد. شیوه حفر این پلکان‌ها، دقیقا شبیه سیستم حفر قنات است با این تفاوت که کوره و میله قنات‌ها عمودی و افقی می‌باشد، اما در آب انبارها به شکل مورب است. جهت تامین نور داخل پلکان، در صورت کوتاه بودن طول ورودی، از پیه سوز و در صورت طولانی بودن، با حفر چاهی با مقطع مربع به صورت عمودی که همان نورگیر و هوا کش باشد، نور و هوای کافی را به راهرو هدایت می‌کرده‌اند، از جمله آب انبار باغ دولت آباد. تعداد نورگیرها نیز با توجه به عمق و طول پلکان ورودی احداث می‌شده است. پس از راهروی ورودی اتاق پاشیر قرار می‌گرفته است. اطاق پاشیر دارای شیری بوده که آب را ار آن طریق، با ظروف سفالی برمی داشتند. تعداد شیرها بیشتراز یک عدد بوده است. در آب انبار الله آباد رستاق مربوط به قرن چهاردهم هجری و به وسیله دیواری یک و نیم متری، دو شیر در دیواره آب انبار نصب شده که یکی جهت مصرف مسلمانان و دیگری برای زرتشتی‌ها بوده است. در قسمت کف پاشیر هم، چاه

کوچکی جهت خروج هرز آب احداث می‌شد. بیشتر آب انبارها تـا قبـل از دوره قاجـار دارای یک ورودی بودند. از این دوره به بعد آب انبارها با دو ورودی نیز ایجاد شده اسـت، مثـل آب انبار حسینیه کوچک بیوک و گلشن در یزد. با این تکنیک،شیوه ی دستیابی به آب از دو محلـه به آسانی صورت می‌گرفته است.

مخـزن آب انبارهـای شـهری اکثـرا مـدور و دارای گنبـدی مـی‌باشـد کـه دور تـا دور آن بادگیرهایی احداث می‌شده است. گنبدها بیشتر خاگینه و از خشت و آجـر مـی‌باشـند. جهـت احداث مخازن عموما در یزد از روش گودبرداری کامل استفاده شده است. ایجـاد دیـواری بـه شکل ساقه گنبد دور تا دور مخزن و اسـتفاده از خـشت و آجـر در دو یـا چنـد ردیـف بـرای احداث گنبد، همگی به جهت داشتن آب و جلوگیری از رشد میکروارگانیزم‌ها احداث شده‌اند. این بادگیرها بیشتر در جهت بادهای منطقه ساخته شده و دارای تزیینات آجرکاری بـا پوشـش گچ می‌باشند. مقطع بادگیرها دارای ورودی است که از آن برای کنتـرل آب و ریختـن نمـک و آهک جهت تمیز شدن آب استفاده می‌کرده‌اند. در کنار این نوع آب انبارهـا معمـولا فـضاهایی قرارمی گرفته که به نوعی در ارتباط با آب انبار بوده است. احداث مـسجد متـصل بـه قـسمت سقف و روی آب انبار و یا در کنار آن و نیز اتاق‌هایی به صورت حجره در کنار آب انبارهـای داخل بازارها همگی بیانگر استفاده مطلوب از فضاهای موجود است. بیشتر آب انبارهای میـان راهی یزد در کنار کاروانسراها ویا درست روبه روی آنها احداث شده‌اند کـه بـه عنـوان نمونـه می‌توان به آب انبار حجت آباد وزیر، گرد فرامرز و آب انبار کلار میبد اشاره کرد. فاصـله ایـن آب انبارها با کاروانسرا در گذرگاه عبور کاروانیان قرار داشته و به صورت بازاری کوچک بوده است.

اما آب انبارهای دستی بیشتر در مناطق روستایی و در کنار زمین‌های زراعی و یـا در مـسیر گله‌های حیوانات اهلی و کاروان‌های صحرایی ایجاد می‌شده است. این نوع آب انبار عمومـا از مسیل‌ها و آب‌های نزولات فصلی پر می‌شده‌اند و شیوه برداشت آب هم از طریق پلکانی بـوده که به طور مستقیم وارد مخزن می‌شده است. مقطع مخزن آب انبارها هم عمدتا چهار ضلعی و در بعضی مواقع مدور بوده است. پوشش سقف این آب انبارها اطاقی چلیپایی شـکل کـه گـاه یک بادگیر نیز به آن متصل می‌شده است. علاوه بر استفاده از این ساختمان‌هـا جهـت مـصرف

آب، در کنار مخزن هم اطاقی تعبیه می‌شده که زارعین و یا مسافرین در آن استراحت و یا عبادت می‌کرده‌اند. شیوه حفر مخزن و پوشش ساروجی داخل آن هم همان روش گودبرداری کامل می‌باشد. از جمله نمونه‌های این نوع آب انبارها می‌توان از انبارهای دوکوار نصرت آباد، آب انبار صحرایی مسیر راه چک چک، خرانق و آب انبار فرسخی مهریز نام برد.

بیشتر آب انبارهای موجود در یزد دارای مخازنی گنبد دار هستند. آب انبار صفه باغاده در عقدا (مربوط به قرن ۱۳ هجری) از جمله آب انبارهایی است که دارای سقف مسطح و مخزن ستون دار می‌باشد.

از لحاظ مالکیت، آب انبارها عموما یا خصوصی یا دولتی و یا وقفی می‌باشند که نوع اخیر در استان یزد بسیار بیشتر از نمونه‌های دیگر آن می‌باشد. با توجه به وقفی بودن بنا این مساله از لحاظ حقوقی باعث حفظ و عدم تملک دیگران در این آب انبارها شده است و حتی حکام محلی و کشوری نیز در طول تاریخ نمی‌توانسته‌اند آنها را به تملک خود در آورند و حتی باعث حفاظت آنها در طول تاریخ می‌شده‌اند. از طرفی اهمیت آب در این منطقه بسیار حیاتی است و بیشتر مردم به ساخت آب انبارهای وقفی مبادرت ورزیده‌اند تا هم عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند و هم ذخیره‌ای برای آخرت بانیان باشد. عموم آب انبارهای یزد به طور کامل و یا قسمتی از سهامشان وقفی است و این مساله علاوه بر مکتوب بودن در اسناد وقفی چون جامع الخیرات و ربع رشیدی بر روی کتیبه‌های آن نیز آمده است.

طی بررسی‌ها در سال ۱۳۷۸ که با همت موسسه گنجینه ملی آب ایران به عمل آمد آب انبارهای این منطقه مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه، به تعدادی از آب انبارهای کتیبه دار بررسی شده ی میبد که به لحاظ نوع کتیبه‌های آنها دارای تنوع می‌باشند اشاره می‌شود و در خاتمه هم جدول آماری برخی از آب انبارهای مهم و تاریخی استان یزد که دارای کتیبه می‌باشد ارائه می‌گردد.

آب انبار محله بالا: (فیروز آباد میبد)

تاریخچه: با توجه به کتیبه بنا، این آب انبار در سال ۹۵۱ ه.ق احداث گردیده و موقعیت آن پشت فاطمیه در محله کوچه آسیو (آسیاب) می‌باشد. (تصویر شماره ۱)



۱- سر درب ورودی آب انبار محله بالا میبد



۲- ورودی بنا به همراه نمایی از کتیبه آب انبار محله بالا میبد

تحلیل ساختار بناپپپپ

ایوانِ ورودی دارای طاقی هلالی و با خشت اجرا گردیده و امروزه طاقی دیگر نیز به وسیله آجر، جهت استحکام بنا در زیر آن اجرا شده است. طاق پلکان ارتباطیِ پاشیر، جناغی می‌باشد و لچکی‌های دو طرف آن در قسمت کادر بالایی دارای تزیینات دندان موشی است.(تصویر شماره۱ و۲) در قسمت فوقانی این طاق کتیبه بنا قرار دارد که بر کاشی‌های معرق با زمینه تقریبا مشکی اجرا شده است. رنگ خط و کادرهای آن سفید و مضمون کتیبه به شرح ذیل می‌باشد.(تصویر شماره ۳)

بانی خیرات استاد احمد بن شیخ قطب
آنکه بیش از صد بنای خیر در عالم نهاد

کرد نذر ساقی کوثر امان بر و بحر
این بنای دلگشا کز حوض کوثر کرد یاد

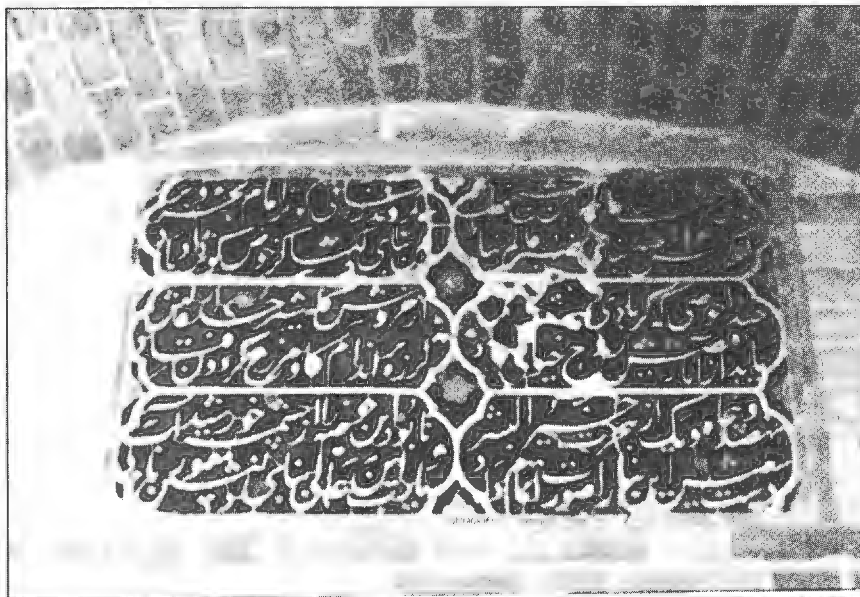
حبذا حوضی که گر بادپی وزد در ساحتش
یابد از آثار فیضش روح حیوانی جماد

از خروش کله شیر خدا داد ز در عالیش
لرزه بر اندام گاو مزرع گردون افتاد

نهصد و پنجاه و یک از هجرت خیر البشر
دست سعیش این بنا را صورت اتمام داد

تا بود این حوضه را از چشمه خورشید آب
یا رب این عالی بنای دلنشین معمور باد[1]

۱- افشار، یادگارهای یزد، ج ۱، ص ٧٤



۳- کتیبه آب انبار محله بالا میبد از جنس کاشی با تزیینات گل و بوته اسلیمی

کتیبه هشت مصرع می‌باشد که داخل شش کادر ترنجی شکل اجرا شده و بین این کادرها گل‌های پنج پر طلایی رنگ قرار دارد. منبع تغذیه آب مخزن قنات قد آباد (قدرت آباد) بوده که امروزه متصل به آب شهری و دارای کنتور است. قسمت پاشیر دارای چاهی است که در محل به آن چاه هرزاو (harz′o) می‌گویند که همان چاه فاضلاب می‌باشد. مخزن بنا مدور و دارای ۳ بادگیر است که ورودی بادگیرها تنها از یک جهت باز و به شکل دو منفذ با طاق هلالی است. مقطع گنبد از بالا به شکل مثلثی و قسمت فوقانی آن کلمه‌ای شبیه به الله است.

آب انبار ملا حسن: (کوچه آقایی میبد)

تاریخچه: از جمله آب انبارهای قدیمی محل می‌باشد که کتیبه‌ای با تاریخ ۹٤۰ هـق بر سر در ورودی آن نصب می‌باشد.(تصویر شماره ٤)



۴- آب انبار ملا حسن فیروز آباد میبد

تحلیل ساختار بنا:

ورودی بنا به شکل ایوانی است که در مرکز آن راهرو مسقف پله دار قرار گرفته است. طاق ورودی، جناقی است. در دو قسمت ایوان ورودی ۲ سکوی خشتی تعبیه شده است. در قسمت فوقانی پلکان ورودی و بر دیوارهای سه گانه آن کتیبه‌ای چوبی قرار دارد که به وسیله گل میخ‌های ستاره‌ای شکل به دیوار محکم شده‌اند. متن کتیبه بر چوب دیگری است که در زیر آن نصب شده است. خط کتیبه نسخ و متن آن به شرح زیر می‌باشد: (تصویر شماره ۵)

قال الله تبارک و تعالی و تقدس: وسقاهم شراباً طهوراً.

یا امام هشتم از تو امداد تو این مصنعه

چاکری از چاکران تو عمارت چون نمود

یافت مزد خود جواهر، بست زین خدمت کمر

صد در اقبال و دولت بر وی گشود

این عمارت چون ز خیر و جود تو اتمام یافت

تـاریخ سالـــــش صحــــب خیری وجود

۹٤۰ کتبه اقل العباد یوسف بن حسین.[۱]

پلکان ورودی موازی با مخزن می‌باشد که ابتـدا تعـداد آن ۱۵ پلـه بـوده اسـت. سـپس در دوره‌ای آنرا تا ۲۷ پله گسترش داده است. مخزن بنا دارای گنبدی با پوشش گچی و بـه شـکل رک می‌باشد و دارای ۳ بادگیر می‌باشد.

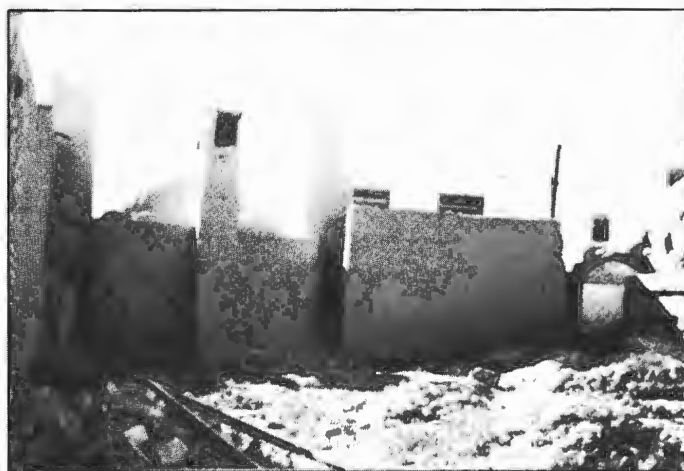


۵- نمایی از کتیبه چوبی آب انبار ملاحسن میبد که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد.

آب انبار خانقاه در محله سر بالا: (تصویر شماره۶)

ورودی بنا داخل کوچه‌ای است که در سمت چپ آن حمام مخروبه قدیمی فیروز آباد قرار دارد. قسمت ورودی بنا به وسیله آجر و سیمان مرمت شده است.

۱- حیدریه زاده، **بلوک میبد**، ص ۱۵-۱٦؛ افشار، **یادگارهای یزد**، ج ۱،ص ۱۷



۶-آب انبار خانقاه فیروز آباد میبد

قسمت فوقانی پلکان ورودی کتیبه‌ای سنگی به خط نستعلیق دیده می‌شود که دور تا دور آن صلوات بر حضرت محمد و آل او و آیاتی از قرآن نقر شده و قسمت مرکزی آن ۵ بیت شعر داخل کادرهای جداگانه نوشته شده است. مضمون کتیبه درآغاز عبارت است از: (تصویر شماره ۷)



۷- کتیبه آب انبار خانقاه فیروز آباد میبد

در زمـــان پادشـــــــاه عادل مســـــــــکین
شـاه عباس حسینی پیر مســـــــکین یـــــــزد
بانـــــی این برکه کوثر نشان خواجه نـــــــشان
....
....
....
خـــــــواستم تاریخ اتمامش وزیر عقل گفـــــت
کن ز دل یاد حسین آن دم بنوش این آب سرد
که تاریخ ۱۰۱٤ هـ ق می‌باشد.

پلکان ورودی بنا دارای شیب زیـاد و بـسیار باریـک مـی‌باشـد. گنبـد مخـزن، شـبیه گنبـد مخزن آب انبار محله بالا می‌باشد با این تفاوت که قسمت پایین آن دارای تزیینات هشتی شکل است. دور تا دور گنبد مخزن تا ۲ متر به وسیله دیـواری بـه ضـخامت حـدود ٤۰ سـانتی متـر پوشیده شـده و ٤ بـادگیر مربـع شـکل آن را احاطـه کـرده اسـت. بادگیرهـا تنهـا دارای یـک ورودی می‌باشند. منبع آب این بنا، قنات محمودی است که حدود ۱۰سال است خـشک شـده است.

آب انبار حاجی کریم:

تاریخچه: این آب انبار در جوار مسجد محله بالا و جنب نانوایی قرار دارد و بر سـر درب آن کتیبه‌ای سنگی دیده می‌شود که قسمت فوقانی آن دارای تزیینات بته جقه اسلیمی و خطایی است و تاریخ آن ۱۱۸٤ ه. ق می‌باشد.

تحلیل ساختار بنا:

ورودی این بنا دارای طاقی است که حداقل دو دوره مرمت را بر خود نشان می‌دهد. پلکان ارتباطی بنا دارای دو پاگرد و مستقیم به مخزن متصل است. مخزن بنا مدور می‌باشـد و متـصل به آن، منازل مسکونی ساخته شده‌اند. پوشش گنبـد از خـشت بـود و بادگیرهـای آن تخریـب شده‌اند. متن کتیبه این آب انبار به شرح زیر است:

حـــاجی والا گهر حاجی کریـــم	آنکه بندد گوهرش زیور بـه یـــزد
یزد بودی جسم بی‌جان در جـــهان	آن جهان جان نبودی گـــر بـه یــزد
غرق بحر جود و احــسان وی است	هر که هست که کهتر و مهتـر بـه یـزد
یزد ار شـــد طالع اختــر بلـــند	از طلوع آن بلنـــد اخـــتر بـه یـزد
ساخت در یـــزد آب انبـاری کـز آن	تشنه کامـــان را شود لب تـر بـه یـزد
زنده و جـــاوید گردد همچـو خـضر	گـر خورد زین آب اسـکندر بـه یـزد
چـشمه حیوان که از مـردم نـــهان	بود در ظلمات بر زد ســـر بـه یـزد
الغرض چـون یافـت اتـــمام از آن	گشت پیدا کـوثر دیگـر بـه یـــزد
خواست تاریخش نقـی از پیـر عقـل	عقـل گفتا شد عـین کـوثر بـــه یـزد[۱]

آب انبار کلار میبد: (تصویر شماره ۸)

در خیابان امروزی قاضی میر حسین، مجموعه بناهـایی شـامل کاروانـسرا، چاپارخانـه، آب انبار و یخچال قرار دارد که از جمله آثار قدیمی این شهر می‌باشد. آب انبار کـلار رو بـه روی ورودی کاروانسرای شاه عباسی قرار گرفته که به وسیله معبری مسقف از هم جدا می‌شوند. بـه نظر می‌رسد قرار گرفتن این بنا در خارج از کاروانسرا و مشابهت آن با سایر آب انبارهایی کـه در کنار رباط‌ها ساخته شده‌اند امری متداول منطقه بوده است. اینکـه آب انبـار مجـددا توسـط دیوار دیگری احاطه شده یا خیر مشخص نمی‌باشد. نکته قابـل توجـه در ایـن آب انبـار قـرار داشتن آن بر بلندی است، به این ترتیب که سطح کوچه ورودی آب انبار نسبت بـه مخـزن آب انبار پایین‌تر می‌باشد. به نظر می‌رسد مخزن آب انبار را داخل تپه‌ای شنی حفر کـرده و بـا ایـن کار حجم مخزن را افزایش داده‌اند. مخزن دارای گنبد سروی شکل بـا ۳ بـادگیر مـی‌باشـد کـه امروزه مرمت شده‌اند. بادگیرها تنها دارای یک منفذ می‌باشند. منبع تامین آب نیز قنـات شـمس آباد می‌باشد که امروزه از چاهی که در این محل زده‌اند استفاده می‌کنند.

۱- افشار، **یادگارهای یزد**، ج ۱، ص ۱۰۰



۸- آب انبار کلار در شهر میبد

همچنین آب قنات کثنویه نیز به صورت جویی از داخل کاروانسرا عبور می‌کند. کتیبه آب انبار به خط نسخ می‌باشد و مربوط به سال ۱۰۷۰هـ ق است.[۱] (تصویر شماره۹)

این آب انبارخارج از حصار میبد ساخته شده و با توجه به این که میبد همواره در طول تاریخ بر سر راه تجاری اصفهان- کرمان قرار داشته به نظر می‌رسد این آب انبار جهت استفاده در هنگام بیتوته مسافران ایجاد گردیده است. متن کتیبه به شرح ذیل می‌باشد:

« معما ر همت رفیع بهمت خلف دودمان نجابت و شرافت صاحب خلق وسیع میرزا محمد وسیع «حشمت» المغفور بغفران و به الکرمه حکیم کریما... بن میرزا محمد ابراهیم بنای این برکه عالیه به مقتضای – من الماء کل شئی حی- حیو بخش مترددین گردد فی سنه سبعین بعد الالف. به سر کاری خواجه محمد تقی فیروز آبادی اتمام یافت.

کتبه العبد محمد (...) الیزدی غفرالله له [۲]»

۱- حیدریه زاده، بلوک میبد،ص۱۱

۲- افشار، **یادگارهای یزد**، ج۱،ص۸۷



۹- کتیبه سنگی آب انبار کلار میبد

نوع سنگ کتیبه مرمر؛ و در ٤ خط اجرا شده که ۲ خط بالای آن به وسیله کادری از ۲خط پایین جدا شده است. (تصویر شماره ۹)

آب انبار حاجی عبدالوهاب (میبد)

موقعیت: خیابان شهید آیت الله سعیدی، خیابان شهید سید حسن میر علایی و رو به روی تعاونی مصرف فرهنگیان قرار گرفته است.

این آب انبار از نوع پاشیردار و دارای مخزنی مدور با پوشش گنبدی می‌باشد. ورودی آب انبار دارای طاقی هلالی است.(تصویر شماره ۱۰)



۱۰ - سردرب ورودی آب انبار عبدالوهاب

بنا دارای کتیبه‌ای به شرح زیر است:

بسم الله الرحم الـرحیم – بتوفیـق ایـزد منـان و بـه سـعی خیرانـدیش آقـای حـاجی عبدالوهاب– صادقی فرزند مرحمتشان حاجی میرزا صادق فیروز آبادی اتمام یافت.

ساخت بانو صادقی این آستان از عشق شاه

آن شهی کـــز تشنگی تفتیده بودش تیرآه

شد تمام اندر هـزار و سیصد و هفتاد و نه

این بناء باشـــکوه از همت آن خیرخواه

واقف بانو حاجیه بی بی صادقی صبیه مرحوم حاجی محمد اسماعیل. فرزند – مرحـوم حاجی غلامرضا فیروزآبادی بتاریخ اول جمادی الاول سنه ۱۳۸۱ اتمام یافـت. یـزد بـازار زرگرها صحافی وزیری

قسمت فوقانی پلکان ورودی آب انبار، مسجدی قرار گرفته که دارای ۲ هـشتی گنبـد دار و مخزن آب انبار نیز دارای ۳ بادگیر می‌باشد.



۱۱- کتیبه آب انبار عبدالوهاب میبد

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بالاکتیبه‌ها عناصری پایدار در آب انبارها محسوب می‌شدند که در واقع ضمن مشخص کردن تاریخ دقیق احداث این بناها، سیر تطورات مختلف مرمتی بنا را نیز تا حدودی مشخص می‌کرده‌اند. عمده دلایل توجه به کتیبه‌ها و نقش آنها در توسعه پایدار آب انبارها به شرح ذیل می‌باشد:

- کتیبه‌ها می‌توانند مشخص کننده تاریخ دقیق احداث بنا به همراه اطلاعاتی از سازنده بنا باشند.
- کتیبه‌ها می‌توانند مشخص کننده اهداف ساخت بنا باشند.
- کتیبه‌ها می‌توانند مشخص کننده نوع مالکیت بنا باشند.

- کتیبه‌ها می‌توانند مشخص کننده سیر تطور مرمت‌های انجام گرفته بر روی بنا باشند.
- کتیبه‌ها در بهره برداری طولانی مدت از آب انبار عناصری کلیدی هستند.
- کتیبه‌ها با توجه به مضامین قرآنی و معنوی خود در ایجاد انگیزه در میان مردم جهت حفاظت و بهره برداری پایدار از آب انبارها نقشی اساسی دارند.

با توجه به مطالب بالا مردم هر محله با توجه به متن موجود در کتیبه‌ها در حفاظت دائمی از آب انبارها کوشش بایسته را مبذول و در توسعه پایدار آنها اقدامات ضروری را به عمل می‌آورند و همان گونه که امروزه هم مشاهده می‌گردد بسیاری از این آب انبارها همچنان در حال بهره برداری می‌باشند.

منابع

۱. افشار، ایرج یادگارهای یزد (معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی)،۳ ج، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب یزد، چاپ اول ۱۳٤۸ ؛چاپ دوم ۱۳۷٤

۲. اصطخری، ابواسحق. مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳٤۷، چاپ سوم ۱۳٦۸

۳. ابن بلخی، فارسنامه، به سعی و اهتمام گ. لسترنج و رینولد نیکلسون تهران: دنیای کتاب ۱۳٦۳

۴. ابن حوقل، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳٤٥

۵. پویا، سید عبدالعظیم، سیمای باستانی شهر میبد

۶. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد: انتشارات به نشر، ۱۳٦۸

۷. حیدریه زاده، محمد، بلوک میبد، تهران: چاپ کاویان،۲٥۳۷

۸ جانب اللهی، سعید. نظام تقسیم و حسابرسی و خرید و فروش آب در آبیاری سنتی میبد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ٥، سال ۱۳٦۹

۹. حسینی یزدی، سید رکن الدین محمد. کتاب جامع الخیرات در فرهنگ ایران زمین، ج

۹، ۱۳٤۹

۱۰. کاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار

۱۱. مرکز مطالعات امو آب سازمان آب منطقه‌ای یزد، گزارش آماری دشت یـزد اردکـان. یزد: شرکت آب منطقه‌ای یزد،۱۳۷٦

۱۲. مستوفی الممالکی. یزد نگـین کویر،مجموعـه اطلاعـات راهنمـایی و سـیاحتی، یـزد: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان ۱۳۷۵

۱۳. مستوفی بافقی، محمد مفیـد. جـامع مفیـدی، بـه کوشـش ایـرج افـشار،۳ ج، تهـران: انتشارات کتاب فروشی اسدی، ۱۳٤۲ و ۱۳٤۰

۱۴. مشکور، محمد جواد. جغرافیای تاریخی ایران باستان، تهران: دنیای کتاب،۱۳۷۱

معرفی اجمالی کتیبه قاجاری
بر پهنه کوه نقش رستم

زهرا حبیبی*

* کارشناس پژوهشکده زبان وگویش / گروه متون و کتیبه‌های دوران اسلامی

چکیده

این کتیبه وقفنامه ایست متعلق به دوره قاجار و در کوه نقش رستم در سمت راست نقوش برجسته و حجاری مراسم تاجگذاری اردشیر اول ساسانی، در ارتفاع ۲/۵ متری از سطح زمین قرار دارد.

موضوع کتیبه وقف قسمتی از مزرعه حسین آباد در بلوک خفرک و قسمتی از مزرعه نجم آباد و اسیمان در قریه حاجی آباد و چند مزرعه دیگر با تمامی ملحقات برای عزاداران امام حسین علیه السلام می‌باشد که توسط محمد رفیع خان مرودشتی حکمران مرودشت و خفرک به سال ۱۲۳۷ هـ ق وقف شده است.

مقدمه

مرودشت یکی از شهرستان‌های استان فارس است که از شمال به خرم بید و اقلید، از غرب به سپیدان، از جنوب به شیراز و از شرق به ارسنجان و بوانات محدود و دارای سه نقطه شهری به نام مرودشت به عنوان مرکز شهرستان، سعادت شهر و سیدان و پنج بخش مرکزی، سعادت آباد، کام فیروز، سیدان و درودزن است. در مرودشت ۴۰۹ آبادی وجود دارد.[۱]

جلگه مرودشت که ازسی کیلومتری شمال شیراز شروع و تا هفتاد کیلومتری ختم می‌شود و از شرق به غرب نیز در حدود شصت کیلومتر وسعت دارد، یکی از دشت‌های تاریخی است که حافظ آثار مدنیت و هنرمندی شش هزار سال پیش و دارای بزرگترین بنای شرق قدیم و امپراطوری‌های بزرگ ایران و بلکه جهان است. در این دشت آثار زیادی از دوره‌های ما قبل تاریخ و دوره عیلامی و هخامنشی، سلوکی‌ها.. و صفوی و قاجار می‌توان مشاهده کرد.

کوه نقش رستم یا حاجی آباد یکی از جایگاه‌های مقدس و مورد احترام ادوار باستانی بوده که مردم برای دیدن قبور شاهان خود و آتشگاه و نثار نذر و نیاز بدانجا می‌رفته‌اند و در نتیجه از هزاران سال پیش از میلاد این محل آباد و تا اواخر دوره ساسانیان مورد اهمیت و توجه بوده

۱- میراث فرهنگی استان فارس، ص۶۰. در کتاب فرهنگ جنرافیایی آبادی‌های کشور ص ۱۶۸ اشاره می‌کند که مرودشت دارای هفت دهستان به نام‌های مرودشت (حومه)، رامجرد مشهد مرغاب، کام فیروز، ابرج، خفرک علیا و خفرک سفلی می‌باشد.

است. همانگونه که منتهای قدرت و صنعت شهریاران هخامنشی را درتخت جمشید می‌توان دید درنقش رستم نیز فر و شکوه و مهابت شاهنشاهان ساسانی را می‌توان مشاهده کرد.

نقش رستم نیز مانند بسیاری از آثار باستانی ازقبیل مشهدمادرسلیمان، تخت جمشید، قصرابونصر، تخت سلیمان، نقش رجب و غیره درادواراسلامی به نام‌های مستعار ومحلی مشهور گردیده است.علت نامگذاری آن به نقش رستم را می‌توان چنین تصورنمود که چون حجاری‌هایی از پیکار و نبرد شاهان ساسانی با هیاطله در آنجا نقش بسته و حجاری شده است مردم تصورکرده‌اند که قهرمان این نبردها رستم پهلوان داستانی شاهنامه است بنابراین آنجا را به نام رستم نامیده‌اند و حتی برخی سیاحان نیز این مجسمه‌ها را مربوط به رستم پهلوان دانسته‌اند ولی بعدها تاریخ نویسان و خاورشناسان با خواندن خطوط پهلوی و دقت و تتبع در آنها اشتباه مورخین سابق را جبران و حقیقت امر را ظاهر کرده‌اند.

آثار موجود در نقش رستم را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: آثار حجاری قدیمی پیش ازهخامنشی – هخامنشی – ساسانی – اسلامی.[۱] در مورد آثار هخامنشی و ساسانی و نقش رستم در پژوهش‌های باستان شناسی به تفضیل سخن رانده شده و آنچه در پیش روی دارید مربوط به تنها اثر دوران اسلامی نقش رستم یعنی وقف نامه بزرگ و جالب دوره قاجاریه است.

در اینجا شایسته است از جناب آقای محمد علی مخلصی همکار گرامی و ارجمند که عکس این کتیبه را در اختیار اینجانب قرار دارند صمیمانه تشکر نمایم.

۱- آثار باستانی جلگه مرودشت از پیش از تاریخ تا ادوار اسلامی، ص ۱۰ و ۱۱ و ۶۶ و ۶۹.

موقعیت نقش رستم

موضوع کتیبه

موضوع کتیبه وقف چهاردانگ از شش دانگ مزرعه حسین آباد واقع در بلوک خفرک و دو دانگ از مزرعه نجم آباد و دو دانگ از مزرعه اسیمان در قریه حاجی آباد با تمامی ملحقات و شرب و رودخانه و قنات برای تعزیه داران و زائرین حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است. لازم به ذکر است که مزرعه حسین آباد در ناحیه خفرک سفلی یک فرسخی شمال فتح آباد و قریه حاجی آباد در یک فرسخ و نیم مشرق و شمال فتح آباد[1] واقع است.

همچنین وقف مزرعه رفیع آباد و میمون آباد واقع در شمال قلعه حاجی آباد با قنات و رودخانه و غیره می‌باشد. مزرعه رفیع آباد در نیم فرسخی جنوب ارسنجان از بلوک ارسنجان به مسافت کمی در جنوب طارم از بلوک سبعه و میمون آباد سه فرسخ کمتر میانه شمال و مغرب گاوکان یعنی بلوک کربال واقع است.[2]

تاریخ کتیبه صفر سال ۱۲۳۷ هـ ق می‌باشد.

واقف

در متن کتیبه از محمد رفیع خان فرزند محمد ربیع خان مرودشتی به عنوان واقف نام برده شده است. محمد ربیع خان مرودشتی از اوایل دولت قاجار در سال ۱۲۰۶ هـق حکمرانی مرودشت و بلوک خفرک را عهده دار بود و چون نابینا بود حکومت مرودشت و خفرک را به فرزندش محمد رفیع خان مرودشتی که شاعر نیز بود و «طرب» تخلص می‌نمود واگذار کرد. محمد ربیع خان به سال ۱۲۵۰ هـ ق وفات کرد و محمد رفیع خان تا سال وفاتش به حکومت مرودشت برقرار بود. پس از وفاتش پسرش عبدالحسین خان مرودشتی مدتی حکومت مرو دشت را عهده دار بود تا اینکه در سال ۱۲۷۵ هـ ق وفات کرد و پسرش علی محمد خان مرودشتی به مدت کوتاهی حکمران مرودشت بود، در سال ۱۳۰۳ مطابق تخاقوی ئیل به وزارت وظایف و مستمریات فارس منصوب شد و به علت حسن رفتارش، زیردستانش از وی

۱- فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۵۵۵. بنا به گفته فسایی قصبه مرودشت در این زمان قریه «فتح آباد» است.

۲- همان

خشنود بودند. وی در سال ایت ئیل مباشر غله انبار دیوانی فارس شد.[۱]

همانطور که گفته شد محمد رفیع خان شاعر نیز بود ودر اشعارش «طرب» تخلص می‌نمود از نمونه اشعار وی:

ساقی ز راز آگه و محفل تهی ز غیر
در حیرتم که باز مرا این حجاب چیست؟

ای مهتری که مهتر ایام نقل تر
خنگ ترا به توبره به جای کاه

دارای ملک جم که به گاه عطا و جود
سیم و زرت به چشم ندارد بهای کاه

از مرودشت حیف وز خفرک دریغ و درد
از نیستی غلّه و قحط و غلای کاه

که گشته کیمیا و ز حسرت گداختم
در سر مراست چون هوس کیمیای کاه

گاهی به پیش دشمن و گاهی به پیش دوست
رخساره‌ام چو کاه ربا، از برای کاه

خشکیده باد بال و پرش که هیچگاه
در ملک فارس کس نشنیدی گدای کاه

و

دهقان پسرا که قرص مه سینه توست
خورشید ز رشک تو پی کینه توست

گوشی که بریده‌ای به گوشم آمد
این گوش برای عادت دیرینه توست[۲]

موقعیت و متن کتیبه

این کتیبه که در سمت راست نقوش برجسته و حجاری مراسم تاجگذاری اردشیر اول ساسانی قرار دارد، در ارتفاع ۲/۵ متری بر سینه صاف و صیقلی کوه مزبور نقش بسته و شامل ۲۴ سطر به خط نستعلیق برجسته می‌باشد. هر سطر آن داخل یک ترنج حک شده است و قسمت بالای آن تزئین محرابی شکل دارد.

۱- فارسنامه ناصری، ص ۱۵۵۳ و ۱۵۵۵

۲- سیمای شاعران فارس،ج ۱، ص ۳۳۷ و ۳۳۸، نزهت الاخبار، ص ۶۷۷-۶۷۶.

توضیح این نکته ضروری است که از سطر بیستم به بعد، سطوح کتیبه به علت وجود بخش ناصاف صخره به دو قسمت تقسیم شده اما هیچ جا افتادگی در نوشته‌ها وجود ندارد یعنی آغاز نوشته سمت چپ بعد از ناصافی صخره ادامه متن از سمت راست می‌باشد.



وقف نامه نقش رستم

متن کتیبه

هو الله الواقف

سطر اول: **بسم الله و الحمد الله و الصلوة علی رسول الله و الانبیا الله**

سطر دوم: توفیق یزدانی شامل حال مهین نتیجه دودمان مجد و کامرانی محمد رفیع خان ابن الخان المعظم

سطر سوم: محمد ربیعخان مرودشتی زید توفیقهما گردید و ابتغاء لمرضاة الله وقف مؤید شرعی نمود چهار دانگ

سطر چهارم: از شش دانگ مزرعه حسین آباد واقعه در بلوک خفرک و دودانک از مزرعه نجم آباد و دو دانگ از مدرسه اسیمان

سطر پنجم: واقعتین در سمت قبله و جنوب حاجی آباد اربابی مصروفی خود را که هر یک عندالیها مستغنی الحد و الوصف است با جمیع ملحقات و شرب مرتبه بر آنها از رودخانه

سطر ششم: و قنات بر مصارف تعزیه داری و زایرین و مجاورین نور دیده مصطفی و خامس آل عبا مولانا و مولی الکونین ابی عبدالله الحسین علیه صلوات الملک العلی که هر ساله متولی در هر مکان

سطر هفتم: محصول حاصله از مزارعات مذکوره را بعد از افراز مخارج ملکی و مالی و حق التولیه اقلا در ایام عاشورا و عشر آخر صفر المظفر و تاسع عشر شهر الله الاعظم

سطر هشتم: از حسینیه احداثی واقف در قریه حاجی آباد صرف تعزیه داری و روضه خوانی و سفره دادن به طریقی که مصلحت و مقتضی وقت باشد نموده حسینیه مزبوره را نیز حسب الواقع آبادان

سطر نهم: نماید و خادم و روشنایی مستمر بجهت آنجا برقرار دارد و هر قدر از مصارف مذکوره فاضل آید صرف زائرین آنجناب نماید و هر گاه احیانا مانعی از برپا داشتن تعزیه در حسینیه

سطر دهم: مذکوره بهمرسد در ایام مزبوره در جای دیگر که ممکن باشد اسباب تعزیه داری برپا کنند و در هیچ حال تعزیه داری را ترک ننمایند و دو دانگ بقیه مزرعه حسین آباد

سطر یازدهم: و یکدانگ دیگر که از هر یک از نجم آباد و اسیمان ملک تصرف فیه واقف

خیر معاف بود ایضا لوجه الله وقف نمود فی سبیل الله بر کافه علما سادات و فقها و عرفای شیعیان

سطر دوازدهم: که منافع آنها بعد از اخراج مخارج مذکوره باید صرف اصناف مسطوره شود و هر یک از ایشان که در قریه مزبوره باشند باید بر غیر مقدم داشته شوند و بعد ذلک واقف

سطر سیزدهم: معظم الیه وقف ابدی شرعی نموده مزرعتین رفیع آباد و میمون آباد واقعتین در طرف شمالی قلعه حاجی آباد که بعلت الشهره از تحدید و توصیف مستغنی است با کافه ملحقات

سطر چهاردهم: و منضمات و شرب مرتبه بر آنها از رودخانه و سه رشته قنات بر مطلق اولاد ذکورا واناثا موجوداند چو جده بعدد اولاد اولاد و کذا ما تعاقبوا و تناسلوا بطریق ارث

سطر پانزدهم: فی کل... و بر فرض انقراض اولاد و احفاد العیاذ بالله بر اقراب از انساب و اقربا ثم الاقرب ما تعاقبوا و تناسلوا ایضا بطریق الارث و تولیت کل اعیان موقوفه...

سطر شانزدهم: مفوض بخود واقف است و بعد از خود ایشان با ارشد و اکبر از اولاد ذکور و بعد با ارشد از ذکور اولاد در تقدیر عدم با ارشد از ذکوراولاد اناث و بر فرض اعدام ذکور

سطر هفدهم: المتقین اولی و ثانیه با ارشد از اناث و کذا ما تعاقبوا و تناسلوا بشرط تقدم بطن اعلی و الکل فی الکل و بر فرض انقراض اولاد و احفاد با ابرار از ملوکین خفرک و مرودشت

سطر هجدهم: الی ان یرث الله الارض من یشاء و خمس از منافع املاک معظمه فوق و عشر از منافع مزرعتین مزبورتین ان از بابت حق التولیه متعلق به متولی در هر طبقه است که

سطر نوزدهم: باید صرف معیشت خود نماید و واقف خیر بمواقف اینان و تلفظ بر صیغه وقف بطرق مستوره نموده... از اعیانی مذکوره نموده ثانیا من باب

سطر بیستم: التولیه اثبات یدبر انها نموده وقف صحیحاً شرعاً بشرط آن...

سطر بیست و یکم: و... باید من اهل الظلم ابداً و لا یغفره... ثلاث سنین من...

سطر بیست و دوم: علی الذین چگونه مخالف کننده و تصرف کننده در وقف...

سطر بیست و سوم: و کان وقوع ذلک کله فی شهر صفر المظفر من شهور

سطر بیست و چهارم: سنه ۱۲۳۷ سبع و ثلاثین و ماتین بعد الف من الهجرة النبوة علی خیر هاجرها

منابع و مآخذ

۱. اداره جغرافیای ارتش، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، شیراز، سال ۱۳۶۲، جلد ۱۰۳.

2. آثار باستانی جلگه مرودشت از پیش از تاریخ تا ادوار اسلامی (تپه‌های ماقبل تاریخ، نقش رستم - استخر- نقش رجب)، علی سامی، با مقدمه به قلم استاد پور داود، اسفند ۱۳۳۱.

۳. حسینی فسائی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷.

۴. امداد، حسن، سیمای شاعران فارس در هزار سال، انتشارات ما، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۵. حقایق نگار خورموجی، میرزا جعفرخان، نزهت الاخبار تاریخ و جغرافیای فارس، تصحیح و تحقیق سید علی آل داود، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۰.

۶. میراث فرهنگی استان فارس، اداره کل میراث فرهنگی استان فارس، ناشر: اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، تابستان ۱۳۸۱.

کتیبه‌های بقعه امامزاده
سهل بن علی (ع) در شهرستان آستانه

منوچهر حمزه لو*

* کارشناس ارشد باستان شناسی (پژوهشکده هنرهای سنتی)

چکیده

مقاله – کار پژوهشی میدانی و مطالعاتی است که به بررسی و نگارش خطوط و کتیبه‌های نگارش شده در بنای امامزاده سهل بن علی (ع) می‌پردازد این بنا که به شکل بقعه احداث شده و قدمتی از زمان قبل از صفوی و قاجار تاکنون را داراست، که بخش اعظم کتیبه‌های آن تا کنون خوانده نشده است، و در این مقاله برخی از کتیبه‌ها بازخوانی و مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است.

کتیبه‌های بقعه امامزاده سهل بن علی (ع) در شهرستان آستانه

بنای تاریخی امزاده سهل بن علی (ع) (شکل ۱) در شهرستان آستانه از توابع اراک در استان مرکزی از بناهای دوره صفوی است که دیرینه آن به حدود قرن چهارم هجری می‌رسد و در ادوار بعد مرمت شده است. در این نوشتار با اشاره کوتاه به موقعیت مکانی، توصیف معماری و شرح پیشینه بنا، به قرائت کتیبه‌های آن پرداخته می‌شود.

موقعیت مکانی شهرستان آستانه

شهرستان آستانه در فاصله شش کیلومتری غرب شهرستان شازند و در هشت کیلومتری جنوب غرب شهرستان سربند و چهل کیلومتری غرب شهر اراک در استان مرکزی واقع شده است. این شهر در گذشته به نام‌های: کرج – کرج ابودلف – بوبین کره و... نامیده می‌شده است. در اوایل دوره صفویه به سبب وجود آستانه مقدس امامزاده سهل بن علی (ع) و احترام صفویان به ائمه (ع) ابتدا به آستانه سهل بن علی و سپس به آستانه شهرت یافته است.[۱]

نام و نسب امامزاده

نام بزرگوارش، سهل، فرزند علی فرزند ابی طالب فرزند یوسف فرزند حسین فرزند علی فرزند حسین زین العابدین است که با شش واسطه به امام سجاد، امام چهارم شیعیان می‌رسد.

۱- دهگان، ابراهیم.(۱۳۴۲ش) کرج نامه یا فقه اللغة اسامی امکنه یا تاریخ آستانه اراک. انتشارات موسوی، چاپ اول، نیز ر.ک، به: نزهت القلوب حمداله مستوفی – حبیب السیر خواندمیر. روضه الصفا هدایت.

نگارش عبارت: «هذا قبر سهل بن علی بن ابوطالب رضی الله عنه» بر روی سنگ قبر، سبب شد که عامه مردم، ایشان را فرزند بلاواسطه علی (ع) امام نخست شیعیان بپندارند. شاهد دیگر آنکه وجود مزار امامزاده‌های دیگری چون: طالب بن علی – جعفر بن علی – و فضل بن جعفر نیز از نوادگان امام چهارم (ع) در کنار مزار امامزاده سهل بن علی (ع) است.[1]

پیشینه تاریخی بنای امامزاده سهل بن علی (ع)

از ساخت و سازهای اولیه این بنا، در زمان وفات یا شهادت امامزاده تا اواخر قرن چهارم یا احتمالا اوایل قرن پنجم هجری قمری و همچنین ساخت بنا تا دوره صفویه اسناد و مدارک قابل توجهی در دست نیست و تا زمان صفویه از چگونگی ترکیب ساخت و ساز و حتی مرمت احتمالی بنا بی اطلاع هستیم.

به احتمال بسیار نزدیک به یقین، حضرت سهل بن علی(ع) تا سال ۳۷۸ ق – سال نگارش تاریخ قم – در قید حیات بوده‌اند و بنای یادبود بر مزار ایشان باید در سال‌های بعد از وفات ایشان ساخته شده باشد. بنابراین باید ساخت بنای اولیه در قرن پنجم هجری یا اوایل آن سده انجام شده باشد، زیرا که نشانه‌هایی از معماری سلجوقی – از جمله ساخت غلام گردش در اطراف گنبد بنا و یا ارتفاع بلند گنبد – در بنا دیده می‌شود.

همچنین ذکر نام «سهل بن علی (ع)» در صفحه ۱۶۰کتاب تاریخ قم ذیل عنوان:«پرداخت خراج و مالیات ولایات» از احیاز عبداله سعد و آل طلحه، نیز از پرداخت خراج باغات اشخاص صحبت به میان می‌آورد و سهل بن علی را «جمع او: حمزه بن الیسع و سهل بن علی» از حیز: الیسع بن عبداله بن ابی بکر می‌داند.[2]

بنابر کتیبه نگارش شده روی سنگ مزار «هذا قبر سهل بن علی بن ابوطالب رضی الله عنه فی سنه اثنین و سبعین و سبعا» که به خط نسخ نوشته شده که سال ۷۷۲ ق، را بیان می‌کند، محتمل است که بنای اصلی امزاده در سال‌های پس از ۷۷۲ ه.ق و اوایل قرن هشتم بنا شده

۱- عباسی، حجت الله.(۱۳۷۲) چشم اندازی از زوایای ناشناخته امامزاده سهل بن علی (ع) نشریه راه دانش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی استان مرکزی، ش ۲، اداره کل ارشاد اسلامی استان مرکزی. اراک.

۲- قمی، حسن ابن محمد ابن حسن (آذر ۱۳۱۳). تاریخ قم. به تصحیح جلال الدین تهرانی، توس ۱۳۶۱

باشد.[1]

از سبک و سیاق نگاره‌ها چه خطوط و کتیبه‌ها و چه نقاشی‌ها نیز نمی‌توان تاریخ درستی از ساخت اولیه ی بنا ارائه داد. زیرا شیوه ی نگارش کتیبه‌های زیر گنبد در داخل بنا که به خط نسخ در زیر کاسه گنبد و یا بالای اضلاع هشتگانه نوشته شده‌اند، به قبل از صفویه شباهت بیشتری دارند. متاسفانه کتیبه‌های مهم نگارش شده در داخل بنا فاقد تاریخ نگارش و یا نام نویسنده و طراح و مجری آن است و یا به دلیل تخریب، اثری از تاریخ و... به جا نمانده است. در ایوان ورودی به زیارتگاه، کتیبه‌ای منظوم نگارش شده که از مرمت و بازسازی بنا در دوره صفویه یاد می‌کند. این کتیبه بر روی گچ نگارش شده و به شرح زیر است.

روزی که آفرید ترا صورت آفرین

بر آفرینش تو به خود گفت صد آفرین

بر صورت آفرین و بر این صورت آفرین

در زیر مصرع‌های یاد شده نیز عبارت:

نظم کمترین نعمت الله بروجردی فی نهم شهر شوال المکرم ۱۰۳۸ قمری نوشته شده است.

بر اساس یک کتیبه دیگر می‌توان تاریخ مرمت بنا را در سال ۱۲۱۰ قمری دانست زیرا در ماده تاریخی که در بیت:

«کرد از پی تاریخ رقم خامه ناظر سهل بن علی یاور بانی است بهر باب»

بر اساس حروف ابجد ماده تاریخ مصرع دوم بیت زمان فتحعلی شاه قاجار را بیان می‌کند. همچنین آن گونه که از بیت اول قصیده نگارش شده بر روی سنگ سر در ورودی اصلی بنا استنباط می‌شود، ساخت یا مرمت نهایی بنا در تاریخ ۱۲۱۰ و به دستور فردی به نام « تقی خان » انجام شده است:

خورشید سپهر کرم وجود تقی خان کز فیض نظر خاک سیه کرده زر ناب

مشکوتی به استناد کتیبه‌ای که بر روی یک قطعه سنگ نگارش شده در سر در طرف گورستان – سردراصلی – باقی مانده، بر این باور است که آخرین تعمیرات بنا در سال ۱۲۲۱

۱- نگارنده به دلیل محدودیت‌ها نتوانست سنگ قبر را رویت کند، بنگرید به مشکاتی ۱۳۴۹ص ۱۹۳ و ۱۹۴

قمری صورت گرفته است[1]، در حالی که بر اساس کتیبه‌ای که به خط نستعلیق با قلم سبز رنگ بر بالای در ورودی به داخل حرم و ضریح نوشته شده آخرین سال تعمیر بنا در دوره قاجار و تاریخ ۱۲۸۴ قمری است. (شکل ۱۱)

به هر حال چون اکثر تاریخ‌های نگارش شده در کتیبه‌های موجود دال بر تعمیرات بنا می‌باشد و همچنین بنا بر عدم وجود تاریخ در کتیبه‌های موجود، سال ساخت بنا بر ما روشن نیست.

به استناد کتیبه با تاریخ ۱۲۸۴ در داخل ایوان ورودی به رواق بنا، غیر از زمان محمد تقی میرزای حسام السلطنه[2] دیگر بارنیز به دستور میرزا ابوالقاسم متولی باشی — از سادات زمان قاجار که احتمالا تولیت مقدس سهل بن علی (ع) را عهده دار بود[3] مرمت و بازسازی شده است و این در زمان بعد از فتحعلیشاه بوده است. در سال ۱۳۱۵ قمری نیز پوشش خارجی گنبد بازسازی شده است. در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی نیز پوشش خارجی گنبد بنا، بازسازی و کاشی کاری شده است که به علت سرمای شدید منطقه، کاشی آن تخریب و دوباره در سال‌های پس از انقلاب پوسته خارجی گنبد با صفحات مسی پوشیده شده است.

معماری و پلان بنا

پلان و معماری بنای امامزاده سهل بن علی (ع) به ویژه گنبد آن متاثر از معماری دوره‌های قبل از صفوی به ویژه سلجوقی و ایلخانی است. اما پلان امروزی آن با تغییرات و تعمیرات و الحاقات انجام شده شبیه مجموعه ی بقعه و بناهای دو ایوانی است، مرکب از یک حیاط اصلی و بزرگ با دو ایوان و یک ورودی و ورودی الحاقی به ایوان متصل به رواق. حیاط اصلی دو ایوانی، در ابعاد ۲۷×۱۹ متر با یک ورودی اصلی در شرق، وارد یک هشتی و سپس به صحن اصلی راه می‌یابد.

۱- مشکاتی نصرت الله. (۱۳۴۹) فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت و آثار باستانی ایران، چاپ وزارت فرهنگ و هنر سابق، ص ۱۹۴ - ۱۹۳

۲- محمد تقی میرزا حاکم بروجرد که همان حسام السلطنه پسر فتحعلی شاه قاجار است.

۳- دهگان، ابراهیم. پیشین. ص ۱۲۴.

ورودی اصلی یا دروازه کنونی با پلان هشت ضلعی در شرق بنا و رو به روی گنبد قرار گرفته و سقف آن دارای نگاره‌های تزئینی و کتیبه است.

در بخش غربی حیاط اصلی و در مقابل در ورودی اصلی، ایوان ورودی به ضریح و گنبد قرار دارد. در شمال و جنوب حیاط اصلی، حجره‌هایی قرار گرفته که در سمت شمال شرق آن، راهی عبوری به مجموعه بناهایی که امروزه بسته شده وجود داشته است. در ضلع جنوبی حیاط، ایوان و حجره‌ها و همچنین مسجد، مدرسه و حمام در ضلع جنوب و جنوب شرقی قرار گرفته که از طریق در کوچک سمت جنوب شرق به حیاط دوم و حمام راه می‌یابد.

مجموعه بقعه سهل بن علی دارای مدرسه، بقعه و حجره‌های متعددی برای بیتوته طلاب بوده که در حال حاضر در سمت شرق مدرسه یا به عبارت دیگر مسجد مدرسه، تنها هشت حجره باقی مانده است. در سمت شرق حیاط و جنوب حیاط اصلی حمامی موجود بوده که ساختمان آن هنوز پابرجا است و در ضلع شرقی مدرسه یاد شده و نیز کاروانسرایی وجود داشته است.

همچنین در دو ضلع شمال و جنوب حیاط اصلی دو حجره وسیع دیده می‌شود که امروزه از حجره شمالی به عنوان تکیه و حجره جنوبی نیز به عنوان مسجد استفاده می‌شود.

گنبد بنا از داخل دارای پلان هشت ضلعی و از نوع دوپوش و حدود ۳۸ متر از زیرزمین تا نوک گنبد ارتفاع دارد. این گنبد بر روی جرزهایی که از زیرزمین احداث شده، قرار گرفته است. در هشت ضلع دیوارهای زیر گنبد از داخل تا پاکار قوس، نقوش تزئینی کاشی کاری، نقاشی و کتیبه‌ها اجرا شده است.

مزار مطهر امامزاده در زیر گنبد و تقریبا در وسط آن قرار گرفته و یک صندوق بر روی قبر وجود دارد. در اطراف صندوق قبر، یک ضریح چوبی مشبک با نقوش گره و ضریح دیگر مشبک کاری شده از جنس فلز قلمزنی شده است و دارای کتیبه‌هایی به خط نستعلیق می‌باشد.

کتیبه نگاری در بنای امامزاده سهل بن علی(ع)

نگارش خطوط و کتیبه‌ها در بناها به منظور آرایش، تزئین و یادمان به کار می‌رود، که در معماری اسلامی به ویژه با انواع مصالح چون: کاشی، گچ، چوب، فلزو... اجرا می‌شود.

بنابر این بنای امامزاده سهل بن علی (ع) کتیبه‌ها و خطوطی دارد که با مصالح مختلفی چون: تلفیق آجر و کاشی، گچ و رنگ و حکاکی روی بوم‌های گوناگون در مکان‌های مختلف و به شیوه‌های متعدد اجرا شده است که در این نوشتار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

کتیبه سر در ورودی اصلی

در سردر ورودی اصلی بنا در سمت شرق و رو به طلوع خورشید، کتیبه‌ای بر قطعه سنگ مرمری دیده می‌شود که با خط و قلم نستعلیق به نگارش در آمده و مضمون آن قصیده‌ای است از یکی از شعرای دوره قاجار و در خاتمه تاریخ نگارش کتیبه و احتمالا نصب آن بر سر در ورودی، سال ۱۲۲۱قمری را بیان می‌کند (شکل۲) که ابیات آن قصیده به شرح زیر است:

خورشید سپهر کرم وجود تقی خان
کز فیض نظر خاک سیه کرده زر ناب

از عدل وی آهو بره را شیر دهد شیر
بر میش دهد گرگ ز خوناب جگر آب

در عهد وی آسوده چنان فتنه که گویی
طفلی است که در دامن مادر شده در خواب

معمور چنان کرد جهان را که به حسرت
جغد از پی دیوار خرابی شده بی تاب

هر جا که زگردان به جهان بود خرابی
آباد شده از مرحمتش چون دل احباب

شد زائر این کعبه مقصود به صد شوق
با فوج کثیری ز غلامان و ز اصحاب

چون گشت مشرف پس از آن کرد مقرر
کاین باب شود زانکه بود انسب و آداب

فرمود و بنا کرد و به جاییش رسانید
کز خون شفق کنگره اش یافته سیماب

زین طاق رواق فلک افتاد ز رونق
رنگ ازرخ خورشید پریده است چو مهتاب

هر صبح پی کسب صبا جانب این در
بر خاک نهد روی ادب چهر جهانتاب

کرد از پـــــی تاریخ رقم خامـــه ناظـــر
سهـــــل بن علی یاور بانی است بهر باب

پس از پایان ابیات قصیده و در زیر آن به همان خط، عبـارات: «بـانی سـنگ تـاریخ سـلاله السادات امیر محمد باقر الحسینی» و « عمل محمد حسین ۱۲۲۱» نگارش شده‌اند.

کتیبه به صراحت بیان می‌کند کـه ایـن سـنگ یـادبود را فـردی بـه نـام محمـد حـسین در سال ۱۲۲۱ به دستور میر محمد باقر الحسینی با خط نستعلیق روی سنگ مرمـر حکـاکی کـرده است، اما معلوم نیست که خوشنویس آن همین محمد حسین باشد.

کتیبه داخل هشتی ورودی:

در زیر عرقچین طاق در بالای طاق‌های اضلاع هـشتگانه هـشتی ورودی و در درون نقـش کاربندی بالای طاق میانی در دو سمت شمال و جنوب - سمت چپ و راست – هشتی که بـا نقوش گیاهی رنگ آمیزی شده، کتیبه‌ای به خط ثلث با رنگ سفید در زمینه کرم نگـارش شـده (شکل‌های ۳و۴) مضمون کتیبه آیه دوازده سوره مبارکه طـه اسـت بـا ایـن عبـارت « بـسم الله الرحمن الرحیم [انی انا ربک] فا اخلع نعلیک انـ [انک] بالواد المقدس طـوی» کـه عبـارت اول «انی انا ربک» از قلم افتاده و لفظ انک نیز ناقص نوشته شده است.

مفاد آیه مزبور و نگارش آن در مکان هـشتی ورودی تاکیـد بـر تقـدس و ادای احتـرام بـه امامزاده دارد.(شکل۴)

کتیبه‌های روی دیوارهای حیاط اصلی:

در سه ضلع شمال، جنوب و غرب حیاط اصلی کتیبه‌هـای بـر روی بـوم‌هـای متفـاوت بـا شیوه‌های گوناگون نوشته شده است.

خطوطی که در لچکی‌های اضلاع شمالی و جنوبی نگارش شده، خط معقلی اسـت کـه بـه رنگ سفید در زمینه لاجوردی و فیروزه‌ای با کاشی معقلی نوشته شده است.

کتیبه‌ای که در لچکی‌های ایوان ضلع شمالی نوشته شده، عبارت است از: بسم الله الـرحمن الرحیم – لا اله الا الله – الله اکبر – یا الله – یا محمّد (شکل‌های ۵و۶).

کتیبه دیگری که در ضلع جنوبی حیاط در بالای طاق ایوان آمده عبارتست از:

«بسم الله الرحمن الرحیم – لا اله الا الله – محمد رسول الله – الله اکبر – الله و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین » در دو اسپر یا سینه کش جرزهای شمالی و جنوبی نیز با آجر و کاشی معقلی کتیبه‌هایی به شکل قرینه با مضمون نام‌های مقدس، خدا و پیامبر (ص) و علی (ع) به خط معقلی با آجر و کاشی صابونی نوشته شده است.

در ضلع غربی حیاط و در بالای پنجره‌های ارسی در نمای ایوان متصل به رواق گنبد بر روی کاشی زمینه لاجوردی با خط ثلث و به رنگ سفید بخشی از آیةالکرسی دیده می‌شود:

«قال الله تبارک و تعالی؛ الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تخذه سنه و لا نوم له ما فی السموات و الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خ[لفهم]» (شکل ۷).

کتیبه‌های داخل ایوان ورودی به داخل حرم امامزاده:

بر روی دیوارهای جانبی ایوان متصل به رواق گنبد و در ارتفاع حدود ۵/۲ متری از کف، کتیبه‌هایی به خط نستعلیق در قالب اشعار رباعی به نگارش درآمده‌اند: (شکل‌های ۸ تا ۱۰و ۱۴-۱۲)

تعالی الله چه ارفع این همایون بارگاه آمد
مه سایه عرش اشتباه آمد

تو گفتی آسمان را کمر بستی به زمین ظاهر
که بر هفتم سپهرش برتری از قدر و جاه آمد

حریم کیست یا رب آنکه آستانش را
ز فرط سجده احرار نقتش بر ماه آمد

فروزان مشعلی سیمین درخشان مجمری زرین
به صحن آستانش از ظرافت مهر و ماه آمد

به دل گفتم که این قصر جلال کیست کز رفعت
همایون قبه اش بر تارک گردون کلا آمد

بگفتا بارگاه جاه سهل بن علی باشد
که معمور این چنین از همت والای شاه آمد

خدیو داد پرور شهریار معدلت گستر
که صدچون کسری وسنجربه پیشش دادخواه آمد

سپهر شوکت و حشمت حسام الـــسلطنه آن که
شـهی مهر آیت و مه رایت و انجم ســـپاه آمد
بر احباب و بر اعدا ابر دست و برق شـــــمشیر
به بـزم و رزم هم پادشـــاه و هم بـــاد افزا آمد
نمود از مفلسی محتاج محتاجان بـــیم و کان را
بلی دست ودل رادش بر این دعـــوی گواه آمد
غرض کین بارگاه منهدم معـــــــــمور چون
بحـــــــکم نافذ آن شـــهریار دیـــن پناه آمد
رقم زد خامه اشـــــــــراق از بهر تـاریخش
که بنـــــــیاد از تقـــــــــی شـــــــاه...

در این ایوان کتیبه‌های دیگری به خط نستعلیق به قلم و رنگ سبز روی زمینه سـفید گچـی در درون کادر مربع شکل نوشته شده که عبارتند از:

«حسب الفرمایش جناب سید السادات میـرزا ابوالقاسـم متـولی باشـی» و در بخـش میـانی خطوط آن به قلم نستعلیق مشکی روی زمینه سفید عبارت:

«بجهه تاریخ تعمیر بارگاه کیوان شکوه سهل بن علی قلمی شد حـرّره درویـش صـفا سـنه ۱۲۸۴»، نوشته شده است. بیت:

یا علی گر ز لطف قنبر تو   کبر را سایـه بر سر اندازد

در سمت دیگر آن نوشته شده و در میان دو کتیبه اخیر در بـالای سـر در ورودی بـه رواق، در داخل کادر مستطیل شکل با نقش ترنج دالبری به رنگ مشکی و خط نـستعلیق کتیبـه‌ای بـا این عبارت نوشته شده است: «**بسم الله الرحمن الرحیم انا مدینه العلم و علی بابها**»

و در زیر آن نیز این عبارت: «**عمل کمترین علی اکبر اصفهانی**» آمده است.

در سمت چپ این نقش و در جهت عرض آن عبارت: «**کَتَبُهُ محمد رضـا**» آمـده و چنـین استنباط می‌شود که در بالای این سر در، کتیبه‌هایی به قلم نستعلیق و رنگ سـبز در طـرفین، در تاریخ ۱۲۸۴قمری نگارش یافته است، اما کتیبه میانی فاقد تاریخ اسـت و خطـاط آن را محمـد رضا و مجری کتیبه بالای سر در را علی اکبر اصفهانی مـی‌دانـد و چـون تـاریخ نـدارد، زمـان نگارش آن را نیز نمی‌توان مشخص کرد، اما به طور قطع زمان آن با تاریخ ۱۲۸۴قمری متفاوت نیست.(شکل ۱۱) زیرا سبک نگارش خط این کتیبه که با قلم مشکی روی سنگ (زمینه سـفید)

اجرا شده مشابهت زیادی دارد.

در ضلع جنوبی ابن ابوان در جنب ورودی ویژه خانم‌ها و در میان نقوش آبینه کاری شـده، کتیبه‌ای با خط نستعلیق به رنگ مشکی و اخرابی نگارش شده که مضمون آن چنبن است:

هـــر کس نموده است از اخلاص خدمتی   قطعی به روز حشر مکانش به جنت است

و نیز در پایین آن عبارات زیر به نگارش درآمده است:

تاریخ ۱۲۸۴ حرره محمدهاشم – به فرمان ابوالقاسم متولی باشی.

در بخش جنوب شرقی و در کنار در ورودی چوبی، یک کتیبه بـه خـط نـستعلیق بـر روی کاغذ نوشته شده و در اطراف آن آینه کاری است با این مضمون:

سال تعمیر شه دین حضرت سهل از قلم   بهر جمع ایـــــن بـــــنای طرفه زد رقم

و در پایین‌تر از آن عبارت: عمل استاد ابراهیم ابن استاد علی بابایی نقاش باشی نوشته شده است و نیز در میان آن عبارت: محمدهاشم ابن محمـد یعنـی نـام نویـسنده یـا خوشـنویس آن نوشته شده است.

کتیبه‌های نمای داخلی در زیر دور گنبد:

در داخل گنبد بنای امامزاده سهل بن علی (ع) و در مکان انتقال گنبد از هـشت ضـلعی بـه دایره (بالای اضلاع هشت گانه) و همچنین در بخش بالای مکان انتقال یا ابتـدای کاسـه گنبـد، دو کتیبه به خط ثلث در یک نوار به عرض حدود هفتاد سانتی متر در سراسر دور گنبد نگارش شده‌اند که عبارتند از:

الف- کتیبه بالای اضلاع هشتگانه

این کتیبه در حاشیه انتهای اضلاع هشتگانه گنبد درز داخل بنا به خـط ثلـث دو کرسـی بـا رنگ سفید بر روی زمینه فیروزه‌ای نوشته شده و مضمون آن عبارت از بخشی از آیـات سـوره مبارکه جمعه و تمام سوره مبارکه نصر است که خطوط و در هم پیچیـدگی حـروف و تقـسیم شدن آن به دو بخش، از زیبایی خاصی برخوردار است.

شیوه نگارش کتیبه به شکلی است که ابتدا سوره جمعه از« بـسم الله الـرحمن الـرحیم » تـا

آخر آیه ی پنجم نگارش شده و سپس آیات ۶و۷ نوشته نشده و در واقع از قلم افتاده و مجدد از آیه هشت تا آخر سوره نوشته شده و پس از آن سوره مبارکه نصر با بسم الله... آغاز و تا آخر سوره نوشته شده است. این شکل و روند نگارش در سراسر دور گنبد دوبار به گونه زیر تکرار شده است: «بسم الله الرحمن الرحیم – یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض الملک القدوس العزیز الحکیم – ۲هو الذی بعث فی الامیین رسول منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین – ۳ و آخرین منهم لما یلحقوا بهم و هوالعزیز الحکیم- ۴ ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم – ۵مثل الذین التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا به آیات الله و الله لا یهدی القوم الظالمین- ۶ قل یا ایها الذین‌هادوا ان زعمتم انکم اولیاءَ لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقبن – ۷ و لابتمنونه ابدا بما قدمت ابدبهم والله علبم بالظالمبن – ۸ قل ان الموت الذی تفرون... تا آخر سوره نوشته شده و سپس سوره مبارکه نصر بابسم الله... آغاز و تا آخر نوشته شده است. »

ممکن است حذف آیات ۶و۷ از سوره جمعه به دو دلیل صورت گرفته باشد: ۱- اینکه در طراحی نگارش کتیبه جا کم داشته‌اند. ۲- به علت شروع لفظ قل در آیات ۶و۸ نویسنده دچار اشتباه شده و دو آیه ۶و۷ را حذف کرده باشد (شکل۱۵)

ب – کتیبه بالای مکان انتقال گنبد از هشت ضلعی به دایره یا بالای سکنج‌ها

در ابتدای کاسه گنبد از داخل نیز کتیبه‌ای مشابه کتیبه یاد شده اجرا شده که مضمون آن همان آیات سوره جمعه با حذف دو آیه ۶و۷ و نیز سوره نصر است که به همان شیوه نگارش شده. با این تفاوت که در اینجا خطوط کتیبه در زمینه‌ای تیره‌تر نوشته شده است. احتمالا نویسنده، طراح و مجری هر دو کتیبه یک فرد بوده است.

د- کتیبه نگارش شده بر روی کاسه گنبد بنا در نمای خارجی

در نمای بیرونی گنبد دربخش بالای گریو آن سه کتیبه در سراسر دور گنبد نوشته شده که عبارتند از: دو کتیبه معقلی در حاشیه و یک کتیبه کوفی کشیده در بخش میانی و به شرح زیر است:

در حاشیه باریک بالا به خط کوفی معقلی اسامی مقدس: الله - محمد – علی ۲۲ بار نگارش و تکرار شده و سپس لفظ **لا** تزیینی برای جداسازی عبارات از یکدیگر آمده است. این کتیبه با کاشی به رنگ سیاه در زمینه سفید با حاشیه باریک کاشی قهوه‌ای و لاجورد نوشته شده است.

کتیبه کوفی در بخش میانی؛ این کتیبه در نواری به عرض حدود یک متر با خط کوفی کشیده با مصالح آجر و کاشی نوشته شده است.خطوط کتیبه به رنگ‌های سفید ومشکی با کاشی در زمینه نخودی رنگ آجری و با استفاده از حرکت‌های تزیینی به نگارش درآمده است و متن کتیبه چنین است: اشهد ان الله علی کل الحسه. لا اله الا الله علیه توکلت و هو رب العرش العظیم ما شاءالله کان و مالم یشاء لم یکن.

که بخشی از متن کتیبه، قسمتی از آیه ۱۳۰ سوره مبارکه توبه است.

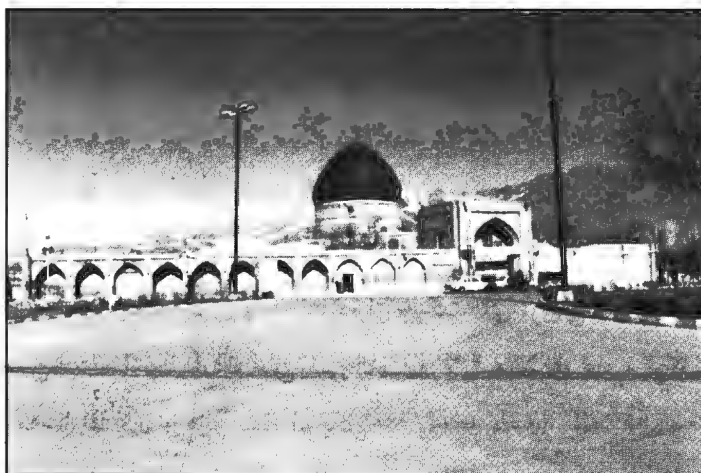
کتیبه حاشیه پایین در این بخش عبارت است از:

علی ولی الله – محمد رسول الله، که در میان عبارات لفظ **لا** تزیینی و در سراسر دور گنبد در یک نوار به عرض حدود ۴۰ سانتی متر نوشته شده است. این کتیبه نیز با کاشی به رنگ سیاه در زمینه سفید و حاشیه سفید و فیروزه‌ای و قهوه‌ای احاطه شده است.

هر سه کتیبه در نمای بیرونی گنبد هم از نحوه ی اجرا و هم از شیوه نگارش و نیز از لحاظ هنری از کیفیت مناسب برخوردار نیست و سوابق مرمتی حاکی است که گریو گنبد از نمای بیرون در دوره صفوی فاقد تزئینات بوده و در دوره‌های بعد با کاشی و کتیبه معقلی تزئین شده است.

سخن آخر اینکه نگارش کتیبه‌های بنای امامزاده سهل با توجه به الحاقات و مرمت‌های انجام شده در دوره‌های متعدد اجرا و نوشته شده‌اند و برخی از کتیبه‌های معقلی و... از شیوه نگارش و کیفیت هنری بالایی برخوردار نیستند در برخی مکان‌ها رعایت قرینه به شیوه مناسب اجرا نشده و کتیبه‌ها ناتمام مانده و متناسب با مکان آن مضامین در نظر گرفته نشده است. لازم به ذکر است کتیبه‌هایی که در این نوشته معرفی شد، تمامی کتیبه‌های موجود بنا نیست و برخی به دلیل اطاله کلام معرفی نشده‌اند.[1]

۱- لازم است از آقای محمد علی مخلصی که در خواندن برخی کتیبه‌ها اینجانب را یاری داده‌اند قدردانی بعمل آورم.



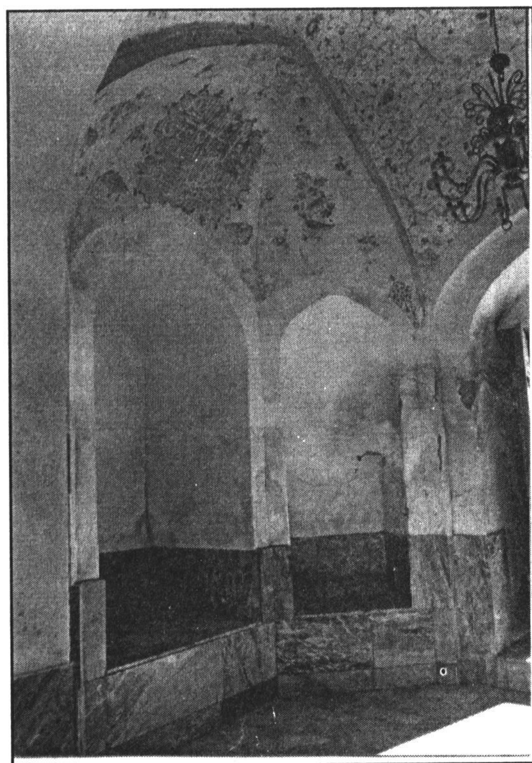
شکل ۱ - نمای عمومی شرقی امامزاده سهل بن علی



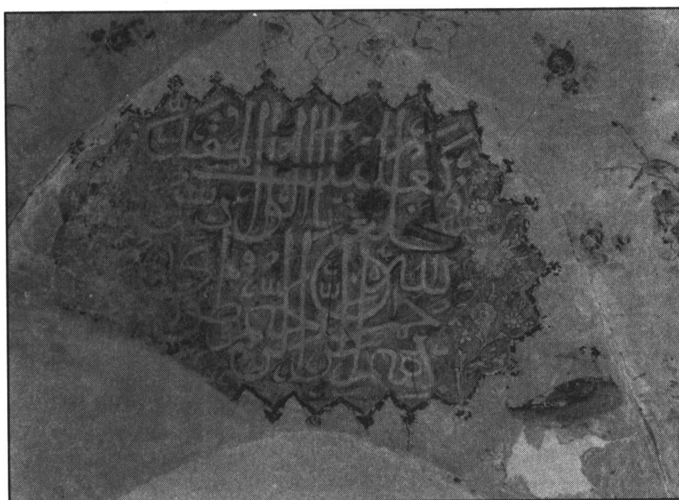
شکل ۲ – نمای ورودی اصلی



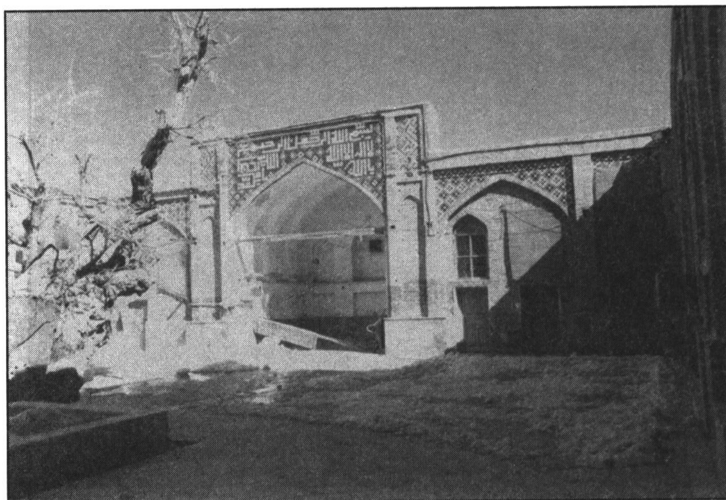
شکل ۳ – کتیبه سنگی سر در ورودی اصلی



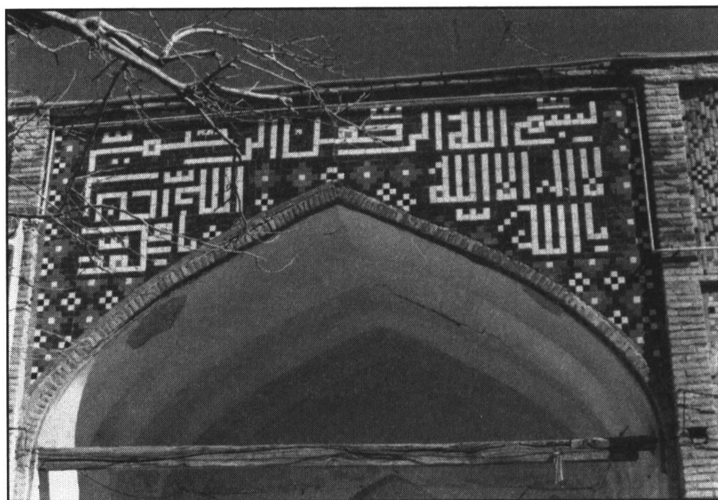
شکل ۴ – کتیبه هشتی ورودی



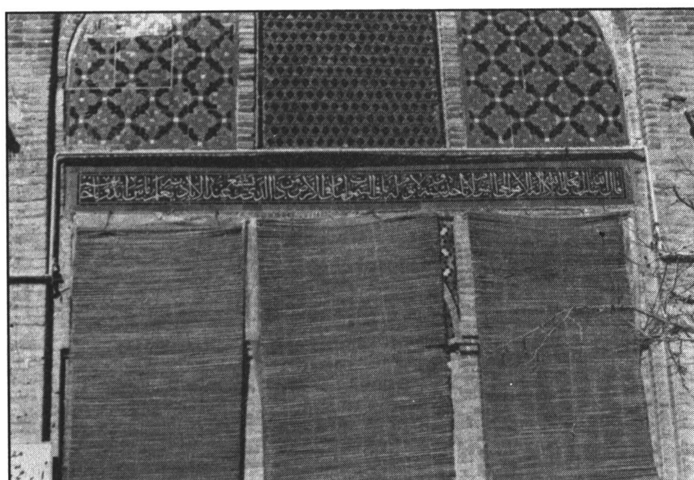
شکل ۵ – نمایی دگر از کتیبه داخل هشتی ورودی



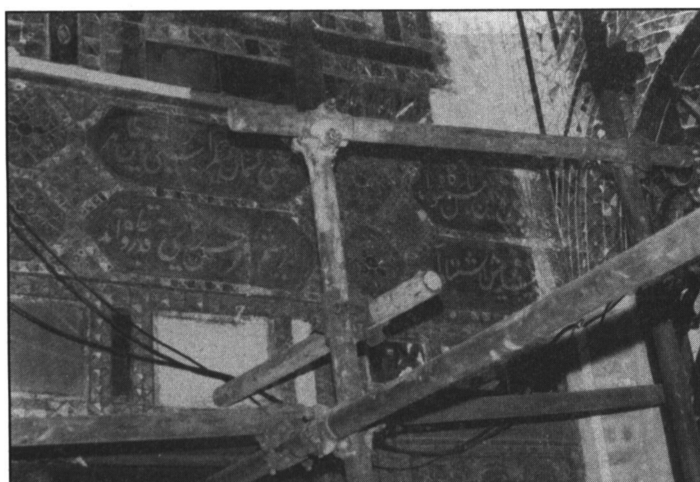
شکل ۶ – کتیبه پیشانی ایوان ورودی



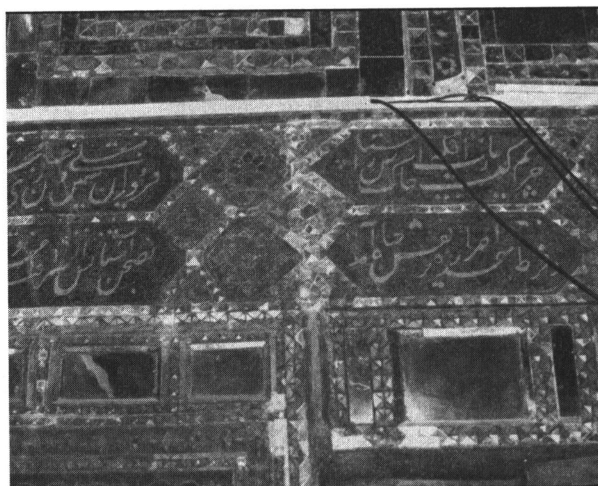
شکل ۷ – کتیبه لچکی و نمای ایوان شمالی



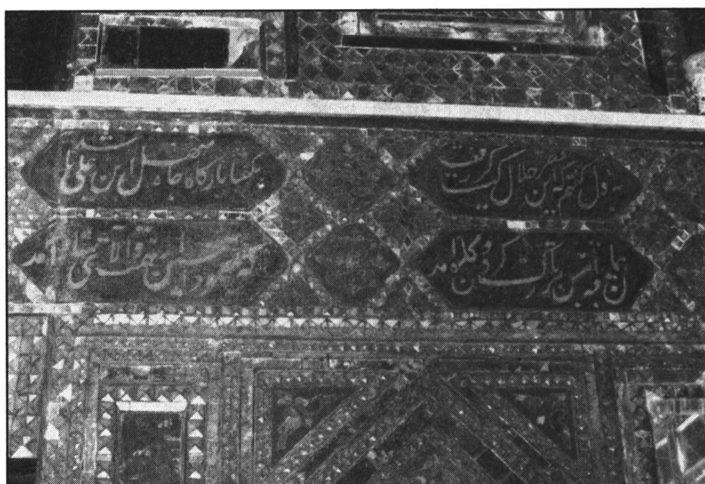
شکل ۸ – کتیبه نمای غربی و ورودی به حرم



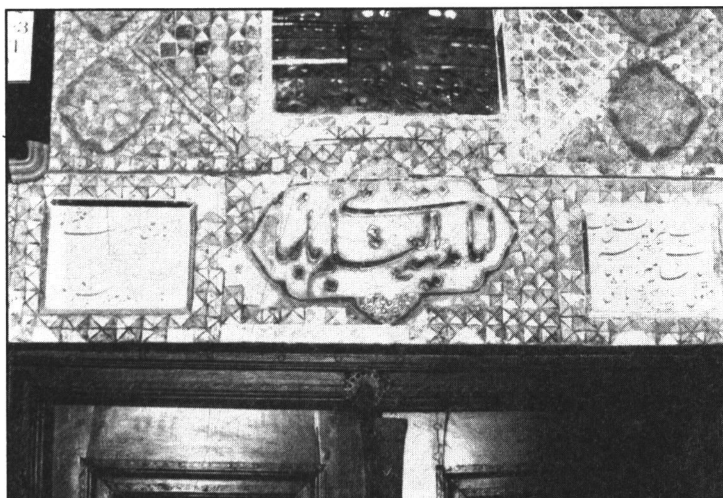
شکل ۹ – کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم



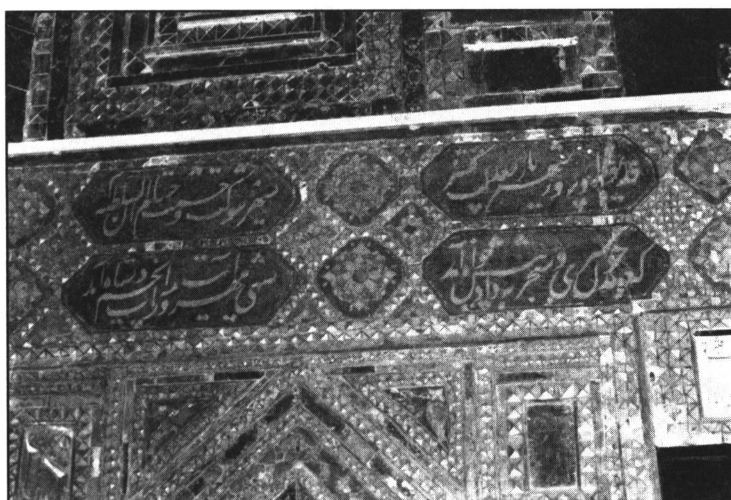
شکل ۱۰- کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم



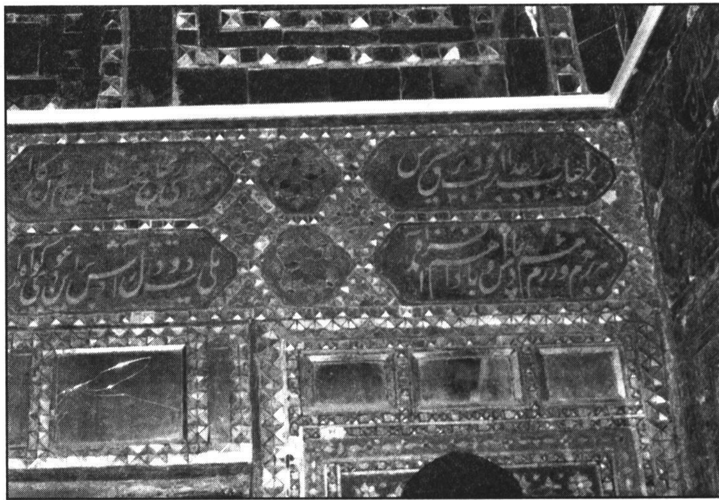
شکل ۱۱- کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم



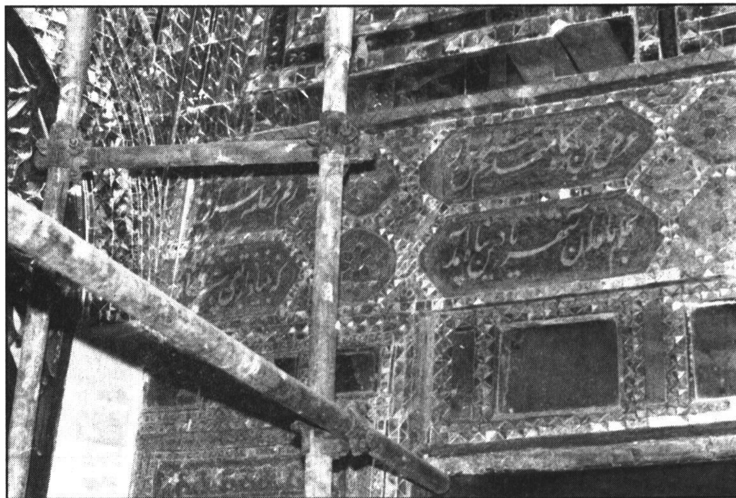
شکل ۱۲- کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم



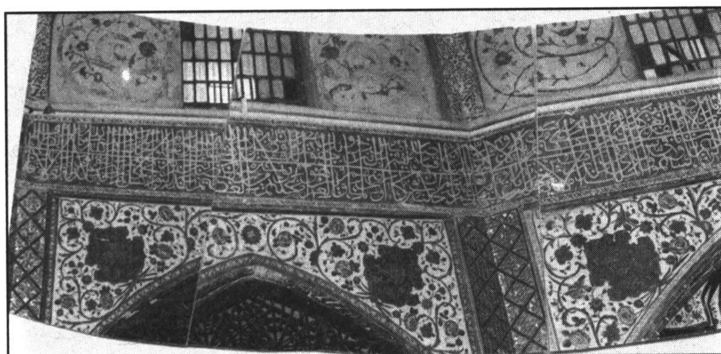
شکل ۱۳- کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم

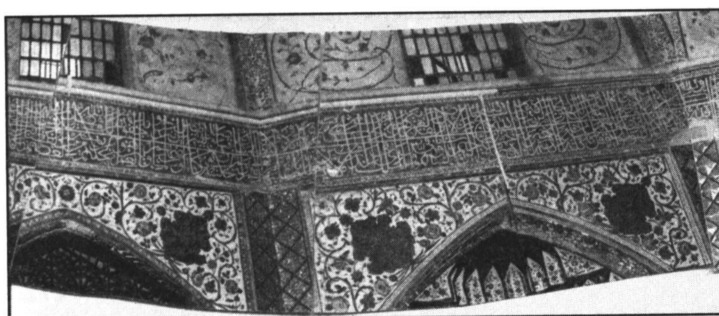


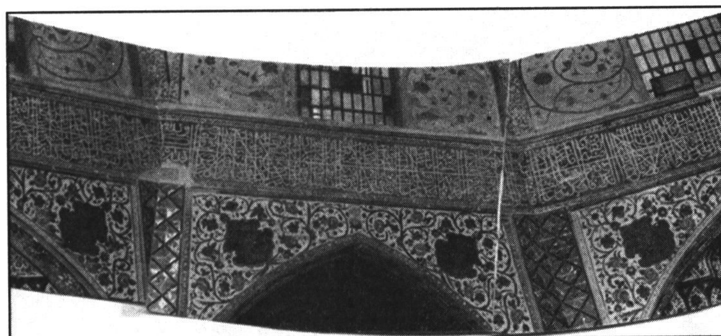
شکل ۱۴– کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم



شکل ۱۵– کتیبه‌های داخل ایوان ورودی متصل به حرم







شکل ۱۶- کتیبه‌ای زیر گنبد

پژوهشی در کتیبه‌های مدرسه دارالفنون

داریوش ذوالفقاری[1]

۱- کارشناس ارشد پژوهشکده زبان و گویش، گروه کتیبه‌ها و متون دوران اسلامی

چکیده

بررسی کتیبه‌های دارالفنون موضوع بحث این مقاله است. یافتن تاریخ ایجاد کتیبه‌ها، خوشنویس آن‌ها، مآخذ معتبر متن کتیبه‌ها و به از دست دادن مصراع دیگر ابیاتی که فقط یک مصراع آن‌ها متن کتیبه را تشکیل می‌دهد از جمله اهداف پژوهش حاضرند.

مشخصات ظاهری کتیبه‌ها، عکس آن‌ها و تاریخچه مختصری از ((دارالفنون)) از قسمت‌های دیگر این مقاله هستند.

از جمله نتایج به دست آمده می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

۱. به احتمال بسیار زیاد خوشنویس متن کتیبه‌ها، عماد الکتاب است.

۲. مصراع دیگر کتیبه‌های تک مصرعی از مآخذ معتبر پیدا شده است.

۳. منبع مستند همه کتیبه‌ها بیان شده است.

واژگان کلیدی: کتیبه، مدرسه، دارالفنون

بماند سال‌ها این نظم و ترتیب
زما هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشی است کز ما یاد ماند
که گیتی را نمی‌بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی برحمت
کند در کار درویشان دعائی[1]

مقدمه

مهم‌ترین اصلاح امیر کبیر صدراعظم با کفایت ناصرالدین شاه قاجار، در دوره‌ای از تاریخ که مردم ستمدیده ایران زمین، تاوان عیاشی‌های بی حد ومرز و نادانی‌های سردمداران بی کفایت خود را می‌دادند، تأسیس ((مدرسه دارالفنون)) است که ((متأسفانه هنگام افتتاح آن امیر در باغ شاهی فین کاشان آخرین روزهای تبعید را می‌گذرانید و دو هفته بعد از گشایش

---

۱ - سعدی، مصلح الدین، گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹، ص ۵۷.

دارالفنون همانجا کشته شد و نتیجه کار خود را ندید.[۱]))

تا امروز که حدود ۱۵۹ سال از افتتاح دارالفنون و قتل میرزا تقی خان امیرکبیر می‌گذرد، این مرکز علمی نشیب و فرازهای فراوانی را پشت سر گذاشته است و درباره مؤسس، معلمان، شاگردان، بنا و علومی که در آن تدریس می‌شده است، مطالب فراوانی نوشته‌اند که بیشتر آن‌ها شبیه هم است. فقط خان ملک ساسانی درباره تاریخ افتتاح دارالفنون نظر قابل تأملی دارد که در منابع قبل از او نیامده است.[۲]

آنچه در این پژوهش مورد توجه است((کتیبه‌های دارالفنون)) است که درباره آن‌ها تا کنون پژوهشی انجام نشده است. بیش از هیجده هزار بار، واژه ((دارالفنون)) در عنوان کارهای علمی آمده است ولی در هیچکدام آن‌ها واژه ((کتیبه)) وجود ندارد.[۳]

تنها کسی که در لا به لای آثار تألیفی خود گوشه چشمی هم به این کتیبه‌ها داشته است و حدود دو صفحه از کتاب ((آشنایی با دارالفنون)) را که به اهتمام ایشان تألیف شده است به این موضوع اختصاص داده است، سعید وزیری است که البته در کار ایشان هم کم دقتی ناشر و ویراستار باعث ایجاد مشکلاتی شده است: مثلا در صفحه ۱۶ مصرع ((بال و پر مرغ جان‌ها

---

۱ - آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵، ص ۲۵۳

۲ - شهیدی مازندرانی، حسین، سرگذشت تهران، تهران: انتشارات راه مانا و دینا، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰-۱۱۹

۳ - مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، کلید واژه‌های دارالفنون و کتیبه، همه منابع کتابی و غیرکتابی، تمامی محلات مرتبط و اسناد ذیل که در خزانه سازمان اسناد ملی ایران موجودند:

- حلقه ۱۳، پرونده ۲۳، ((انتقال درب باستانی بقعه امامزاده حمزه دهدشت به مدرسه دارالفنون.))
- حلقه ۲، پرونده ۵۱۰، ((قرارداد منعقده میان مسیو مارکف و وزارت معارف در مورد مدرسه دارالفنون.))
- حلقه ۳، پرونده ۴۹۳، ((وقایع دارالفنون در ۱۲۸۴))
- حلقه ۲۵، پرونده ۴۷، ((صورت برآورد تعمیرات بنایی وزارت معارف و مدرسه دارالفنون.))
- حلقه ۴۷، پرونده ۹۲، ((مارکف و دارالفنون.))
- حلقه۱۰۷، پرونده ۳، ((گزارش بازرسین فنی دکتر محمود حسابی و رضازاده شفق از مدرسه دارالفنون ۱۳۱۵.))
- حلقه ۱۹۸، پرونده ۲۷، ((استخدام خوشنویس و عتیقه شناس))
- حلقه ۲۵۳، پرونده ۱۳۷، ((معلم خوشنویسی))
- حلقه ۳، پرونده ۱۸۵، ((رونوشت مصوبات ساخت بنا))
- حلقه ۲۵، پرونده ۵۶، ((گزارش ۱۳۰۹ از دارالفنون))
- حلقه ۴۷، پرونده ۱۱۹، ((درخواست وزارت معارف از مسیو مارکف معمار در خصوص طرح بنای جدید دارالفنون))

همت است)) به شکل ((بال و پر جان ما، همت ماست)) درج شده است و مصرع ((علم و حکمت کمال انسان است)) از نظامی دانسته شده است.

در صفحه ۱۸ نیز آمده است که هر کس در حیاط دارالفنون قرار داشته باشد با یک آیه از قرآن، چهار بیت از فردوسی و ۱۸ مصرع روبه‌رو می‌شود. در صورتی که ۲ آیه از قرآن، ۴ بیت و ۵ مصرع از فردوسی و ۱۳ مصرع از شاعران دیگر متن بخشی از کتیبه‌ها را تشکیل می‌دهد. در صفحه ۱۷ نیز مصرع ((زگفتار کردار بر مگذران)) به شکل ((زگفتار و کردار بر مگذران)) درج شده است.

در مقاله حاضر درباره منابع معتبر متن کتیبه‌ها، خوشنویس و زمان ایجاد آن‌ها سخن به میان آمده است و هر جا که لازم بوده ادامه مطالب کتیبه‌ها نقل شده و درباره آن‌ها توضیحاتی بیان شده است.

تاریخچه دارالفنون

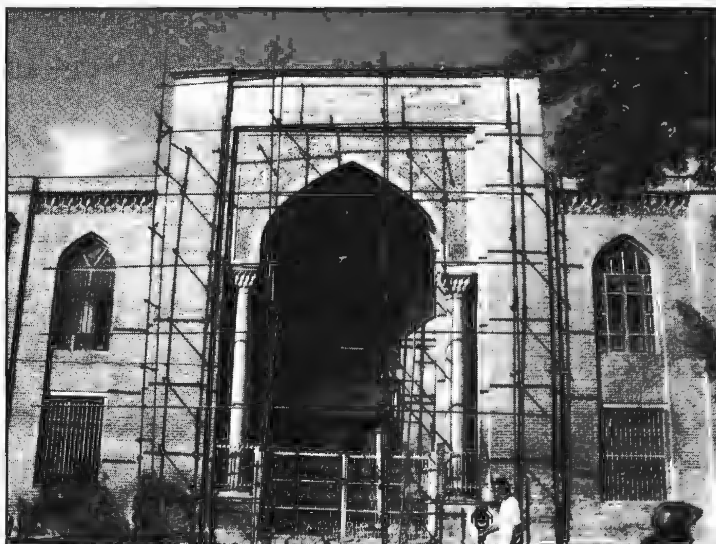
آیا بنای قدیمی و باشکوهی که امروز درابتدای خیابان ناصر خسروی تهران با سردری نسبتا بزرگ و کتیبهٔ ((دارالفنون ۱۲۶۸ هجری قمری)) قرار دارد، همان ساختمانی است که به دستور امیر کبیر ((طرح بنای آن را میرزا رضای مهندس باشی، از محصلینی که در عهد عباس میرزا ولیعهد برای تحصیل به لندن رفته و در فن بنا و قلعه سازی استاد بود، ریخت و محمد تقی خان معمارباشی به ساختن آن مأمور گردید)) یا در آن تحولاتی ایجاد شده است؟

از بررسی آثار و نوشته‌های دوران قاجار و بعد از آن اینگونه استنباط می‌شود که ساختمان امروزی دارالفنون با آنچه در آغاز بوده است متفاوت است. اگر چه در بسیاری از منابع علمی به این مطلب اشاره نشده است.

سنگ بنای دارالفنون در سال ۱۲۶۶ هـ ق در ابتدای خیابان ناصر خسرو نهاده شد و طرح بنای اولیه آن را میرزا رضای مهندس باشی ریخت و محمد تقی خان معمار به ساختن آن مأمور شد.



نمای عمومی حیاط



سر در مدرسه دارالفنون

این مدرسه که تمام اسباب کار آن به وسیله میرزا تقی خان امیرکبیر از پیش فراهم شده بود به دستور ناصرالدین شاه در روز یکشنبه ۵ ربیع الاول ۱۲۶۸، ۱۳ روز پیش از کشته شدن بانی اش افتتاح شد و کار خود را ادامه داد.

دارالفنون مدرسه‌ای بود که درآن معلمین خارجی و ایرانی علوم جدید را در رشته‌های تحصیلی پیاده نظام، توپخانه، مهندسی، سواره نظام، پزشکی، جراحی، داروسازی و معدن شناسی تدریس می‌کردند.

طبق آنچه در منابع زمان قاجار آمده است ساختمان دارالفنون مستطیل شکل بوده و در وسط آن حیاط وسیعی با یک حوض بزرگ قرار داشته است. در اطراف حیاط هم اتاق‌هایی قرار داشته است که در و پنجره‌های بزرگ آن به این حیاط مشرف بوده است. تعداد این اتاق‌ها نیز در حدود چهل عدد بوده که از آن‌ها به عنوان کلاس درس استفاده می‌شده است.[1]

گفته شد موضوع تجدید بنای دارالفنون در منابع بسیار معدودی مطرح شده است؛ علی اصغر حکمت، اقبال یغمایی و بعد از آن‌ها سعید وزیری تنها کسانی هستند که این مسأله را توضیح داده‌اند:

سعید وزیری با نثری داستانی و روان در کتاب((آشنایی با دارالفنون)) در این مورد نوشته است:

((در اوایل سال ۱۳۰۸ شمسی در زمان وزارت قره گوزلو، دستور تجدید بنای دارالفنون داده شد. نیکلای نیویچ مارکف، مهندس روسی که به تبعت ایران در آمده بود، مأمور نقشه کشی بنا شد. عمارت جدید در روز سه شنبه سوم مهر ۱۳۱۳ مورد بهره برداری قرار گرفت. مراسم گشایش با حضور فروغی، رئیس الوزرا (نخست وزیر) در تالار جدید دارالفنون برگزار شد. وزیر معارف در این زمان علی اصغر حکمت بود.))[2]

تمامی کتیبه‌های دارالفنون هم زمان با تجدید بنای آن (۱۳۱۳ - ۱۳۰۸) ایجاد شده‌اند.

۱- بروگشن ن، دکتر هنریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کرد بچه، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸. صفحه ۱۸۰- ۱۷۹. همچنین ← مرکز اسناد وسازمان میراث فرهنگی، ثبت تاریخی مدرسه دارالفنون شماره ۱۷۴۸.

۲ - وزیری، سعید، همان مرجع، ص ۱۲-۱۱

کتیبه‌های دارالفنون

بودن یانبودن؟ مسأله این نیست. مسأله چگونه بودن و چگونه نبودن در ودیوار یک مرکز علمی است. کتیبه داشتن یا کتیبه نداشتن؟

بودن این کتیبه‌ها فضائی نورانی با اثری ماندگار که بر ذهن بیننده می‌گذارد ایجاد می‌کند و نبود نشان فضایی خالی و رخوت آور.

کتیبه‌ها بخشی بسیاردرخشان از پشتوانه‌های فرهنگی ما هستند که توجه به آن‌ها برای بازنمایی میراث معنوی ارجمند اسلام و ایران و صعود به اوج دانائی و تکیه زدن بر اریکه توانایی لازم است.

ذهن کتیبه ساز ایرانی که از روزگاران گذشته اندیشه‌های فاخر خود را در زبان‌هایی ارجمند و با خطوطی شکوهمند به زیباترین وجهی در لا به لای صخره‌ها و سینه کش کوه‌هایی که خزانه داران خداونداند برای جهانیان به یادگار گذاشته است، تربیت یافته فرهنگی ریشه‌دار است که وقتی آب حیات بخش اسلام به ریشه‌های تشنه آن می‌رسد در آسمان زیبائی، با شکوهی صد چندان گذشتهٔ خود شاخ و برگ می‌گستراند و صورت و معنی، بال در بال یکدیگر هنرهای آن را به اوج اثر گذاری و ماندگاری می‌رسانند.

اگر بازخوانی کتیبه‌های دوران اسلامی کار چندان مهمی نباشد، آنچه در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بررسی اثری است که این کتیبه‌ها بر خوانندگان خود می‌گذارند و پژوهش در منابعی که متن این کتیبه‌ها از آن‌ها انتخاب شده است.

کتیبه‌ها به اندرزنامه‌های سرگشاده‌ای می‌مانند که همیشه در دیدرس‌ترین مکان‌ها قرار دارند و ناخودآگاه چشم آدمی به آن‌ها می‌افتد. کافی است از کنارشان بگذری، می‌بینی و اثر می‌پذیری و این گذر هر چه بیشتر باشد اثر آن بیشتر می‌شود و پله پله بیننده کتیبه را به مقامی که خداوند کتیبه می‌خواسته است می‌رساند.

منشوری که کتیبه‌های محوطه دارالفنون آفریده‌اند، آن گونه است که به هر ضلع آن می‌نگری وارد عالمی می‌شوی که گشت و گذار در آن همه دنیا را با تمام بزرگی ش در چشمت کوچک جلوه می‌دهد. چرا که به گذشته‌های شکوهمند ایران وصل می‌شوی و در کلام آسمانی خداوند غرق می‌گردی.

در این منشور، سخن از علم است و دانایی و عمل و برابر نبودن کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند. سخن ازکار و کوشش شبانه روزی و پرهیز از تن آسانی است. سخن از عقل معاد است و فرهنگ و حقوق انسانی. سخن از حکمت نظری و حکمت عملی، نیرومندی، وقت شناسی، صبر، خودشناسی، عاقبت اندیشی، اندیشمندی، بردباری و همت بلند است که در آیات نورانی قرآن کریم و آثار بزرگان فرهنگ و اندیشه ایران ثبت است و این کتیبه‌ها قطره‌هایی هستند که ما را به دریاهای منشأ خود می‌برند و از آن دریاها است که می‌توانیم مرواریدهای ارزشمند و فراوان دیگری صید کنیم:

کتیبه اول: هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون



مکان: جبهه شمالی

ابعاد: ۲۸۰ × ۳۰cm

خط: ثلث

توضیحات:

متن این کتیبه قسمتی است از آیه ۹ سوره ۳۹ (زمر) از قرآن کریم که همه آیه از این قرار است:

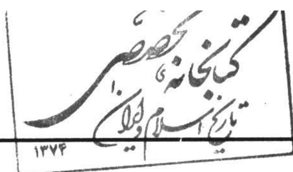
امن هو قانت اناء الیل ساجدا و قائما یحذر الاخرة و یرجوا رحمة ربه قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما یتذکر اولوالالباب.

(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده وقیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: ((آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند.[1]

این آیه در شرف و فضیلت علم و دانش و دانشمندان و دانشجویان است. و با آیه ماقبل

۱- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۹

۱- در این زمینه علاوه بر تفاسیر قرآن کریم، مطالب بسیار ارزشمندی هم در کتاب منیة المرید اثر شهید ثانی آمده است.

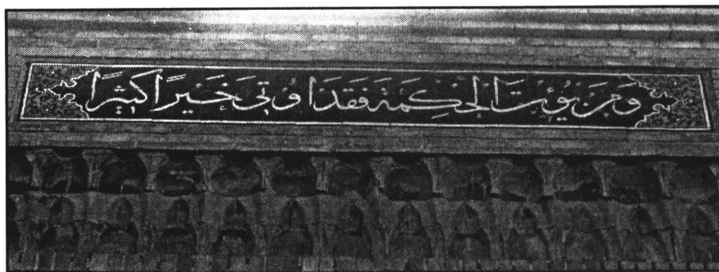


موقوف المعانی است.

این آیه با عمل و خودسازی شروع می‌شود و با علم و معرفت پایان می‌یابد، چرا که تا خودسازی نباشد نور معرفت بر دل نمی‌تابد و اصولا این دو از یکدیگر جدا نیستند.

این موضوع یعنی علم و عمل صالح در متن کتیبه‌ها هم در نظر گرفته شده‌اند و همان قدر که در آن‌ها به علم اهمیت داده شده، اهمیت عمل نیز مطرح شده است. کردار نباید از گفتار بیشتر باشد، صبر است که به ظفر منتهی می‌شود، اگر بدی را برای خود نمی‌پسندی نباید به دیگران بدی کنی، از محنت دیگران نباید بی غم بود، اندیشه قبل از گفتار قرار دارد و نباید حتی مورچه‌ای را بیازاریم، از گناه باید دور باشیم و بدانیم که ستون خرد بردباری است و اگر هنر نداشته باشیم گوهرمان خوارو بی ارزش است. یک لحظه نباید از آموختن باز بمانیم. نیرومند باید باشیم. کار امروز را نباید به فردا بیندازیم، مشورت و بهره گیری از عقل دیگران باید سرلوحه کارهای ما باشد و از مکافات اعمال نباید غافل باشیم، همواره باید در تلاش باشیم تا به آبادانی برسیم و بدانیم که توانایی دردانایی است و به دنبال هر چیز که باشیم همان هستیم و هر کس که این حکمت‌های عملی ونظری را با هم داشته باشد به خیر فراوان می‌رسد.

کتیبه دوم: و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا



مکان: جبهه جنوبی

جنس: کاشی

ابعاد: ۲۸۰ × ۳۰cm

خط: ثلث

توضیحات:

متن این کتیبه قسمتی است از آیه ۲۹۹ سوره ۲ (بقره) از قرآن کریم که همه آیه از این قرار است:

یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیراو ما یذکر الا اولوالالباب ۲۶۹

این آیه با آیه قبل از خود پیوسته وموقوف المعانی است:

الشیطان یعدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء و الله یعدکم مغفرة منه و فضلا والله واسع علیم ۲۶۸

امام فخر رازی بیش از همه مفسران قدیم به شرح معنای حکمت اعتنا واهتمام دارد و حکمت را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کند ودرتفسیر کبیر خود نمونه‌ها و مثال‌های فراوانی از قرآن کریم برای این دو بخش ذکر می‌کند.[۱]

کتیبه سوم: ز کردار گفتار برمگذران اسدی

مکان: جبهه غربی



جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

زکـــردار گفتار بـر مگـــذران

مجوی آنچه دانش نداری بدان[۲]

و در قسمتی از گرشاسبنامه اسدی طوسی قرار دارد که پیش وپس آن پند و اندرز است. بیت ماقبل آن:

چو دانش نداری به کاری درون

نباشـد تو را چـاره ازرهنمـون[۳]

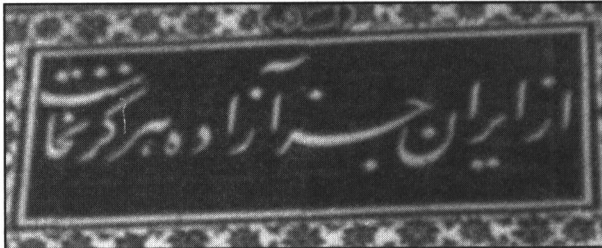
۱- قرآن کریم، همراه با ترجمه توضیحات و واژه نامه، بها الدین خرمشاهی، تهران: نیلوفر، جامی، ۱۳۷۴، ذیل همین آیه.

۲- فروزانفر، بدیع الزمان، سخن وسخنوران، چ دوم، تهران: شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰ ص ۴۵۶

۳ - همان.

کتیبه چهارم: از ایران جز آزاده هرگز نخاست اسدی

مکان: جبهه شرقی



جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

از ایـران جـــز آزاده هرگـــز نخاست
خرید ازشما بنده هر کس که خواست[۱]

و در قسمتی از گرشاسبنامه اسدی طوسی قرار دارد که پیش وپس آن پند و اندرز است.
بیت ماقبل آن:

به ایران شـــود باژیک سر شـــهـان
نشـد بــاژ او هیــچ جـای جـهان[۲]

بیت بعد آن:

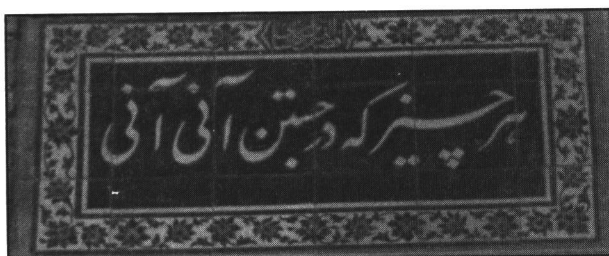
ز ما پیشـتـان نیســـت بنـــده کسی
و هســـــت از شمـا بنده مارا بسی[۳]

۱- فروزانفر، بدیع الزمان، همان مرجع، ص ۴۸۱.

۲- همان

۳- همان

کتیبه پنجم: هر چیز که در جستن آنی آنی افضل الدین کاشانی



مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۴۵cm × ۱۰۰

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه رباعی این گونه است:

تا در طلب گوهر کانی، کانی — تا زنده به وصل جاودانی، جانی

فی الجمله حدیث مطلق ازمن بشنو — هر چیز که در جستن آنی آنی[۱]

در پاورقی صفحه ۲۰۰ از دیوان بابا افضل به نقل از نفیسی این رباعی به ابو سعید ابوالخیر و جلال الدین بلخی منسوب شده است.

استاد شفیعی کدکنی در مقدمه بسیار ارزشمندی که برای تصحیح کم نظیر خود از اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابی الخیر نوشته است. انتساب این گونه اشعار را به ابوسعید ابی الخیر درست نمی‌داند.[۲]

این رباعی در بخش رباعیات کلیات دیوان شمس اثر مولانا جلال الدین محمد مشهوربه مولوی، هم نیامده است. بنابر این احتمال انتساب آن به مولانا هم ضعیف است.[۳]

علامه دهخدا آن را جزو امثال و حکم نقل کرده است.[۴]

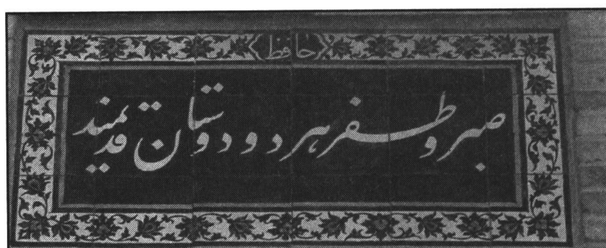
۱- مرقی کاشانی، حکیم افضل الدین محمد (بابا افضل)، دیوان شعر، بررسی، مقابله و تصحیح از مصطفی فیضی دیگران، کاشان، انتشارات اداره فرهنگ و هنر، [بی تا]، ص ۲۰۰

۲- محمد بن منور، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲

۳- مولوی، جلال الدین محمد، کلیات دیوان شمس، مطابق نسخه تصحیح شده استاد بدیع الزمان فروزانفر، به کوشش پرویز بابائی، تهران: انتشارات سیمای دانش، ۱۳۷۸، جلد دوم

۴- دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴ جلد ۴، ص ۱۹۲۵

کتیبه ششم: صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند حافظ



مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند
بر اثر صبر نوبت ظفر آید

این بیت به همراه یک بیت مشهوردیگر که عبارت است از:

بگذرد این روزگارتلختر از زهر
باردگرروزگار چون شکرآید

در بسیاری از نسخه‌های دیوان اشعار حافظ نیامده‌اند. بعضی نسخه‌های دیوان اشعار حافظ، از جمله انجوی و قدسی مابین ابیات چهارم و پنجم این غزل این دو بیت را اضافه دارند:

بر سر آنم که گر زدست برآید	دست به کاری زنم که غصه سر آید
خلوت دل نیست جای صحبت اضداد	دیو چو بیرون رود فرشته درآید
صحبت حکام ظلمت شب یلداست	نور ز خورشید جوی بو که برآید
بر در ارباب بی مروت دنیا	چند نشینی که خواجه کی به در آید
ترک گدائی مکن که گنج بیابی	از نظر رهروی که در گذر آید
صالح و طالح متاع خویش نمودند	تا که قبول افتد و که در نظر آید
بلبل عاشق تو عمر خواه که آخر	باغ شود سبز و شاخ گل به بر آید
غفلت حافظ دراین سراچه عجب نیست	هر که به میخانه رفت بی خبر آید[1]

۱- خرمشاهی، بهاءالدین، حافظ نامه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳. ص ۷۹۲

کتیبه هفتم: مکن بد به کس گر نخواهی به خویش رودکی

مکان: جبهه شمالی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

نکو گفت مزدور با آن خدیش

مکن بد به کس گر نخواهی به خویش[1]

خدیش: کدبانو

ملک الشعرای بهاروقتی عمارات پیرامون تخت جمشید را توضیح می‌دهد، یکی از آن‌ها را هدش یا هدیش میداند و می‌نویسد:

چنین پنداشته‌اند که این کاخ اندرونی شاهنشاهی و حرمسرای بوده است و این حدس به دلایلی درست می‌نماید چه شاید واژه ((هدیش)) اصل و ریشه ((خدیش)) باشد که به زبان دری کدبانو و خاتون بزرگ و رسمی راگویند. این لغت در ادبیات دری قدیم گاهی دیده می‌شود از آن جمله شاری نام شاعری از متقدمان گوید:

در ظاهر اگر برت نمایم درویش

زینم چه زنی به طعنه هر دم صد نیش

دارد هرکس بنا باندازه خویش

در خانه خود بنده و آزاد و خدیش[2]

۱- رودکی، جعفر بن محمد، دیوان شعر، تصحیح جعفر شعار، تهران: نشر قطره ۱۳۸۰، ص ۸۵

۲- بهار، محمد تقی، ملک الشعرا، سبک شناسی، ۳ جلد، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۳

کتیبه هشتم: بنی آدم اعضای یکدیگرند سعدی

مکان: جبهه غربی



جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

این مصرع شعر به همراه بقیه آن یکی ازمشهورترین اشعار شیخ اجل سعدی شیرازی است که در حکایت دهم از باب اول گلستان (در سیرت پادشاهان) آمده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی[۱]

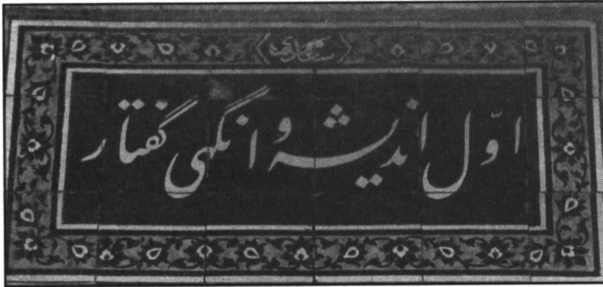
در بعضی از نسخ گلستان به جای ((اعضای یکدیگرند)) اعضای یک پیکرند آمده است. استاد غلامحسین یوسفی در توضیحات این بیت درباره این اختلاف مفصلا سخن گفته است.[۲]

این ابیات جزو امثال وحکم زبان فارسی هستند.

۱- گلستان سعدی، همان مرجع، ص ۶۶

۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک همان مرجع، ص ۲۶۵- ۲۶۴

کتیبه نهم: اول اندیشه وانگهی گفتار سعدی



مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

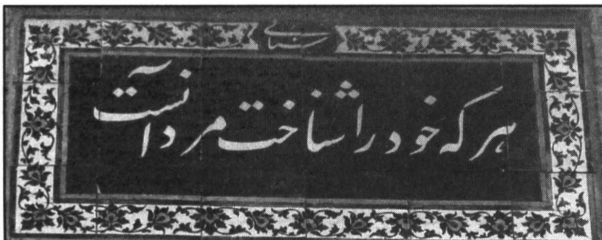
خط: نستعلیق

توضیحات:

این مصرع، قسمتی است از شعر زیر که دردیباچه گلستان آمده است و جزو امثال و حکم زبان فارسی است:

هر که گردن به دعوی افرازد
خویشتن را به گردن اندازد
سعدی افتاده ایست آزاده
کس نیاید به جنگ افتاده
اول اندیشه وانگهی گفتار
پای بست آمده است و پس دیوار[1]

کتیبه دهم: هر که خودرا شناخت مرد آنست سنایی



مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

۱- گلستان سعدی، همان مرجع، ص ۵

اندرین ره که راه مردان است

هر که خودرا شناخت مرد آنست[۱]

اگر چه این بیت بر وزن اشعار حدیقهٔ الحقیقه و شریعهٔ الطریقه اثر ابوالمجد، مجدود بن آدم سنائی غزنوی است ولی دراین کتاب نیست.[۲]

کتیبه یازدهم: علم و حکمت کمال انسان است سنایی

مکان: جبهه شمالی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

خشم و شهوت جمال حیوان است

علم و حکمت کمال انسان است[۳]

اگر چه وزن این بیت با وزن حدیقهٔ الحقیقه و شریعهٔ الطریقه اثر ابوالمجد، مجدود بن آدم سنائی غزنوی یکی است ولی در این کتاب نیست.[۴]

۱- لغت نامه دهخدا، مدخل ((مرد))

۲- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقهٔ الحقیقه و شریعهٔ الطریقه، تصحیح و تحشیه مدرسرضوی، استاد ممتاز دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸

۳- لغت نامه دهخدا مدخل ((خشم))

۴- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، حدیقهٔ مرجع.

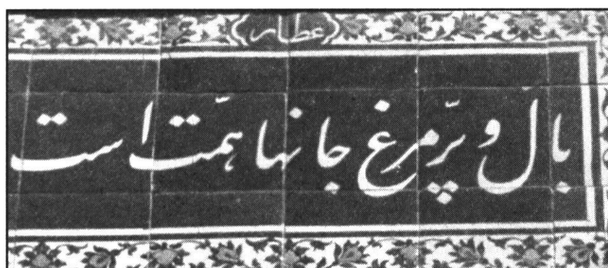
کتیبه دوازدهم: بال و پر مرغ جان‌ها همت است عطار

مکان: جبهه شمالی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

منطق ملک جهان‌ها همت است

بال و پر مرغ جان‌ها همت است[۱]

هر چند این بیت بروزن اشعار منطق الطیر است ولی دراین کتاب نیست.[۲]

کتیبه سیزدهم: میازاروری که دانه کش است   که جان دارد و جان شیرین خوش است

فردوسی

مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۳۰cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

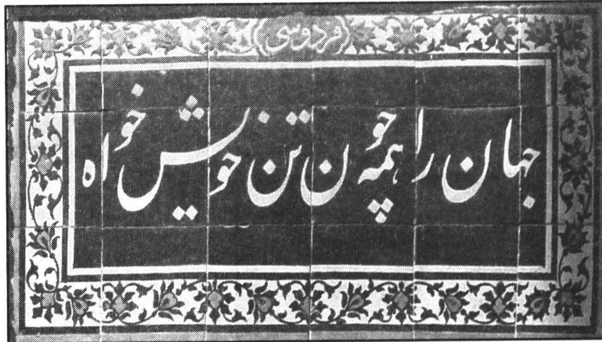
این بیت در پادشاهی فریدون، قسمت کشته شدن ایرج به دست برادران آمده است.[۳]

۱- لغتنامه دهخدا، مدخل ((پر))۱

۲- عطار، فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری، منطق الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۳

۳- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۸۲

کتیبه چهاردهم: جهان را همه چون تن خویش خواه فردوسی



مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

بدوگفت شو دور باش از گناه

جهان را همه چون تن خویش خواه[۱]

این بیت در پادشاهی انوشیروان قسمت بزم دوم انوشیروان با بزرگان و موبدان قراردارد.

کتیبه پانزدهم: ستون خرد بردباری بود فردوسی



مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

ستون خرد بردباری بود

چو تیزی کنی تن به خواری بود

این بیت در پادشاهی قباد پسر پیروز، قسمت بر تخت نشستن قباد و اندرز کردن ایرانیان

۱- همان، ج ۳، ص ۲۰۶۰

آمده است. ابیات پس و پیش آن نیز بسیارخواندنی است.[۱]

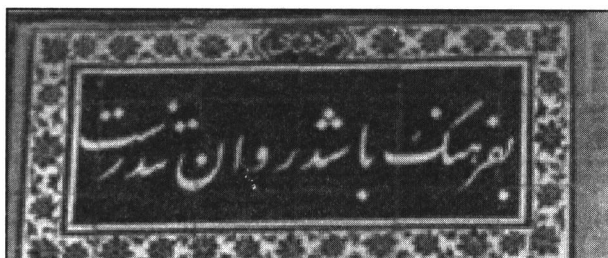
کتیبه شانزدهم: به فرهنگ باشد روان تندرست فردوسی

مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

گهر بی هنر زار و خوارست و سست

به فرهنگ باشد روان تندرست

این بیت در پادشاهی انوشیروان قسمت پند دادن بزرگمهر به انوشیروان و سخن گفتن او درباره کردار و گفتار نیک است.[۲]

کتیبه هفدهم: زمانی میاسای از آموختن   اگر جان همی خواهی افروختن

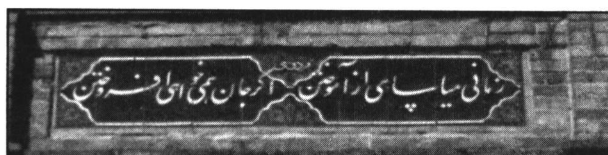
فردوسی

مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۳۰cm

خط: نستعلیق



۱- همان، ج ۴، ص ۱۹۸۴

۲- همان، ج ۵، ص ۲۱۲۳

توضیحات:

این بیت در پادشاهی انوشیروان قسمت اندرز کردن او به مردمان آمده است.[۱]

حکیم ابوالقاسم فردوسی به همین مضمون شعر زیبا و معروف دیگری هم دارد:

میاسای ز آموختن یک زمان

به دانش میفکن دل اندر گمان

چو گویی که وام خرد توختم

همه آن چه بایستم آموختم

یکی نغز بازی کند روزگار

که بنشاندت پیش آموزگار[۲]

کتیبه هجدهم: ز نیرو بود مرد را راستی   زسستی دروغ آید و کاستی

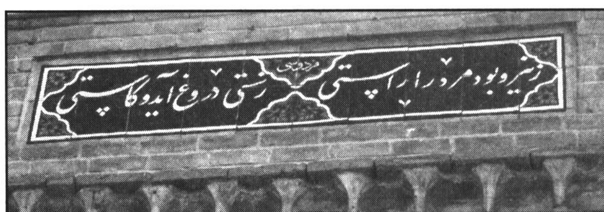
فردوسی

مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۸۰ × ۳۰cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

این بیت در داستان پادشاهی انوشیروان، قسمت بزم نخستین او با دانایان آمده است.[۳]

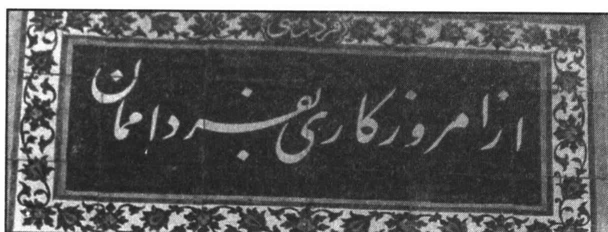
۱- همان، ج ۴، ص ۱۷۴۳

۲- همان، ج ۵، ص۲۰۷۸

۳- همان، ج ۵، ص ۲۰۵۶

کتیبه نوزدهم: از امروز کاری به فردا ممان فردوسی

مکان: جبهه شرقی



جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

از امـــروز کاری بــه فـــردا ممان

که دانـد که فردا چه گـــردد زمان

این بیت در پادشاهی کیقباد، داستان جنگ رستم و اسفندیار، قسمت آمدن افراسیاب نزدیک پدر خود آمده است.[1]

کتیبه بیستم: هنر نزد ایرانیان است و بس

فردوسی

مکان: جبهه شرقی



جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

۱- همان، ج ۱، ص ۲۷۳

هنر نزد ایرانیان است و بس

ندارند شـیر ژیان را به کس

بیت بعد از آن هم که در توصیف ایرانیان است این گونه است:

همه یکدلانند و یزدان شناس

بـنیکی ندارند از بـــد هراس

این ابیات در قسمت پادشاهی بهرام گور، بخش نامه فغفور چین به بهرام گور و پاسـخ آن آمده است.[۱]

کتیبه بیست و یکم: هر آنکس که اندیشه بد کند بفرجام بد با تن خود کند

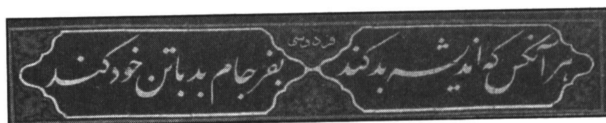
فردوسی

مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

این بیت در پادشاهی کسری انوشیروان، قسمت آغاز داستان قرار دارد.[۲]

۱- همان، ج ۴، ص ۱۹۴۵

۲- همان، ج ۵، ص ۲۰۰۳

کتیبه بیست و دوم: عقل‌ها را عقل‌ها یاری دهد

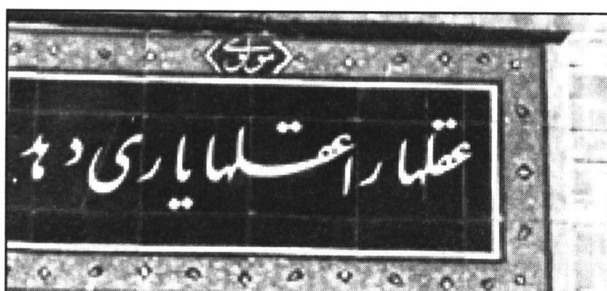
مولوی

مکان: جبهه غربی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

متن این کتیبه از دفتر اول مثنوی معنوی، داستان شیر و نخچیران نقل شده است که در تصحیح نیکلسون از این قرار است:

مشورت ادراک و هوشیاری دهد

عقل‌ها مر عقل را یاری دهد[۱]

مأخذ داستان شیر و نخچیران، حکایتی است که در کلیله و دمنه باب الاسد و الثور (چاپ مینوی، ص ۸۷ – ۸۶) ذکر شده است.[۲] این داستان را مولوی با قدرت کم نظیری که دارد به یکی از خواندنی‌ترین داستان‌ها تبدیل کرده است که در لا به لای آن نمونه‌های فراوانی از اشعار حکمت آمیز به چشم می‌خورد.

۱- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح رینولدالین نیکلسون، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۵، ج اول، ص ۶۵

۲- فروزانفر، بدیع الزمان، شرح مثنوی شریف، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۳۷

کتیبه بیست وسوم: از مکافات عمل غافل مشو

مولوی

مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

از مکافات عمـل غافـل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو

این بیت مشهور که از امثال سائر است در مثنوی معنوی و دیوان شمس قرار ندارد. علامـه علی اکبر دهخدا در ذیل واژگان مکافات و گندم و جلد سوم امثال و حکم آن را نقـل کـرده و از مولوی دانسته است.[۱]

کتیبه بیست و چهارم: فرزند خصال خویشتن باش

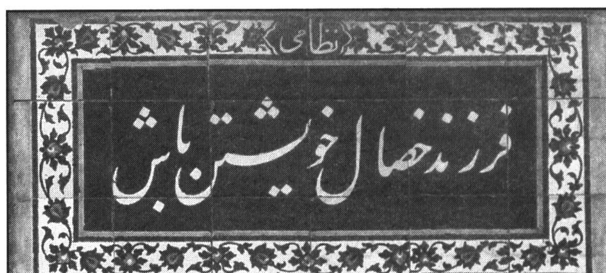
نظامی

مکان: جبهه شرقی

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



۱- دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم، همان مرجع، ج ۳، ص ۱۳۲۶. همچنین ← لغت نامه دهخدا ((مکافات)) و ((گندم)).

توضیحات:

همه بیت از این قرار است:

چون شیر به خود سپه شکن باش

فــرزند خصال خــویشــتن باش

این شعر از کلیات خمسه نظامی گنجوی لیلی و مجنون در نـصیحت فرزنـد خـود محمـد نظامی انتخاب شده است که گزیده‌ای از آن نقل می‌شود:

ای چـارده سـاله قـــرة العیـــن

بـالغ نظـر علـوم کـــونیـــن

غافــل منشین نه وقـت بازیست

وقت هـنر است و سـرفرازیست

دانــش طلـــب و بزرگـی آموز

تـــا به نگـــرنـد روزت از روز

و آن شـغـل طلب زروی حـالت

کـــز کـرده نبـاشـدت خجـالـت

در شعـــر مپیـــچ و در فـــن او

چـون اکـذب اوســت احسن او

زیـــن فـــن مـطلـــب بلند نامـی

کان ختـــم شـده است بر نـظامی

پیغمبـر گفــت علم علمـــــان

عـلـــم الادیان و عـلـم الابـــدان

در ناف دو علم بوی طیب است

وان هر دو فقـیه یـا طبیب است

مـی بـاش طبیب عیسوی هـش

امــا نـــه طـبیـــب آدمی کـش

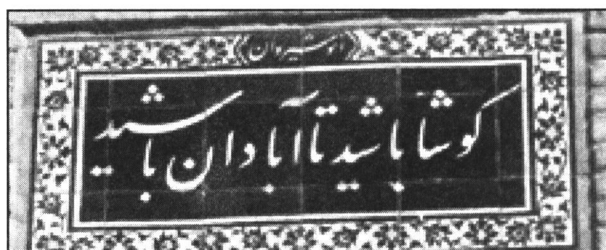
می بـــاش فقیـه طاعـت انـدوز

امـــا نـه فقیـه حـــیلت آمـوز
گر هـــر دو شـوی بلنـد گردی
پیـــش همـــه ارجمنــد گردی
می کـــوش به هرورق که خوانی
تا مـعنـــی آن تـمـــام دانـــی[۱]

کتیبه بیست و پنجم: کوشا باشید تا آبادان باشید

انوشیروان

مکان: جبهه شرقی



جنس: کاشی

ابعاد: ۴۵cm × ۱۰۰

خط: نستعلیق

توضیحات:

علامه علی اکبر دهخدا این عبارت را در لغت نامه خود جزو امثال ذکر کـرده اسـت بـدون آنکه آن را به کمی منسوب بداند.[۲]

۱- نظامی گنجوی، کلیات خمسه، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶، ص ۴۵۶

۲- لغت نامه دهخدا، مدخل ((آبادان)) و ((کوشا))

کتیبه بیست و ششم: هر چیز بخرد نیازمند است و خرد بآزمون

اردشیر بابکان

مکان: جبهه غربی



جنس: کاشی

ابعاد: ۱۰۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق

توضیحات:

متن این کتیبه که منسوب به اردشیر بابکان است نه در کارنامه اردشیر بابکان قرار دارد و نه در کتاب عهد اردشیر یا اندرز نامه اردشیر.

پژوهنده کتاب اخیر در مقدمه آن می‌نویسد:

((از گفته‌های اردشیر در کتاب‌های عربی جمله‌های پراکنده‌ای بازمانده است که من همه را از سرچشمه‌های خود گرد کرده و در پایان اندرزنامه آورده ام تا خواننده به آسانی به این سخنان دسترسی یابد و آن‌ها را با اندیشه اردشیر در اندرزنامه اش بسنجد.[1]))

اگر این اظهارنظر را بپذیریم باید به یافتن عبارت فوق در کتاب‌های عربی امید چندانی نداشته باشیم چرا که این عبارت در پایان اندرزنامه هم وجود ندارد.

آنچه مسلم است این است که حتی اگر این سخن را در کتابی منسوب به اردشیر بیابیم نباید بپذیریم که زاییده مغز اوست. چرا که بیشتر مطالب اندرزنامه او را در کتاب‌های پیشین ایرانی می‌توان یافت. علامه علی اکبر دهخدا این عبارت را جزو امثال نقل کرده و آن را منسوب به اردشیر بابکان دانسته است.[2]

۱- عباس، استاد حسن، عهد اردشیر، برگرداننده به فارسی:س. محمد علی امام شوشتری، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ((۶۷)) ۱۳۴۸، ص ۳۰

۲- لغت نامه دهخدا، مدخل ((آزمون)) همچنین، امثال و حکم، ج ۴، ص ۱۹۲۵

کتیبه بیست و هفتم: وزارت معارف

توانا بود هر که دانا بود

مکان: سردرصحیه مدارس داخل خیابان ناصرخسرو بالاترازکتیبه ((صحیه مدارس))

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۶۰ × ۴۵cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

((وزارت معارف)) همان وزارت آموزش و پرورش است که دردوره‌های مختلف تغییر نام داده است.

دوره‌های چهارگانه وزارت آموزش و پرورش بر حسب نام عبارتند از:

دوره اول: ((وزارت علوم)) از تاریخ ۱۲۳۹ خورشیدی تا ۱۲۸۷ خورشیدی که در این دوره ۴۸ ساله، فقط ۶ نفر وزیر علوم بوده‌اند.

دوره دوم: ((وزارت معارف)) از تاریخ ۱۲۸۷ خورشیدی تا ۱۳۱۷ خورشیدی به مدت ۳۰ سال که در این مدت ۲۵ نفر وزیر معارف بوده‌اند.

دوره سوم: ((وزارت فرهنگ)) از ۱۳۱۷ تا ۱۳۴۳ خورشیدی که در این دوره ۲۶ ساله، ۲۷ نفر وزیر فرهنگ بوده‌اند.

دوره چهارم: ((وزارت آموزش و پرورش)) از ۱۳۴۳ تا کنون(۱۳۸۵) در این دوره ۴۲ ساله تعداد ۱۶ نفر وزیر بوده‌اند.[1]

۱- به نقل از یادداشت‌های کتاب دردست چاپ درباره تاریخ آموزش و پرورش، به اهتمام سعید وزیری

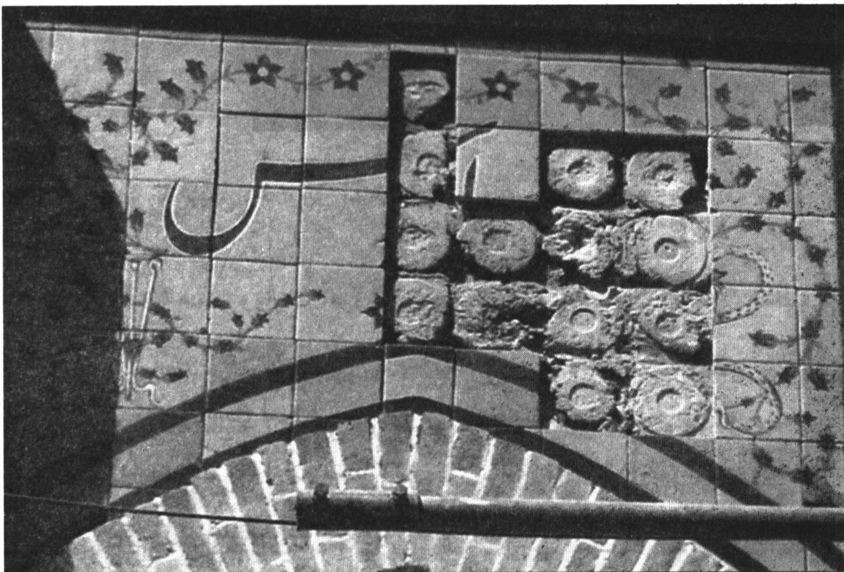
کتیبه بیست و هشتم: صحیه مدارس

مکان: سر در صحیه مدارس داخل خیابان ناصر خسرو

جنس: کاشی

ابعاد: ۱۶۰ × ۹۰cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

سعید وزیری در کتاب آشنائی با دارالفنون نوشته است:

در دوره وزارت علی اصغر حکمت ساختمان صحیه مدرسه‌ها که بعدها به نام بهداری آموزشگاه‌ها فعالیت خود را ادامه داد، در کنار دارالفنون ساخته شد. جایی که هم اکنون دفتر اداری گنجینه دارالفنون است. این بنا که در زمینی به مساحت ۵۰۰ متر مربع احداث شده است. به مهندسی شموئیل سعید و به معماری حاجی خان مصفایی شیرازی در مدت ۶ ماه ساخته شده است.[۱]

این کتیبه که بیشتر آن ازبین رفته است بر سر در همین ساختمان قرار دارد.

۱- وزیری، سعید، همان مرجع، ص ۱۲ - ۱۱

کتیبه بیست و نهم: دارالفنون ۱۲۶۸ هجری قمری

مکان: سر در ورودی مدرسه دارالفنون، داخل خیابان ناصرخسرو. تهران

جنس: کاشی

ابعاد: ۲۲۷ × ۵۵cm

خط: ثلث



کتیبه سی ام: نخستین تاریخ نصب این زنگ ۱۲۶۸ هجری

مکان: ضلع شمالی، زیر زنگ مدرسه

جنس: سنگ مرمر

ابعاد: ۲۵ × ۲۰cm

خط: نستعلیق



کتیبه سی و یکم: توانا بود هر که دانا بود زدانش دل پیر برنا بود

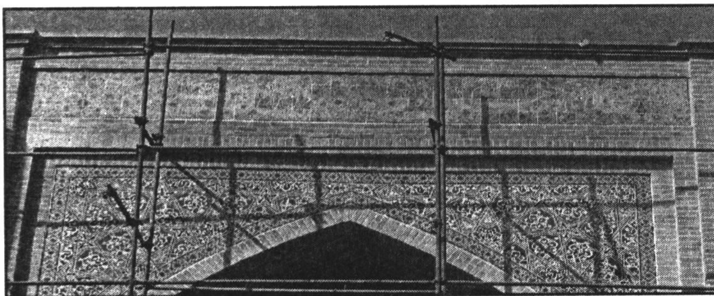
فردوسی

مکان: سر در ورودی دارالفنون با فاصله کمی از لبه پشت بام (۳۰cm)، داخل خیابان ناصر خسرو

جنس: کاشی

ابعاد: ۶۸۰ × ۷۳cm

خط: نستعلیق



توضیحات:

بزرگ‌ترین و با شکوه‌ترین کتیبه دارالفنون که در رفیع‌ترین نقطه نسبت به سایر کتیبه‌ها قرار دارد و همین بالانشینی آن را بیشتر در گزند باد و باران قرار داده است و در حال حاضر (تابستان ۱۳۸۵) رنگ از رخساره اش پریده است و به سختی می‌توان آن را خواند همین کتیبه است. که به همین دلیل عکس تهیه شده از ان کیفیت ندارد.

امید است پس از مرمت شکوه اولیه خود را بیابد.[۱]

شعر متن این کتیبه یکی از مشهورترین ابیات حکیم طوس، ابوالقاسم فردوسی است که در سرآغاز شاهنامه قرار دارد، آنجا که کتاب بزرگ خود را با نام ((خداوند جان و خرد)) شروع می‌کند.

شاید رمز اینکه متن بیشتر کتیبه‌های دارالفنون را اشعار این شاعر بزرگ تشکیل می‌دهد این باشد که کمتر شاعری به اندازه ایشان در وصف ((خرد)) داد سخن داده است. شاعری که خرد را چشم جان می‌داند که بدون آن گذر کردن از جهان دیگر امکان ناپذیر است.

خرد چشم جان است چون بنگری

تو بی چشم جان آن جهان نسپری[۲]

۱- نگارنده هنگام پژوهش میدانی برای تهیه این نوشتار، در دیدارهای مکرر از ((مدرسه دارالفنون)) شاهد مرمت خرابی‌های آن بوده است. (تابستان ۱۳۸۵)

۲- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، براساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳

این شاعر حماسه سرا، خرد را نخستین آفریده و نگهبان جان و نگهبان پاسداران جان یعنی چشم و گوش و زبان می‌داند:

نخســـت آفرینـــش خـرد را شـنـاس
نگهبان جان است و آن را ســه پـــاس
سه پاس تو چشم است و گوش و زبان
کـزیـن سه رسد نیک و بــد بی گمان[۱]

در قلب این کتیبه و مابین دو مصرع ماندگار حکیم طوس، شهرت ایـشان ((فردوسـی)) بـا آب طلا نوشته شده است که مثل نگینی بسیار ارزشمند می‌درخشد.

خوشنویس کتیبه‌ها*

در بسیاری از کتیبه‌ها اسمی از خوشنویس نیامده است، در کتیبه‌های دارالفنون هم رقمی که به ما خوشنویس را معرفی کند وجود ندارد.

بزرگی و عزتمندی این هنرمندان که کمتر زمانی به فکر شهرت و خودنمائی بوده‌انـد و بـه اقتضای هنر آرام بخشی کـه دارنـد همـواره در گوشـه گمنـامی و قناعـت بـه سـر بـرده‌انـد و سرگذشت‌های درس آموزی که بسیاری از آن‌ها دارند در لابه لای کتاب‌هایی که درباره آثـار و احوالشان نوشته شده موجود است، ما را بر آن می‌دارد تا در این زمینـه بـه قـدر تـوان تحقیـق کنیم.همانگونه که پیش از این آمد در منابع مکتوب پاسخی برای این سؤال پیـدا نـشد ولـی در مصاحبه‌هایی که با چند تن از استادان این هنر انجام شد، همگی آن‌ها خوشـنویس کتیبـه‌هـای دارالفنون را ((عماد الکتاب))[۲] می‌دانستند، بعضی از آن‌ها از روی شیوه خط بر این نظر هـستند

۱- همان.

*- در این قسمت از راهنمائی استادان ارجمند خوشنویسی آقایان ناصر جواهر پور، ناصر نوروزی منش و رضا صفری بهره مند شده ام.

۲- میرزا محمد حسین سیفی قزوینی، ملقب به عماد الکتـاب، از اسـتادان خوشـنویس (وفـات ۱۳۱۵ هـ ش. تهـران) بـرای مطالعه بیشتر درباره ایشان ر. ک. (قزوینی، ص ۱۳۵). همچنین ← (راهجیری، علی، زندگی و آثار عماد الکتاب)

و آقای ناصر جواهرپور[۱] اظهار می‌دارند که از استادشان، مرحوم سید حسین میرخانی[۲] شنیده‌اند که کتیبه ((توانا بود هر که دانا بود زدانش دل پیر برنا بود)) و ((دارالفنون ۱۲۸۷)) هر دو به خط عماد الکتاب هستند. اما متأسفانه اجرای ضعیف آن‌ها بر روی کاشی، سطح کار را تنزل داده است.



تصویر عمادالکتاب

۱- ناصر جواهرپور، متولد ۱۳۲۲ هـ ش، اصفهان. از سال ۱۳۴۲ هنر خوشنویسی را در حضور استاد مرحوم سید حسین میرخانی آغاز کرده و از تعلیمات استاد حسن میرخانی نیز بهره جسته است. هم اکنون از استادان مطرح و صاحب نام انجمن خوشنویسان ایران است و تنها کسی است که خط ناخنی را با مهارت و قدرت فراوان می‌نویسد و از مجموعه داران و متخصصان بزرگ خط نستعلیق روزگار ما است. برای آشنایی بیشتر با ایشان ر. ک ((انجمن خوشنویسان ایران، فعال‌تر از همیشه)) گفتگو با ناصر جواهرپور، خوشنویس معاصر، کیهان فرهنگی، ۱۳۶۳، ش ۴: ۲۲ – ۲۳

۲- استاد سید حسین میرخانی، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی (۱۲۸۶ – ۱۳۶۱ هـ ش)، خطاط. کسی که درفن کتابت *سرآمد اقران بود وپهلوانی درخوشنویسی راکتابت می‌دانست. انجمن خوشنویسان ایران راپایه گذاری کرد و از آثاراو دو مجلد قرآن کریم به خط نستعلیق است. (اثرآفرینان، ۱۳۷۷، ج پنجم، ص ۳۱۶) برای آشنایی بیشتر با ایشان ر. ک (میرخانی، اشرف السادات، مروری بر زندگی استاد سید حسین میرخانی)*

نتیجه‌گیری

کتیبه‌های مدرسه دارالفنون هنگام تجدید بنای آن (۱۳۱۳ – ۱۳۰۸ هـ ش) ایجاد شده‌اند و به احتمال بسیار قوی خوشنویس آن‌ها عماد الکتاب است.

یافتن سند متن این کتیبه‌ها، بیان مشخصات ظاهری آن‌ها و به دست دادن مصرع دیگر ابیاتی که فقط یک مصرع آن‌ها متن کتیبه راتشکیل می‌دهد از جمله یافته‌های این مقاله هستند.

آن چه هنوز می‌توان در جستجوی آن بود و به پژوهش‌های دیگری نیاز دارد، اسنادی است که درباره دستورایجاد، انتخاب کننده متن و خوشنویس کتیبه‌ها به دست نیامد.

منابع

۱. آدمیت، فریدون، **امیر کبیر وایران**، چ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر: ۱۳۳۴.

۲. آرین‌پور، یحیی، **از صبا تا نیما**: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی، چ ششم. تهران: انتشارات زوار: ۱۳۷۵

۳. آشتیانی، عباس اقبال، **میرزا تقی خان امیر کبیر**، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.

۴. آقا خان بن حسین قلی خان، ((**تاریخچه‌ای از دارالفنون**))، مجله وحید، ۱۳۵۳، شماره ۱۲، ۹۷۸ – ۹۸۳ و ۹۸۵

۵. اسدی طوسی، علی بن احمد، **گرشاسبنامه**، به اهتمام حبیب یغمائی، چ دوم. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۴.

۶. اشراقی، مهدی، **دارالفنون: گفتاری در هویت دارالفنون و جایگاه آن در تاریخ معاصر ایران**، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳.

۷. اعتماد السلطنهٔ، محمد حسن خان، **مرآة البلدان**، باتصحیحات، حواشی و فهارس، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی ومیرهاشم محدث، [۳ جلد]، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۸ افشار، ایرج، **فهرست مقالات فارسی**

۹. اصفهانی، میرزاحبیب، **تذکره خط و خطاطان**، تهران: انتشارات کتابخانه مستوفی،

۱۳۶۹.

۱۰.امامی کریم و عبدالحسین آذرنگ، **خرد و آزادی: یادنامه دکترامیرحسین جهانبگلو**، تهران: [بی نا]، ۱۳۷۲.

۱۱.((بازگشت به معماری اصیل ایرانی، دارالفنون، تجلی دانش نور درمنظر معماری سنتی))، روزنامه همشهری، ۸ / ۱۲ / ۱۳۷۱، ص ۵

۱۲.بامداد، مهدی، **شرح حال رجال ایران**، ۶ جلد، چ چهارم، تهران: زوار، ۱۳۷۱.

۱۳.بروگشن ن، دکتر هنریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کردبچه، ۲ جلد، چ دوم، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸.

۱۴.((بناهای تاریخی در پناه قانون)) مجله اثر، شماره ۲۸، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴ – ۱۹۳

۱۵.بهار، محمد تقی، ((ملک الشعرا))، **سبک شناسی**، ۳ جلد، چ ۶، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰

۱۶.بیانی، مهدی، **احوال و آثار خوشنویسان، با نمونه‌هائی از خطوط خوش**، ۴ جلد در ۲ مجلد، چ دوم، تهران: انتشارات علمی، [بی تا]

۱۷.جعفری، **از دریا به دریا: کشف الابیات مثنوی**، ۴ جلد، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ – ۱۳۶۵.

۱۸.حاج سید جوادی، کمال، **با همکاری** عبدالحسین نوائی، **اثرآفرینان: زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا ۱۳۰۰ هجری شمسی)**، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.

۱۹.خرمشاهی، بهاء الدین، **حافظ نامه: شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ**، چ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۲۰.دبیر سیاقی، سید محمد، **کشف الابیات شاهنامه فردوسی**، تهران: مؤسسه انتشارات مدبر، ۱۳۷۸.

۲۱.دهخدا، علی اکبر، **امثال و حکم**، ۴ جلد، چ هشتم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴.

*۲۲.ـــــ، **لغت نامه**، ۱۵جلد + مقدمه، چ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه انتشارات و*

چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۲۳.راهجیری، علی، **زندگانی و آثار عماد الکتاب**، چ دوم، تهران: کتابخانه مرکزی، ۱۳۶۲.

۲۴.رودکی، جعفر بن محمد، **دیوان شعر**، پژوهش، تصحیح وشرح جعفر شعار، چ دوم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.

۲۵.روشنی زعفرانلو، قدرت الله، **امیر کبیر و ایران**، تهران: کتابخانه مرکزی ومرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.

۲۶.زرین کوب، عبدالحسین، **روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی**، چ چهارم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۱.

۲۷.سعدی، مصلح الدین، **گلستان سعدی**، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.

۲۸.سلطان زاده، حسین، **تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون**، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۴

۲۹.سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، **حدیقهٔ الحقیقهٔ و شریعهٔ الطریقه**، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، استاد ممتاز دانشگاه تهران، چ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۳۰.شمیم، علی اصغر، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، چ چهارم، تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی، ۱۳۷۲

۳۱.شهری جعفر، **طهران قدیم**، ۵ جلد، چ دوم، تهران: معین، ۱۳۷۶.

۳۲.شهیدی مازندرانی (بیژن)، حسین، **سرگذشت تهران**، تهران: انتشارات راه مانا و دنیا، ۱۳۸۳.

۳۳.صدیق، عیسی، **تاریخ فرهنگ ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.

۳٤.صفائی، ابراهیم، ((**گزارشی از دارالفنون**))، مجله ارمغان، شماره ۴۵، ۱۳۵۵: ۳۶۶ – ۳۷۴.

۳۵.عباس، استاد حسن، **عهد اردشیر**، برگرداننده به فارسی: س. محمد علی امام شوشتری، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ((۶۷))، ۱۳۴۸.

۳۶.عطار، فرید الدین محمد بن ابراهیم نیشابوری، **منطق الطیر**، مقدمه، تصحیح وتعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۳.

۳۷.فردوسی ابوالقاسم، **شاهنامه**، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سید سعید حمیدیان، ۴ مجله، چ ۴، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۶.

۳۸.ــ ـــــ، **شاهنامه**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چ سوم، ۶ جلد در ۳ مجلد، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۶۱.

۳۹.فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، چ دوم، تهران: شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.

۴۰.ـــــ، شرح مثنوی شریف، ۳ جلد، تهران: انتشارات زوار، چ پنجم، ۱۳۷۱.

۴۱.قاضیها، فاطمه، ((**دارالفنون**))، مجله گنجینه (۲)، زمستان ۱۳۶۸: ۱۱۹ – ۱۴۳.

۴۲.**قرآن کریم**، با ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۹.

۴۳.**قرآن کریم** همراه باترجمه، توضیحات و واژه نامه، بهاء الدین خرمشاهی، تهران: نیلوفر، جامی، ۱۳۷۴.

۴۴.قزوینی، محمد، ((**وفیات معاصرین**))، مجله یادگار، سال پنجم، شماره ۶ و ۷، ص ۱۳۵.

٤٥.کریمیان، علی، ((**میرزا رضای مهندس باشی از نخستین مهندسان ایرانی در عهد قاجار**))، مجله گنجینه اسناد، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۸۰، ص ۵۷ – ۴۴.

۴۶.محبوبی اردکانی، حسین، **تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران**، ۳ جلد، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۴۷.ـــــ، **چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصر الدین شاه**، به کوشش ایرج افشار، تهران: *انتشارات اساطیر*، ۱۳۶۸.

۴۸.محمد بن منور، **اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، چ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۱.

۴۹.محمدی، محمد ((**کتاب المسائل منسوب به خسروانوشیروان**))، الدراسات الادبیه، ۷: ۴۵ – ۷۲.

۵۰.محیط طباطبایی، محمد، ((**کارنامه انوشیروان**))، مجله شرق، ۱: ۵۵۲ – ۵۵۹ و ۵۹۰ – ۶۰۲ و ۷۱۹ – ۷۲۰

۵۱.مخبر السلطنهٔ، هدایت، **گزارش ایران**، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران: انتشارات قطره،۱۳۶۳.

۵۲.مدرس تبریزی، علی، **ریحانهٔ الادب**، تهران: انتشارات خیام، ۱۳۷۴.

۵۳.مرقی کاشانی، حکیم افضل الدین محمد (بابا افضل)، **دیوان شعر**، بررسی، مقابله وتصحیح از مصطفی فیضی و دیگران، کاشان: انتشارات اداره فرهنگ و هنر، [بی تا]

۵۴.معتمدی، محسن، **جغرافیای تاریخی تهران**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

۵۵.مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی تا]

۵٦.مکی، حسین، **زندگانی میرزا تقی خان امیرکبیر**، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۲۳ ه ش

۵۷.مولوی، جلال الدین محمد، **کلیات دیوان شمس**، مطابق نسخه تصحیح شده استاد بدیع الزمان فروزانفر، به کوشش پرویز بابائی، چ پنجم، ۲ جلد، تهران: انتشارات سیمای دانش: ۱۳۷۸.

۵۸. ــــــ، **مثنوی معنوی**، تصحیح رینولد الین نیکلسون، ۶ جلد جیبی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۵.

۵۹.میرخانی، اشرف السادات، **مروری بر زندگی استاد سید حسین میرخانی، همراه با آثار و نوشته‌هایی از سی و شش استاد خوشنویس معاصر**، تهران: انتشارات فرهنگان،۱۳۷۷.

۶۰.نظامی گنجوی، **کلیات خمسه**، چ پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶.

۶۱.نوربخش، مسعود، **تهران به روایت تاریخ**، ۴ جلد، تهران: نشر علم، ۱۳۸۱.

۶۲.نیر الملک، جعفرقلی، ((**گزارش روزانه دارالفنون**))، مجله انجمن تاریخ، دوره دوم، ش ۱، آبان ۱۳۵۲: ۴۰ – ۴۱.

۶۳.وحیدنیا، سیف الله، ((**گزارشی از وضع مدرسه دارالفنون در ۱۱۰ سال قبل**))،مجله خاطرات و اسناد (۲)، ۱۳۶۷، ص ۱۲۴ – ۱۲۹.

۶۴.وزیری، سعید، **آشنایی با دارالفنون**، تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت: ۱۳۸۳.

۶۵.یغمایی، اقبال، **مدرسه دارالفنون**، تهران: انتشارات سروا، ۱۳۷۶.

محراب گچی مسجد ملک زوزن ـ خواف

مصطفی راستی دوست*

* کارشناس ارشد باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی

چکیده

مسجد ملک زوزن در شمال شرقی ایران در نزدیکی مرز ایران با افغانستان قرار دارد. در کاوشی که در سال ۱۳۶۹ در این مسجد صورت گرفت، محراب گچبری زیبایی با کتیبه‌های متعدد کشف شد که در این مقاله به توصیف آن پرداخته شده است.

محراب گچبری مسجد ملک زوزن ـ خواف

مسجد ملک زوزن در شمال شرقی ایران در نزدیک مرز افغانستان با ایران، در سال ۱۳۱۹ هـ ش توسط آندره گدار (فرانسوی) که رئیس کل عتیقات وقت ایران بود مورد بررسی قرار گرفت. در سال ۱۳۶۴ هـش خانم شیلا بلر از مسجد بازدید به عمل آورد. در سال ۱۳۶۶ دکتر شهریار عدل با توجه به یکسری مطالعات برروی مسجد اعلام داشت، بنای مسجد زوزن یک بنای نیمه تمام است در سال ۱۳۶۹ کاوش مسجد زوزن توسط باستان شناس ایرانی آقای لباف خانیکی آغاز شد.

اولین گمانه به نام الف در نزدیکی دیوار جنوبی ایوان غربی زده شد و بقایای ستونهای استوانه‌ای و ستون‌هائی با مقطع مربع و ستون‌هائی با مقطع مستطیل کشف شد. این بقایا نمایانگر ۳ دوره معماری، بر اساس نما کاری آجری ستون‌ها بود.

گمانه‌های ب – ج – د، در فصل دوم کاوش حفر شد در مراحل اولیه حفر گمانه، سطح گچی که بخشی از آن تخریب شده بود پدیدار گشت از این لحظه به بعد عملیات کاوش با دقت و ظرافت بیشتری همراه بود. با خاکبرداری بیشتر متوجه نقوش گچی با اشکال گیاهی شدیم در این زمان پشت و روی گچ بری مشخص گردید.

گچبری برروی یک دیوار خشتی تعبیه شده بود و عملیات کاوش تا کف محراب ادامه یافت و محرابی گچبری سالم پدیدار شد که فاصله‌ای به اندازه ۱ سانتیمتر بین محراب و دیوارخشتی ایجاد کرده بودند که با ماسه بادی نرم پر شده بود. با مطالعه محراب مشخص گردید که این عنصر معماری زیبا متعلق به عهد سلجوقیان است. محراب دارای ۳ متر ارتفاع و۱۶۸ سانتی مترعرض است قطر دهانه محراب کوچک، ۵۰ سانتیمتر و ارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر و عمق آن ۲۰ سانتیمتر است. ساق‌های محراب تا ارتفاع ۶۰ سانتیمتر آسیب دیده کادر اولیه در

.خش غربی نیز صدمه دیده است. قسمت بالای محراب نیز به ابعاد ۱۰۰ × ۱۰۰ سانتیمتراز بین رفته است. بالای محراب با تزئینات با اشکال گیاهی و هندسی مشبک آراسته شده در متن اصلی محراب کتیبه محراب کوچکتری به ارتفاع ۶۰ سانتیمترکه عمیق تر از سطح زمین است نقش بسته است.

در این محراب از رنگ‌های زرد، نارنجی، سبز، آبی و صورتی بهره گرفته شده است زمینه کتیبه‌ها آبی رنگ بوده که بر لبه آنها خط نازک زردی کشیده شده، در این طرح گل‌ها نارنجی رنگ و برگ‌ها سبزند و محراب با این ترکیب گچبری زیبا و رنگ آمیزی متناسب، بسیار جذاب جلوه می‌کند.

جمعاً چهار کتیبه برروی محراب نوشته شده است. طولانی‌ترین کتیبه بر اطراف محراب و در داخل کادری به عرض ۱۷ سانتیمتر نقش بسته و متن آن به قرار ذیل است:

« بسم الله الرحمن الرحیم، انما و لیکم الله و رسوله و الذین یقیمون الصلوه و یوتون الزکوه و هم راکعون و من یقول الله و رسوله والذ" »

کتیبه دیگری بربالای محراب کوچک میانی ودر داخل قابی مستطیل دردوسطر به مضمون زیر نوشته شده است:

«ما امر به اشیخ الرئیس محمد بن محمد تقبل الله منه و رضی عندالملک الله»

یک کتیبه نیز بر حاشیه محراب میانی به قرار زیر نوشته شده است:

«بسم الله الرحمن الرحیم، قدافلح المومنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون والذین هم"»

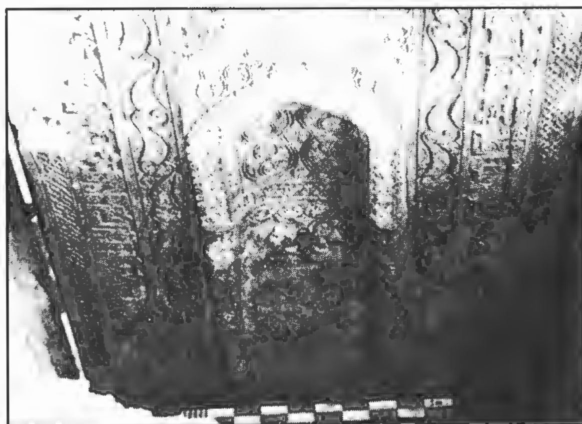
و کتیبه دیگری بر بدنه محراب کوچک میانی به این مضمون نوشته شده است:

"**عمل ابو سعد بن محمد الساربان** "خط کتیبه‌های کوفی تزئینی برجسته است.[1]

قسمت فرورفتگی محراب به عمق ۲۰ سانتیمتر با نقوش گیاهی تزئین شده است که قسمت بالا کمتر دچار آسیب دیدگی است، محراب در جناحین دارای ۳ کادر است که دور تا دور محراب کوچک چرخیده است، کادر اول شامل نقوش هندسی است و کادر دوم کتیبه‌ای

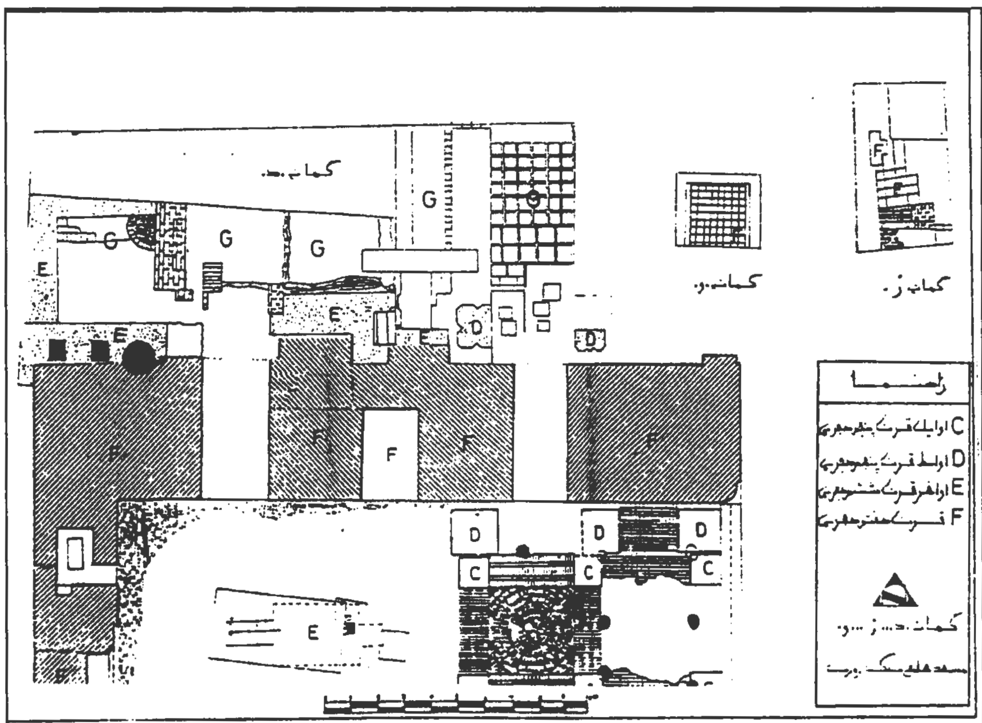
۱- سیر تحول زوزن – رجبعلی لباف خانیکی، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد- سال ۱۳۷۶. تهران

با عرض ۱۷ سانتیمتراست و کادر سوم دارای نقوش گیاهی است. تزئینات برروی قوس محراب کوچک بسیار ظریف است در محراب و کتیبه‌های آن به تاریخی اشاره نشده است اما از روی خطوط می‌توان آن را از نمونه‌های استاد کارانه هنر گچبری دوره سلجوقی دانست.





محراب گچی مسجد ملک زوزن



نقشه وضعیت نهایی گمانه « د»، « و»، « ز» در پایان کاوش آن گمانه‌ها و نمایش

مآخذ نقشه: سیر تحول مسجد زوزن - رجبعلی لباف خانیکی - مجموعه مقالات همایش معماری مسجد. سال ۱۳۷۶ - تهران.

کتیبه‌های مسجد جامع ورامین

علی فرحانی*

* عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران

چکیده:

مسجد جامع ورامین یکی از آثار تاریخی دوره ایلخانیان است که به استناد کتیبه تاریخی آن در عصر حکومت ابوسعید بهادر خان به سال ۷۲۲ هجری قمری بنا گردید. این بنا در دوره تیموریان مورد مرمت قرار گرفت و گزارش‌های زیادی نیز از سوی جهانگردان دوره قاجاریه درباره این بنا ثبت و ضبط شده است. در این مقاله پژوهشی، که بیشتر حاصل کارهای میدانی نگارنده است کتیبه‌های تاریخی سر در و ایوان ورودی، ایوان شرقی، طاقنماهای خارجی ایوان، ایوان جنوبی، ستون نمای تزئینی دهانه طاق بزرگ ایوان، گنبد خانه(مقصوره) و محراب آن، برای نخستین بار معرفی و مورد پژوهش قرار گرفته است.

موقعیت جغرافیایی و تاریخچه بنا:

مسجد جامع ورامین در ۴۲ کیلومتری جنوب تهران در شهرستان ورامین و در ۳۵درجه و ۱۹ دقیقه و ۲۰ثانیه طول جغرافیایی و در ۵۱ درجه و ۳۸ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۹۴۵متری از سطح دریا قرار دارد. این بنا به استناد کتیبه تاریخی موجود در آن در زمان سلطنت ابو سعید بهادرخان به سال ۷۲۲ هجری قمری ساخته شده[1] و بانی آن براساس کتیبه‌ای که تنها بخشی از آن به جا مانده «محمد بن محمد بن منصور القوهدی» می‌باشد[2]. این بنا در زمان شاهرخ تیموری به سال ۸۲۱ هجری قمری مورد مرمت قرار گرفت[3]. از وضعیت مسجد جامع بعد از دوره تیموری تا دوره قاجاریه هیچ اطلاعی در دست نیست. سیاحانی که در دوره قاجاریه به ایران سفر کرده و ازاین بنا دیدن کرده اند، در طرح‌ها و نوشته‌های خود آن را به صورت ساختمان مخروبه‌ای توصیف می‌کنند.[4]

بنای مسجد در سال ۱۳۱۰ هجری قمری با شماره ۱۷۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. در سال‌های اخیر اداره کل میراث فرهنگی استان تهران اقدام به مرمت و بازسازی

---

۱ - اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸: ۲۰۴۰

۲ - اعتماد السلطنه، همان

۳ - ویلبر،۱۳۶۵:۱۷۱و ۵۲–۱۹۳۱:۵۰، kratchkovskaia

۴ - دیو لافوآ، ۱۳۶۱: ۱۴۰–۱۴۲ و کرزن، ۱۳۷۳: ۴۶۵ و کلاویخو، ۱۳۶۶: ۳۰۳و امینی، ۱۳۶۸: ۱۴۴

قسمت‌های مختلف آسیب دیده مسجد، از جمله سر در و ایوان‌های اضلاع شمالی، جنوبی و غربی نموده است[1]. مسجد جامع ورامین امروزه محل برپایی نماز جمعه می‌باشد. حریم قانونی آن، با ایجاد حصاری در اطراف، مشخص شده است.



نمای شمالی مسجد جامع ورامین

مجموعه ورودی، متشکل از طاقنماها و طاقچه‌هایی است که با تزیینات مختلف گچبری، آجرکاری و کاشی کاری، در طرح‌های هندسی، گیاهی و نوشتاری پوشیده شده است. در ضلع جنوبی ایوان جنوبی مسجد، گنبد خانه (مقصوره) قرار دارد. در دیوار جنوبی گنبدخانه، محراب زیبای گچبری مسجد واقع شده که بی شک از شاهکارهای هنر گچبری ایران در دوران اسلامی به شمار می‌رود. با وجود آنکه تنها نیمی از محراب مذکور باقی مانده است، ولی همین قسمت‌های باقیمانده که در آن ترکیبی از اشکال هندسی و گیاهی به همراه کتیبه‌های متعدد قرآنی دیده می‌شود، بیانگر توانایی، خلاقیت و ابتکار بالای هنرمندان ایرانی در عهد ایلخانی می‌باشد[2].

---

۱ - شیبانی، ۱۳۶۵: ۱۱۰–۱۱۵و شیبانی، محبعلی، ۱۳۶۵: ۴۷–۵۰

۲ - فرحانی، همان: ۲۱۲–۲۱۳و همو، ۱۳۸۱:۴۵–۴۶

پیشینه تحقیقات درباره بنا:

نخستین اشاره‌ها به مسجد جامع ورامین، نوشته‌های سیاحان و مورخینی است که از این بنا دیدن کرده و به توصیف آن پرداخته اند. ژان دیولافوا که در دوره قاجار به ایران سفر کرده، پس از دیدن مسجد، توصیفی کلی ازبنا به همراه طرح‌هایی از آن ارائه داده و به بخشی از تزیینات مسجد نیز اشاره می‌کند[۱]. لرد کرزن، سفیر انگلیس در ایران، در شرح مشاهدات خود از مسجد آن را به صورت بنای مخروبه‌ای توصیف می‌کند[۲].

از مورخینی که به مسجد جامع ورامین اشاراتی دارند، یکی محمد حسن خان اعتمادالسلطنه است. او در کتاب خود مرآت البلدان ضمن توصیفی از بنا، به ذکر بعضی قسمت‌های مسجد پرداخته و اشاره‌ای نیز به کتیبه‌ها و تزیینات کاشی کاری آن دارد[۳].

گذشته از اشارات فوق، عمده‌ترین مطالب نگاشته شده درباره مسجد، مربوط به تحقیقات محققین معاصر است. با توجه به اهمیت و جایگاهی که این مسجد در معماری اسلامی ایران داردتقریبا در تمالم کتب معماری اسلامی از آن یاد شده است. زاره آلمانی از نخستین کسانی است که اقدام به انتشار مطالب، عکس‌ها و نقشه‌ای از آن نموده است[۴]. چند تک نگاری نیز درباره مسجد جامع ورامین ارائه شده که از جمله آنها نوشته پوپ می‌باشد. هر چند او تحلیلی زیباشناختی از بنا ارائه می‌دهد ولی به جهت ارائه برخی عکس‌ها و طرح‌های مربوط به تزیینات مسجد، حائز اهمیت می‌باشد[۵]. در اوایل دهه ۱۹۳۰میلادی و. کراچوسکایا به بررسی کتیبه‌های مسجد پرداخت، ولی مطالعات خود را بر پایه مدارک ارائه شده به وسیله زاره و موروزف انجام داد(Kratchkovskaia،Ibid). موروزف در سال ۱۹۲۷ میلادی از مسجد جامع ورامین دیدن کرده و عکس‌ها و طرح‌هایی از مسجد ارائه داده است. دونالد. ن . ویلبر نیز که در فاصله‌ی سال های۱۹۳۷ تا ۱۹۳۹میلادی از مسجد دیدن کرده نتایج بررسی‌های خود را در

---

۱ - دیولافوآ، همان

۲ - کرزن، همان

۳ - اعتمادالسلطنه، همان

۴ - Sarre ،۱۹۳۱-۶۴:۵۹

۵ - Pope ،۱۹۳۰ :۱۰۹۴-۱۰۹۶

مورد بنا و تزیینات آن به چاپ رسانیده است[1]. در سال‌های ۱۳۴۵تا ۱۳۵۴هجری شمسی و طی کاوش‌های باستان شناسی که توسط دفتر آثار تاریخی در شبستان غربی مسجد جامع انجام گرفت بقایای معماری این قسمت از بنا نمایان گردید. متأسفانه نتایج حاصله منتشر نشد و تنها ۲ جلد گزارش مختصر و مصور از آن در آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه اداره کل میراث فرهنگی استان تهران موجود می‌باشد.

از ویژگی‌های مسجد جامع ورامین تزیینات به کار رفته در آن است که ادامه تزیینات معماری ادوار گذشته به ویژه عصر سلجوقی شامل آجرکاری، کاشی کاری و گچبری است که با روش‌های مختلف اجرا و در انواع نقوش مختلف هندسی، گیاهی و نوشتاری در قسمت‌های داخلی و خارجی بنا تجلی یافته است. تزیینات نوشتاری بنا در قالب کتیبه‌های زیبا با خطوط مختلف استکه زینت بخش نمای خارجی و داخلی بنا می‌باشد. نوشتار حاضر تلاش دارد به معرفی کتیبه‌های این بنای ارزشمند بپردازد.

کتیبه‌های بنا:

کتیبه‌های مسجد جامع ورامین بر نقاط اصلی و محوری بنا با مصالحی از گچ، آجر، کاشی و بعضاً تلفیقی از مصالح مذکور بر عناصر مختلف معماری با خطوط کوفی در انواع مورق، مشجر و خطوط بنایی، ثلث و نسخ بسیار هنرمندانه و زیبا اجرا شده اند. مضامین کتیبه‌ها شامل تاریخ و بانی بنا، آیات قرآن و اسماء مقدس می‌باشد. این کتیبه‌ها در نقاطی شامل سر در و ایوان ورودی، ایوان‌های شرقی و غربی (در اثر تخریب ایوان غربی از کتیبه‌های این بخش هیچ اطلاعی در دست نیست ولی با توجه به وجود اصل تقارن در معماری اسلامی به طور قطع ایوان غربی نیز دارای تزیینات نوشتاری و احتمالاً شبیه ایوان شرقی بوده است.) ایوان جنوبی و گنبدخانه مقصوره قابل رؤ یت می‌باشد.

---

۱ - ویلبر، همان: ۱۷۰-۱۷۱

ویژگی‌های معماری بنا:

بنای با عظمت مسجد جامع ورامین از شاهکارهای ارزنده معماری ایران در عصر ایلخانی می‌باشد و تمام خصوصیات ساختمانی مساجد دوره ایلخانی در آن به کار رفته است. مسجد دارای سردر ورودی در شمال و صحن مرکزی و ایوان‌هایی است که در اطراف و در ضلع جنوبی گنبدخانه مقصوره قرار دارد. ویژگی اصلی مسجد نقشه‌ی چهار ایوانی آن است که همه‌ی چهار ایوان متوازن در یک دوره ساختمانی بنا شده است. نقشه چهار ایوانی به گونه‌ای که در این مسجد به کار رفته، نخستین بار در دوره سلجوقی چهره نمود، و از نمونه‌های شاخص آن که قابل مقایسه با مسجد جامع ورامین می‌باشد، مسجد جامع زواره است.[1]

سردر ورودی مسجد جامع ورامین که در ضلع شمالی آن قرار گرفته متشکل از طاقنماها و طاقچه‌هایی در داخل و خارج است که به عنوان عناصری تزیینی در بخش‌های مختلف سردر قرار دارند. براین عناصر معماری تزیینات کاشی کاری و آجرکاری در نقش‌های هندسی، گیاهی و نوشتاری اجرا شده است. در قسمت بالای سردر ورودی، محل دو مناره مشخص می‌باشد که به مرور زمان از بین رفته اند. لازم به ذکر است که ساختن سردرهای بلند و کشیده با یک جفت مناره در اطراف و گنبدی با حجم فوق العاده و صحن کوچک از خصایص معماری دوره مغول می‌باشد که در مسجد جامع ورامین به طرزی استادانه اجرا شده است.

در بخش مرکزی مسجد، صحن بازی دیده می‌شود که در اطراف آن ایوان‌های چهارگانه مسجد واقع شده است. ایوان ها، متشکل از تعدادی طاق جناغی در اطراف است که در بعضی قسمت‌ها دارای تزیینات کاشی کاری، آجرکاری و گچبری در اشکال هندسی، نوشتاری و گیاهی می‌باشند. مهم‌ترین ایوان مسجد، ایوان جنوبی است که نمای رو به صحن آن به مانند نمای خارجی می‌باشد.

مجموعه‌ی سردر و ایوان ورودی:

سر در ورودی مسجد جامع ورامین که در ضلع شمالی آن قرار دارد با حدود ۱۲متر ارتفاع متشکل از طاقنماها و طاقچه‌هایی در داخل و خارج است که به عنوان عناصری تزیینی در

۱ – ویلبر، همان: ۱۷۰ و فرحانی،۱۳۷۸:۲۱۲ و همو، ۱۳۸۱: ۴۵

بخش‌های مختلف سر در قرار گرفته‌اند. بر این عناصر معماری تزیینات کاشی کاری و آجر کاری در نقش‌های هندسی، گیاهی و نوشتاری اجرا شده است. در داخل سردر و ایوان ورودی دو لوح کتیبه وجود دارد که عبارتند از:

کتیبه نخست بر بالای مدخل ورودی شمالی مسجد که به خط ثلث دیده می‌شود که از قطعات کاشی فیروزه‌ای در زمینه‌ای لاجوردی رنگ تشکیل شده درون یک قاب مستطیل شکل به ابعاد ۳۰/۱×۶۰/۲متر جای گرفته است. متن کتیبه در برگیرنده نام بانی و سال احداث مسجد جامع ورامین می‌باشد. متأسفانه قسمت بیشتر آن فرو ریخته و تنها برخی از کلمات آن باقی مانده است.

این کتیبه را حدود یک قرن پیش، مؤلف کتاب مرآت البلدان، محمد حسین خان صنیع الدوله چنین خوانده است:

«ذکر القدیم اولی بالتقدیم ولی هذه العماره الجامع و سایر المنازل الاعلی مولی السلطان المعظم و الخاقان الاعظم و مالک الرقاب الامم و السلطان السلاطین العرب و العجم ابوسعید بهادر خان خلد الله سلطان العبد الضعیف محمد بن منصور القوهدی تقبل الله لمرضاته بسعی ولده الخلف الصالح الحسن بن محمد سلمه الله تعالی و سعید فی شهر سنه ۷۲۲ »[۱]

۱ - اعتماد السلطنه، همان



وضع موجود کتیبه ثلث بالای مدخل ورودی مسجد

متن کتیبه چنان چه ذکر شد نشانگر احداث بنای مسجد جامع در زمان سلطنت ابو سعید فرزند و جانشین سلطان محمد اولجایتو و توسط یکی از افراد متنفذ و متمول این عصر می‌باشد. لازم به ذکر است محققینی که در دوران معاصرازمسجد جامع ورامین دیدن کرده اند طرح‌هایی از کتیبه‌های مسجد از جمله این کتیبه ارائه داده اند.[۱]

کتیبه دوم ایوان ورودی، بر بالای کتیبه نخست و در قسمت پاکار قوس طاق بزرگ ایوان ایجاد شده است. این کتیبه که درون یک قاب مستطیل شکل آجری قرار گرفته، هر سه جبهه ایوان را دور می‌زند و امروزه تنها بخشی از آن باقی مانده است.

کتیبه مذکور ۴۰/۱متر طول و حدود ۷۰ سانتی متر عرض و به خط کوفی بنایی نگاشته شده و امروزه تنها چند کلمه از کتیبه بر دیوار غربی و جنوبی ایوان بر جای مانده است. کلمات کتیبه از آجر تراش ساده بر زمینه‌ای از کاشی معرق به رنگ‌های فیروزه‌ای و لاجوردی با طرح‌های اسلیمی می‌باشد و کلمات آجری کتیبه برجسته تر از زمینه تزیینی آن بوده و حدود آن با خطی متشکل از قطعات کاشی فیروزه‌ای رنگ مشخص شده است. متن کتیبه شامل آیه

۱- اعتماد السلطنه، همان: ۴۴-۲۰۴۰،۵۸-۲۵: Kratchovskaia ،Ibid

۱۸ سوره توبه و بخش باقی مانده آن عبارت است از:

«....................... الرحیم انما یعمر مساجد الله ....»

متن کامل کتیبه چنین است: **«بسم الله الرحمن الرحیم انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوه و اتی الزکوه و لم یخش الا الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین»**

محتوای کتیبه شامل پیامی جهت رستگاری مومنین و پرهیزگارانی است که نسبت به ساخت مساجد و برپایی نماز و زکات (دستورات الهی) اهتمام کافی دارند.



نمایش وضع موجود کتیبه کوفی نمای داخلی ایوان ورودی مسجد

ایوان شرقی:

ایوان شرقی بنا که در ضلع شرقی صحن مرکزی مسجد واقع شده است شامل رواقی است که نمای داخل آن با تزیینات گچبری در انواع مهری و قالبی شامل نوارهای برجسته در پاکار قوس و اسپر طاق‌ها و طاقچه‌های داخلی ایوان مزین شده است. نمای رو به صحن ایوان نیز دارای تزیینات آجرکاری با نقوش گره چینی بر پهنه جرزها و دیوارها است.

کتیبه‌های ایوان شرقی در نمای داخلی، بر پهنه عناصر معماری، مانند جرزها و اسپر طاقچه‌ها و رواق‌های این بخش طراحی شده اند. بر اسپر طاقچه‌ها و طاق‌های داخلی ایوان که با نواری گچبری مزین شده به خط کوفی اسماء مقدس «**الله**»، «**محمد**»، «**علی**» نگاشته شده است. علاوه بر آن در نمای داخلی ایوان در قسمت جنوبی بر پهنه یکی از جرزها یک لوح کتیبه به خط ثلث، این عبارت به چشم می‌خورد:

« عمل علی قزوینی خدایش بیامرزاد »



کتیبه ثلث نمای داخلی ایوان شرقی

در خصوص محتوای این کتیبه و شخص علی قزوینی برخی از متخصصین مانند پوپ از

او به عنوان معمار مسجد یاد می‌کنند.[۱] و برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که این شخص هنرمندی است که تزیینات گچبری مسجد را انجام داده است. هر چند که اثبات این نظریه‌ها نیازمند انجام بررسی دقیق و کاملی می‌باشد.



کتیبه کوفی ستون نمای تزیینی دهانه طاق ایوان جنوبی

طاقنماهای خارجی ایوان:

در نمای رو به صحن و طرفین ایوان جنوبی دو طاقنما در دو طبقه قرار دارد که بر پهنه طاقنماهای تحتانی و در زمینه تزیینات گره چینی طاقنما به خط کوفی نام مقدس «الله» نگاشته شده که احتمالاً تمام سطح داخلی طاقنماها را در بر می‌گرفته است. علاوه بر نمای خارجی در نمای داخلی ایوان نیز کتیبه‌هایی به چشم می‌خورد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. در داخل ایوان جنوبی پنج مدخل بر پهنه دیوارها تعبیه شده که سه مدخل در دیوار جنوبی قرار دارد و

۱ - پوپ، ۱۳۶۵:۲۲۲

به گنبدخانه مقصوره منتهی می‌شود و دو مدخل دیگر یکی بر پهنه دیوار غربی و دیگری پهنه دیوار شرقی واقع شده که به شبستان‌های مسجد در این نقاط راه می‌یابند. در طرفین و قسمت فوقانی این مدخل‌ها عناصر معماری مانند قاب، طاقنما و مقرنس ایجاد شده که با کتیبه‌های مختلف مزین شده اند.لازم به ذکر است که یکی از ورودی‌های مسجد در ایوان شرقی تعبیه شده و علاوه بر کتیبه ها، این ایوان با تزیینات زیبای گچبری و آجرکاری و نقوش زیبای اسلیمی و گره چینی آراسته شده است.

ایوان جنوبی:

ایوان اصلی مسجد یعنی ایوان جنوبی که به گنبدخانه منتهی می‌شود بر محور طولی بنا واقع شده و با دهانه ۱۰/۵۵ متر و عمق ۴/۱۰ متر از ارتفاع بیشتری نسبت به سایر ایوان‌های مسجد برخوردار است. نمای خارجی و داخلی ایوان متشکل از طاقنماها، طاقچه‌ها و عناصر معماری است که با تزیینات آجرکاری، کاشیکاری و گچبری در انواع هندسی، گیاهی و نوشتاری مزین شده است. ایوان جنوبی مسجد پرکارترین قسمت بنا از حیث دارا بودن تزیینات و کتیبه می‌باشد. کتیبه‌های این بخش نیز بر عناصر معماری مانند طاقنما، مقرنس، ستون نما و قاب‌های تزیینی در نمای داخلی و خارجی با مصالحی از آجر، کاشی، گچ و بعضاً با تلفیقی از مصالح مذکور ایجاد شده اند و به ترتیب عبارتند از:

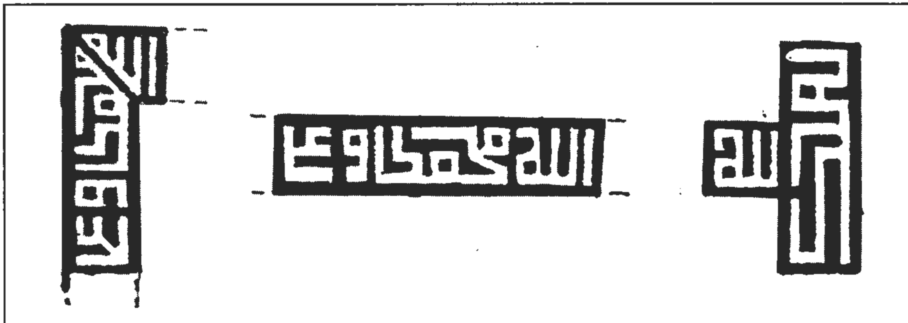
ستون نمای تزیینی دهانه طاق بزرگ ایوان:

در طرفین طاق ایوان جنوبی مسجد دو ستون نمای تزیینی وجود دارد که ارتفاع آنها ازکف ایوان تا پاکار قوس طاق ایوان می‌باشد. تزیین ساقه ستون نماها تکرار نام مقدس «**علی**» به خط کوفی بنایی درون قاب‌های لوزی شکل متصل به هم از کاشی تراش و قالبی(کاشی نره)

به صورت راسته بر زمینه‌ای از آجر خفته است . متأسفانه قسمت‌هایی از تزیین ساقه ستون نماها در بخش تحتانی از بین رفته است. ستون نماها دارای سر ستونی تزیینی به شکل گلدان است که با تزیینات گره چینی از آجر و کاشی مزین شده است.

در طرفین مدخل اصلی و مرکزی دیوار جنوبی ایوان و در اطراف تزیینات گره چینی

لچکی‌ها یک نوار تزیینی وجود دارد که در آن با استفاده از گچ اسامی مقدس «**الله**»، «**محمـد**»، «**علی**» به خط کوفی و به طور مکرر نگاشته شده است.



طرح کتیبه‌های کوفی لچکی مدخل اصلی ایوان جنوبی

علاوه بر آن حد فاصل میان مدخل‌های دیـوار جنـوبی و درقـسمت تحتـانی، دو طاقنمـای قرینه درون طاقنماهای گچبری شده با طرح‌هـای اسـلیمی وجـود دارد. پهنـه طاقـنماها دارای کتیبه‌هایی به خط کوفی بنایی، تکرار عبارت مقدس «**لا اله الا الله**»، «**محمد رسول الله**»، «**علـی ولی الله**» می‌باشد. کتیبه‌های طاقنمای ضلع غربی به طور کامل از بین رفته و از طاقنمای شرقی نیز تنها بخشی از آن در قسمت فوقانی طاقنما برجای مانده است.



کتیبه کوفی طاقنمای خارجی ایوان جنوبی

در قسمت فوقانی طاقنمای مذکور، دو لوح کتیبه گچی درون یک قاب تزیینی مستطیل شکل از گچ دیده می‌شود. کتیبه‌ها به خط ثلث و هر یک شامل پنج سطر و متن آنها مربوط به تکمیل و تعمیر مسجد جامع در زمان شاهرخ تیموری می‌باشد. متن کتیبه‌ها چنین است:

لوح سمت راست	لوح سمت چپ
قدتم مسجد جامع فی ایام	و بسعی الامیر الاعظم الا
الدوله السلطان الاعظم مالک	عدل افتخار الامرا فی الزمان
رقاب الامم مولی ملوک	الامیرغیاث الدوله و الدین
العرب و العجم السلطان شاه رخ	یوسف خواجه ....
بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانه	فی شهر محرم ....



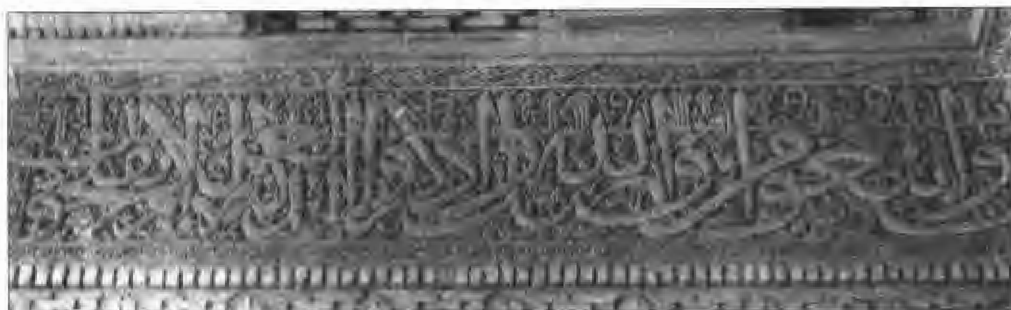


دو لوح کتیبه تیموری نمای داخلی ایوان جنوبی

در دو سوی کتیبه‌های مذکور و در قسمت فوقانی مدخل‌های فرعی دیوار جنوبی ایوان، در یک قاب مستطیل شکل، دو طاقنمای دیگر ایجاد شده که پهنه آنها با تزیینات گره چینی از آجر و اشکال هندسی، و لچکی‌ها با گچبری با نقوش گیاهی و هندسی تزئین شده است.

طاقنمای سمت راست دو لایه تزیین متفاوت دارد؛ به این ترتیب که بر روی تزیینات گره چینی آجری که تنها بخش اندکی از آن به جا مانده اندودی از گچ ایجاد شده است و بر آن طرح رگچین آجر تقلید شده و در بین بندها نیز اسماء مقدس «الله» و «علی» به صورت کنده ایجاد شده است. بر بالای مدخل‌ها و عناصر معماری تعبیه شده، دیوارهای داخلی ایوان جنوبی و تزیینات زیبای آجرکاری دیوارهای شرقی و غربی که با اشکال ستاره و صلیب بسیار زیبا و استادانه اجرا شده اند، در محل پاکار قوس طاق بزرگ ایوان دو کتیبه گچی به خط ثلث و کوفی درون قالبی مستطیل شکل به طول ۲۰ متر و عرض۱ متر ایجاد شده اند. کتیبه‌ها از دیوار غربی ایوان آغاز و بر دیوارهای جنوبی و شرقی امتداد پیدا می‌کنند.





بخش آغازین و انتهایی کتیبه‌های نمای داخلی ایوان جنوبی

کتیبه زیرین به خط ثلث شامل آیات۹ و ۱۰ سوره جمعه است:

«بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوه من یوم الجمعه فاسعوا الی ذکرالله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون فاذا قضیت الصلوه فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیراً لعلکم تفلحون»

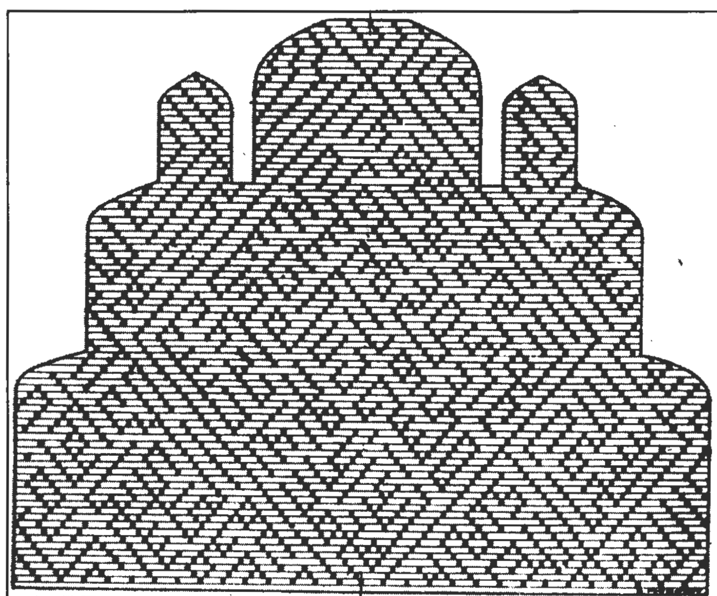
کتیبه فوقانی به خط کوفی گل و بوته دار، دو سوره ماعون و اخلاص را در بر می‌گیرد:

«بسم الله الرحمن الرحیم ارایت الذی یکذب بالدین فذلک الذی الیدع الیتیم و لایحض علی طعام المسکین فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون الذین هم یراوون و یمنعون الماعون. بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم

یکن له کفواً احد. »

این کتیبه‌ها را قاب گچبری زیبائی با نقوش اسلیمی در بر می‌گیرد.

فضای درونی طاق بزرگ ایوان نیز با تزیینات زیبای مقرنس کاری و کتیبه‌های کوفی بنایی آراسته شده است. مقرنس‌ها از آجرتراش و قالبی در پنج ردیف که بر پهنه مرکزی آنها با استفاده از آجرهای پیش آمده و فرونشسته کتیبه‌هایی به خط کوفی بنایی نگاشته شده است. کتیبه‌ها شامل عبارت مقدس «**اللهم صل علی محمد**»، «**علی**»، «**حسن**»، «**حسین**»، «**صلوات الله علیهم**»، «**الملک لله**»، «**سبحان الله**» است.



کتیبه‌های کوفی بنایی پهنه داخلی طاق ایوان جنوبی

گنبدخانه (مقصوره):

مقصوره مسجد در ضلع جنوبی بنا و در پشت ایوان جنوبی واقع شده است. این مقصوره

به تقلید از مقصوره‌های مساجد عصر سلجوقی شامل اطاق مربع، منطقه انتقالی و گنبد است. این بخش از بنا که برنقشه مربع احداث شده است از طریق منطقه انتقالی دو طبقه و سه کنج‌های واقع در آن به گنبد متصل می‌شود. ارتفاع گنبد تا کف صحن آجری مقصوره ۲۳/۵متر است. بر دیوار جنوبی گنبدخانه محراب اصلی مسجد قرار دارد. این محراب گچی با اشکال زیبای گیاهی، اسلیمی و طرح‌های لانه زنبوری و مهم تر از همه با کتیبه‌هایی به خط ثلث و کوفی بسیار زیبا و استادانه مزین شده است. کتیبه‌های گنبدخانه بر جانب مدخل‌های واقع در این قسمت، جرزها، محراب گچبری، منطقه انتقالی و زیر گنبد قابل رؤیت است.

در اطراف قوس جناغی مدخل‌های واقع در اضلاع غربی و شرقی مقصوره که دسترسی به شبستان‌های مسجد در این قسمت‌ها را ممکن می‌سازند، یک قاب تزیینی به پهنای ۴۸ سانتی متر وجود دارد که درون آنها کتیبه‌هایی به خط کوفی تزیینی با آجر، بخشی از آیات سوره «انسان» بر زمینه‌ای از کاشی معرق فیروزه‌ای و لاجوردی در طرح‌های هندسی نگاشته شده است. متأسفانه قسمت تحتانی کتیبه‌های مذکور از بین رفته است. حدود این قاب‌ها با قطعاتی از کاشی تراش به رنگ فیروزه‌ای مشخص شده است. کتیبه یکی از مدخل‌های ضلع شرقی مقصوره بر خلاف سایر مدخل‌ها تنها با آجر اجرا شده و در زمینه و متن کتیبه حتی یک قطعه کاشی نیز به کار نرفته است. در اطراف مدخل شمالی ضلع شرقی مقصوره آیه ۲۰و بخشی از آیه ۲۱ سوره انسان نوشته شده و بخش به جا مانده آن چنین است:

«... و یطاف (یطوف) علیهم و لدان مخلدون اذا رایتم حسبتم لولوا منسورا [(منثورا)] و اذا رایه (رایت) ثم رایه (رایت) نعیما و ملکا کبیرا علیهم سیاب (ثیاب) سندسن (سندس)...»

لازم به ذکر است که هنرمندان کتیبه نگار در نگارش و اجرای برخی کتیبه‌ها بعضاً دچار اشتباه‌هایی می‌شده اند. از آن جمله برخی از کلمات این کتیبه است که گویا بدون ارجاع به قران نگرش یافته است.



یکی از کتیبه‌های کوفی مدخل شمالی ضلع شرقی مقصوره

از دیگر تزیینات نوشتاری فضای مقصوره، بر پهنای جرزهای بین مدخل‌ها و پهنه دیوارها است که با تزیینات زیبایی از گچ اشکال هندسی و گیاهی نقش شده و حد فاصل بند رگچین آجرها که با نقوش مهری مزین شده در حاشیه این طرح‌ها و نقوش اسماء مقدس «الله»، «محمد»، «علی» به خط کوفی کتیبه شده است .



طرح کتیبه‌های مختلف گچبری فضاهای داخلی مقصوره

بیشترین کتیبه‌های مقصوره مسجد بر روی محراب بی نظیر و زیبای گچبری آن اجرا شده است. بر دیوار جنوبی گنبدخانه مقصوره محراب اصلی مسجد دیده می‌شود که حدود ۶مترارتفاع و ۳/۹۰ متر عرض دارد و به طور کامل از گچ ساخته شده است. امروزه تنها ۳متر از بخش فوقانی محراب به جا مانده و سایر قسمت‌های آن فرو ریخته است.

این محراب نفیس دارای پنج لوح کتیبه است که از این تعداد تنها یکی به خط ثلث و سایر کتیبه‌ها به خط کوفی ساده و تزیینی شامل آیات قرآنی و اسماء مقدس می‌باشد.

علاوه بر کتیبه‌ها، محراب دارای تزیینات زیبایی با اشکال گیاهی، اسلیمی و طرح‌های لانه زنبوری بوده که با استادی تمام اجرا شده است. برخی از متخصصین با توجه به آجر چینی در بخش‌های فرو ریخته محراب آن را متعلق به زمان تعمیر مسجد در عهد شاهرخ تیموری دانسته و برخی دیگر آن را یک محراب ناتمام می‌دانند[۱]. به نظر می‌رسد که محراب مسجد با توجه به تزیینات موجود در پهنه دیوار جنوبی به احتمال بعد از ساختمان مسجد ایجاد شده است.

بر برجسته‌ترین قسمت محراب و در بخش فوقانی قوس طاق محراب و لچکی‌های بالای آن درون کادری مستطیل شکل به عرض نیم متر که سه طرف محراب را دور می‌زند دو کتیبه که به اصطلاح مادر و بچه یا جلی (آشکار) و خفی (پنهان) نامیده می‌شوند وجود دارد. کتیبه قسمت فوقانی (بچه) بخشی از آیات سوره مبارکه فتح است:

«... و ما تأخر و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما و ینصرک الله نصرا عزیزا هو الذی انزل السکینه فی قلوب المومنین لیزداد ایمنا مع ایمنهم ولله جنود السموات و ...» که ادامه آیه در اثر تخریب محراب فرو ریخته است.

کتیبه بزرگتر (مادر) که به خط کوفی تزیینی، است بخشی از سوره مبارکه اسرا شامل آیات۷۸ و۷۹این سوره است: «... **و قران الفجر ان قران ان الفجر کان مشهودا و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان...**» که ادامه آن فرو ریخته و تخریب شده است.

از دیگر کتیبه‌های محراب می‌توان به تکرار اسماء مقدس «**الله**»، «**محمد**»، «**علی**» و عبارت «**لا اله الا الله**» و «**علی ولی الله**» اشاره کرد.

۱- ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۷۱و ویلسن، ۱۸۰:۱۳۶۶



کتیبه‌های محراب گچبری مسجد

بزرگ‌ترین کتیبه گنبدخانه مقصوره مسجد کتیبه است که بر بالای پایه مربع شکل گنبدخانه ایجاد شده است. این کتیبه که بسیار زیبا و استادانه اجرا شده، به خط ثلث بوده و آیات ۱ تا ۸ سوره جمعه را در بر می‌گیرد. کتیبه مذکور از منتهی الیه غربی دیوار شرقی مقصوره آغاز و پس از چرخش اضلاع شرقی و شمالی و جنوبی در منتهی الیه دیوار غربی به انتها می‌رسد.

در انتهای این کتیبه تاریخ ۷۲۶ هـ ق قید شده که نشان می‌دهد تاریخ کتیبه با کتیبه مدخل ورودی شمالی مسجد که ۷۲۲ هـ ق است چهار سال اختلاف دارد و به نظر می‌رسد که همزمان با محراب پس از ساختمان مسجد ایجاد شده است.

در زیر پوسته داخلی گنبد مسجد درون قاب‌های مربع شکل و با رنگ اسماء مقدس «**الله**»، «**محمد**»، «**علی**» به خط کوفی و به صورت متداخل و مکرر نگاشته شده است. هر یک از مربع‌ها دارای رنگ خاصی بوده و عبارتند از سفید، قهوه‌ای روشن، آبی و فیروزه‌ای.

در مرکز پوسته داخلی گنبد درون یک دایره بزرگ عبارت مقدس «**لا اله الا الله**» و «**محمد رسول الله**» و درون یک دایره کوچکتر نام مقدس «**محمد**» به خط کوفی پنج بار تکرار شده است.



کتیبه‌های کوفی پوسته داخلی گنبدخانه

سخن پایانی:

مسجد جامع ورامین را باید یکی از شاهکارهای ارزنده معماری عصر ایلخانی به شمار آورد. جزئیات ساختمانی، معماری و تزیینات بنا از جمله کتیبه‌های آن در ادامه سنت معماری ادوار قبل از ایلخانی به ویژه دوره سلجوقی می‌باشد که با تفاوت اندکی در مسجد جامع ورامین به کار رفته است. از بناهای سلجوقی قابل مقایسه با مسجد جامع ورامین از حیث تزیینات نوشتاری (کتیبه) می‌توان به مناره‌های عصر سلجوقی مانند مناره مسجد جامع دامغان (۴۵۰ هـ ق)، مناره سین (۵۲۶ هـ ق)، مناره ساربان (اواخر قرون۵ هـ ق) در اصفهان و بنای مسجد جامع فریومد (۶۰۹ تا ۶۱۶ هـ ق) مسجد – مدرسه زوزن (۶۱۵ تا ۶۱۶ هـ ق) در خراسان متعلق به عصر خوارزمشاهی اشاره کرد.

از مهم‌ترین بناهای عصر ایلخانی که تزیینات نوشتاری آنها با مسجد جامع ورامین قابل مقایسه است بنای مسجد جامع اشترجان (۷۱۶ هـ. ق) مسجد جامع مظفری کرمان (۷۵۰ هـ. ق) و مهم تر از همه بنای با شکوه گنبد سلطانیه (۷۰۴ تا ۷۱۳ هـ. ق) زنجان است. آنچه مسلم است این شیوه تزیینی از ابتدای شکل گیری معماری دوره ایلخانی در بناهای این دوره به کار گرفته شده و در معماری ادوار بعد از ایلخانی مانند تیموری و صفوی نیز تداوم داشته و تا به امروز نیز ادامه یافته است.[۱]

منابع و مأخذ:

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، مرآت البلدان، جلد ۴، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۲. امینی، محمد، تاریخ اجتماعی ورامین در دوره قاجاریه، تهران، چاپخانه ۱۷ شهریور، ۱۳۶۸.

۳. دیولافوا، مادام، سفرنامه، ترجمه بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۶۱.

۴. شیبانی، زرین‌تاج و محبعلی، حسن، «طرح بازسازی سر در مسجد جامع ورامین»، اثر، شماره ۱۲، ۱۳، ۱۴، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، اسفند ۱۳۶۵، صص ۵-۴۷.

۵. شیبانی، زرین‌تاج «فعالیت تعمیراتی سال ۶۹ مسجد جامع ورامین»، اثر، شماره ۲۱، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، تابستان ۷۱، صص ۱۱۵-۱۱۰.

۶. کرزن، لرد، ن، ایران و قضیه ایران، جلد ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۷. کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

۸. ویلبر، دونالد، ن، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی.

9. Kratchkovskaia, V., ''NOTICES SURLES INSCRIPTIONS DE la mosqueadgouma A veramine'' , Extrait de revue des etudes islamiques. Annee 1931. P. p.
10. Pope, Arhur upham, ''Islamic Archetecture in the fourteenth centry ''A survey of persian Art fromprehisoric times to the present, vol. III, p.p. 1052 – 1102
11. Sarre. F, Denkmquler persischer baukunst. Vol. 1. Berlin, 1901-1910

۱- خانم شیبانی سرپرست وقت پروژه مرمت مسجد جامع اعتقاد دارند که این شخص احتمالا تزیینات گچبری بنا را انجام داده است. (گفت گوی شخصی نگارنده با خانم شیبانی و با تشکر از اطلاع سودمندشان)

مروری بر کتاب
«خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان»
اثر زنده‌یاد استاد منوچهر قدسی

گیلان فقیه میرزائی *

* عضو هیأت علمی پژوهشکده زبان و گویش



کتاب خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان تألیف زنده یاد استاد منوچهر قدسی تحقیقی درباره‌ی تاریخ هنر خوشنویسی و کتیبه نویسی در ایران به ویژه در اصفهان است.

این کتاب در سال ۱۳۷۸ سه سال بعد از درگذشت استاد (سال ۱۳۷۵ ه. ش) و بر مبنای تحقیقی که آن مرحوم جهت ارائه به کنگره بزرگداشت اصفهان در سال ۱۳۷۰ مرقوم نموده، منتشر شده است.

تحقیق ارائه شده در چند بخش، شامل مقدمه‌ای بر پیدایش و تکامل خط در ایران، سابقه خط در اصفهان، شرح حال خطاطان و تصاویری از کتیبه‌های تاریخی اصفهان از عهد سلجوقیان تا زمان حاضر تدوین شده است.



نویسنده، نگاهی تحلیلی و نقد گونه بر تحولات پدید آمده در خوشنویسی ایران دارد. این نگاه که در جابجای کتاب همواره و به مناسبت خودنمایی می‌کند نشان از اهمیت حفاظت از خط فارسی نزد استاد به عنوان زمینه‌ای برای حفظ پیوستگی فرهنگی مردمان این دیار دارد.

مرحوم استاد نگران کم بها شدن و به حاشیه رفتن هنر خوشنویسی و یا هنرمندان خوشنویس است و بر آنچه ضرورت حفظ خط فارسی می‌خواند پافشاری می‌کند. تأکید بیشتر استاد بر خوشنویسان و نه بر کتیبه‌ها و آثار، اشارتی به لایه دوم سخن استاد دارد و آن نگرانی از بابت حال و روزگار خوشنویسان است و رنج و مرارتی که این هنرمندان از روزگار می‌کشند. کتاب با این غزل آغاز شده است.

یادگار خط[1]

از کلک عاشقان بدایع نگار خط	این دفتر است جلوهٔ بس شاهکار خطّ
با چشم دل ببین و به جانش عزیز دار	زیرا که هست مظهر کامل عیار خطّ
با غیر اهل دل چسان گفتگو کنم	کایزد کجا نهاده قرار و مدار خطّ
« رنجی بدان گرانی و اجری بدین کمی»	این ست حال اهل خط و روزگار خطّ
با آن تلاش و عشق، من خام بدنویس	هم شرمسار عشقم و هم شرمسار خطّ
ای بر خطّ بدیع تو هر خوشنویس مات	وی خط دلکشت به مثل افتخار خطّ
بپذیر این هدیه ز قدسی که می‌سزد	زاهل خطّ به اهل خطّی یادگار خطّ

مقدمه کتاب سیر تحول خط و شیوه‌های خط نویسی را از زمان باستان شرح می‌دهد و در تبیین تحولات خط تا این عصر نگاهی به تحولات تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. وی بررسی خود را از خط میخی تا خط پهلوی، و پس از اسلام از خط کوفی تا خط عربی و شیوه‌های مختلف نگارش خط تا ظهور اقلام شش گانه یا خطوط اصول تداوم می‌بخشد. در ادامه به پیدایش سه خط تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق می‌پردازد و تحولات این شیوه‌های نگارش را ضمن اشاره به فراز و فرودهای آنها از نظر کمال در دوره‌های مختلف برمی شمرد.

---

۱ - قدسی، منوچهر، خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، انتشارات گل‌ها، ۱۳۷۸، سرآغاز کتاب.

در مقدمه[۱]، رویکرد اصلی کتاب معرفی کتیبه‌های اصفهان عنوان شده است اما در مورد کتیبه‌ها بیش از تجلیل و تمجید سخنی به میان نیامده است. همچنین در نحوه‌ی ارائه مباحث کتاب با آنچه استاد در مقدمه توصیف کرده‌اند تفاوت مشاهده می‌شود.

پس از مقدمه، استاد سابقه خط در اصفهان را بررسی کرده و در آن از فهرست ابن ندیم آغاز می‌کند که برای اولین بار به شیوه‌ای به نام «**اصفهانی**» در خط نویسی اشاره دارد[۲] و در ادامه تحولات خط و خوشنویسی را با نگاهی به تحولات تاریخی بررسی کرده است.

در این بخش روال منطقی نگارش یعنی معرفی آثار و کتیبه‌های اصفهان هر چند با شتابزدگی که همه جا در تألیف و تدوین کتاب به روشنی دیده می‌شود، تا شورش افغان‌ها تداوم دارد اما پس از آن تا پایان بخش، قلم استاد متوجه شکایت از تحولات و شرایط زمان و ذکر نام و یاد بعضی خوشنویسان تا عصر حاضر شده و ادامه معرفی کتیبه‌های اصفهان فراموش می‌شود.

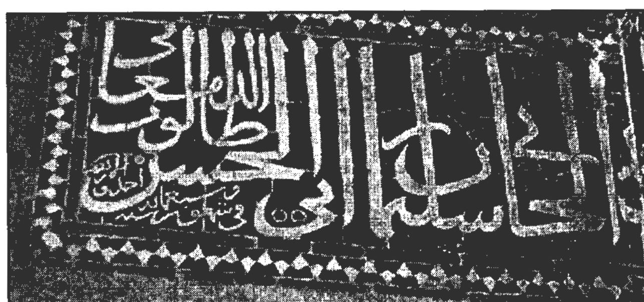
شرح حال خوشنویسان اصفهان با اشاراتی که هر از گاه به آثار و کتیبه‌های بازمانده از آنان می‌شود بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. در این بخش تداوم فعالیت در هنر خوشنویسی از گذر تاریخ و ظهور خوشنویسانی که یکی پس از دیگری در این عرصه تلاش کرده اند، از زمان شاه طهماسب صفوی تا اواسط قرن گذشته به رشته تحریر درآمده است.

در بخش پایانی کتاب فهرستی از آثار و کتیبه‌ها ارائه شده که به مدد فهرست دکتر لطف الله هنرفر تنظیم شده است. در این فهرست کتیبه‌ها و آثار متعددی از خط کوفی دوره سلجوقیان تا خط ثلث دوره تیموریان و خطوط ثلث و نستعلیق دوره صفویان و کتیبه‌های باقی مانده از زمان زند و قاجار و کتیبه‌های به میراث مانده از قرن سیزدهم و چهاردهم به طور مختصر معرفی شده است. در انتهای کتاب تصاویری از آثار و کتیبه‌های اصفهان زینت بخش تحقیق است.

۱- قدسی، منوچهر، خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، ص۲۰

۲- قدسی، منوچهر، خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، ص۲۳، به نقل از محمد بن اسحاق الندیم: الفهرست. ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، امیر کبیر، تهران،۱۳۶۶





استاد خوشنوسی را هنری با رمز و راز عجیب توصیف می‌کنند که از رسم و هندسه تا نقاشی و موسیقی و سماع صوفیان را در خود نهفته دارد و در گذر دوران به مقتضای شرایط سیاسی و اوضاع اقتصادی اجتماعی دستخوش فراز و فرودهایی در زیبایی و کمال شده است. وی نیت از تدوین این تحقیق را باز نمودن شیوه‌های خوشنویسی در کتیبه‌ها ذکر می‌کند و بر آن است که این کار می‌تواند راهگشای علاقمندان به هنر خوشنویسی باشد، اما در این که این کتاب توانسته باشد به ژرفای بیشتری در این هنر وارد شود جای تردید است و گویا در انجام تحقیق که جهت عرضه به کنگره بزرگداشت اصفهان انجام شده قدری شتاب شده است.

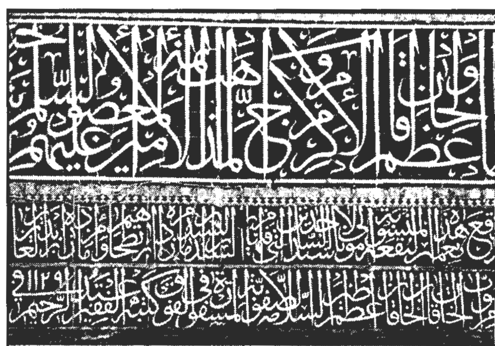
تصاویر ارائه شده بدون شناسنامه کامل به چاپ رسیده اند، حال آنکه حداقل انتظار، از چنین تحقیقی در آثار و کتیبه‌های تاریخی، معرفی کامل آنها است که ارج والایی در میان آثار میراث فرهنگی دارند.

استاد تحقیق خود را رساله‌ای مختصر می‌شمارد که در مجال و فرصتی اندک تدوین شده است. شاید کوتاهی زمان و مشغله‌های برپایی کنگره مانع از ارائه کاری کامل تر شده است و مهمتر از آن، نبود تحقیقات و مکتوباتی در خصوص آنچه استاد باز نمودن شیوه‌های خوشنویسی می‌خواند عرصه را بر او تنگ کرده باشد. هر چند که در باب شرح حال خوشنویسان ایران و اصفهان و آثار آنها پیش از این هم کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده است. اما رمز و راز دنیای خوشنویسی و سبک وشیوه به ویژه محتوا و روح و زبان این هنر نیز همچون سایر آفریده‌های ذهنی و ذوقی ایرانیان در فقدان ابزارهای تحلیلی خاص خود ناگشوده مانده است.



بخش اعظم تحقیق به معرفی و شرح حال و شرایط تاریخی برخی از خوشنویسان اختصاص یافته و تا آنجا که در دسترس بوده آثاری از آنان ذکر شده است که می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث‌های عمیق تری در هنر خوشنویسی محسوب شود، اما همچنان در مقدمه و مدخل قرار می‌گیرد و همچون نویسندگان سلف این عرصه از این حد فراتر نمی‌رود.

بی‌شک مندرجات تحقیق، ترتیب و توالی فصل بندی و حجم و نحوه ارائه آن، تناسب لازم را جهت عرضه به کنگره داشته است اما اینکه از نظر کامل بودن و جامعیت از ویژگی‌های یک کتاب برخوردار باشد جای تردید است.



در کتاب فهرستی از حدود ۲۲۰ کتیبه موجود در اصفهان به کمک فهرست دکتر لطف الله هنرفر درج شده است لیکن تنها ۹۴ تصویر از کتیبه‌ها ارائه شده است. در فهرست به اسامی بیش از ۴۵ هنرمند خطاط آفریننده کتیبه‌های اصفهان اشاره شده است اما تصاویر کتیبه‌های عرضه شده تنها متعلق به حدود ۳۰ هنرمند است.



افزونی تعداد خوشنویسان معرفی شده در تحقیق از خوشنویسانی که تصویر آثاری از آنان به رؤیت خوانندگان کتاب رسیده است نشان از ناتمام بودن تحقیق دارد. شاید به همین دلیل بوده است که تصاویر ارائه شده از کتیبه‌ها یک جا و در آخر کتاب عرضه شده و شرح حال و معرفی آثار برخی از آنان در متن و به طور جداگانه آمده است، در حالیکه جا داشت شرح حال و آثار هنرمندان توأماً عرضه می‌شد. هر چند در جایی از متن کتاب آمده است که تصاویر ارائه شده تنها شامل نمونه‌ای از کتیبه‌های موجود است اما دلیل اینکه در چنین کتابی به ارائه

نمونه بسنده شده ذکر نشده است.

در مقدمه‌ای که بر نشر کتاب از سوی دبیر کنگره بزرگداشت اصفهان در سال ۱۳۷۸ ش نگاشته شده، شرح مکفی و منجزی در معرفی استاد و تلاش‌ها و خدمات ارجمند وی در زمینه هنر خوشنویسی و شرایط تدوین و ویژگی‌های تحقیقی که برای ارائه به کنگره تهیه گردیده، به رشته تحریر در آمده است. این مقدمه از آن جهت که ابعاد و اندازه‌های این تحقیق را روشن می‌سازد قابل توجه است.



شاید انتشار نیافتن کتاب در زمان حیات استاد (تا سال ۱۳۷۵ ش) شاهدی باشد بر اینکه استاد خود در اندیشه تکمیل آن بوده است. اما بی‌تردید انتشار این تحقیق خدمتی در پربار ساختن زمینه تحقیقات آتی در آثار شهر اصفهان محسوب می‌شود و شاید زیباتر بود اگر تحقیق استاد در فقدان او به کمک سایر اساتید این رشته به زیور جامعیت و کمال آراسته می‌شد.

اگر چه در معرفی خوشنویسان، هنر خوشنویسی و کتیبه‌ها، کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده است. اما هنوز جای خالی تحلیل این هنر و شناخت زبان آن که گویی با ژرف اندیشی‌های ذوقی، عرفانی و فلسفی مردم این دیار پیوندی دارد، باقیست...

معرفی کتاب مطلع العلوم و مجمع الفنون

گیلان فقیه میرزائی*

* عضو هیئت علمی پژوهشکده زبان و گویش

چکیده

کتاب مطلع العلوم و مجمع الفنون از حکیم واجد علیخان، دانشمند دوره تیموریان هند، اثر بسیار ارزشمندی در رشته‌های مختلف علوم و فنون در آن دوره است که نویسنده آن را به زبان فارسی تألیف کرده است.



این کتاب از جهات بسیار حائز اهمیت است، و از اسناد مهم تاریخ ادبیات و واژگان علوم در حوزهٔ فرهنگی مؤلف به شمار می‌آید. کتاب دارای نثری روان و در عین حال فاخر و آهنگین است و فصل بندی و ترتیب موضوعات و سبک نگارش از مسائل جالب توجه در کتاب است.

مطلع العلوم و مجمع الفنون دائرهٔ المعارف جامعی در رشته‌های مختلف علوم و فنون از جمله: پزشکی، ریاضی، نجوم، تاریخ، ادبیات، خطاطی، اخلاقیات، آداب، روابط انسانی و علوم غریبه همانند جفر، کیمیا، لیمیا، سیمیا و حرف مختلف است و از نظر واژه شناسی علوم مختلف در زبان فارسی بسیار حائز اهمیت است. با توجه به جامعیت کتاب در معرفی رشته‌های علوم وفنون که در آن زمان مورد استفاده و متداول بوده است می‌توانند به عنوان سندی در تاریخ علم در حوزه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

در عین حال کثرت رشته‌های علوم و فنونی که در کتاب از نظر علمی و نظری به آنها پرداخته شده است به روشنی نموداری از ابعاد پرشمار مسائل و نوع نگاهی است که مدنیت شرقی و اسلامی آن دوران دربرخورد با زندگی روزمره در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی، معیشتی، فرهنگی، علمی و شخصی و در حوزه اندیشه و فلسفه، عرفان و شناخت شناسی داشته که از نظر جامعه شناسی معرفتی درخور توجه است.

کتاب این چنین آغاز می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحیم، حمد یکه شان خداوندی را شاید از زبان مخلوق ضعیف البنیان چه آید و شکر و سپاسی که نعمهای منعم حقیقی را باید انسان قاصر [البیان] چگونه ادا نماید هیچ ذره نیست که از خورشید لطفش فروغی نیافته و هیچ قطره نیست که از بحر

احسانش آبی نبرداشته در هر سنگی شراری از انوار جمالش پیدا و در هر رنگی اثری از آثار کمالش هویدا...»

واجد علیخان که به واجد هوگلی هم معروف است در بندر هوگل نزدیک دارالاماره کلکته به دنیا آمد، پدرش در خدمت خاندان تیموریه مدت بیست و پنج سال ملازم جهان خان بوده و در تعلیم و تربیت فرزند سعی بلیغ داشته، واجد در دوازده سالگی اکثر کتب فارسی از جمله گلستان، اخلاق محسنی، کلیله و دمنه، معدن الجواهر، ابواب الجنان و بعضی نثرها و دیوان‌ها مانند بوستان، یوسف و زلیخا، اسکندرنامه، دیوان آصفی و دیوان ظهیر را خوانده و در علوم صرف و نحو، آداب صحبت و خط نستعلیق تبحری به دست آورده بود. در سن پانزده سالگی به شوق جهانگردی ترک دیار کرده و ضمن سفر به تحصیل علم پرداخته و از هر فن و هنر متداول آگاهی به دست آورده است.[1]

درباره او در کتاب تذکره روز روشن آمده است:[2] «در دوازده سالگی از وطن برجاده سیر و سیاحت قدم گذاشت و هرجا که کامل فنی و عالم علمی دریافت بخدمتش به زانوی استفاده و استفاضه نشست و از هرگوشه توشه‌ای و از هر خرمن خوشه‌ای بربست... و مدتی در اکبر آباد رحل اقامت افکند...

الحال عمرش بهشتاد سال رسید در نواح شهر کویل توطن گزید ذاتش جامع صفات ست، در طب مهارت کامل دارد.»

در مقدمه کتاب، نویسنده در بیان سبب تألیف کتاب آورده است:

«... از نیکوترین چیزها که بعد از مرگش نامش را زنده کند تصنیفات و تألیفات ست که صاحب تصنیف و تألیف اگرچه بمیرد اما حرف نامش بلوح روزگار تا انقراض دوردوار قائم و پایدار بماند ناگزیر در فکر آن شدم که یادگاری بعرصه عالم [گذارم]... چون دستور تعلیم مبتدیان بالفعل بدبستانهای فارسی مستمرست رو بکمال زبونی دارد یعنی متعلمان سال‌های دراز بخواندن بعضی انشاها و کتب قصص عشق انگیز و غیره که مبتدیان را از آن احتراز می‌باید عمر عزیز تلف و رایگان می‌کنند و در حقیقت از سواد

۱- برگرفته از بیان احوال مؤلف در مقدمه کتاب

۲- مولوی محمد مظفر حسین صبا، تذکره روز روشن، تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت، انتشارات کتابخانه رازی، تهران ۱۳۴۳، ص ۸۶۱

علوم بی‌بهره می‌باشند اگر بجهت رفع این خرابی بتعلیم مبتدیان و تسهیل و آسانی طالبان و شائقان نسخه ترتیب یابد آنرا دو دفتر باشد بدفتر اول خلاصه علوم و بدفتر دوم بیان فنون بقالب تحریر درآید متعلمان را به اندک فرصت و زمانی قلیل بر حقایق جزئیه جمیع علوم و فنون بطریق اجمال خبرت و آگاهی میتواند شد.

... از تاریخ بستم شهر ذیقعده سنه ۱۲۶۱ هجری سرگرم تألیف این کتاب گردیدم دفتر اول را مطلع العلوم و دفتر دوم را مجمع الفنون نام کردم...

... هردو دفتر این کتاب بشهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۲ هجری نبوی صلی الله علیه و سلم به مدت یکسال از تألیف و طبع باختتام رسید دفتر اول را از حروف تهجی شروع کردم و بعلوم آخر رسانیدم و علوم مختلف را که بابواب جداگانه بیان ساختم از کتب معتبره آن علم استنباط نمودم... به دفتر دوم یعنی مجمع الفنون کیفیت و کمیت هر فن از تدبیر و ترکیب و سود و زیان و حسن وقبح و حلت و حرمت آن بقدر دریافت معلومات خود مندرج ساختم...»

به جهت آشنایی با نوع مطالب مندرج، فهرست کتاب به اختصار آورده می‌شود. فهرست شامل عنوان‌هایی است از جمله: در بیان علم طب، جغرافیه، حساب، هندسه، هیئت، جرثقیل، موسیقی، حکمت و طبیعیات، منطق،مناظره، احکام نجوم، رمل، جفر و در بیان علم کیمیا و لیمیا و هیمیا و سیمیا، رملیا در دفتر اول مندرج است.

در دفتر دوم فنون مختلف را در چهار باب کلی دسته بندی کرده است شامل فنون اعلی، فنون اوسط، فنون ادنی و فنون ادبی، باب اول فنون اعلی شامل فصولی است از جمله: در بیان تعبیر خواب و در فن بیطاران، و ملاعبت و جوهریان و مطبخیان و جراحان و صید و شکار و کحالان و فیلبانان، معلمان، قاریان، خطاطان، چابک سواران، کاشتکاران و در فن طبع و رزم و میدان و در فن مصوران و نقاشان و در فن تاجران و صرافان، زورمندان و پهلوانان و در صنعتهای عجیبه و ترکیبهای ساختن اشیاء.

مطلع العلوم و مجمع الفنون در چاپخانه نولکشور هندوستان در چهار صدو چهل صفحه قطع رحلی چاپ سنگی شده است، از آنجا که این کتاب در زمره نسخ نایاب است. تصحیح آن در دست انجام است و بهمراه تعلیقات منتشر خواهد شد.

معرفی فرمان صادر شده از سوی فتحعلی شاه قاجار به حاکم وقت زنجان عبدالله میرزا

پرستو قاسمی اندرود*

* کارشناس متون و کتیبه‌های اسلامی سازمان میراث فرهنگی گردشگری استان زنجان

چکیده

سندی که مورد بررسی قرار گرفته فرمانی است که از سوی فتحعلیشاه قاجار به عبدالله میرزا حاکم وقت زنجان صادر شده است. این سند ارزشمند اطلاعاتی از اوضاع و احوال عهد قاجار در اختیار ما قرار می‌دهد و از اسناد دیوانی و مالی دوران سلطنت فتحعلیشاه می‌باشد.

شرح مشخصات سند

این سند تاریخی با مرکبی مشکی بر روی کاغذ آبی رنگ در ابعاد ۴۱×۳۲ سانتی متر با خط شکسته نستعلیق از طرف فتحعلی شاه قاجار به حاکم وقت زنجان عبدالله میرزا [۱] به تاریخ ۱۲۳۹ هـ ق (۱۸۷ سال پیش) درخصوص واگذاری قریه کوسه لر از بلوک ایجرود به حسین قلی خان به پاداش ((خدمات شایسته اش)) صادر شده است. ((کوسه لر kusahlar قریه‌ای از دهستان بخش مرکزی شهرستان زنجان با طول جغرافیائی ´ ۲۲ ° ۴۷ [و] عرض جغرافیائی ´ ۳۰ ° ۳۶ ، است و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۹۷۰ متر می‌باشد. این روستا در ۱۵ کیلومتری جنوب باختری زنجان ، که رودخانه قزل اوزن دره که ازکوه قراول سرچشمه می‌گیرد، از میان آبادی می‌گذرد. جمعیت آن ۶۰ خانوار ، دین آن‌ها اسلام و به زبان ترکی صحبت می‌کنند...))

این سند ارزشمند ، که اطلاعاتی از اوضاع و احوال عهد قاجاریه در اختیار ما قرار می‌دهد از اسناد دیوانی و مالی دوران سلطنت فتحعلی شاه می‌باشد.

((در فرمان‌های دوره قاجاریه ، مهر و طغرای پادشاه در بالای صفحه نقش می‌بست و پشت فرمان به وسیله اشخاصی چون مستوفی الممالک، صدراعظم و مقامات درباری دیگر مهر و امضا می‌شد. معمولا در فرمان‌های این دوره در قسمت سرلوحه فرمان عبارت بسم الله تعالی شانه العزیز دیده می‌شود و در زیر این عبارت مهر فتحعلی شاه نهاده می‌شد که متن آن به صورت ((العزة لله)) و عبارت شعری زیر بوده است:

۱- عبدالله میرزا متخلص به دارا پسر یازدهم فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۱ هجری قمری متولد و در سال ۱۲۲۴ هـق که فتحعلی شاه قصد تسخیر بغدادو شهر زور را داشت با سواران خمسه در این نبرد شرکت کرد که توفیقی نیافت.در جنگ دوم ایران و روس ، عبدالله میرزا با سپاه خمسه روانه اردبیل شد و از نفوذ بیشتر ارتش روس جلوگیری کرد. در سال ۱۲۶۶ هـق از حکومت زنجان کناره گیری کرد. سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح، زنجان، جلد ۲۵.

((گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمان فتحعلی))

طغرای فرمان که با آب طلا در ابتدای سطراول متن سند نوشته می‌شد ، چنین است:

((الملک لله تعالی حکم همایون شد))

در متن اسناد دوره قاجاریه مشاغلی چون ((لشکرنویس)) و ((شریک الکتاب))، ((مباشر امور ایالات))، ((سررشته داران))، ((مستوفی دیوان)) و ((دفتر نویس)) و مانند آن آمده که از یک تشکیلات اداری جهت صدور احکام و ثبت و ضبط آن‌ها خصوصا در امور سپاهی و مالیاتی حکایت می‌کند.

در پشت هر یک از اسناد این دوره مهرها و امضاهای متعددی از مسئولان امر دال بر تأیید و تسجیل سند و تضمین صحت آن با عباراتی حاکی از تصدیق و ملاحظه و ثبت به چشم می‌خورد که بدون این تشریفات اداری مفاد اسناد رسمیت نمی‌یافت.[۱]

متن سند بدین شرح است:

بسم الله تعالی شأنه العزیز

[سجع مهر فتحعلی شاه] العزة لله

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

الملک لله تعالی حکم همایون شد که فروزان کوکب سپهر خلافت و شهریاری و تابان پرتو مهد سلطنت و جهانداری ، فرزند ارجمند مسعود ، عبدالله میرزا صاحب اختیار ولایات خمسه به عنایات و توجهات خاطر خطیر شاهانه قرین مفاخرت بیکرانه بوده بداند که چون قریه کوسه لر واقع در بلوک هجرود از قراری که معروض رأی ملک آرا افتاد ملکی عالیجاه رفیع جایگاه اخلاص و ارادت آگاه محمد قلی خان افشار بوده است و نواب همایون ما به مقتضای مراحم بیکران و مکارم پیشینیان خسروانه درباره عالیجاه رفیق جایگاه عزت و سعادت همراه نتیجهٔ الخوانین حسینقلی خان و ظهور خدمات شایسته که از او مشهود نظر التفات گستر شاهانه گشته ، قریه مزبوره را به مشارالیه واگذاشتیم که متصرف بوده [ناخوانا] و زراعت آن پرداخته محصول و منافع آن را صرف معاش خود

۱- احسان اشرافی، بررسی‌های تاریخی، ش ۴، س ۷.

ساخته به مراسم خدمتگزاری قیام و اقدام نماید. و از جمله مالیات متوجهات دیوانی قریه مزبوره ، که در دیوان عالی ابواب جمع می‌باشد ، مقدار دوازده خروار به تخفیف و تصدق مقرر داشتیم که دیوانیان از حشو جمع آن‌ها موضوع ومستثنی دارد ومبلغ شش تومان و هفت هزار و دویست دینار تبریزی از بابت [یونجه؟] و مقدار [سی خروار] از بابت بیست من غله تتمه که به رسم خراج بایست به سرکار دیوان کارسازی نمایند. آن فرزند به مباشرین ولایات خمسه قدغن نماید که هر ساله ازعالیجاه مشارالیه بازیافت و کارسازی وجه نماید بر آن به رسم منال و مطلق صادریات و عوارضات و سایر اطلاقات به هیچ وجه و هیچ اسم و رسم مطالبه و بازیافت ننمایند از تاریخ صدور توقیع همایون قریه مزبوره را قدغن نماید که بسقرف عالیجاه مشارالیه واگذارند واحدی دخل و تصرف در آن نکرده تخلف از قرارداد اشرف ننمایند. مقرر آن که عالیجاهان رفیع جایگاهان عزت و سعادت همراهان مقرب الخاقانان مستوفیان عظام و سررشته داران گرام شرح منشور همایون راثبت دفاتر مبارکه نموده به مقتضای آن عمل نمایند؛ و قریه مزبوره را به تصرف عالیجاه مشارالیه مقرر داشته به تمامی حکم همایون عمل نماید؛ و تخفیفی که مرحمت فرموده ایم سجع محسوب و ممضی داشته حسب المقرر معمول و از مدلول حکم اشرف تخلف و عدول جایز نداشته و درعهده شناسند.

تحریراً فی شهر شعبان سنه ۱۲۳۹

[حاشیه:]

مقرر آن که مقدار دوازده خروار جنس که تخفیف به عالیجاه حسینقلی خان از بابت قریه مذکوره داده ایم مقدار مذکور به خرج سیورسات ابواب جمعی آن فرزند محسوب و مجزی خواهد شد که آن فرزند مقدار مذکور را از قریه مزبوره به تخفیف عالیجاه مشارالیه مقرر دارد و مطالبه ازمشارالیه ننماید و علاوه بر دوازده خروار را از او مطالبه و بازیافت ننموده و در عهده شناسد. تحریراً فی شهر [مذکور]

[ظهر سند:]

مهر چهار گوش به سجع: لا اله الا الله الملک الحق المبین عبده [عبدالله]

〃 〃 〃 〃 : عبدالوهاب الموسوی

〃 〃 〃 〃 : عبده‌الراجی فریدون[گوشه‌های مهر:]یاعلی،یا حی یاقیوم یاوکیل

〃 〃 〃 〃 : افوض امری الی الله عبده محمد علی

〃 〃 〃 〃 : لا اله الا الله الملک الحق المبین عبده فضل الله

〃 〃 〃 〃 : لا اله الا الله الملک الحق المبین محمد علی

〃 〃 〃 〃 : [ناخوانا]

〃 〃 〃 〃 : لا اله الا الله الملک الحق المبین عبده یدالله

〃 〃 〃 〃 : [ناخوانا]

〃 〃 〃 〃 : حسبی الله و کفایی عبده موسی

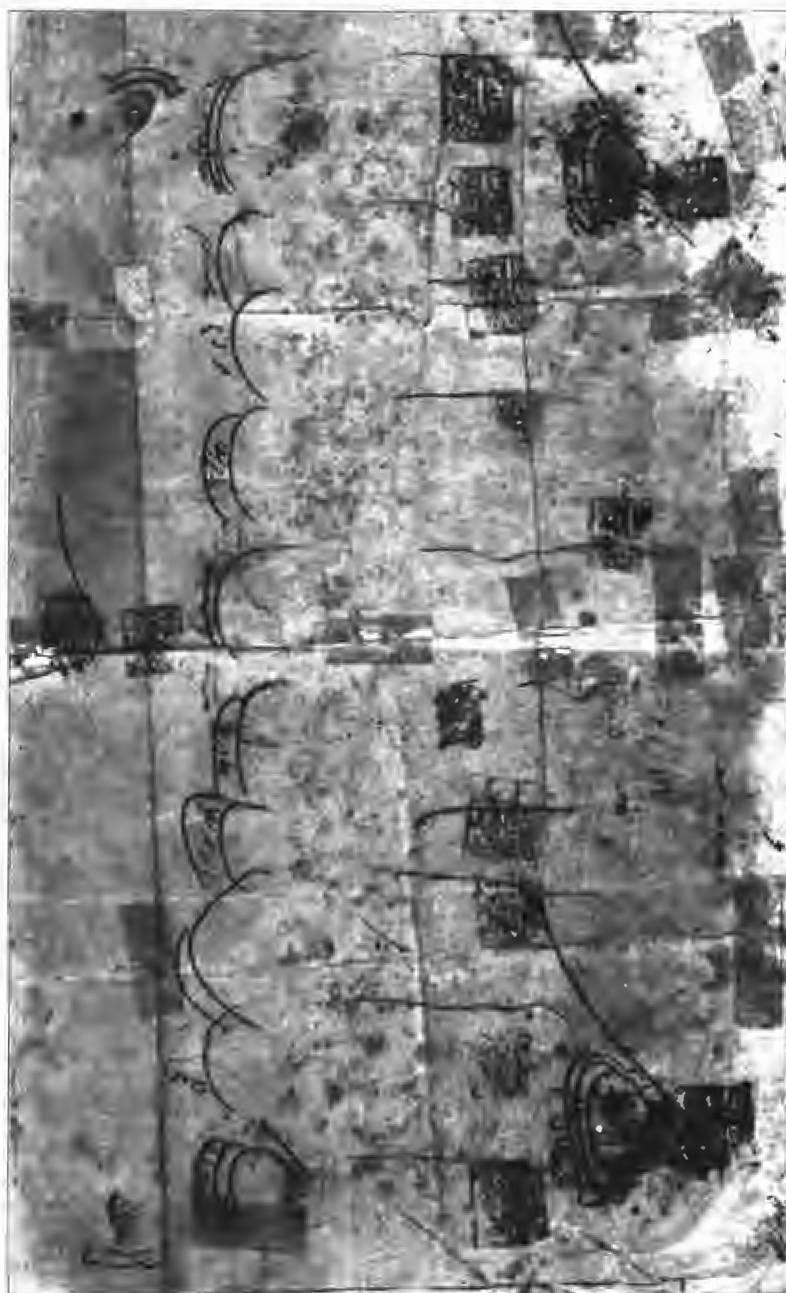
〃 〃 〃 〃 : افوض امری الی الله محمد صادق

مهر گلابی به سجع: صحیح [ناخوانا]

〃 〃 〃 〃 : صحیح محمد [علی]



فرمان فتحعلی شاه



ظهر فرمان فتحعلی شاه

فرمان تخفیف مالیاتی عهد ناصری بر سنگ نبشته مسجد جامع زنجان

پرستو قاسمی اندرود*

* کارشناس متون و کتیبه‌های اسلامی سازمان میراث فرهنگی گردشگری استان زنجان

چکیده

کتیبه‌ها اسناد مکتوب ارزنده‌ای هستند که در شناسائی بخشی از تاریخ اجتماعی سیاسی کشورما نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

کتیبه سنگی مسجد جامع زنجان یک فرمان تاریخی از طرف سعد الملک جهت تخفیف مالیاتی به رعیت خالصه ولایت خمسه است. این کتیبه اطلاعاتی در اختیار ما می‌گذارد که بخشی از اسناد مالی عهد ناصری است و در تاریخ ۱۳۰۲ هـ ق صادر شده است. در سطور آتی به علت جا به جایی این کتیبه و عدم دسترسی آسان پژوهشگران به آن در حد ضرورت به معرفی مسجد جامع اقدام شده و آنگاه مشخصات کتیبه فوق به اجمال تشریح شده است.

مسجد جامع زنجان

مسجد و مدرسه جامع معروف به مسجد سید در قلب بافت تاریخی شهر قرار گرفته است. این مسجد از ضلع غربی با بازار قیصریه و از ضلع شرقی با معبر موصوف به کوچه مسجد سید و از جبهه شمالی با خیابان امام و سبزه میدان در ارتباط است، قبل از احداث خیابان امام کنونی سردرب این مسجد به فضای بازی که در مقابل دارالحکومه به عنوان میدان شهر مطرح بوده مشرف بوده است و هم اکنون ورودی اصلی آن محسوب می‌شود.

ورودی غربی مجموعه با مرکز تجاری قیصریه و ورودی شرقی آن با بافت مسکونی مرتبط است. مجموعه مسجد و مدرسه سید، توسط عبداله میرزا دارا پسر یازدهم فتحعلی شاه قاجار در هنگام حکمرانی در زنجان در سال ۱۲۴۲ هـ ق احداث گردیده است.[۱]

مشخصات کتیبه

این کتیبه سنگی از جنس مرمر به ابعاد ۳۹/۵ × ۵۹ به ضخامت ۶/۵ سانتی متر، به خط نستعلیق برجسته در ۹ سطر حجاری شده است. کتیبه در سر در ورودی مسجد سید زنجان (مسجد جامع) از راسته قیصریه نصب شده بود که با نظر آیت اله سید محمد حسینی امام

۱- ثبوتی، هوشنگ، تاریخ زنجان ص ۵۰

جماعت محترم مسجد سید تحویل میراث فرهنگی زنجان شد و به شماره ۹۰۳ به ثبت آثار ملی رسید.

بانی کتیبه

بانی کتیبه سنگی سر در مسجد جامع زنجان حسینقلی خان مافی است. وی که ابتدا لقبش سعدالملک و بعد ملقب به نظام السلطنه گردید پسر شریف خان قزوینی یکی از رجال معروف دوره قاجاریه است. نامبرده مردی ادیب، خوش ذوق، خوش خط شاعرپرور، کاردان و کافی، بسیار زرنگ و موقع شناس نیز بوده است. وی در سال ۱۲۴۸ هـ ق متولد و در سال ۱۳۲۶ هـ ق در تهران درگذشت.



تصویر حسینقلی خان سعد الملک ملقب به نظام السلطنه

در سال ۱۳۰۲ هـ ق سعدالملک از طرف امین السلطان بحکومت خمسه (زنجان) که ابواب جمعی و در اداره او بود انتخاب و به آن محل اعزام شد و برادرش هم از حکومت و تصدی گمرکات بنادر خلیج فارس معزول و به تهران احضار گردید. نظام السلطنه مانند اکثر حکام و استانداران و فرمانداران در هر کجا که حکومت کرده و در مدت حکومت خود املاک زیادی برای خود و اعقاب خویش تهیه کرد. املاک فراوان او در خوزستان، فارس، زنجان، آذربایجان و... نتیجه چند سال حکومت وی در این نواحی می‌باشد.

در سال ۱۳۰۳ حسینقلی خان مافی سعدالملک به حکومت زنجان منصوب شد. قبل از وی

ناصر قلی میرزا عمیدالملک حاکم خمسه و زنجان بود که به واسطه رفتاری که با دو تن از خوانین شیوانات کرده بود اوضاع خمسه تا حدی آشفته شده بود و حتی وزیر مختار آلمان بسیار به دولت ایران اعتراض کرده بود به همین جهت با پیشنهاد امین السلطان نظام السلطنه مافی به حکومت زنجان منصوب و در ربیع الاول سال ۱۳۰۲ هـ ق عازم زنجان گردید.

وی در سال ۱۳۰۳با تصویب ناصرالدین شاه شروع به واگذاری و فروختن املاک و روستاهای خالصه نمود تا سبب رونق کشاورزی شده و عایدات دولت از محل مالیات افزایش یابد. وی می‌گوید که برای خود چیزی از این املاک و اراضی مرغوب برنداشته است.

وی در سال ۱۳۰۵ هـ ق از حکومت زنجان برداشته شد و به حکومت خوزستان و ایل بختیاری منصوب گردید و بجای وی برادر بزرگترش امین السلطان، محمد علی امین الحضرهٔ به حکومت زنجان رسید.[۱]



محمد علیشاه – حاج مفاخر الدوله – نظام السلطنه

۱- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ – ۱۳ و ۱۴. انتشارات زوار جلد اول چاپ پنجم ۱۳۷۸



از راست به چپ: ۱- غفاری صاحب اختیار ۲- مهدیخان وزیر همایون ۳- نظام السلطنه

متن کتیبه

متن کتیبه فوق چنین است:

هو

ذلک فضل الله یوتیه من یشاء [۱]

در هذه السنه ۱۳۰۲ بیچی ئیل که حکومت ولایت خمسه و مصافات و طوایف شاهسون بعمدهٔ الامرا العظام حسینقلی خان سعد الملک مفوض گردید استدعا نمود که فرمان همایون بقید لعنت نامه شرف صدور یابد بر خلاف مباشرین سابق که خرواری شش هزار دینارالی یکتومان قیمه کاه دیوانی را از رعیت خالصه دریافت می‌داشتند از هذه السنه و مابعدها از خرواری دو ریال مطالبه نکنند استدعای مشارالیه چون محض خیرخواهی

۱- قسمتی از سوره جمعه به معنی این فضل و کرامت خداست که آن لطف را در حق هرکه بخواهد می‌کند.

دولت و ملت بود فرمان جهان مطاع شرف صدور یافت که هر یک از حکام و مباشرین تخلف از این امر نموده زیاده خرواری... [احتمالاً دوریال] قیمه کاه را مطالبه کنند مستحق غضب خداوندی و سیاست پادشاهی خواهند بود.

شهر رمضان



تصویر سنگ نوشته مسجد جامع زنجان

هو

ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء

در اینهنگام که [illegible] سنه ۱۳۰۲ [illegible] حکومت ولایت [illegible] و طوایف [illegible] شاهسون

بعهده الامراء العظام حسینقلیخان سعدالملک مفوض گردید استدعا نمود

که فرمان همایون [illegible] نامه بصدور پیوندد بر خلاف مباشرین سابق که

خرواری [illegible] از رعیت خالصه دریافت

میداشتند از هذه السنه [illegible] ده خرواری [illegible] مطالبه نکنند

استدعای مشارالیه چون محض خیرخواهی دولت [illegible] فرمان جهانمطاع

شرف صدور یافت که هر یک از حکام و مباشرین تخلف از این امر نموده زیاده از خرواری

القیمه کاه را مطالبه کنند مستحق غضب خداوندی و سیاست پادشاهی خواهند بود



استنساخ سنگ نوشته

منابع

۱. ثبوتی هوشنگ، تاریخ زنجان، انتشارات زنگان ۱۳۷۷.

۲. بامدادمهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ - ۱۳ - ۱۴، انتشارات زوار، جلد اول چاپ پنجم ۱۳۷۸.

۳. خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه مافی (باب دوم) به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، حمید رام پیشه، چاپ دوم ۱۳۶۲ هـ ش نشر تاریخ ایران

کتیبه نگاری و کتیبه شناسی

نادر کریمیان سردشتی*

* عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مدرس دانشگاه تهران

چکیده

دانش کتیبه‌شناسی از جمله علومی است که در حوزه باستان‌شناسی قرار می‌گیرد. کتیبه‌ها اسناد مطمئنی هستند که ما را با تاریخ و اوضاع و شرایط اجتماعی سیاسی، اقتصادی هر زمان آشنا می‌کنند.

در دانش کتیبه‌شناسی دسته‌بندی و گروه‌بندی کتیبه‌ها نیز یک اصل است. در این مقاله ضمن شرح مختصر به اهمیت علم کتیبه‌شناسی، به تاریخچه کتیبه‌نویسی، تعریف آن و اصطلاحات و واژگان کتیبه‌نگاری می‌پردازیم:

***

دانش کتیبه شناسی از علومی است که مستقیماً در حوزه باستان شناسی قرار می‌گیرد و به ویژه در صد سال اخیر تقریباً تمام پژوهش‌های باستان شناسی حوزه‌های تمدن مصر، بین النهرین، آسیای میانه، ایران و هندو چین و یونان و رم هم به نحوی با کتیبه شناسی درگیر بوده و سهمی را از مطالعات تاریخی و باستان پژوهی به خود اختصاص داده است. کتیبه شناسی در کشورهای اروپایی و آمریکایی به دوره کلاسیک یا عهد باستان و دوره پس از میلاد طبقه بندی می‌شود در کشورهای خاورمیانه و عربی و آفریقایی بیشتر به دوره‌ی باستان و پیش از اسلام و دوره اسلامی طبقه بندی می‌گردد و لذا این گزینش بر اساس بررسی‌ها و دستاوردهای باستان شناختی انجام گرفته و از نظر منطقی توجیه پذیر می‌باشد.

زیرا کتیبه‌های دوره یونان باستان یا روم باستان قبل از میلاد مسیح را می‌توان نمونه‌هایی بارز و مشخص از این دوره‌ها قلمداد کرد و یا کتیبه‌های پیش از اسلام در خاورمیانه به ویژه در فلسطین و اردن و سوریه و عراق و ترکیه و شبه جزیره عرب و ایران و کشور مصر از موزه‌های برجسته جغرافیایی کتیبه شناسی و کتیبه نگاری باید به شمار آورد. کتیبه‌ها از حیث ارزش و اهمیت تاریخی گوناگون و متنوع هستند. برای نمونه کتیبه نگاری یونان از نظر تنوع و گوناگونی، فراوانی و وسعت اسناد و مدارک بسیار مفصل و نیز از لحاظ طول زمان بر کتیبه نگاری لاتینی برتری دارد، اما کتیبه‌های بین النهرین از حیث قدمت و ارزش تاریخی در جهان منحصر به فرد است. در ایران نیز کتیبه نگاری از دوره‌ی ایلامیان به طور گسترده آغاز و تا دوره‌ی معاصر ادامه می‌یابد.

مضمون کتیبه‌های پیش از اسلام و دوره اسلامی ایران بسیار متنوع است از ساده‌ترین مضامین آغاز می‌شود و به خاطرات و یادبودها و مباحث دینی و مذهبی ختم می‌شود. سنگ نبشته‌ها با عبارات و مضامین متنوع باید از نظر ترتیب تاریخی مورد مطالعه قرار گیرند و باید موقعیت و جایگاه آنها را در علم کتیبه شناسی مشخص ساخت. کتیبه‌ها در عهد باستان بیشتر به دو مضمون سیاسی و مذهبی متکی بوده اند و در ضمن با سادگی خاص آن دوران نیز همراه بوده است. در دوران ایلامیان و هخامنشی و سلوکیان تا اواخر ساسانی کتیبه‌ها یکی از اسناد و مدارک رسمی و دولتی تلقی می‌شده اند که حک و نقر آن بر صخره‌ها و الواح از واجبات می‌دانسته اند. تعداد زیادی از کتیبه‌های ایران پیش از اسلام از اسناد بسیار مفصل و فوق العاده با ارزش تاریخی تشکیل شده اند که در کتیبه نگاری معاصر برای آن معادلی وجود ندارد که نمونه بارز آن کتیبه بیستون است.

به هر روی کتیبه‌ها همیشه به عنوان سندی دست اول و شاهدی مستقیم و بی‌واسطه به شمار می‌آیند. خواه به صورت سنگ نبشته بر روی گورها و صخره‌ها باشد و خواه به شکل الواح قابل حمل. وانگهی اطلاعات کتیبه‌ها بر خلاف منقولات تاریخی بدون هیچ واسطه‌ای در دسترس ما قرار می‌گیرند حال آنکه منقولات تاریخی سینه به سینه در طول قرون با اتکای به گویندگان گزارش‌ها در کتاب‌ها منعکس و به ما منتقل می‌شوند. طبیعی است که ارزش این دو سند (روایت تاریخی و کتیبه‌ها) یکسان نیستند. به این ترتیب، علم کتیبه شناسی برای تاریخ کهن نوعی طراوت و تازگی به همراه می‌آورد که پیوسته تجدید می‌شود.

این دانش با انعطاف ناپذیری ویژه‌ای که دارد به تناقصات و تعارضات و اختلاف آراء و اندیشه‌ها درباره فرهنگ‌ها و حوادث و وقایع پایان می‌دهد و مجادلات علمی قدیمی متکی به روایت و حدس و گمان را قاطعانه حل می‌کند.

در مطالعات باستان شناسی و تاریخی، دانش کتیبه شناسی حکم اکسیر جوانی را دارد. این علم همواره دروازه‌های کشفیات بکر و جدید را تثبیت می‌کند و به بخش‌های گوناگون تاریخ عهد باستان و معاصر زندگی روح می‌بخشد. هر چند کتیبه‌ها به طور جامع و کامل تاریخ منسجم و به هم پیوسته‌ای را که برای نسل‌های بعدی تهیه شده باشد، در دسترسی ما قرار نمی‌دهند با این همه وقایعی را که گزارش می‌کنند یقینی و قطعی بوده و ضریب اطمینان را به

طور شگفت انگیزی بالا می‌برند و تردیدها و شک‌های تاریخی را برطرف می‌نماید. از سوی دیگر، اگر مطالبی را که کتیبه‌ها در زمینه‌ی رویدادهای تاریخی در دسترس ما قرار می‌دهند، مسائلی فرعی و شرح جزئیات بدانیم، باید یادآور شویم که این جزئیات به همان نسبت که مجسم کننده‌ی وقایع گذشته هستند، آموزنده نیز می‌باشند. آیا چیزی بهتر از کتیبه می‌تواند مفهوم دقیق «وقایع و حوادث» را برای مورخ آشکار کند؟ شاید برخی از نقادان علم تاریخ بگویند که مضامین کتیبه‌ها مطالب جزئی می‌باشند اما همین مباحث فرعی و جزئیات محدوده تاریخی را تعیین می‌کنند. این اسناد و شواهد خطی مستقیم برای روشن کردن بسیاری از مبهمات تاریخی کفایت می‌کند. کتیبه‌ها همچنانکه می‌دانیم مطالب فراوانی در اختیار مورخ و تاریخ قرار می‌دهند. در میان این مطالب آنچه مربوط به تاریخ رویدادهای سیاسی است از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا تنها از طریق کتیبه‌ها قادر خواهیم بودزمان و وقوع جنگ‌ها و دوره‌های تاریخی و پادشاهان را مشخص کرد چون گاهی منقولات تاریخی در این باب گوناگون و با روایات فراوان و متناقص مواجه هستیم. کتیبه‌ها در تدوین تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر کشوری نقش عمده‌ای را بر عهده دارند. مجموعه کتیبه‌ها در هر حوزه جغرافیایی امکان تهیه و تنظیم جدول سیاسی و اقتصادی را به آسانی میسر می‌سازد و افزون بر آن اطلاعات ما را نیز قانونمند می‌کند و جلوی اشتباهات و لغزش‌ها را می‌گیرد. برای نمونه ما تقریباً بیشتر اطلاعات خود را درباره‌ی نظام و قوانین کشورها و دولت شهرهای یونانی، ایلامی، آشوری، سوری، بابلی، اورارتوما و ایرانی مدیون کتیبه‌ها هستیم. در باب تاریخ ادیان و مذاهب نیز کتیبه‌ها اطلاعات ذیقیمتی در اختیار می‌گذارند که اغلب مزین به نقوش برجسته هستند و اسناد و شواهد مهمی را در زمینه آیین‌های مذهبی ارائه می‌دهند. پس در مورد شناخت تاریخ ادیان و خصوصاً مذاهب بومی و محلی ایران، آسیای صغیر، فلسطین و سوریه و ترکیه و عراق باستان، کتیبه‌ها مآخذی منحصر به فرد به شمار می‌آیند. کتیبه‌ها در این باره نه تنها جنبه‌های ظاهری مذهب مثلا شیوه‌ی قربانی بلکه آراء و احساسات مؤمنان و معتقدات آنان را به صورت هبه‌ها و وقفنامه را گزارش می‌کنند. در دوره اسلامی این موارد مشهودتر و دقیق تر بیان می‌شود.

درباره تاریخ زبان و فرهنگ نیز کتیبه‌ها از منابعی هستند که بیشترین بهره وری را دارند و

در حقیقت مواد و مصالح تاریخ زبان‌ها فراهم می‌سازند. اسناد کتیبه‌ای تنها اسناد مطمئنی هستند که به طور زنده ما را با زبان‌های کهن آشنا می‌سازند. در باب لغت شناسی و سیر تحول واژگان که امروزه در حوزه فقه اللغه مورد بررسی قرار می‌گیرد. کتیبه‌ها بیشترین مواد را عرضه می‌کنند. بنابراین تاریخ نگاران و باستان شناسان هیچ کتیبه‌ای را نمی‌توانند نادیده بگیرند زیرا هیچ کتیبه‌ای نیست که گوشه‌ای از تاریخ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را روشن نکند.

در دانش کتیبه شناسی دسته بندی یا گروه بندی کتیبه‌های مشابه و هم دوره خود یک اصل اساسی و مهم به شمار می‌رود. یک کتیبه منفرد، فقط بخشی از اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد، حال آنکه همین کتیبه در میان گروهی از کتیبه‌های مشابه مفهوم واقعی خود را باز می‌یابد. هر چه این گروه و مجموعه کتیبه‌ها متنوع تر و تعداد اجزای آن بیشتر باشد کتیبه مورد نظر نیز جالب تر می‌شود. این قاعده‌ی بسیار با ارزش را « ادوارد گرهاد » بر کلیه آثار باستان شناسی تعلیم داده است و گوید: « آن کس که تنها یک اثر یا یک سند را دیده باشد، مثل این است که اصلاً چیزی ندیده است، آن کس که هزاران سند را مشاهده کرده باشد، تنها یکی را دیده است». و یک کتیبه باید در عین حال در میان گروه کتیبه‌های یک مکان، یک عصر و مربوط به یک موضوع قرار گیرد. در این صورت ایراد اصلی وارد بر کتیبه، یعنی موقعیت آن به عنوان سندی منفرد و فرعی، برطرف می‌شود زیرا علت اصلی وجود این عیب، از بین رفتن کتیبه‌های مشابه یا پنهان ماندن آنها در دل خاک می‌باشد بطوریکه اگر کتیبه‌های یک شهر تماماً در برابر دیدگان ما قرار می‌گرفت، وضع به گونه‌ای دیگر بود. تنظیم و گردآوری مجموعه‌های کامل در باب کتیبه شناسی از وظایف هر کتیبه شناس است به همین دلیل مجموعه‌های کلی کتیبه شناسی از آغاز قرن ۱۶ میلادی در اروپا به چاپ رسید و انتشار یافت و از آن پس این رویه دنبال شد و بدون تردید علم کتیبه شناسی اولین و به هر حال موفق‌ترین علمی است که در تحقق بخشیدن به مفهوم تنظیم مجموعه‌ی اسناد (Corpus) توفیق یافته و با این کار الگویی برای سایر علوم شده است که برای نمونه علم سکه شناسی نیز در ارائه‌ی مجموعه‌های سکه هر دوره تاریخی و تهیه کاتالوگ‌های شاهان و حاکمان پیشرفت‌های فراوانی داشته است.

در ایران برای تهیه مجموعه کتیبه‌ها جز آنچه که مربوط به دوره‌ی پیش از اسلام می‌باشد و

آن نیز محدود بوده پژوهش‌های برجسته‌ای انجام نگرفته است و ما هنوز مجموعه کتیبه‌های دوران صدر اسلام، سلجوقیان، مغول، تیموریان، صفویان و افشار و زند و قاجار را منطبق با اصول و قواعد کتیبه شناسی و به ترتیب توالی تاریخ در اختیار نداریم.

به هر روی دانش کتیبه شناسی چه در حوزه حفظ و نگهداری و چه درباره بازسازی و بازخوانی متن و چه در باب معرفی و پژوهش و شناسایی نیازمند دقت و صبر و حوصله و محتاج روحیه‌ای سرشار از صداقت و صراحت است تا بتوان آن را سازماندهی کرد و به نتایج ارزشمند آن نیز دست پیدا کرد.

تاریخچه کتیبه نویسی در ایران

کتیبه نویسی (Epigraphy) بر روی احجار و سنگ‌ها در ایران بر اساس مدارک موجود کتیبه‌ها، از زمان سلاطین هخامنشی معمول و مشاهده شده است. ولی مسلم است که این رسم در نزد ملل قدیمی تر مانند مصر و کلده و آشور و غیره نیز متداول بوده است و به هر روی کار آنان در کتیبه نگاری ایرانیان بی‌تأثیر نبوده است. در هر حال این کار از خصایص طبیعی انسان است و ناشی از غریزه حب بقا می‌باشد. زیرا آدمی در طول عمر کوتاه خود همواره می‌کوشد که نامی و اثری از خود در جهان فانی باقی بگذارد تا بعد از وی برقرار و جاوید بماند، و در نتیجه همین خاصیت طبیعی و میل غریزی است که میل کتیبه نویسی در جماعات بشری به ظهور رسیده لیکن این کار که در ابتدا ناشی از حب نفس بوده است امروز برای علمای تاریخ یک رشته از مهمترین اسناد تاریخی را فراهم ساخته که اگر آن کتیبه‌ها نمی‌بود در هر آینه قسمت عمده از تاریخ جهان مجهول می‌ماند.[۱] در دوره پیش از اسلام کتیبه نگاری بسیار مرسوم و معمول بود و تا دوره اسلامی ادامه یافت و در دوره اسلامی از حیث و تنوع جنسی کتیبه گسترده تر شد و به ویژه صبغه دینی آن بسیار قویتر گشته تا جایی که بیشتر کتیبه‌های دوره اسلامی را آیات و احادیث و کلمات و اقوال و اشعار بزرگان دین تشکیل داد.

۱- نقش پارسی بر احجار هند، ص۷

تعریف و توضیح اصطلاح کتیبه

کتیبه به معنی « **نوشته** » و در اصل « **کتابه** » بوده که الف آن ممال شده و به یاد تبدیل گشته بنابر ایت کاف آن را مکسور باید خواند نه مفتوح.[۱] اما در لهجه عمومی به فتح کاف متداول شده است و فتح نیز صحیح است. معزی شاعر گوید:

کتاب و کلک همه کاتبان نمونه شود   چو کلک او بنگارد کتیبه‌های کتاب

نفیسی (ناظم الاطبا) در فرهنگ خود ذیل کتیبه می‌نویسد:

« آنچه به خط جلی نسخ یا نستعلیق و یا به خط طغرا و یا به خط کوفی بر دوره دیوار مساجد و مقابر واماکن متبرکه و یا سردر دروازه امرا و بزرگان نویسند و یا نقش کنند »[۲]

دهخدا نیز در شرح واژه کتیبه سه توصیف ارائه کرده وی در لغت نامه می‌گوید:

« - نوشته که حاشیه مانند دور سو در عمارت و بر بدنه دیوار مسجد و مقبره و بقعه و تخت و کرسی و در و نیز بر کرانه پارچه که سفره و بیرق جامه (جامه خانه کعبه) و زرین پوش و جل اسب و پوشش تکیه‌ها و غیره باشد نویسند[۳]

قسمت زبرین دیواری که به آجر یا سنگ یا نقوش زینت شده باشد[۴]

آنچه از نقوش و خط که بر سنگ‌ها کرده باشند، آنچه بر سنگی یا کوهی حجاری شده باشد[۵] »

اصطلاحات و واژگان کتیبه نگاری

۱. کتیبه.

۲. کاتب.

۳. لوح مرقد.

۱- نشریه دانشکده ادبیات تبریز، س ۱، ش ۱۰، ص۳۳

۲- فرهنگ نفیسی، ج، ص

۳- لغت نامه دهخدا، حرف «ک»، ص ۳۵۶

۴- همان

۵- همان

۴. لوح قبر.

۵. لوح طلسم.

۶. لوح تربت.

۷. لوح.

۸. کتابه.

۹. سنگ نشان.

۱۰.سنگ نبشت.

۱۱.سنگ نبشته.

۱۲.سنگ نوشته.

۱۳.سنگ قبر.

کاتب [Kateb] (اسم فاعل)

۱. نویسنده سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها.

۲. آنکه بر روی چوب و سنگ وغیره نویسد.

لوح مرقد [Lawh - e - marrad]

۱. لوح تربت.[۱]

۲. لوح مزار.[۲]

۳. لوح قبر.[۳]

۴. شاهد:

حرام باد بر آن کوهکن شهادت عشق   که لوح مرقدش از سنگ بیستون نکند

۱- دهخدا، ل، ۳۲۱

۲- همان. (معین، جلد۳:۳۶۴۵)

۳- همان

لوح قبر [Lawh - e - qabr]

۱. لوح تربت.[۱]

۲. لوح مزار.[۲]

۳. لوح مرقد.[۳]

۴. سنگی که بر سنگ قبر گذارند.[۴](دارای نوشته)

لوح طلسم [Lawh - e - telesm]

۱. صفحه مس یا برنج و یا کاغذ و غیره که در آن وجه گشادن طلسم و حقیقت آن کنده و یا نوشته و تبعمان کرده باشند.[۵]

۲. لوحی باشد که طریق گشادن طلسم بر آن تحریر کرده در میان طلسم تعبیه کنند.[۶]

۳. شاهد:

ز بس غبار کدورت ز آسمان دیدم   بزیر خاک چو لوح طلسم پیچیدم[۷]

لوح تربت [Lawh - e- torbat]

۱. تخته سنگ که آیات و ابیات و مانند آن بر آن کنده یا نوشته بر قبر نهند و گاهی همچنان ساده و بی‌نقش نهند.[۸]

۲. تخته سنگی که بر آن آیات و ابیات کنند یا نویسند و برفراز قبر نهند، و گاه نیز همچنان ساده و بی‌نقش نهند.[۹]

۱- آنندراج. (دهخدا، ل،۳۲۰)

۲- همان

۳- همان

۴- معین، ج ۳: ل ۳۶۴

۵- آنندراج

۶- غیاث اللغات

۷- شفیع اثر

۸- آنندراج

۹- معین، ج۳: ۳۶۴۴

شاهد:

فنا شدیم ندیدیم خـــــاطر جمعی ز سنگ تفرقه کردند لوح تربت ما[۱]

لوح [Lawh (Lowh)]

جمع: الواح، جمع الجمع: الاویح[۲]

۱. هر چه پهن باشد از استخوان و کتف و تخته و جز آن (مانن سنگ) و بر آن نویسند.[۳]

کتابه [Ketaba (-e)]

۲. نظم و نثری که مشعر بر تاریخ ساختمان و اتمام بنا و نام بـانی و هـدف از بنـا و غیـره باشد.[۴]

۳. کتیبه[۵]

شاهد:

گرد قصرش کتابه سیمین ثانی اثنین کهکشان باشد[۶]

سنگ نشان [Sang - e - nešan] (ترکیب اضافی)

سنگی در راه‌ها برای نشان و موقت مقادیر منازل نصب کنند.[۷]

شاهد:

بال و پر شد شوق من سنگ نشان خفته را من براه انداختم این کـــــاروان خفته را[۸]

۱- ملا قاسم مشهدی

۲- منتهی الارب

۳- منتهی الارب

۴- معین، ج۳: ۲۹۰۱- ۲۹۰۲

۵- همان

۶- دیوان وحشی بافقی، چاپ امیر کبیر، ص۱۸۷

۷- آنندراج

۸- صائب به نقل آنندراج

سنگ نبشت [Sang – nebešt] (اسم مرکب)

به انگلیسی Inscription

۱. از آنچه بر روی سنگ نویسند[۱]

سنگ نبشته [Sang –nebešta (-e)]

۲. عبارت از سنگ‌هایی که سطح آن از خطوط قدیمی پوشیده و برای روشن کردن وقایع تاریخی به کار می‌برند.[۲]

سنگ نوشته [Sang –nevesta(-o)] (اسم مرکب)

۳. سنگ نبشته

۴. نوشته‌ای که بر روی سنگ کنده باشند

۵. کتیبه سنگی

توضیح: سنگ نوشته در اصل کتیبه‌ای سنگی در موضعی در «شمشیرآباد» خرم آباد به طرف جاده اهواز، بالاتر از ساختمان شرکت نفت و آن میل مکعبی است که بر آن نوشته ایست به خط کوفی[۳]. لرهای خرم آباد آن را «سنگ نوشته» و «سنگ نوشتا» گویند[۴]. این کلمه را مارکوات آلمانی در مقاله فارسی «آذربایجان» که در مجله ایرانشهر(چاپ برلین) طبع شده، بکار برده است، سپس آقای ابراهیم پورداود به صورت «سنگ نبشته» آن را استعمال کرده و و دیگران از آنان پیروی نموده اند، ولی گروهی استعمال آن را به مناسبت آنکه در نظم و نثر قدیم نیامده، تجویز نمی‌کنند[۵].

۱- دهخدا، س،۶۸۳

۲- ایران باستان، ص۱۸

۳- یادداشت‌های قزوینی، ج۳: ۷۴-۷۳

۴- دکتر شهیدی

۵- معین، ج۲:۱۹۴۱

سنگ قبر [Sang - e - qabr] (ترکیب اضافی)

۱. سنگی که بر زیر قبر نهند و گاه بر آن نام صاحب قبر و تاریخ وفات بر آن نقر کنند.[۱]
۲. سنگ لحد[۲]

سنگ مزار [Sang - e - mazar]

۱. سنگ قبر
۲. سنگ لحد

موضوع کتیبه‌های دوره اسلامی

کتیبه‌های دوره اسلامی از حیث موضوع بسیار متنوع و گسترده بوده که بر شمردن آنها مقتضی استخراج تمام موضوعات کتیبه‌های برجای مانده این دوره است، اما می‌توان به اهم موضوعات و محتوی کتیبه‌ها اشارات کلی داشت که می‌توان از موارد ذیل یاد کرد.

۱. سال تاسیس و بنیاد بنا یا شیئی منقول
۲. سال و تاریخ پایان بنا یا اثر
۳. سال و تاریخ بازسازی و تعمیر بنا و اثر
۴. جملات دعائیه
۵. جملات، عبارات و آیات قرآنی
۶. اسماء و صفات خداوند
۷. جملات، عبارات احادیث نبوی و ائمه
۸. اشعار عربی – فارسی
۹. ماده تاریخ
۱۰.فرامین و احکام شاهان، سلاطین، فرمانروایان...
۱۱.یادبودها و یادگاری‌ها

۱- دهخدا، س، ۶۸۱
۲- همان

۱۲.وقایع و حوادث مهم تاریخی

۱۳.وقایع و حوادث مهم اجتماعی – سیاسی

۱۴.حوادث طبیعی (سیل، زلزله، آتش سوزی و...)

۱۵.موضوعات اقتصادی و امور مالی همچون رفع مالیات یا تعیین کالیات

۱۶.جملات و عبارات مهم فارسی، عربی از بزرگان، مشاهیر (منشور)

۱۷.موقوفات ، هبه

انواع کتیبه: (جنس)

نوع کتیبه‌های دوره اسلامی که موضوع بر آن نوشته شده است، مختلف و متفاوت می‌باشند و جنس شیئی کتیبه با همدیگر فرق دارند که عمده‌ترین اشیاء و اجناسی که کتیبه بر آنها نوشته شده به ترتیب زیر عبارتند از:

۱. سنگی

۲. کاشی

۳. گچی

۴. آجری و خشتی

۵. فلزی

۶. چوبی

۷. استخوانی

۸. شیشه ای

۹. گلی

۱۰.پارچه‌ای (بافت‌ها)

نوع آثار و بناهای کتیبه دار (منقول و غیر منقول)

بخش اول: غیر منقول (آثار و بناهای معماری)

۱. مسجد

۲. مصلی
۳. رباط
۴. خانقاه
۵. زاویه
۶. حسینیه
۷. تکیه
۸. مقبره و آرامگاه
۹. قبرستان و مزارها و گورستان
۱۰.مدارس
۱۱.امامزاده‌ها
۱۲.قلعه و دژ
۱۳.کاخ‌ها و قصرها
۱۴.سقا خانه
۱۵.آب انبار
۱۶.سردر
۱۷.استخر
۱۸.پایاب
۱۹.مناره
۲۰.میل
۲۱.دروازه‌ها و درگاه‌ها
۲۲.خانه‌های مسکونی – قدیمی
۲۳.چشمه‌ها
۲۴.کاروانسراها
۲۵.تخته سنگ‌ها و سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌های صخره‌ای (در کوه)
۲۶.پل

۲۷.بند و آبگیر و سدها

۲۸.باغ‌ها

۲۹.سرای

۳۰.بازار

۳۱.حمام

۳۲.بادگیر

۳۳.آسیاب

۳۴.یخدان

۳۵.کلیساها

۳۶.صومعه‌ها

۳۷.دکان‌های قدیمی

۳۸.چاه‌ها

۳۹.آتشکده‌ها و آتشگاه‌ها

۴۰.کاریز و قنات

بخش دوم: منقول

۱. لوله‌های فلزی توپ‌های جنگی

۲. شمشیر

۳. صندوق و جعبه

۴. سفال

۵. ظروف

۶. قلمدان

۷. شمعدان

۸. تابلوها

۹. جلدهای کتاب

۱۰.صدف

۱۱.استخوان

۱۲.چهل کلید

۱۳.تخت

۱۴.آفتابه، ابریق

۱۵.آیینه

۱۶.پارچه و بافت‌ها

۱۷.انواع اسلحه

۱۸.بیرق، علم

۱۹.سکه و مسکوکات

۲۰.تابوت

۲۱.تفنگ

۲۲.کمربند

۲۳.دیگ

۲۴.سنگاب

۲۵.اسطرلاب

۲۶.کشکول

۲۷.تبر زین

۲۸.مهر و انگشتری

کتیبه‌های پولک‌های زیر کوبه‌خانه عباسیان در کاشان

مریم کیان*

* عضو هیئت علمی سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت پژوهش‌های هنرهای سنتی

چکیده

خانه عباسیان به دلیل تنوع و کیفیت فضاهای اندرونی وبیرونی یکی از جالب‌ترین بناهای مسکونی در کاشان است.

هشتی ورودی این خانه یکی از قسمت‌های مهم بناست که فضای بیرونی را به واسطه یک « در» به فضای درونی پیوند می‌دهد. آستانه « در» تنها به کسانی که مجازند، امکان ورود و خروج را می‌دهد و از سوی دیگر از ورود افراد متفرقه جلوگیری می‌کند. برای کسب اجازه برای دخول به خانه، باید اهل خانه را به گونه‌ای مطلع کرد.

کوبه وسیله‌ای است که با کوبش آن بر شئ دیگری، صدا تولید می‌کند و با انعکاس صدا در دالان‌های آن سوی در، کسی برای گشودن آن خواهد آمد. تا زمانی که در گشوده شود، شخص منتظر، فرصتی می‌یافت تا اطراف را نظاره کند و پولک زیر کوبه، بهترین تابلو برای تماشا و بهترین مکتوب برای خواندن و پند گرفتن بود. کتیبه با اسامی خداوند آغاز و با دعای خیر به پایان می‌رسید.

آنجا که می‌خواند که (خورشید اگر تو روی نپوشی فرو رود) اشاره به چشم برگرفتن از نامحرم و یا رعایت حجاب دارد.

این پژوهش به صورت میدانی تهیه شده و با منابع کتابخانه‌ای تکمیل شده است. سعی نگارنده بر این بوده است که علاوه بر شناخت آثار فرهنگی خود، به پیام‌های معنوی که این آثار به همراه دارند، توجه لازم مبذول شود.

اشعار پلاک زیر کوبه خانه عباسیان در کاشان

خانه عباسیان در کاشان یکی از خانه‌های تاریخی محله میر سید احمد[1] است که همچون خانه‌های دوره قاجار دارای اندرونی و بیرونی است. بر روی در بیرونی یا به عبارت بهتر در ورودی، الصاقات فلزی که به آنها «**زمود**»اطلاق می‌شود نصب شده است.

دالان ورودی از کوچه به هشتی، گذرنده را به سه در می‌رساند. این درها، جهت ورود به فضای داخلی را مشخص می‌کند. در وسطی که در اصلی است دارای اشعاری بر روی پلاک زیر کوبه است.

۱- آدرس خانه عباسیان در کاشان خیابان فاضل نراقی، خیابان خرم، کوچه ایوان ناظم بیک است.

این در که ورودی به اندرون است، به گونه‌ای استعاره‌ای اشاره به وارد شدن به حریم منزل را دارد.

قبل از آنکه به جزئیات روی این در پرداخته شود، به ذکر برخی نکات درباره سیر تحول استفاده از الصاقات فلزی بر روی آن می‌پردازیم.

در بررسی آثار باستان شناختی از حفاری‌های گورستان «**لیخ شیران**» اردبیل مربوط به هزاره‌ی اول قبل از میلاد، با قطعات چوبی که با ورقه‌ها و گل میخ‌های مفرغی پوشش داده شده اند مواجه می‌شویم. روکش یا آهنکوب کردن درهای چوبی دروازه‌ها، از دوره ماد مرسوم بوده است. الصاق ورقه‌های فلزی بر روی درهای بزرگ ورودی به منظور استحکام و تقویت دفاعی آنها صورت می‌گرفت که نمونه‌های آن را در نقش برجسته‌ها می‌توان در کتیبه‌های بناهای شوش مربوط به دوره هخامنشی مشاهده کرد. در مشروح آن آمده است:

«... تیرهای سقف از چوب سدر، صنوبر هندی و آبنوس با روکش طلا پوشیده و با عاج و جواهراتی چون یاقوت و زمرد ترصیع شده بود. اشکال زیبای حیوانات بر روی ورقه‌های طلا روی درهای چوبی، مفرغی و آهنی نصب شده و حتی روی بعضی از دیوارها را با ورقه‌های طلا پوشانده بودند. » بر روی برخی از الوارها که به عنوان ستون و تیر سقف استفاده می‌شد با ورقه‌های ضخیم فلزات گرانبها، روکش شده بود تا با تابیدن نور، بازتاب و درخشش زیبایی داشته باشد و بر روحانیت فضای درباری بیفزاید[۱].

در دوره هخامنشی پوشاندن و روکش کردن جعبه یا صندوق چوبی با دستگیره‌های مفرغی بسیار رایج بود. آنان در این روش چنان مهارت یافتند که حتی ظروف فلزی کم بها را با فلزات قیمتی روکش می‌کردند. نوارهای فلزی با نقش گل‌های دوازده پر (روزت) و شیرهای بالدار (شیردال) و همچنین دستگیره‌های صندوق‌ها با نقش سرشیر، کوبه و گل میخ‌های مفرغی موجود در موزه ایران باستان، نمونه‌های ارزشمندی از این دوره هستند. در دروازه ورودی تخت جمشید، محله پاشنه گردها که در سنگ فرو رفته، بر استفاده از درهای سنگین دولته با روکش آهنکوب، زرکوب و یا سیمکوب اشاره دارد.

در روی جام‌های ساسانی، نقش چند بنا که بعضی از آنها شبیه معبد و برخی شبیه در یا

۱- پوپ، ۱۳۶۵،ص۴

دروازه‌های مادی است، مشاهده می‌شود، با این تفاوت که لنگه‌های در تبدیل به مستطیل شده و هلالی و نای بالای در با نقش خورشید تزیین یافته است.

... کهن‌ترین دری که از اوایل دوره اسلامی بجا مانده و شادروان مجدزاده صهبا، تاریخ آن را از متن کوفی متعلق به ۴۳۲ هجری دانسته اند، بر دروازه مهریز (مهریجرد) یزد، نصب بوده است. این در با سه در دیگر به امر "سرهنگان ابوجعفر کاکویه" برای چهار دروازه یزد (مهریجرد، کوشکنو، کیا و قطریان) توسط یک آهنگر اصفهانی ساخته شده بود. لنگه‌های دروازه مهریز چوبی بوده که روی آن را با روکش آهنین منقوش، پوشانده بودند و نقوش آن شامل تیراندازان اسب سوار، پیل سوار، پیاده سوار و حیوانات درنده مانند شیر بوده است.

ارنست گروب تحقیقاتی درباره فلزکاری روی فلزات ارزشمند دوران تیموری انجام داده که نمایانگر غنای گنجینه این دوره است. از میان روکش‌های ارزشمند دوره صفویه یازده پلاک طلاست که اشعار فارسی آن به خط نستعلیق و توسط علیرضا عباسی نگاشته شده است. این پلاک‌ها به دستور شاه عباس اول برای تزیین حرم امام رضا در مشهد ساخته شد.

از درهای قرن نهم هجری، نمونه‌های زیبایی در موزه‌های جهان وجود دارد که شاید در میان آنها « **در بقعه سید ابو جعفر ابیض**» واقع در چابکسر، از نظر تناسب بی‌نظیر باشد[۱].

در دوره صفویه به دستور شاه عباس،درهای خانقاه شیخ صفی الدین در اردبیل را با ورقه‌های منقوش از فلزات گرانبها روکش کردند. در تاریخ عباسی ذکر شده که «شاه عباس در۱۰۱۱ سال هجری دستور داد تا در بزرگ حرم را پایین آوردند و آن را از طلای ناب روکش کنند و پنجره‌های مشبکی نیز از نقره برای حصار دور مقبره ساختند». یکی از درهای چوبی با روکش نقره در خانقاه شیخ صفی، در بزرگ ورودی اتاق کفش کن قندیل خانه است که امروزه تنها یک لنگه آن موجود است و کتیبه روی آن مشخص می‌کند که این در به تاریخ ۱۰۱۱ هجری به اتمام رسیده است. ورقه‌های نقره توسط گل میخ‌های کوچک دست ساز بر روی در متصل شده و قاب‌های تزیینی بر روی آن الصاق شده است. گل‌های ختایی درون

۱- پیرنیا،۱۳۷۴،ص۳۴۷تا۳۴۹

قاب‌های ترنجی شکل، در لا به لای قاب‌های بازوبندی شکل که هر کدام حاوی عبارتی هستند، این درها را می‌آرایند[۱].

بر روی در ورودی قندیل خانه که از جنس چوب و با روکش نقره است، نقوش اسلیمی و ختایی درون ترنج‌هایی به شکل بازوبندی به صورت برجسته قلمزنی شده است. در بالای در کوچک این ورودی اشعار با مضمون زیر به تاریخ سنه ۱۰۱۱ قلمزنی شده است.

در عهد معدلت پادشاه دین عباس — که چرخ را زنظیرش نبود و نیست نشان

بدور تولیت ذوالفقار خان که بود — غلام خاصه این آستان عرش مکان

به سیم خام بدین آستانه کرد احداث — دری که مثلش ناید عقول را به گمان

اسب فکر ضمیرم دراز دستی کرد — برآمدم پی تاریخ او به گرد جهان

چون دید طبع رضا چرخ مایل تاریخ — ندا رسید ز غیبش که باب نقره خان

در بخش شاه نشین بقعه شیخ صفی، درهایی با روکش نقره‌ای جلب نظر می‌کند. ابیات و گل‌های ختایی درون قاب‌ها قلمزنی و بر روی روکش اصلی با میخ‌های نقره‌ای نصب شده اند. چند مصرع باقیمانده به خط نستعلیق و به شیوه میرعماد به تاریخ ۱۰۶۸ بر روی در نقش بسته که مضمون آن چنین است:

چون بدور شه جهان عباس — که بود سیت دولتش به دوام

بهر این آستان عرش نشان — که مقام ملائک است مدام

خان بن خان قلیچ مهرانی — کردند دری ز نقره خام

هاتفی گفت بهر تاریخش — درب دولت گشاده باد مدام

مشابه درهای خانقاه شیخ صفی الدین اردبیلی، درهای مسجد امام و مدرسه چهارباغ در اصفهان هستند. درهای مسجد امام در اصفهان نیز مانند درهای بقعه شیخ صفی، ابتدا روکش‌های نقره‌ای بدون نقش و کتیبه، روی در چوبی با گل میخ‌های کوچک متصل شده و سپس با قاب بندی‌هایی به شکل ترنج‌های بازوبندی، شمسه و... از جنس طلا ونقره که اشعار

۱- آلن، ۱۳۸۱،ص ۳۶

و نقوش روی آن قلمزنی شده اند روی روکش نصب شده اند. تاریخ ساخت این در مربوط به ۱۰۴۶هجری قمری است. روکش نقره‌ای درهای مسجد چهار باغ اصفهان توسط میخ‌های سرگرد به درهای چوبی متصل شده است. چندین ورقه که کار اصلی بر روی آنها انجام شده روی ورقه ساده زمینه قرار گرفته اند. طرح این درها به درهای مسجد امام بسیار شبیه است. این طرح‌ها شامل یک ترنج میانی با نقوش گیاهی برجسته و چهار ترنج کوچک تر در گوشه‌هاست که طرح کلی آن را به شکل ترنج درآورده است. در دو طرف ترنج مرکزی دوسر ترنج به شکل شرتبرزین کتیبه‌ای است به این مضمون:

بسم الله الرحـــــمن الرحـــــیم انا فتحـــــنا لک فتحاً مـــــبینا

قال النبی صلی الله علیه و آله انا مدیــــنه العلم و علی بابها

در حاشیه نیز مطالبی درباره بانی مدرسه آورده شده که حروف ابجد بیت آخر ۱۱۲۰و کاتب حروف را محمد صالح نشان می‌دهد[۱].

در این دوره باید ارتباط و همکاری میان فلزکاران (ریخته گران، مسگران، آهنگران، زرگران و قلمزنان)، نجاران، خوشنویسان و طراحان زیاد بوده باشد زیرا که این درها علاوه بر روکش‌ها الصاقاتی چون لولا، پاشنه، چفت و بست نیز دارند ولی چون جزو درهای ورودی‌های اصلی یا بیرونی نبوده اند فاقد الصاقاتی چون پلاک‌ها، کوبه‌ها، رو کلیدی، گل میخ‌های بزرگ در ردیف‌های منظم هستند. روکش کردن درهای چوبی به دلایل متفاوتی چون سنگین شدن و به صرفه نبودن از رواج افتاد ولی استفاده از الصاقات فلزی کماکان ادامه یافت.

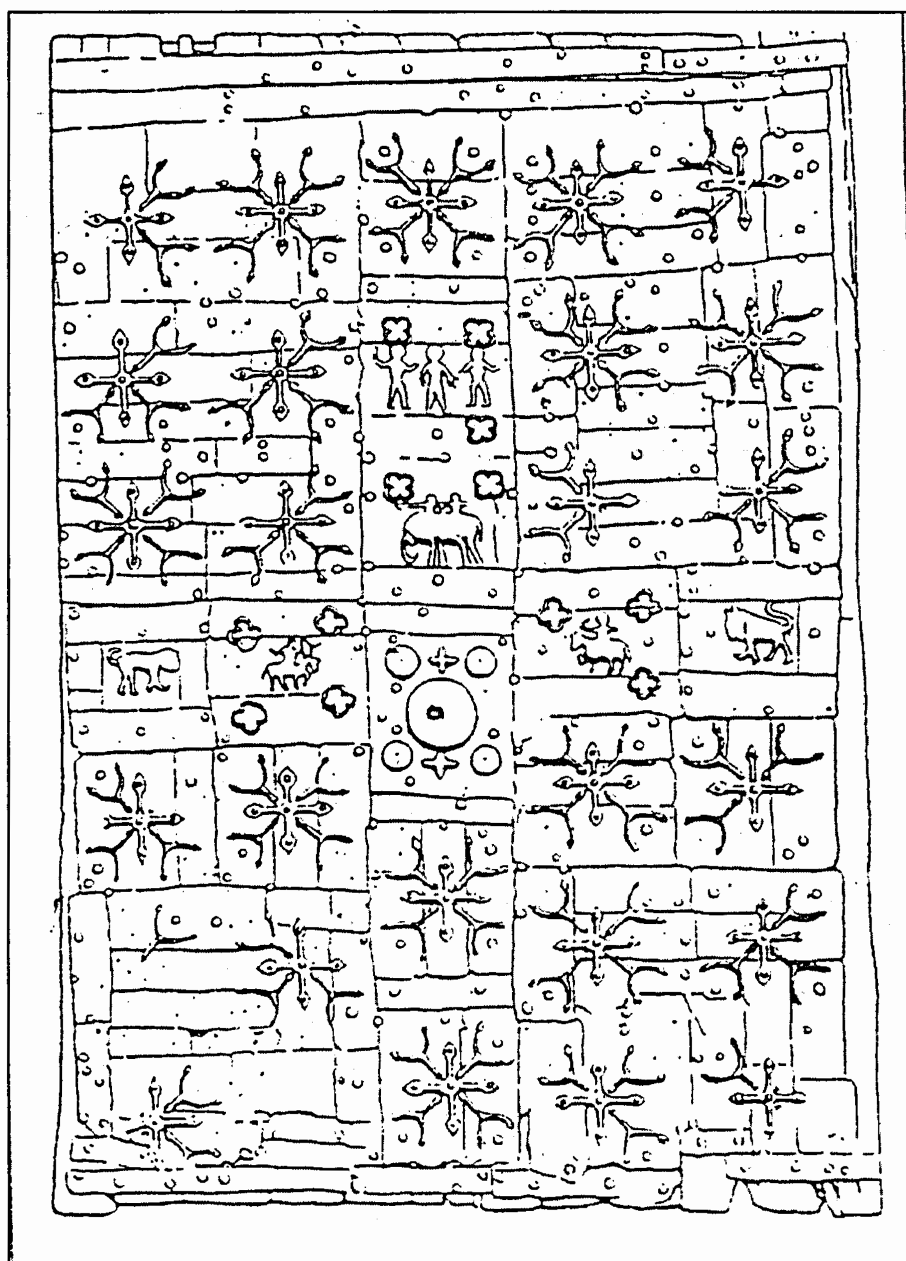
درهای دوره قاجار نیز کماکان به شیوه‌های گذشته ساخته شد. شاید استفاده از روکش‌های فلزی از رواج افتاد اما به کارگیری روکش‌های خاتم، لاکی روغنی، معرق و منبت رایج شد.

تمام درها، هر چند ساده باشند دارای باهو، شاخک و پاشنه گرد هستند. ساده‌ترین درها از تعدادی تخته که پهلوی یکدیگر کار گذاشته شده اند تشکیل می‌شود. تخته‌ها معمولاً عرضی حدود ۱۲تا ۲۰ سانتی متر دارند. برای اتصال بهتر، مابین تخته‌ها را در چند نقطه کام و زبانه می‌کنند

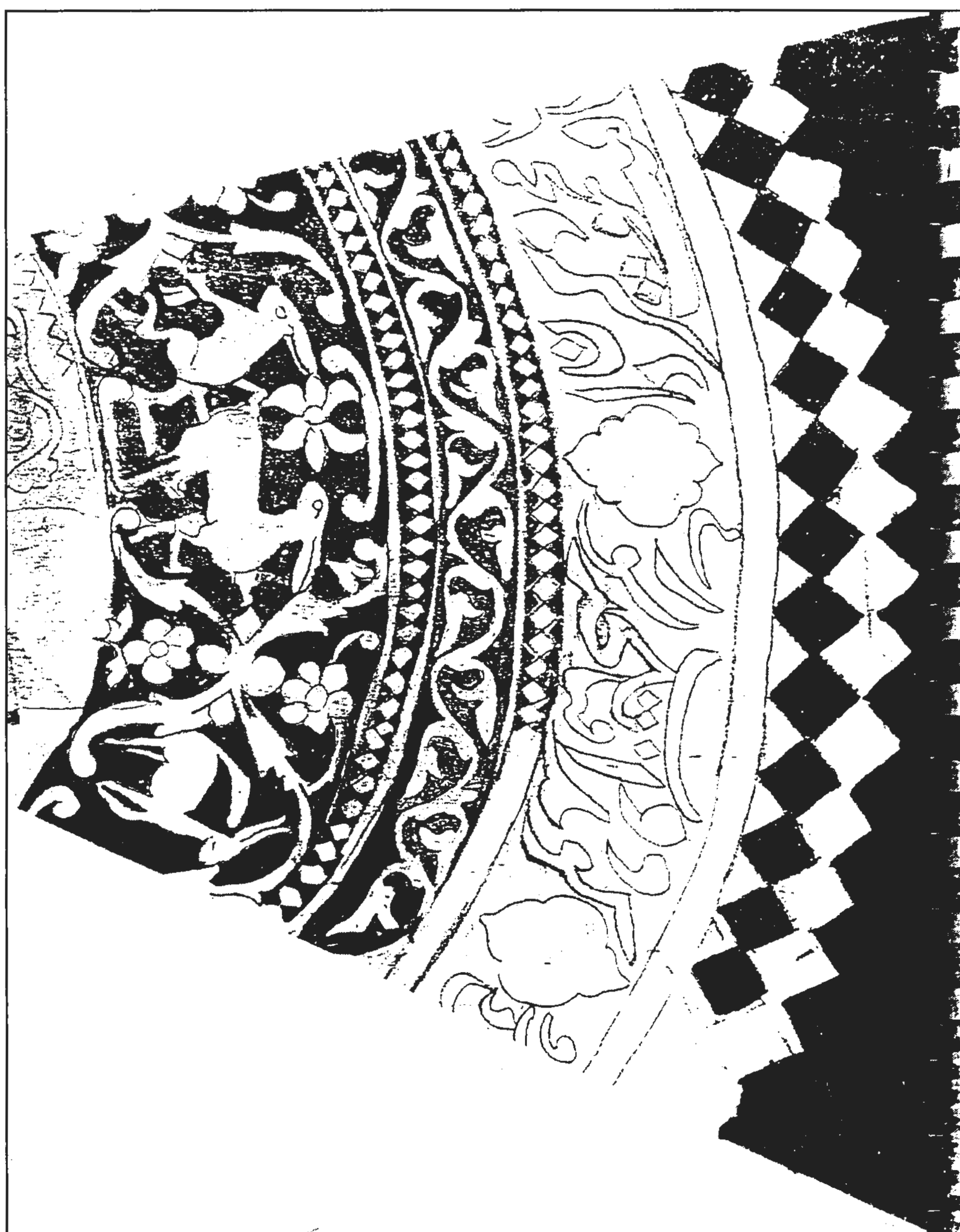
۱- رجبی اصل، ۱۳۸۱،ص۳۶

و بر حسب ضرورت تخته‌هایی را به صورت افقی روی آنها قرار داده و با گل میخ‌هایی این تخته‌ها را در جای خود محکم می‌کنند. اجزای فلزی که آهنگران آنها را تهیه می‌کردند عبارت بود از:

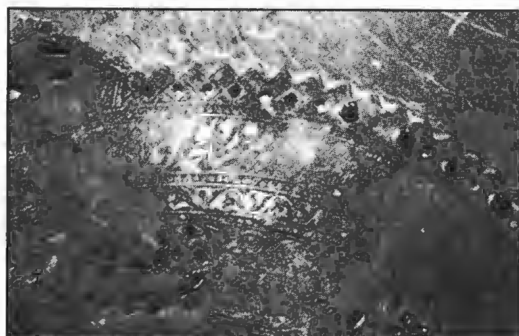
گلمیخ: گلمیخ نوعی میخ آهنی بزرگ با سر بزرگ و نیمکره‌ای شکل با شیارهای متحدالمرکز است. معمولاً گلمیخ‌ها از دو قسمت کلاهک و تنه یا شاخک در ابعاد مختلف ساخته می‌شود. معمولاً از گلمیخ‌های کوچک برای درها و پنجره‌های اطاق و از گل میخ‌های بزرگتر برای درهای بزرگ دولته ورودی منازل و دروازه‌ها استفاده می‌سده است. شاخک با عبور از سوراخ تعبیه شده روی در، در طرف دیگر به یک سو کشیده می‌شود، به طوری که در یک طرف چوب سرگلمیخ و در طرف دیگر، شاخک خمیده مشاهده می‌شود.

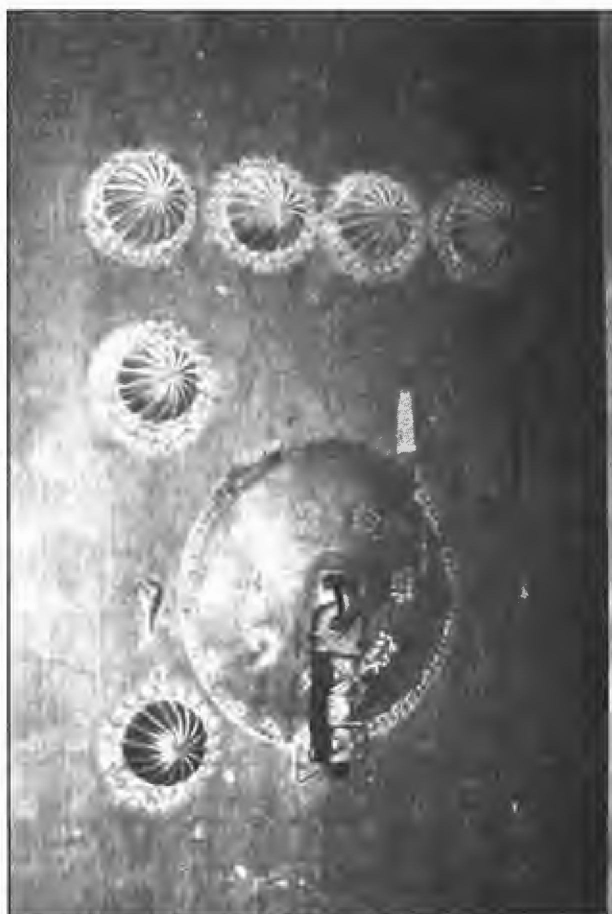


طرح ۱ - بازنگاری آهنکوبی در دروازه مهریجرد، از پوپ، از کتاب یادگارهای یزد



بخشی از پلاک زیر کوبه خانه عباسیان در کاشان





پلاک و در خانه عباسیان در کاشان

گل میخ‌ها عـــــلاوه بر آنکه برای اتـصال تختـه‌هـای چـوبی و مقـاوم تـر کـردن درهـا استـفـاده می‌شوند، در زیبایی و ایجاد ترکیب بندی متناسـب در روی درهـا نیـز نقـش مهمـی دارند.

گل‌های چند پر یا «**روزت**» که نمادی از مهر یا خورشید تلقی می‌شود، نقش مایه‌ای اسـت که از نظر شکل و معنا، برای ساخت برخی از یراق آلاتی که برای تزیین پوشاک انسان، دهنه و مالبند اسب و گل میخ دروازه‌ها استفاده می‌شده است. از آنجا که خورشید همواره نماد نیـروی زندگی بخش بوده، از دوره باستان، حتی در حجاری‌های تخت جمـشید از گـل روزت بـسیار استفاده می‌شده چنان که در قسمتی از سر ستون کاخ آپادانـا عـلاوه بـر آنکـه گـل‌هـای چنـد پرنقشمایه تزیینی این حجاری به شمار می‌رود، به احتمال زیاد، از آن به عنوان یاق فلـزی هـم برای تزیین اسب به کار می‌رفته است.

موارد استفاده از گل میخ‌ها

- گل میخی که دماغه را به یک لته در متصل می‌کند.
- گل میخی که کلون، تزه، شب بند و تخته‌های موازی و عمودی را با یک یا دونـیم تیـر چوب افقی به در متصل می‌کند.
- گل میخی که پاشنه را در گوشه‌ها به در متصل می‌کند.
- گل میخی که زوار پنجره‌های ارسی را به چارچوب پنجره متصل می‌کند.
- گل میخی که دستگیره را به در و پنجوه متصل می‌کند.
- گل میخی که لولا را به روی در و چارچوب متصل می‌کند.
- گل میخی که خروسک را به پنجره متصل می‌کند.
- گل میخی که کوبه روی آن ضربه وارد می‌کند. زیرکوبه، مانند یـک قطعـه فلـز تـوپر و محکم به عنوان زیرکوب قرار می‌گیرد تا هم از پولک و در محافظت کند و هم صـدای کوبه مشخص تر شنیده شود.

کوبه: کوبه وسیله‌ای فلزی است که با میخ حلقه دوپایی یا شوله به همراه پولک بر در خانه نصب می‌شود و با کوبش آن بر گلمیخ می‌توان صاحبخانه را از وجـود شخـصی در پـشت در

آگاه کرد. وسیله‌ای است که روی شی دیگری کوبیده می‌شود که با توجه به شکل و اندازه کوبه و شی مضروب، آهنگ ضربات تغییر خواهد کرد.

کوبه‌ها ابتدا از آهن و بعدها از برنج ساخته شدند. نمونه‌های کوبه‌های آهنی قدیمی برجای مانده مربوط به حدود ۳۵۰ سال پیش است ولی تاریخ استفاده از کوبه‌های برنجی برای در منازل به ۵۰ سال پیش می‌رسد. قدیمی‌ترین کوبه‌های برنجی را می‌توان بر در ورودی مدرسه ابراهیم خان در کرمان و مدرسه آقا بزرگ در کاشان مشاهده کرد. روی کوبه مدرسه آقا بزرگ خان که به شکل اژدهای چهار سر است، سه مصرع مشترک از اشعار پلاک خانه عباسیان وجود دارد.

هر چند که تاریخ پیدایش خانه‌های درون گرا به پیش از اسلام می‌رسد ولی دوره اسلامی با ارج نهادن و تقدس بخشیدن به حریم اعضای خانواده، معماران را به رعایت برخی نکات ترغیب کرد. طراحی این حریم به اشکال مختلف در یک یا چند حیاط (اندرونی و بیرونی) صورت گرفته است. محارمی که در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کردند علاوه بر حضور فردی در پشت در باید از جنسیت او نیز آگاهی می‌یافتند. کوبه وسیله ضروری همه خانه‌ها بوده است. با پژواک صدای دق الباب که در راهروی بدون پنجره ورودی بنا می‌پیچید، یکی از اهالی خانه برای گشودن در، پیشقدم می‌شد.

در تمامی مناطق گرم و خشک ایران استفاده از کوبه مرسوم بود ولی چگونگی ساخت و تزیین آن در هر شهر متفاوت بوده است. شکل کوبه‌ها گاهی به حدی هنرمندانه ساخته شده که می‌توان آن را اثری منحصر به فرد دانست و گاه هر کوبه وجه مشخصه خانه یا خانواده‌ای محسوب می‌شده است.

در ساختن کوبه‌ها ابتدا قطعه آهنی را حرارت داده و با چکش کاری به شکل مورد نظر در می‌آورند و در پایان سوهان زدن یا قلم زنی و حکاکی روی آن انجام می‌شد. با توجه به تزیینات روی کوبه و سایر الصاقات فلزی درها به نظر می‌رسد که یا چیلانگران در کار قلمزنی تبحری پیدا کرده بودند و یا از استاد قلمزنی می‌خواستند تا تولیدات آن را با نقوش ساده بیاراید و همین خصوصیت سبب تنوع در این آثار شده است. حتی در ساده‌ترین کوبه که به نظر می‌رسد به تعداد زیاد نیز ساخته شده باشد، دو کوبه کاملاً یکسان نمی‌توان یافت. کوبه‌ها

در تزیین، وزن، طنین با یکدیگر تفاوت دارند و معمولاً کوبه‌های مدارس و اماکن متبرکه دارای تزیینات مفصل تر از کوبه‌های منازل است. کوبه‌ها معمولاً به دو نوع اصلی ساخته می‌شوند، کوبه‌ای که به صورت حلقه و با صدای زیر ساخته می‌شود و مخصوص خانم‌هاست و کوبه دیگری که به آن چکش می‌گویند و صدای بم دارد و مخصوص آقایان می‌باشد. همان طور که مشخص است کوبه‌ها معمولاً به صورت جفت بر روی دو لنگه در نصب می‌شود. به نظر می‌رسد کوبه مخصوص آقایان روی لته در سمت چپ و کوبه مخصوص خانم‌ها روی لته سمت راست نصب می‌شود. شکل و ابعاد کوبه‌ها در مکان‌های عمومی چون مساجد، مدارس و حمام‌ها از این قاعده مستثنی است.

پاشنه: لنگه‌های در به سه روش باز و بسته می‌شوند. گاهی بخش گرداننده در مربوط به ساختار کلی در است و گاه این بخش منفصل، به صورت الصاقی به در متصل می‌شود. در نوع اول با تراشیدن بخشی از قسمت انتهایی و فوقانی لنگه در، پاشنه از محور عمودی کناری در به صورت زائده‌ای ایجاد می‌شود و پاشنه چوبی روی کواده که قطعه چوبی افقی است و در پشت آستانه در کوبیده شده و جای پاشنه‌ها یا پاشنه گردها را بر روی آن بریده اند، می‌چرخد. گاهی پاشنه گردها به صورت جدا از هم در دو گوشه پایین در روی زمین (خاک، سنگ یا سیمان) تعبیه و لنگه‌های در روی این پاشنه گردها باز و بسته می‌شوند.

در نوع دوم پاشنه‌های فلزی به گوشه پایینی و بالایی سمت کناری لته درها متصل می‌شود. پاشنه‌های فلزی بر دو نوع است پاشنه‌های دوراهی و پاشنه‌های سه راهی.

در پاشنه‌های فلزی دو راهی علاوه بر دو زبانه یا دیواره کوتاه به شکل سر ترنج که در دو طرف گوشه در(سمت جلو و پشت در) قرار گرفته و به وسیله گلمیخ در جای خود محکم می‌شوند، زائده‌ای در زیر پاشنه به صورت مخروط معکوس قرار گرفته که داخل پاشنه گرد قرار می‌گیرد و باز و بسته شدن در را آسان تر می‌کند.

پاشنه‌های سه راهی نیز به همین گونه است با این تفاوت که قسمت سوم که دیواره دیگری است در قسمت قطر کناری در مجاورت چارچوب قرار می‌گیرد و روی لته در محکم می‌شود. این گونه پاشنه‌های سه راهی بهتر از نوع قبلی بوده و لته‌های در را در وضعیت بهتری قرار می‌دهند.

رو کلیدی: رو کلیدی قطعه‌ای است آهنین که روی محل سوراخ کلید که (کلید دان یا کلید دون) نیز خوانده می‌شود، روی سمت در بیرونی نصب می‌شود تا هم محل چرخاندن کلید را مشخص تر سازد و هم از آسیب پذیری محل داخل شدن کلید بکاهد. مدنگ یا کلید وسیله‌ای است چوبی که قفل را با آن می‌گشایند و کلید دان، سوراخی است که با استفاده از کلید چوبی یا فلزی قفل در یا کلون را باز می‌کنند[1].

شاید بتوان رو کلیدی‌ها را نیز از انواع پولک‌ها به شمار آورد ولی اغلب رو کلیدی‌ها دارای طرح‌های محرابی یا سر ترنج به صورت یک دوم است. روی کلیدی‌ها با آنکه از نظر شکل بسیار متنوع هستند ولی نقش خاصی روی آنها اجرا نمی‌شود. همان طور که گفته شد رو کلیدی‌ها از نظر شکل متنوع هستند و اندازه و شکل سوراخ کلید نیز سهم مهمی در زیبایی درهای ورودی دارد.

پولک: پولک‌ها صفحه‌هایی هستند که بیشتر به عنوان زیر کار برای نصب اجزای زمودها مورد استفاده قرار می‌گیرند. سوراخی در وسط آن تعبیه شده تا تنه میخ ازآن عبور کند. از آنجا که این اجزا از نظر شکل و اندازه و کاربرد با هم تفاوت دارند، پولک‌ها در اشکال و اندازه‌های متفاوتی ساخته شده است که چهر نوع اصلی آن قابل معرفی است.

انواع پولک عبارتند از:

- پولک زیر گلمیخ دماغه
- پولک زیر گلمیخ‌های روی لنگه در
- پولک زیر چفت و بست پیشانی در
- پولک زیر کوبه‌ها

پولک زیر گلمیخ دماغه‌ی در و گلمیخ‌های لنگه‌های در معمولاً یکی است ولی گاه پولک‌های روی دماغه به حالت ترنج کاملاً بریده شده و هماهنگ با بقیه تزیینات نقوشی بر محیط آن اجرا شده است.

پولک‌های زیر چفت و بست پیشانی در با آنکه از اشکال مدور استفاده شده ولی ترنج‌ها

۱- دهخدا، ۱۳۷۷،ص ۲۰۵۵۴

به صورت قرینه اجرا شده است و به همین سبب شکل کشیده‌ای را متناسب با پیشانی در دارد. از این میان تنها پولک‌های زیر کوبه‌ای است که دارای کتیبه است و تعداد ابیات روی آن بستگی به اندازه آنها دارد.

بررسی پولک زیر کوبه خانه عباسیان

پولک‌های زیر کوبه‌ها بیشتر پرکارترین آنهاست و اغلب از جنس آهن یا مس به شکل صفحه‌ای مدور، شمسه یا ترنج ساخته می‌شوند. تزیینات انجام شده در محیط پلاک‌ها معمولاً به صورت گل‌های لاله عباسی و گل شبدری است که به صورت طرح مداخل توسط قلم تیزبر به صورت مشبک اجرا شده است. اغلب پولک‌ها با نقوش بسیار ساده ظریف و با استفاده از قلم نیم بر به حالت برجسته، نقش اندازی شده است. این قلمزنی‌ها دارای عمق و برجستگی‌های کمی است و گل‌های چهارپر که شباهتی با گل‌های حاشیه قالی‌های عشایری دارد در آن مشاهده می‌شوند. سطح یکی از این پلاک‌ها که بر در خانه تاریخی عباسیان در کاشان نصب است با نقوش پرکار اسلیمی، ختایی، نقوش حیوانات جهنده (آهو و خرگوش) و همچنین غزلیاتی از بخش طیبات سعدی به خط نستعلیق تزیین شده است. کتیبه‌ای در حاشیه پلاک مسی طراحی و به صورت بسیار ظریف و ماهرانه قلمزنی شده است و به نظر می‌رسد که آهنگران، قلمزنی این پلاک‌ها را به اساتید قلمزن کاشانی و شاید به هنرمندان اصفهانی سفارش داده اند. آهنگران و عتیقه فروشان کاشانی نشانی از سازندگان پلاک‌های کتیبه دار نداشته و حتی امروزه برای مرمت و بازسازی بناهای تاریخی کاشان، این الصاقات فلزی از اصفهان خریداری می‌شود. لازم به ذکر است که کاشان در طی قرون میانی اسلامی، در هنر قلمزنی مشهور بوده و سینی نقره‌ای آلپ ارسلان مربوط به ۴۵۹ هجری که توسط حسین کاشانی قلمزنی شده و در موزه هنرهای زیبای بوستن نگهداری می‌شود، شاخص‌ترین آنهاست[۱].

شعری که بر روی پلاک خانه عباسیان وجود دارد شامل این ابیات است:

۱- نراقی،۱۳۴۸،ص ۳۷۷

گـــویـــد دو آفـتاب نگنـجد به کشوری

خورشید اگر تو روی نپوشـــی فرو رود

زیبـــاتـر ازتـــو در نظرو هیـچ منـظری

اول مـــــنم که در همه عـــالم نیامـدست

دیـگـر نیـــاورد چه تـــو فرزنـد مــادری

کس در نیـامـــدست بدین خوبی از دری

همـــراه من مـــبـاش که حـــیرت بـرند

خلق بر دست مفلسی چه بینـــند گوهری

بر سرو قامتت گل و بـادام، روی و چشم

نشـــنیده‌ام که ســرو چمـــــن آورد بری

روزی مگـــر به دیـــــده من قـــدم نهی

تا در رهـــت الهی عاقـــبت محمود گردان

پلاک زیر کوبه خانه عباسیان دارای نقوش متنوعی است که با شیوه خوبی اجرا شده است ولی به دلیل ظرافت نقوش، در برخورد اول کمتر کسی متوجه آن می‌شود. نقوش این پلاک به تعبیری طرح عالم را در نظر می‌آورد که همه موجودات بر گرد او قرار دارند.

همه موجودات، که جایی در دایره هستی دارند به واسطه ماهیت و عمل خود چون دویدن، چریدن و روییدن و رشد کردن به مرکز عالم متصل می‌شوند. هر کدام بهر هـر کـاری آفریـده شده و در عین حال منحصر به فردند و در تعامل با دیگران، ترکیب کلی را پدید می‌آورنـد کـه مثالی از جهان است و هر چه هست نظم و اعتدال است. شاید صدای کوبـه، نمـادی از نـدای الهی بوده تا بندگان به امید وجود او آرامش یابند.

برای ترکیب بندی مناسب نقوش در میان ترنج یا شمسه‌ای که پلاک در را تشکیل می‌دهـد، گاهی حروف یا کلماتی از آخر مصرع به مصرع بعدی برده شده و گاهی دو مصرع یـک بیـت در دو جهت مختلف کنار هم گذاشته شده اند و برای خواندن باید آنها را وارونه کرد.

برای گنجاندن کلمات داخل قاب‌هایی که دور پلاک‌ها قرار گرفتـه انـد حـروف اضـافه بـه افعال و اسامی چسبیده شده و گاهی حروف در چند اندازه دیده می‌شوند.

در پلاک‌های دیگر موجود در کاشان، گاهی همین غزل ولی با ابیات کمتر استفاده می‌شود[۱]. ولی دعای خیر در اول و آخر آنها متفاوت است. در پلاک زیر کوبه خانه عباسیان «الهی عاقبت محمود گردان» که در پایان ابیات و در بخش پائین پلاک دیده می‌شود ولی در پلاک دیگری از مجموعه «استاد مشکی[۲]» با عبارت «بسم ا... الرحمن الرحیم، گشاده باد به دولت همیشه این درگاه» و یا «بسم ا... الرحمن الرحیم، به حق اشهد ان و لا اله الا الله» در بالای پلاک در محلی که سر ترنج یا تاج واقع شده، به چشم می‌خورد. غزلیات کامل[۳] که بخشی از طیبات[۴] سعدی است، بدین شرح است:

کس در نیامدت بدین خوبی از دری
دیگر نیاورد چو تو فرزند مادری

خورشید اگر تو روی نپوشی فرو رود
گوید دو آفتاب نباشد (نگنجد) به کشوری

اول منم که در همه عالم نیامدست
زیباتر ازتو در نظرو هیچ منظری

هرگز نبرده‌ام به خرابات عشق راه
امروز آرزوی تو در داد ساغری

یا خود به‌حسن روی‌تو کس نیست در جهان
یا هست و نیستم ز تو پروای دیگری

بر سرو قامتت گل و بادام، روی و چشم
نشنیده‌ام که سترو چمن آورد بری

رویی که روز روشن اگر بربکشد نقاب
پرتو دهد چنانچه شب تیره اختری

همراه من‌مباش که غیرت(حیرت) برند خلق
در(بر) دست مفلسی چو(چه) ببینند گوهری

۱- بر روی کوبه (حلقه با چهار سر اژدها) در مدرسه آقا بزرگ کاشان، سه بیت اول این غزل منقور شده است.

۲- استاد مشکی، استاد مرمت قالی در دانشکده هنر دانشگاه کاشان هستند که صاحب مجموعه بی نظیری از هنرهای سنتی کاشان هستند.

۳- سعدی، ۱۳۴۰،ص۵۲۷

۴- طیبات، اشعاری است که جنبه عرفانی و مذهبی دارد و آنجا که اشاره به عشق دوستی به ذات حق دارد، در قالب کلمات شاد سروده شده است.

من کم نمی‌کنـــــم سر مویـــی ز مهر دوست
ور می‌زنـــــد بهر بن مـــــویی‌ام نشـــتری
روزی مگر به دیده سـعــــدی (من) قدم نهی
تا در رهـــــت، بهر قـــــدمت می‌نهــــد سری

منابع

۱. جعفری، مجله هنر ایران، سـازمان چـاپ و انتـشار وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، شماره ششم، فروردین

۲. پوپ، آرتور آپهام. ۱۳۶۵ش: معماری ایران (پیروزی شکل و رنگ)، ترجمه کرامت الـه افسر، تهران انتشارات یساولی

۳. پیرنیا، محمد کریم.۱۳۷۴ ش: آشنایی با معماری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت

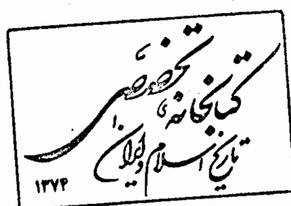
۴. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم

۵. رجبی اصل، موسی.۱۳۸۱ ش: نقش و رنگ در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، انتشارات شیخ صفی الدین اردبیلی، اردبیل

6. فروغی، محمد علی. ۱۳۴۰ش: کلیات سعدی؛ شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبـال و شرکاء، تهران

۷. نراقی، حسن. ۱۳۴۸ش: آثار تاریخی شهرستان‌های کاشـان و نطنـز، انجمـن آثـار ملـی، تهران

بقعه شیخ دانیال خنج و منار تاریخی آن
(با تأکید بر کتیبه‌های تاریخی آن)



محمد علی مخلصی*

* کارشناس متون و کتیبه‌های پژوهشکده زبان و گویش

چکیده

بخش خنج یکی از وسیع‌ترین بخش‌های شش گانه لار است. شهر خنج مرکز این بخش در ۱۰۳ کیلومتری شهر لار، در مسیر جاده شیراز به بندرعباس واقع شده است.

در این مقاله توپوگرافی خنج، وجه تسمیه و سابقه تاریخی خنج مورد بررسی قرار گرفته است.

نفوذ پیروان شیخ دانیال خنجی در ملوک هرمز و قدرت معنوی آنان باعث تحولاتی در شهر خنج شد. که در این مقاله توضیحات کامل ارائه شده است.

احداث آرامگاه بزرگ شیخ دانیال خنجی در قرن هشتم و مناره آن در قرن نهم نشان از این تحولات خنج دارد. در این مقاله معماری بقعه و مناره آن مورد پژوهش قرار گرفته و کتیبه‌های منار آن قرائت شده و اشتباهاتی که برخی از محققین در قرائت کتیبه‌ها مرتکب شده اند، اصلاح گردیده است.

مقدمه

هر چند در کشور پهناور ایران، خطه خنج، سرزمین گمنام و ناشناخته ایست، لیکن با توجه به غنای فرهنگی و تاریخ کهن آن، که هم نشان در متون تاریخی دارد؛ و هم در مجموعه بناهای تاریخی اش تجلی یافته، دارای پیشینه تاریخی و شناسنامه‌ای روشن است.

خنج را باید از دو بعد سیاسی و معنوی به خصوص از قرن هفتم، مورد شناسائی و بررسی قرار داد، زیرا از یک سو فرازها و نشیب‌ها و نابسامانی‌هایش ریشه در تاریخ لارستان دارد و از سوئی دیگر پیوندی عمیق با سواحل و جزایر خلیج فارس. در حقیقت عمران و آبادیش را در طول قرن‌ها مدیون نفوذ معنوی خنجی‌ها در حکومت هرمز و عنایت ملوک هرمز به خنج است. در این مختصر، هر چند بنا نداریم که به وقایع خنج بپردازیم، لیکن اشاره‌ای کوتاه و نظر به گوشه‌ای از این ارتباط معنوی، راهگشای ما در جهت روشن شدن قدمت بنای بقعه شیخ دانیال بخصوص منار تاریخی و زیبای آن خواهد بود.

موقعیت جغرافیایی و حدود خنج

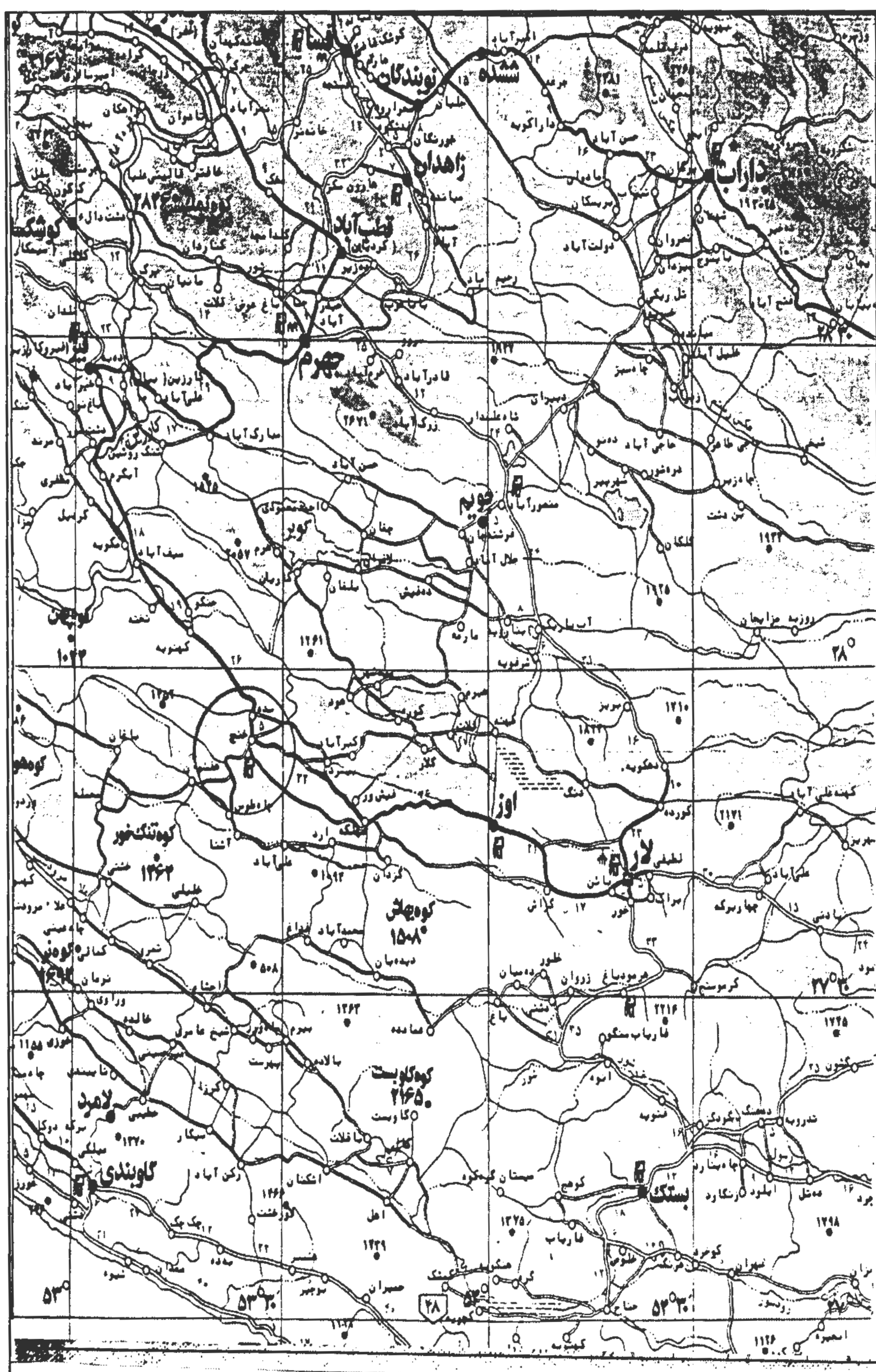
بخش خنج یکی از وسیعترین بخش‌های شش گانه شهرستان لار است که از شمال به شهرستان جهرم و از شمال شرق به بخش جویم، از شرق به بخش اوز و از شمال غربی به بخش قیر و کازرین از شهرستان فیروزآباد و از جنوب به بلوک گله دار از شهرستان لامرد محدود می‌شود.

این بخش از ۴۳ روستا در قالب سه دهستان تشکیل یافته، و مرکز آن شهر خنج یکی از قدیمی‌ترین شهرهای لارستان است. نزدیکترین روستا به خنج، روستای تاریخی و قدیمی سده است که در ۳ کیلومتری شمال غربی خنج قرار دارد و دورترین روستا، کوره است که تا مرکز بخش ۱۱۸ کیلومتر فاصله دارد.

شهر قدیمی خنج در ۱۰۳ کیلومتری شمال شهر لار و در ۲۶۰ کیلومتری جنوب غربی شیراز، در مسیر جاده شیراز به بندر عباس واقع شده است و به همین جهت در طول قرن‌ها از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، بطوریکه قرن‌ها آن را دروازه لارستان می‌نامیده اند.

از لحاظ موقعیت جغرافیایی نیز، شهر خنج در ۲۷ درجه و ۵۳ دقیقه عرض و ۵۳ درجه و ۲۶ دقیقه طول جغرافیایی قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۶۷۵ متر است.[1]

۱- پاپلی یزدی محمد حسین، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور ص ۲۲۷



موقعیت خنج در فارس

توپوگرافی خنج

شهر خنج در شمال غربی دشتی واقع شده است که اطراف آن رشته کوه‌هایی استقرار یافته اند. در جنوب این بخش رشته کوه‌های مرتفع سرخ کوه و سیاه کوه واقعند و در شمال آن کوهستان لیته یا لیتو قرار گرفته، که با رشته کوه‌های جنوبی موازی هستند. در شرق این بخش، رشته کوه‌های ورا جای دارند. کوه ذوتو عسلو ۱۸۲۵ متر[۱] و کوه میشی با ۱۱۱۰ متر و کوه آسپار با ۹۷۳ در بخش دهستان سیف آباد خنج، بلندترین کوه‌های این بخش را تشکیل می‌دهند.

در بخش خنج رودخانه‌های دائمی وجود ندارد، لیکن به علت موقعیت طبیعی خنج و قرار گرفتن آن در شیب کوهپایه‌ها، دارای مسیل‌های متعددی است که آب‌های فصلی، در هنگام بارندگی در آن جریان می‌یابد. آب مشروب خنج از رودخانه قره آغاج و قنات و چشمه تأمین می‌شود.[۲] این منطقه دارای آب و هوای گرم و خشک، و با تابستان‌های طولانی و زمستان‌های کوتاه و معتدل است.

میانگین دما در این منطقه ۲۰ درجه سانتی گراد و میزان بارندگی بین ۱۰ تا ۲۰ میلی متر که گاه در نقاط کوهستانی به ۳۰۰ میلی متر می‌رسد.

وجه تسمیه خنج

از شهر خنج با نام‌های هنگ، هنج، خشک یاد شده است. پاره‌ای از محققین خنج را مشتق از کنج دانسته و خنج را معرب آن نوشته اند و از آن به معنی محل بیغوله، گوشه و زاویه تعبیر می‌کنند[۳] که که با وجود خانقاه‌های زیاد در قرن ششم تا هشتم و نهم نمی‌تواند بی‌ارتباط باشد.

قدیمی‌ترین مأخذی که از خنج به نام «هنگ» نام می‌برد، کتاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه است که از شیخ دانیال، بنام دانیال هنگی و از خنج، با نام هنگ نام می‌برد[۴] که بعدها معرب شده و به هنج تغییر نام داده است.

ابن بطوطه از خنج به نام هنج و بال با واو عاطفه یاد می‌کند.[۵] محمد علی موحد در تعلیقات این سفرنامه می‌نویسد[۶]:

۱- جغرافیای کوه‌های کشور ج ۳، ص۱۱۳

۲- فرهنگ جغرافیای ایران ج ۷ انتشارات دایره جغرافیا ستاد ارتش ص ۹۰

۳- کنج چون گوشه باشد در جایی بیغوله و بیغله نیز گویندش (لغت فرس اسدی مصحح اقبال ص ۵۹) خوانند (فرهنگ رشیدی انجمن آرا) ص ۲۳۰ ذیل کلمه خنج

۴- محمود بن عثمان، فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه به کوشش ایرج افشار ص ۴۲۶

۵- ابن یطوطه سفرنامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی موحد ج اول ۳۳۸

۶ - همان کتاب ص ۵۴۸

« خنج و بال دو شهر جداگانه بوده اند. خنج در چهل میلی شمال غـرب لار واقـع اسـت و نباید آن را با هنج که تقریباً ۶۰ میل جنوبی تر از لار است اشـتباه گرفـت، خرابـه‌هـای بـال در چهار میلی گله دار که تقریباً ۶۰ میلی غرب خنج اسـت، قـرار دارد و معلـوم نیـست کـه ابـن بطوطه چرا این دو شهر را درهم ادغام کرده است.»

اما بال که در حقیقت همان کلمه فال است، منطقه وسیعی در لارستان است. ولادیمیر مینورسـکی در دایرهٔ المعارف بنام بال و پال آورده است. محتمل است که در قدیم خنج یکی از مناطق تـابع فـال به حساب می‌آمده که در بعضی از کتب از آن به عنوان هنج بال تعبیر کرده اند و گاه با واو عاطفه نـام هر دو منطقه را با هم ذکر می‌کنند چنانچه فال و اسیر را همیشه با هم فال اسیر می‌خوانند.

میرزا حسن فسایی از خنج به عنوان خنگ نام می‌برد که معرب آن خنج می‌شود.[۱]

سابقه تاریخی خنج

از سابقه تاریخی شهر خنج تا دوره اسلامی اطلاع دقیقی در دست نیست و متـون تـاریخی نیز هیچگونه اطلاعاتی از آن به دست نمی‌دهند. بخش خنج از لحاظ آثار باستانی قبل از اسلام نیز چندان غنی نیست. واندنبرگ در گزارش خود که حاصل تحقیقات وی در این منطقه است، بر این نظر مهر تأیید گذاشته و نوشته.است که منطقه از داشـتن تپـه محـروم اسـت. فقـط تپـه شاهماخ نزدیک دهکده جینگو بر سر راه مکو به خنج، تپه تم گوت نزدیک ده باغان بر سر راه هفتوان به گرمیش متعلق به پیش از تاریخ است. از ایـن دو تپـه نمونـه‌هـای سـفالی شـبیه بـه سفال‌های نخستین سبک تل باکون به دست آمده است.[۲]

فقدان آثار ادوار پیش از تاریخ بدون شک، ناشی از اینست که نـواحی نـامبرده بـه احتمـال قوی چندان مسکونی نبوده است.

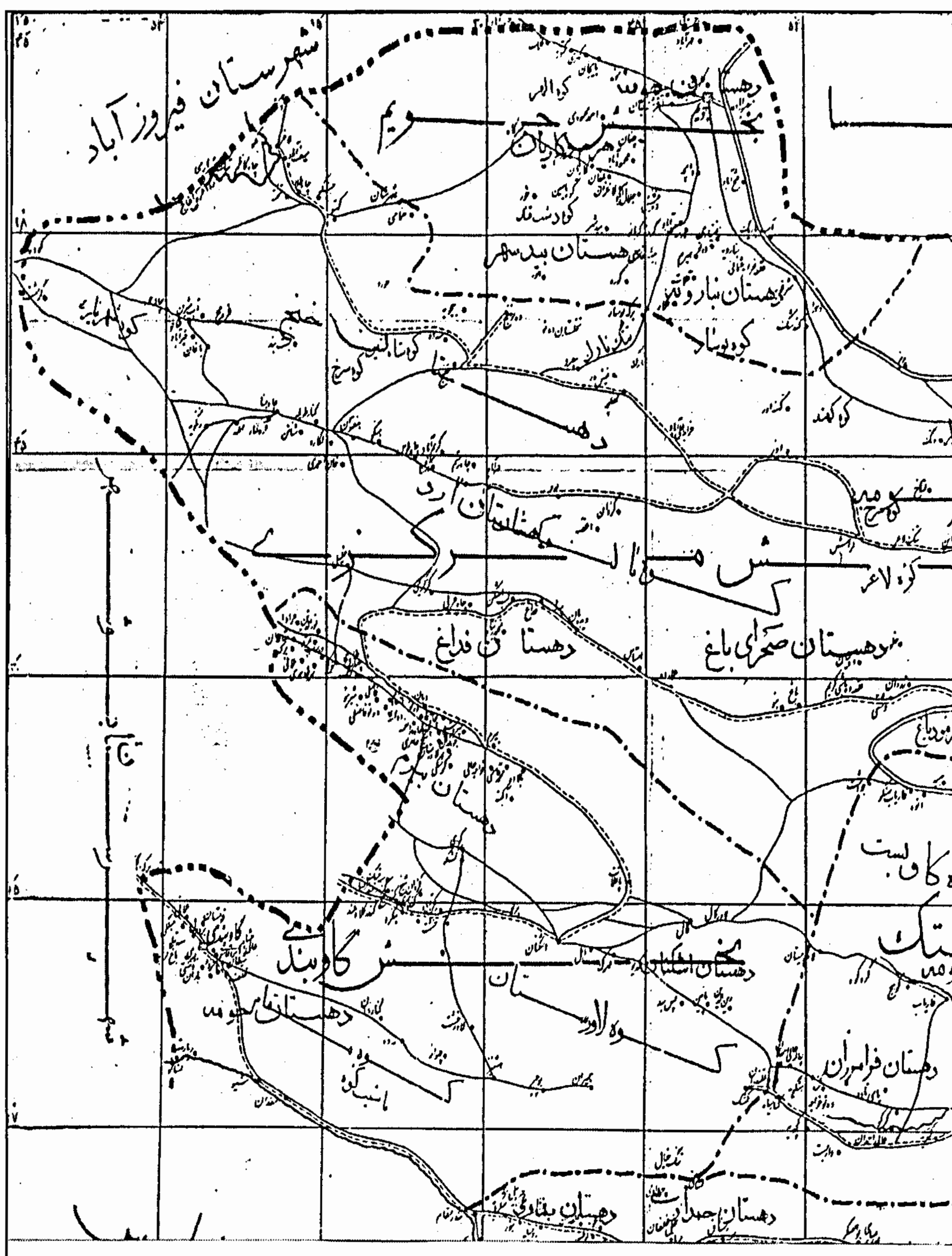
در دشت فیشور تپه‌های قدیمی وجود دارد که هـیچ کـدام قـدیمی تـر از عهـد ساسـانی و اسلامی نیست لیکن واندنبرگ شواهدی از تپه‌های عصر ساسانی را در چند کیلومتری کهنو در مکو Maku بین خنج و لاغر شناسائی کرده است.[۳] هر چند خنج فاقد آثار متعلق بـه دوره قبـل از اسلام است، لیکن مسیر راه‌های باستانی ایـن ناحیـه و بررسـی و تحقیـق در مـورد بناهـای تاریخی قبل از اسلام می‌تواند در مورد تاریخ منطقه یاریمان کند.

---

۱ - حسینی فسایی میرزا حسن، فارسنامه ناصری ص ۱۳۰۲

۲ - مصطفوی سید محمد تقی اقلیم پارس انجمن آثار ص ۹۶ و ۹۷

۳ - واندنبرگ لوئی، باستان شناسی ایران ص ۱۹



موقعیت بخش خنج در نقشه استان فارس

ارتباط بین خنج و کاریان محل استقرار یکی از بزرگترین بناهای دوره ساسانی یعنی آتشکده آذر فرنبع، از دو طریق میسر بوده که در هر دو مسیر، آثار و شواهدی از راه‌های عصر ساسانی، قلاع آتشکده‌ها به چشم می‌خورد.

بناهای تاریخی قلعه باستانی سده در۳ کیلومتری شمال غرب خنج و چهار طاقی و قلعه ساسانی در مسیر خنج به کاریان از طریق حسین آباد کوره بید شهر[۱]، آب انبار ساسانی، شاه نشین در شمال غربی خنج، آتشکده نزدیک فیشور نیز نشان از پیوستگی تاریخ خنج با این منطقه دارد.

هینتس گیب باستان شناس از مسیر روستاهای کورکی هفتخوان چاه محله چاه عینی در مسیر سیراف عبور کرده و آثار متعدد پیش از اسلام را مشاهده نموده است.

خنج در قرون اولیه اسلامی

از شهر خنج در قرون اولیه اسلام تا قرن هفتم به کمتر اطلاعاتی در متون تاریخی بر می‌خوریم. شکی نیست که خنج به علت نزدیکی اش با لار از یک سو؛ و ارتباطش با سواحل خلیج فارس، از اتفاقات و وقایع این مناطق متأثر بوده است. ژان اوبن نیز بر این تأثیرات صحه گذارده است. به گفته وی، در اوایل قرن هفتم هجری، با انحطاط و ویرانی سیراف، مراکز سیاسی اقتصادی کوچک، ولی زنده و پویا چون لار و خنج شکل می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که پویایی خنج از نیمه دوم قرن هفتم یعنی با مهاجرت شیخ دانیال به خنج شتاب بیشتری گرفته، و خنج مرکز خانقاهی می‌شود که تأثیر آن را در تاریخ سیاسی لارستان تا جزایر و سواحل خلیج فارس می‌توان مشاهده کرد که در مبحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.[۲]

هر چند مدارک موجود گویای روشنی از تاریخ احداث و بانیان این مجموعه خانقاهی می‌باشد لیکن اندکی تأمل در شرح حال شیخ دانیال خنجی و بررسی اوضاع و احوال منطقه و تحولات سیاسی قرن هفتم تا نهم و همچنین نفوذ ملوک هرمز در منطقه خنج، می‌توانند پرده

---

۱ - همان کتاب ص ۱۹

۲ - جهت اطلاعات بیشتر به ء ر ک «خنج در گذرگاه باستانی لارستان» تالیف دکتر محمد باقر وثوقی

ابهام از روی تمام تاریخ بردارد و تحولات منطقه و چگونگی ارتباط آن با احداث این مجموعه تاریخی را روشن تر نماید.

مروری کوتاه بر زندگی شیخ دانیال خنجی:

یکی از عرفای بزرگ و عبادوزهاد معروف قرن هفتم در فارس، شیخ دانیال خنجی است. نامش رکن الدین و پدرش حسین نام داشت.[۱] از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست. ولی کتاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه که در سال ۷۹۴[۲] تألیف شده، مهمترین منبع و مأخذی است که در مورد زندگی شیخ اطلاعات نسبتاً جامعی به دست می‌دهد. در این کتاب آمده است:

« دیگر از مریدان شیخ مرشد قدس الله سره شیخ دانیال هنگی بود رحمهٔ الله علیه، و احوال او چنان بود که از طفولیت باز شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز را با او نظری بود و او را قبول کرده بود و پیوسته در واقعه تربیت او کردی و شیخ دانیال پدری داشت و مردی حاجی بود و صالح و پرهیزگار و زراعت کردی و او از دیه گریش[۳] بود نزدیک هنگ و او را هفت فرزند بود. کوچکترین فرزندان دانیال بود و دانیال از کوچکی باز صالح و عابد و متقی بود. چون برادران وی به صحرا شدندی از برای زراعت، دانیال را با خود ببردندی. دانیال برفتی و ابریقی آب برگرفتی از بهر وضو ساختن و با برادران به صحرا برفتی. چون وقت نماز درآمدی وضو بساختی و نماز کردی و برادران او را ملامت کردندی و با همدیگر گفتندی که دانیال از برای آن بوضو ساختن و نماز کردن مشغول می‌شود تا کاری نکند و مدد ما ندهد. پس با هم گفتند که چاره آنست که این نوبت که آب وضو بیاورد بریزیم تا او وضو نسازد و نماز نکند و در مدد ما باشد. روز دیگر که به صحرا رفتند دانیال آب وضو برگرفت و با برادران به صحرا رفت. برادران برفتند و آب وضوء وی بریختند و ابریق سرنگون کردند. چون وقت نماز درآمد دانیال برفت و ابریق برگرفت، و از معاملات شیخ مرشد قدس الله روحه آن ابریق همچنان

---

۱ - رکن زاده آدمیت / بزرگان و سخن سرایان فارس، ج ۵، ص ۷۲۶

۲ - محمود بن عثمان فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه ص ۴۲۸ - ۴۲۶

۳ - احتمالا گریش همین شهر فعلی گراش است که بر سر راه خنج به لار قرار دارد.

پرآب بود. برفت و وضو بساخت و نماز کرد. برادران وی چون آن حال مشاهده کردند عجب بماندند. شبانگاه که پیش پدر رفتند احوال دانیال با پدر گفتند. پدر ایشان را گفت مصلحت آنست که شما زحمت دانیال ندهید و او را به کار دنیا مشغول ندارید که او راچنان می‌نماید که از برای کار آخرت آفریدند. بعد از آن برادران او را رها کردند و دانیال شب و روز به عبادت حق مشغول بود و شیخ مرشد قدس الله روح العزیز پیوسته او را در واقعه تربیت کردی و راه راست نمودی، لیکن دانیال شیخ مرشد نشناختی. چون مدتی بگذشت بعد از آن دانیال از دیه گریش از پیش پدر و برادران بیرون آمد و روی در هنگ نهاد. برفت و در گوشه‌ی مسجدی نزول کرد و به عبادت حق مشغول شد و درد و طلب حق تعالی همه‌ی وجود او فرو گرفت و می‌خواست اقتدا به مشایخ کند و نمی‌دانست که چه سازد تا شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز در خواب یکی از خلفای شیخ رفت که در آن زمان بود و او را فرمود که نامه‌ی بنویس از برای جوانی طالب که در هنگ می‌باشد و او را دانیال گویند که وی از جمله‌ی مریدان ماست و طبلی و علمی بوی فرست. آن خطیب چون از خواب برآمد نامه‌ی نبشت برای دانیال و یکی از مریدان بخواند و آن نامه و طبلی و علمی بوی رساند. دانیال آن نامه بستد و ببوسید و برچشم گرفت و سجده‌ی شکر کرد. بعد از آن او را معلوم شد که شیخ مرشد بود که او را تربیت می‌کرد. اهل هنگ چون این خبر معلوم کردند او را مکرم و محترم داشتند و مریدان او پدید آمدند. بعد از آن دانیال برخواست و عزم کازرون کرد. بیامد به حضرت شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز و ازبیرون روضه بایستاد و زیارت شیخ قدس الله سره بکرد و در اندرون نرفت. بعد از آن برفت و موی سربرگرفت و خرقه از دست خلفای شیخ مرشد درپوشید تا شبی شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز در واقعه دید و گفت با دانیال برخیز و بولایت خود رو و به عبادت حق تعالی و خدمت درویشان خود را مشغول دار که تو را به مریدی قبول کردیم و از تو غایب نیستیم و آنچه لایق احوال تو باشد با تو بگوییم. بعد از آن شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز او را تربیت‌ها کرد. شیخ دانیال چون از خواب برآمد روز دیگر برفت و از خطیب اجازت خواست. بیامد و زیارت روضه‌ی شیخ قدس الله سره بکرد و روی به ولایت خود نهاد. برفت و شب وروز به عبادت حق تعالی مشغول شد و او را مریدان و دوستان بسیار پدید شدند و از جمله‌ی اولیاء حق تعالی شد، از برکات حالات و معاملات شیخ مرشد قدس تعالی

روحه و وافی من الکوثر فتوحه، و بالله التوفیق.»[۱]

براساس آنچه که در بستان السیاحه آمده، سلسله اسلاف شیخ دانیال به واسطه معدودی از اولیاء مرشدین، به امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسیده است. بدین ترتیب:[۲]

« شیخ رکن الدین دانیال از شیخ جمال الدین احمد خطیب و خطیب غیاث الدین و هر دو خطیب از خطیب تاج الدین عبدالمحسن بن عبد الکریم و او از خطیب ابوبکر و او از خطیب ابونصر محمود و او از خطیب ابوالقاسم عبدالکریم و او از شیخ ابواسحاق ابراهیم کازرونی و او از شیخ حسین اکار شیرازی و او از عبدالله خفیف مدفون شیراز و او از شیخ ابوحفظ [ابو حفض] حداد نیشابوری و او از شیخ ابو عمر اصطخری و او از شیخ ابوتراب نخشبی و او از شفیق بلخی و او از امام همام موسی بن جعفر علیه السلام ».

شیخ دانیال در ارشاد و تبلیغ جد وافی داشت، چنانکه شواهد نشان می‌دهد در بین زرتشتیان آن سرزمین به وعظ و ارشاد پرداخته و آنان را به دین اسلام دعوت می‌کرده است[۳] در اندک زمانی خانقاه او مرکز فعالیت و تحصیل علم و پذیرائی دراویش و عباد گردید، به طوریکه حمدالله مستوفی در کتاب تاریخ گزیده آورده[۴]« وی مردی صاحب کرامات بود و از کسی لقمه دریغ نداشتن و تا این غایت سفره او روان است و این سفره و سفره شیخ کبیر به شیراز و سفره ابو عبداله خفیف و سفره شیخ ابو اسحق کازرون و سفره طاووس الحرمین بابرقوه ملک فارس را چون چهار رکن نهاده اند.»

خانقاه شیخ دانیال در اندک مدتی از چنان رونق و شهرتی برخوردار شد که پیروان طریقت او نه تنها در تمامی مناطق سواحل خلیج فارس و جزایر آن به خصوص هرمز، کیش و سیراف صاحب نفوذ بودند، بلکه طبق گفته اوبن که ملهم از کتاب گلزار ابرار شرح گزیده احوال عرفای صوفیان سرزمین هند می‌باشد، شیخ به سال ۶۴۲-۶۴۳ در عهد امرای «بالبان» هند یکی

۱ - داستان دیگری از حلقه ارتباط معنوی و عرفانی شیخ با شیخ ابواسحاق کازرونی در این کتاب آمده است. ن.ک: همان کتاب ص ۷۱۹ - ۷۲۱

۲ - شیروانی میرزا زین العابدین، ریاض السیاحه ص ۳۳۶

۳ - زرتشتیان این منطقه بیشتر در روستای سده در ۳ کیلومتری شمال غربی خنج ساکن بودند.

۴ - مستوفی حمدالله تاریخ گزیده ص ۶۷۵

از شاگردانش را به دهلی فرستاده است.[۱]

مؤلف کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس نام این فرد را شیخ نورالدین نوشته است.[۲] در مورد تاریخ وفات شیخ دانیال اظهارات و اقوال مختلفی در دست است.

اوبن بر اساس شواهدی که ارائه نموده در سال ۶۴۲ هـ وی را در حال حیات می‌داند[۳] محمد امین خنجی سال فوت شیخ را قبل از سال ۶۵۰ هـ ق دانسته است.[۴]

اما در کتاب تذکره تحفه الراغبین در ذکر احوال شاه سیف الله قتال متوفی به سال ۶۲۴، از ملاقات وی با شیخ دانیال در سال ۶۵۷ هـ که قتال وارد منطقه لارستان شده بود سخن رانده و یقیناً تا این سال شیخ دانیال در قید حیات بوده است.[۵]

حمدالله مستوفی که نزدیک‌ترین فاصله زندگی را با شیخ داشته در کتاب تاریخ گزیده می‌نویسد:[۶] « شیخ دانیال خنجی در سنه عشر و سبعمایه درگذشت».

پس از درگذشت شیخ شهرت و اهمیت خانقاه وی به قدری گسترش داشت که تا سال‌ها محیط درس و بحث پیروان او بشمار می‌رفت و در حقیقت باید قرن هفتم و هشتم و چند سالی از قرن نهم هجری را عصر دانیال و پیروان وی نامید. زیرا تأثیری که او بر منطقه لارستان و یا جزایر و سواحل خلیج فارس گذاشت، تا سال‌ها بعد از مرگش باقی بود. بطوریکه زاویه شیخ دانیال در دهه چهارم قرن هشتم، محل سیرو سلوک یکی دیگر از عرفای بزرگ آن عصر به نام شیخ ابودلف محمد خنجی از اخلاف شیخ دانیال بود. شهرت این عارف بزرگ پا از مرزها فراتر نهاده تا آنجا که ابن بطوطه سیاح معروف عرب را در سال ۷۳۱، به قصد دیدار و درک محضرش به خنج کشیده بود. در این سفر ابن بطوطه از تأثیر و نفوذ شگرف شیخ دانیال و پیروان او سخن رانده است.[۷]

---

۱ - Aubin la sutvie. p 23

۲ - رکن زاده آدمیت، دانشمندان و سخن سرایان فارس، کتاب فروشی خیام تهران ۱۳۴۰ ج ۵ ص ۷۲۶

۳ - Aubin la sutvie p 23

۴ - خنج در گذرگاه تاریخ لارستان ص ۴۷ به نقل از محمد امین خنجی ص ۱۷۰

۵ - همان کتاب، ص ۴۷ به نقل از تذکره تحفه الراغبین

۶ - مستوفی حمدالله، تاریخ گزیده، ص ۶۷۵

۷ - ابن بطوطه سفرنامه ابن بطوطه ج ۱ ص ۳۳۸

وقایع قرن هفتم تا نهم منطقه

اتفاقاتی که در اواخر قرن هفتم در جزایر خلیج فارس رخ داد رابطه تنگاتنگی با اوضاع خنج و مشخصاً مورد توجه قرار گرفتن آرامگاه دانیال و تعمیر و توسعه آن دارد لذا ناگریز اختصاراً به بخش از تاریخ این منطقه و چگونگی نفوذ پیروان شیخ دانیال در دربار ملوک هرمز می‌پردازیم:

در سال ۶۹۲ شیخ الاسلام جمال الدین موسوم به ملک الاسلام با خریدن مال الاجاره فارس از ایلخان مغول بر کیش و سواحل جنوب و بخشی از لارستان به خصوص خنج تسلط یافت[۱] وی رکن الدین احمد طیبی را در نواحی خنج و فال به حاکمیت رساند.[۲]

در همین دوره پیروان و مریدان شیخ دانیال خنجی در نواحی مختلف از جمله کیش، هرمز از شهرت بسزایی برخوردار بودند. نفوذ پیروان شیخ دانیال در حوزه جنوب ایران و دربارهای کیش و هرمز تا بدانجا رسید که حوادث جدیدی را شکل داد که در احداث بنای آرامگاه و مناره آن؛ و به طور کلی توسعه شهر خنج مؤثر بود.

اواخر قرن هفتم مقر حکومتی ملوک هرمز در شهری به نام هرمز نزدیک میناب کنونی بود در سال ۶۹۹ هـ به دنبال تاخت و تاز مغولان در نواحی جنوب، بهاءالدین ایاز سفین یکی از فرزندان محمود قلهاتی که حاکم شهر هرمز بود تصمیم به انتقال مرکز حکومت خود به جزیره جرون (هرمز کنونی) گرفت.

پدرو تکسیرا یا تکشیرا کشیش پرتغالی که در اواخر قرن دهم در هرمز بود، بخشی از این واقعه را که در شاهنامه ملوک هرمز آمده، در سفرنامه خود ترجمه و خلاصه نموده است. وی می‌نویسد:[۳]

« در آن عصر آن کس پادشاه جزیره کیش بود صاحب جزیره جرون نیز بود و در هنگام ورود ایاز به این جزیره، از جانب او در آن جزیره یکی از علمای دینی موسوم به شیخ اسماعیل از اهالی قریه‌ای نزدیک لار، اقامت داشت. این مرد عادت داشت که هر سال در فصل معین یک

---

۱ - p 4Aubin j Rerens 4

۲ - Aubin la surrie p27

۳ - قزوینی یادداشت‌های قزوینی به کوشش ایرج افشارج نهم ص ۵۷

گردشی به همه جزیره می‌کرد. ایاز با او صحبت داشت و او را مرد با کفایتی یافت لهذا اندیشید که او را واسطه بدست آوردن آن جزیره گرداند. شیخ مزبور نهایت کفایت این کار را انجام داد و جزیره مزبور را به عنوان هدیه از پادشاه کیش برای بهاءالدین ایاز به دست آورد ولی ایاز معذالک باید مبلغی وجه نقد در مقابل بپردازد به یادگار این کفایت و خدمتی که شیخ مزبور به ایاز نمود پادشاهان هرمز را عادت بر این جاری شد که هر سال مبلغی به اعقاب شیخ اسماعیل مذکور می‌پردازند و من خود مکرر به رأی العین این فقره را مشاهده کردم.»

اوبن در این مورد می‌نویسد:[۱]

« در حدود ۷۱۰/۱۳۰۰ هـ دراویش خنج با به دست آوردن واگذاری جزیره جرون به هرمز از دست طیبی‌ها خدمت بزرگی به حاکم هرمز نمودند.»

بهاءالدین ایاز تا سال ۷۱۱ هـ‍ـق در هرمز حکمرانی کرد. وی در همین سال عزالدین کردانشاه پسر سلغر را که از شاهزادگان قدیم بود به حکومت هرمز منصوب نمود. خود به شهر بندری قلهات عمان رفت.[۲] ظاهراً وفات بهاءالدین ایاز در همین سال اتفاق افتاده است.[۳] زامبادر جلوس عزالدین گردانشاه را بر تخت سلطنت، سال ۷۱۶ هجری نوشته است.[۴] پس از مرگ گردانشاه پسرش بهاءالدین بهرام شاه به حکومت هرمز و جزایر نشست ولی بعد به دست امیر شهاب الدین یکی از سردارانش کشته شد و امیر شهاب الدین خود را امیر جزایر خواند.

بعد از او قطب الدین تهمتن برادر بهرام شاه، وی را کشت و خود مستقلاً حکمران خلیج گردید[۵]

---

۱ - Aubin la subrie، p 26

۲ - قزوینی یادداشت‌های قزوینی به کوشش ایرج افشار ص ۶۲

۳ - نطنزی معین الدین منتخب التواریخ معینی ص ۱۵

۴ - زامبادر نسب نامه خلفا و شهر یاران و سیر تاریخی حوادث اسلامی ترجمه محمد جواد مشکور ص ۳۸۷

۵ - نوربخش حسین، جزیره قشم و خلیج فارس ص ۱۴۱

اقتداری در بخش آثار جرون و میناب در کتاب آثار شهرهای باستانی ایران ص ۵۸۷ می‌نویسد:

قطب الدین تهمتن بن تورانشاه در سیاحت سنه ۶۳۴ ابن بطوطه فرمانروا بود. در این گفته چند اشتباه قابل ذکر است. نخست اینکه تاریخ ۷۳۴ درست است نه ۶۳۴. دوم اینکه مؤلف اشتباه ابن بطوطه را در معرفی پدر قطب الدین تهمتن تکرار کرده است و پدر وی را تورانشاه می‌نویسد. در حالیکه تورانشاه فرزند اوست و پدرش عزالدین گردانشاه بن سلغربن محمود است.

سپس به اتفاق برادر خود نظام الدین کیقباد هرمز را مسخر ساخت. قطب الدین تهمتن بعد به جزایر بحرین و سواحل قطیف دست انداخت و اتحاد وی با برادر خود تا سال‌ها ادامه یافت. بعد از فوت بهاءالدین ایاز، تا به حکومت رسیدن تهمتن، درگیری‌هایی بین ملوک هرمز و ملوک کیش که از بازماندگان جمال الدین بن ابراهیم طیبی بودند روی داد که نهایتاً در سال ۷۲۱ هـ قطب الدین تهمتن توانست با از بین بردن ملک غیاث الدین طیبی و خانواده او دوران حاکمیت ملوک کیش را پایان بخشد.[۱]

فتح جزیره کیش توسط قطب الدین تهمتن با همراهی سید فخرالدین کامل از پیروان شیخ دانیال انجام پذیرفت.[۲]

در سال ۷۴۵هـ برادر قطب الدین تهمتن به نام نظام الدین در غیبت برادرهرمز را به تصرف درآورد. در مورد چگونگی نزاع بین نظام الدین و قطب الدین تهمتن در رحله ابن بطوطه چنین آمده است:

« علت نزاعی که بین سلطان هرمز و برادرزادگان او در گرفت این بود که وقتی که به عنوان سیاحت از هرمز نو به هرمز کهن رفت. (این دو محل چنانکه گفتیم سه فرسنگ از طریق دریا فاصله دارند)، برادر سلطان به نام نظام الدین از غیبت او استفاده کرد و علم طغیان برافراشت و خود را فرمانروای جزیره خواند اهالی جزیره و سپاهیان نیز با او هماوازی کردند سلطان از ترس به قلهات که جزو قلمرو خود او بود رفت و پس از چند ماه با کشتی‌هایی که تجهیز کرده بود به جزیره هرمز حمله ور شد لیکن شکست سخت خورد و دوباره به قلهات رفت. این جنگ و گریز چند مدتی ادامه داشت تا عاقبت یکی از زنان نظام الدین به تحریک سلطان او را مسموم کرد و سلطان (تهمتن) موفق شد که به جزیره هرمز وارد شود لیکن دو پسربرادرش با خزائن و اموال سپاهیانی که در اختیار داشتند به جزیره کیش که مرکز صید مروارید است عقب نشستند و راه کشتی‌هایی را که از هندوستان به هرمز رفت و آمد می‌کنند مسدود ساختند و نقاط تحت تسلط سلطان را مورد حمله و تاخت و تاز قرار دادند به طوری که غالب این نقاط به ویرانی افتاده است.[۳] »

---

۱ - نطنزی معین الدین منتخب التواریخ ص ۱۶

۲ - وثوقی محمد باقر خنج درگذر تاریخ به نقل از تذکره تحفه الراغبین ص ۱۱۸

۳ - ابن بطوطه سفرنامه ابن بطوطه ترجمه دکتر محمد علی موحد ج اول ص ۳۳۵ و ۳۳۶

ابن بطوطه در سفر دوم خود به نواحی هرمز و لارستان که در سال ۷۴۷ هـ یعنی زمانی که قطب الدین تهمتن آماده جنگ با دو پسر برادر خود نظام الدین بوده،[۱] صورت گرفت با تهمتن بن گردانشاه که وی به اشتباه فرزند توران شاه خوانده است،[۲] ملاقات کرده وی را از شهریاران کریم، متواضع و نیکخوی می‌داند و می‌نویسد:[۳]

«معمول وی این است که هرگاه فقیه یا صالح یا سیدی به جزیره وارد می‌شود او به زیارتش می‌رود و با هرکس در خور قدر و منزلت او معامله می‌کند.»

وی در ادامه چگونگی ملاقات خود را با سلطان قطب الدین تهمتن تشریح می‌کند.

نام این سلطان بزرگ هرمز، بر روی کتیبه چوبی قرن هشتم که متعلق به یک مسجد قدیمی قشم است نیز به چشم می‌خورد. اینگونه که از متن این کتیبه نیز پیداست وی به اولیاءاله و عرفای بزرگ احترام خاص می‌گذاشت و در بزرگداشت آنان با احداث بناء و مقابر بزرگ سعی بلیغ داشت آثاری که از وی باقی مانده عبارتست از:

ـ بقعه شیخ دانیال خنجی در خنج که ابن بطوطه در سال ۷۳۱ هـ از آن دیدن کرد و در کتاب خود آورده است.

ـ بازسازی و احداث مسجد قدیمی قشم.[۴] بنای اولیه این مسجد در سال ۷۳۶ هجری در اثر زلزله ویران شد و در همین سال قطب الدین تهمتن به مرمت آن پرداخت[۵] و در رجب سال ۷۳۷ هـ به پایان رساند.[۶]

۱ - این واقعه مربوط به سال ۷۴۷ ه یعنی یک سال پس از درگذشت نظام الدین بوده است.

۲ - به نظر می‌رسد که ابن بطوطه اطلاعات و مشاهدات فوق را در سفر دوم خود به هرمز که در سال ۴۷۱ ه صورت گرفته به مشاهدات سفر اول خود افزوده است. تاریخ سفر او ۷۲۵ تا ۷۳۴ ه مربوط به سفر اول اوست و اتفاقاتی که او توضیح می‌دهد مربوط به سفر دوم است. هنگامیکه ابن بطوطه سلطان قطب الدین تهمتن را آماده جنگ با دو پسر برادرش نظام الدین دیده است، این واقعه مربوط به سال ۷۴۷ هجری یعنی یک سال پس از درگذشت نظام الدین بوده است.

۳ - همان کتاب جلد اول ص ۳۳۴

۴ - قشم در قرن هشتم از توابع جزیره هرمز نو شمار می‌رفته است.

۵ - محمد علی سدید السلطنه در کتاب بندر عباس و خلیج فارس نام قطب الدین تهمتن را به اشتباه عبداله علی شاه نواده محمد آورده است.

۶ - کتیبه چوبی این مسجد توسط عبداله قوچانی خوانده شده است. ر.ک شماره اول پائیز و زمستان ۱۳۷۶ ص ۲۴ «مقاله بازشناسی یک مسجد قدیمی در قشم»

بقعه میر محمد خارک: این بنا از یادگارهای اوایل قرن هشتم هجری است. با توجه به وجود کاشی‌های زرین فام مصلی بقعه که تاریخ سنه ثمان و ثلثین و سبعمائه را دربردارد و این تاریخ مصادف با حکومت قطب الدین تهمتن حاکم جزیره هرمز بوده و جزیره خارک نیز در حوزه حکومت این فرمانروا قرار داشته احتمالاً احداث مصلی در جوار آرامگاه میرمحمد با موافقت این حاکم صورت گرفته است.[۱] قطب الدین تهمتن بعد از مرگ نظام الدین در سال ۷۴۷ هرمز و جرون را بازستاند و یک سال بعد در سال ۷۴۸ درگذشت. این سلطان بزرگ معاصر و معاشر با خواجه حافظ شیرازی بوده است.[۲] بعد از وی توران شاه فرزندش بر اریکه حکومت نشست و از این سال تا ۷۷۶ هـ ق بر جزایر کیش و بحرین سلطنت داشته. ابن بطوطه به خدمت وی نیز رسیده است.[۳]

نفوذ ملوک هرمز در خنج

با روی کارآمدن سلسله‌ی قدرتمند آل ظفر در فارس، لارستان از تحولات سیاسی مذبور متأثر شد، شهر خنج نیز از لحاظ سیاسی در نیمه اول قرن هشتم هجری تحت تسلط ملوک لارستان به خصوص امیر سیف الدین نصرت لاری قرار داشت.

از سویی دیگر به سبب نفوذ پیروان شیخ دانیال در ملوک هرمز، و قدرت معنوی آنان شهر خنج تحت نفوذ شدید معنوی ملوک هرمز قرار گرفت. به خصوص هنگامی که قدرت سیاسی ملوک هرمز تمرکز یافت و حوزه‌های تجاری خلیج فارس به هرمز انتقال یافت، شهر خنج بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

این گفته تیکسیرا که شیخ اسماعیل خنجی، واسطه واگذاری جزیره هرمز به ملوک هرمز را اهل یکی از قرای لار می‌داند[۴]، می‌توان از نشان وابستگی سیاسی خنج به لار دانست.

در همین دوران بروز تحولاتی در خنج، باعث افول قدرت شیخ دانیالی مشایخ آن دیار، و

۱ - سرفراز علی اکبر راهنمای جزیره خارک تهران انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ص ۱۳۲

۲ - این شعر را حافظ در مدح قطب الدین تهمتن گفته است: دستگیر ار نشود لطف تهمتن چه کنم

۳ - سمرقندی کمال الدین عبدالرزاق، مطلع سحدین و مجمع بحرین به اهتمام دکتر عبدالحسین توانی، ص ۳۶۴

۴ - قزوینی، یادداشت‌های قزوین ج ۹، ص ۵۷

سپس مهاجرت آنان به دربار ملوک هرمز گردید.

افزایش نفوذ معنوی پیروان شیخ و اعتقاد و احترام سلاطین هرمز به عرفای اخلاف دانیال از یک طرف و قرارگیری خنج بر سر راه شیراز به سواحل خلیج فارس و هرمز آن را بیشتر در کانون توجه قرار داد. این نفوذ معنوی کم از سلطه سلاطین لارستان بر خنج نبوده است، تا جایی که حمدالله مستوفی از هرمز به هرمز خنج تعبیر کرده است.[۱]

اقتداری در کتاب لارستان کهن در این مورد می‌نویسد:[۲]

« آن روزگار هرمز از توابع خنج بوده و یا ممکن است هرمز نام آبادی دیگری باشد که در سرزمین خنج واقع بوده است.»

یقیناً قول اول با توجه به تاریخ روشن خنج در این قرن درست نیست و از روستای هرمز تابع خنج نیز در جغرافیای ایران اثری مشاهده نشد، بنابراین می‌توان گفت نفوذ شدید معنوی ملوک هرمز را بر خنج و استیلای معنوی مشایخ خنجی شاخه دانیال به قدری بوده است که از هرمز به هرمز خنج تعبیر گردیده است. بخصوص اینکه وساطت شیخ اسماعیل خنجی یکی از پیروان دانیالی در واگذاری جزیره جرون به ملوک هرمز و همچنین همراهی و کمک سید فخرالدین کامل از مشایخ همین شاخه به قطب الدین تهمتن در فتح کیش آن چنان اهمیتی داشت که تمامی امرای هرمز حق شناسی خود را نسبت به شیوخ خنج به خاطر خدماتی که به آنان کرده بود تا زمان استیلای پرتغالی‌ها ادامه دادند.[۳]

همین تغییر پایگاه تجاری از کیش به هرمز، با همراهی سید فخرالدین کامل، نیز، به نفع موقعیت اجتماعی اقتصادی خنج و لارستان بوده است و شهرها و روستاهای مسیر راه هرمز به خنج و لار نیز از رونق خاصی برخوردار گردید. این را فقط می‌توان از برکت حضور جمع زیادی از خنجی‌ها، در دربار ملوک هرمز و نفوذ آنان دانست.

قطب الدین تهمتن بزرگترین سلطان هرمز، به پاس این همه همراهی و مساعدت‌های پیروان شیخ دانیال، بنای بزرگ و باشکوهی برفراز قبر شیخ احداث کرد. ابن بطوطه در سفرش

۱ - مستوفی حمدالله، نزهت القلوب به کوشش لسترنج چاپ کمبریج ص ۱۸۶

۲ - اقتداری احمد، لارستان کهن ص ۶۷

3 - Aubin, La Subive, P26

به سال ۷۳۱ گنبد و بارگاه شیخ دانیال را دیده است.[۱]

از سوی دیگر قطب الدین تهمتن، مقرری مالی به نفع خانقاه دانیال تخصیص داده که تا قرن دهم نیز از طرف دیگر سلاطین هرمز پرداخت می‌شده است.[۲]

ابن بطوطه مراکشی که طی سال‌های ۷۳۱ از لارستان و خنج دیدن کرده شاهد رونق روزافزون این دیار بوده است. در این دوره خانقاه شیخ دانیال در خنج فعال بوده و زائران زیادی را به خود جلب کرده است. او در خنج از زاویه شیخ ابودلف که در کنار بقعه شیخ دانیال قرار داشته بازدید به عمل آورده و می‌نویسد:[۳]

«این شیخ ابودلف حالات عجیبی دارد. مخارج خانقاه او بسیار هنگفت است چه عطایا و لباس و مرکب و همه قسم احسان دیگر به مسافرین می‌دهد و من در آن نواحی مانند او را نیافتم و معلوم نیست که این همه مخارج را از کجا می‌آورد زیرا درآمد او منحصر است به آنچه که دوستان و برادران به او می‌رسانند. به همین جهت غالب مردم معتقدند که شیخ را مدد از غیب می‌رسد.»

بنابر اسناد موجود بخشی از هزینه‌های زاویه شیخ از طرف ملوک هرمز و بخش از طرف سلطان لار پرداخت می‌شده است. امری که بعدها در عصر ابو نجم نیزتداوم یافت.[۴]

از قرن نهم به بعد زاویه ابودلف خنجی و زاویه دانیال از رونق پیشین افتاده است.[۵]

در مورد نفوذ پیروان شیخ دانیال همین بس که شیخ عفیف الدین اسرائیل بن شیخ حاجی عبدالسلام خنجی، قاضی القضات دربار توران شاه بن قطب الدین تهمتن، سلطان معروف و دانشمند هرمز بود و بعد به عنوان سفیر امیر هرمز به شیراز آمد.[۶]

بر طبق کتیبه سنگی مناره شیخ دانیال، توران شاه بن تهمتن بن محمد شاه بن قطب الدین تهمتن نیز نظر به ارادتی که به شیخ و علاقه‌ای که به پیروانش داشته در سال ۸۴۷ مناره بلند

---

۱ - ابن بطوطه سفرنامه ج اول ص ۳۳۸

۲ - وثوقی محمد باقر خنج درگذرگاه تاریخ ص ۵۴

۳ - همان کتاب ص ۳۳۸

۴ - وثوقی محمد باقر خنج درگذرگاه تاریخ ص ۵۵

۵ - وثوقی محمد باقر، خنج درگذرگاه تاریخ به نقل از محمد امین خنجی ص ۱۷۳

۶ - وی نبیره قطب الدین تهمتن است که بعد از فرار سیف الدین پناه جویی وی از شاهرخ تیموری در سال ۸۴۰ هجری به حکومت رسید. وی پنجمین سلطان هرمز بعد از قطب الدین تهمتن است.

و زیبایی بر بنای آرامگاه شیخ افزود.

موقعیت مجموعه بقعه شیخ دانیال خنجی

مجموعه بقعه شیخ دانیال خنجی در محله‌ای واقع در غرب شهر خنج در تقاطع خیابان‌های دانیال و توحید واقع شده و مسیل و رودخانه خنج با فاصـله‌ای انـدک از کنـار ایـن مجموعـه می‌گذرد.

تاریخچه بنا

بقعه شیخ دانیال را می‌توان یک بنای مذهبی سیاسی قرن هشتم و نهم دانست که احداث آن به علـل ارتباطات خاص سیاسی و مذهبی صورت گرفته، به همین جهت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مهمترین منابع و مدارکی را که مربوط به پیشینه تاریخی مجموعـه بنـا در دسـترس اسـت، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

– اظهار نظرهای متفاوتی از سوی محققین و مورخین در تاریخ احداث مجموعه بنا و منار به عمل آمده است: بخشی از اطلاعات ما از سوابق تـاریخی بنـا منبعـث از کتـاب رحلـه ابـن بطوطه است که به طور مختصر و اجمال بیان شده وی می‌نویسد [۱]:

«قبر شیخ دانیال در این زاویه قرار دارد، این قطب (شـیخ دانیـال) در نـواحی لار مـشهور و سخت مورد احترام است و بر روی قبر او به فرمان قطب الدین تهمتن گنبدی بنا شده است»

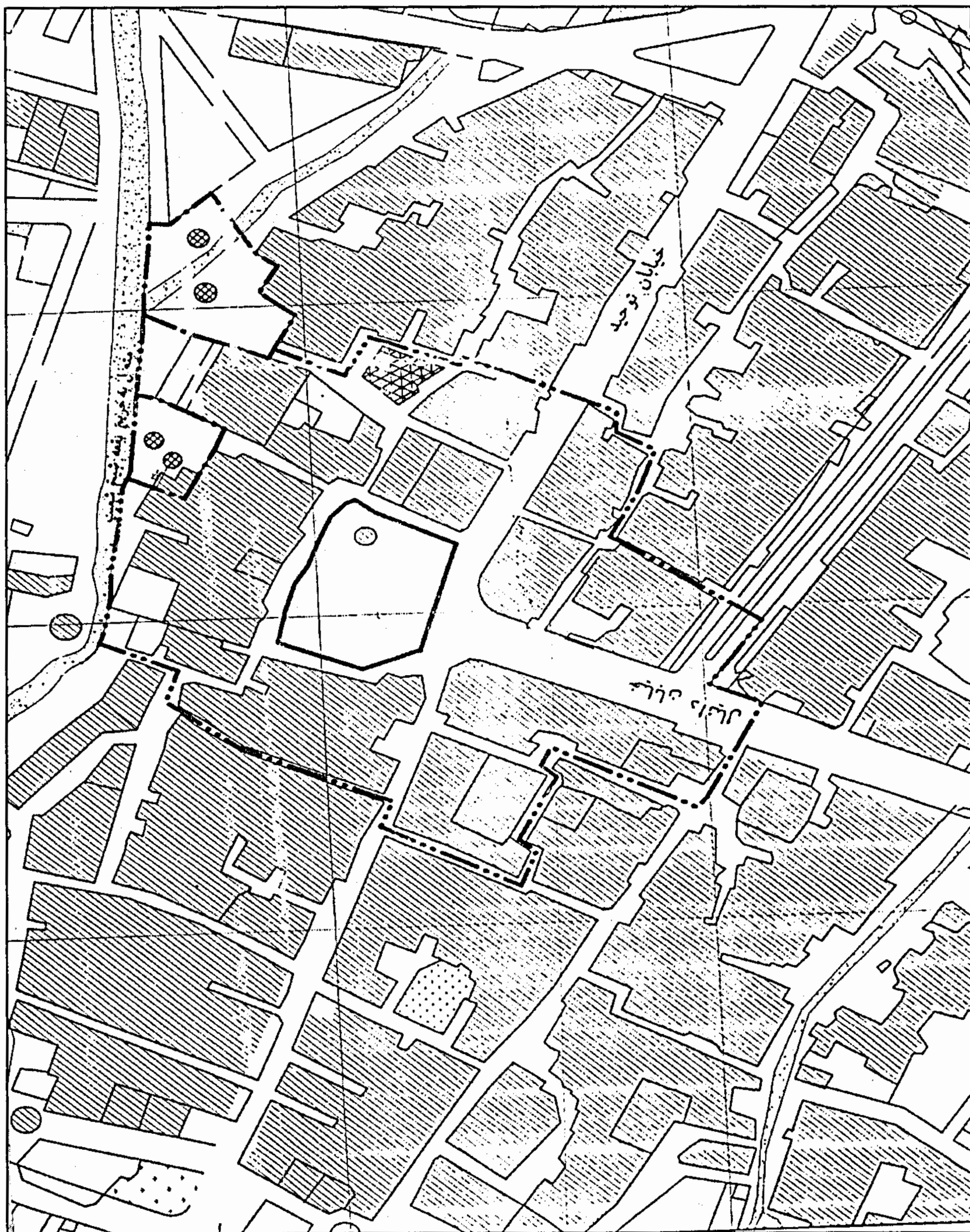
ابن بطوطه در بخشی از کتاب خود قطب الـدین تهمـتن را فرزنـد تـوران شـاه مـی‌دانـد.[۲] اقتداری در کتاب لارستان کهن چنین آورده است:[۳]

---

۱ – ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه ج اول ص ۳۳۸

۲۱۸– همان کتاب ج اول ص ۳۳۴

۳ – اقتداری احمد، لارستان کهن ص ۱۶۹



موقعیت مجموعه شیخ دانیال خنجی در خنج

« نظر به ارادتی که پادشاهان هرمز به دانیال داشته اند، پادشاه بزرگ آنها قطب الدین تهمتن بن عزالدین گردانشاه بن سلغور (۷۴۱ – ۷۱۸) گنبد بزرگی بر روی آرامگاه و مسجد دانیال ساخته که ابن بطوطه سیاح معروف آن را توصیف کرده و بنای این گویا در سال ۷۳۱ هجری بوده است.»

در مورد نام بانی بنا جای هیچگونه بحث و جدل نیست جز اینکه اشتباهی را که ابن بطوطه در معرفی توران شاه به عنوان پدر قطب الدین تهمتن آورده تصحیح کنیم، اما در تاریخ احداث منار که در متون آمده اشتباهات فاحش مشاهده می‌شود. این در حالیست که متن کتیبه روی منار، از شفافیت و روشنی کامل در مورد نام بانی برخوردار است و هر چند این کتیبه سائیدگی و فرسایش زیادی بخصوص در قسمت انتهایی و تاریخ بنا داشته، ولی آنقدر سالم باقی مانده که قابل قرائت باشد. متأسفانه این مدرک عینی به هیچ وجه در بررسی‌های محققین مورد توجه قرار نگرفته است.

مؤلف لارستان کهن، بدون ذکر منبع اصلی تاریخ احداث منار در سال ۷۸۹ هـ ق نوشته[۱] و اله قلی اسلامی در مقاله‌ای که در شماره ۱۲۸ مجله هنر و مردم به چاپ رسانده[۲]، بخش اندکی از کتیبه سنگی منار را به طور ناقص خوانده و ضبط کرده است. علاوه براینکه این متن از انحطاط تاریخی و لغوی زیادی برخوردار است، نویسنده بدون توجه به نام بانی و تاریخ کتیبه، تاریخ ۷۱۱ هجری را نیز بر آن افزوده است. در صورتی که تاریخ مزبور مقارن با حکومت شهاب الدین ایاز بر هرمز است[۳] و این زمانی است که هنوز آرامگاه شیخ دانیال نیز ساخته نشده است.

تنها کارت شناسائی بقعه شیخ دانیال، در پرونده ثبتی بنا در آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز نام بانی منار را توران شاه بن قطب الدین تهمتن می‌داند[۴]. این نظر هم بدون بررسی شواهد موجود اظهار شده و توران شاه مزبور با توران شاه دوم (بانی منار) که از سال ۸۴۰ هجری سلطان هرمز بوده اشتباه گرفته شده است.

۲ – آنچه که به عنوان تاریخ، در بنای منار باقی مانده و سال سبع و اربعین و ثمانمایه را نشان می‌دهد. بر اساس این کتیبه بنای منار در زمان توران شاه بن تهمتن بن محمد شاه بن تهمتن بن گردان شاه یکی از ملوک هرمز در سال ۸۴۹ ه. ق ساخته شده است.

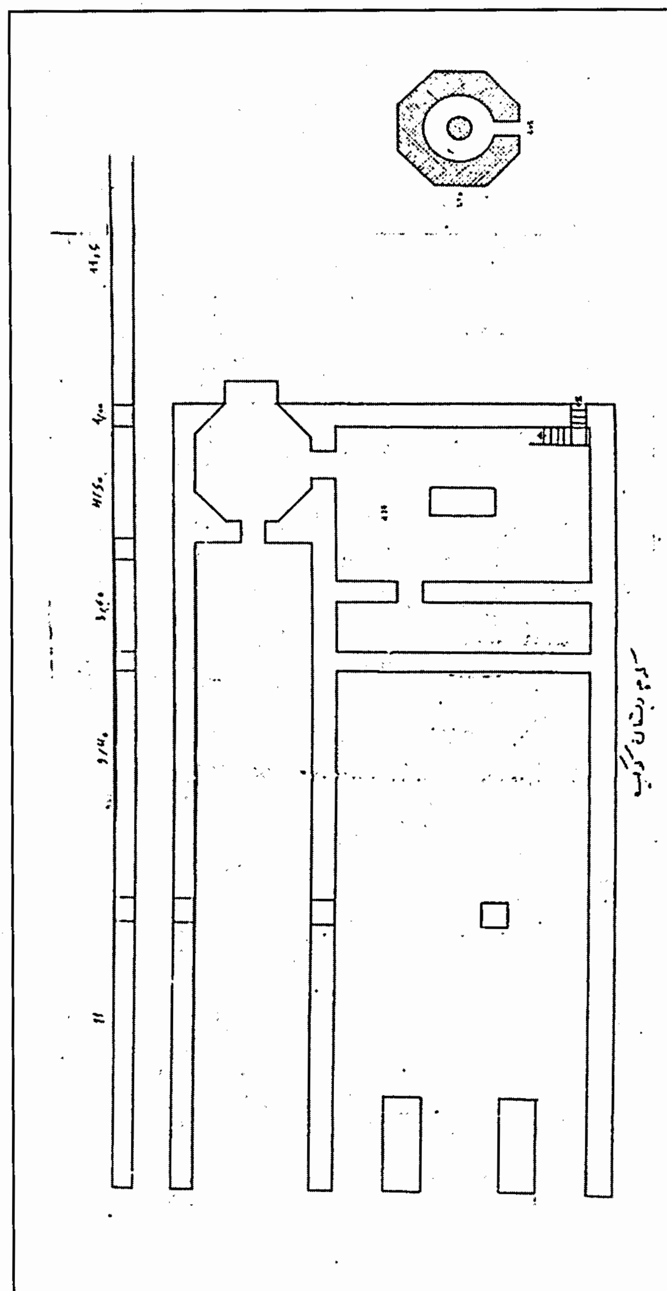
---

۱ – همان کتاب ص ۱۶۹

۲ – اسلامی الله قلی مجله هنر و مردم شماره ۱۲۸ ص ۷۷ تا ۸۴

۳ – زامبادر، نسب نامه خلفا و شهریاران.. ترجمه دکتر محمد جواد مشکور ص ۳۸۷

۴ – پرونده ثبتی ۹۷۵ مرکز اسناد و مدارک فرهنگی سازمان میراث فرهنگی



پلان بقعه و مناره شیخ دانیال

ویژگی‌های معماری بقعه شیخ

بروز حوادث طبیعی بخصوص زلزله در طی قرون مختلف بخصوص قرن اخیر موجب انهدام تمامی بنای بقعه گردیده است، بهمین جهت دسترسی به مدارک فضای کالبدی بنا کمی مشکل ولیکن دور از دسترس نیست.

متأسفانه در هیچ یک از متون تاریخی و سفرنامه‌ها نیز از موقعیت نقشه مجموعه یادی نشده و آنچه که بیشتر موردنظر بوده حلقه ارتباط بانیان بنا، با جنبه‌های سیاسی روز بوده است.

فقط براساس اشاراتی که در کتاب رحله ابن بطوطه رفته، وی هنگام دیدارش از زاویه ابودلف خنجی که در مجاورت بقعه شیخ دانیال قرار داشت، مجموعه بنا شامل مسجد، آرامگاه،خانقاه و زائرسرا با غرفات دارای موقوفاتی بوده که بخشی از مخارج و هزینه‌های جاری مجموعه شیخ دانیال را تأمین می‌کرده است.

آنچه که امروزه می‌توان آن را کلید شناسائی کالبد بنا نامید، وجود ندارد و آثار ناچیز بجای مانده نیز نمی‌تواند آنگونه که باید راهگشائی جهت معرفی و توصیف بخش‌های ویران شده باشد. تنها مقاله منتشر شده در رابطه با خنج و بناهای آن به خصوص بقعه شیخ دانیال، به الله قلی اسلامی تعلق دارد که آن هم اطلاعاتی در مورد فضای کالبدی بنای آرامگاه به دست نمی‌دهد. مطالب مندرج در پرونده ثبتی بنا که در آرشیو مرکز اسناد و مدارک موجود است شامل مطالبی برگرفته از مقاله فوق می‌باشد. فقط تنها مدارک موجود از این مجموعه به یک نقشه قدیمی که در سال ۱۳۵۲ توسط دفتر فنی فارس ترسیم شده؛ و چند قطعه عکس محدود می‌شود.

براساس آنچه که از این نقشه مستفاد می‌گردد؛ مجموعه بقعه شیخ دانیال در این سال حدود ۹۶۰ متر مساحت داشته و از بخش‌های زیر تشکیل می‌شده است.

۱. **مسجد:** در کنار ضلع شرقی بقعه قرار داشته و فضای آن به شکل مستطیل به ابعاد ۱۰× ۱۷ متر که طاق آن بر روی یک ستون مربع، در وسط، و دیوارهای طرفین استوار بوده است، این مسجد با در ورودی به صحن راه می‌یافته است.

۲. **زاویه شیخ:** فضای هشت ضلعی شکلی است که در بین سرسرای ورودی و بقعه شیخ قرار داشته است و محل اسکان خلفای شیخ بوده است.

۳. **بقعه شیخ:** آنچه از نقشه دفتر فنی پیداست، بقعه شیخ فضای مستطیلی شکلی به ابعاد ۲×۹ متر است که بوسیله یک در کوچک به اتاق مستطیل شکل باریکی به ابعاد



ویرانه‌های بقعه شیخ دانیال



آرامگاه شیخ دانیال بعد از آواربرداری

۹/۲۰ × ۲ متر راه می‌یابد. این دیوار الحاقی بوده و پس از ویرانی گنبد و بنا ساخته شده است. در حقیقت پلان اولیه بقعه به فرم مربع به ابعاد ۹/۲۰ × ۹/۲۰ بوده که چون زندگی شیخ دانیال،

ظاهری ساده و بدون پیرایه بوده و این احتمال وجود دارد که بناهائی چون بقعه شیخ محمد ابونجم خنجی و کاکا فخرالدین و... با استفاده از مصالح همگون، از نقشه و فضای معماری قرن بقعه شیخ دانیال الهام گرفته باشند. به نظر نمی‌رسد که تغییرات معماری قرن هشتم و نهم به گونه‌ای رخ نماید که با تغییرات عمده و قابل توجهی همراه باشد. بنابر این فضای بقعه را می‌توان بنای چهار ضلعی بزرگی دانست که از خارج با نمای ساده سنگی از سنگ تراش سرخ اتابکی ساخته شده و در داخل نیز با استفاده از چهار ترنبه در چهارگوشه بنا، طرح چهارضلعی به هشت ضلعی و سپس دایره تبدیل شده و طرح لازم را برای ایجاد گنبد مهیا نموده باشد. این تفاوت نیز بین مجموعه بناهای یاد شده با بقعه شیخ دانیال با عمق قابل ملاحظه‌ای پائین تر از کف زمین قرار داشته است. با توجه به اینکه کف اصلی اطراف مناره واقع در ۱۰ متری شرقی بقعه که هم اکنون ۳/۷ متر از سطح کنونی حیاط پائین تر است، قبل از تخریب بنا به حدود ۲/۲۰ متر می‌رسیده است.

قبر شیخ دانیال ساده و بدون پیرایه و بدون سنگ قبر می‌باشد، لیکن تا چند سال پیش سنگ قبر فرزندش سید مجدالدین در کنار قبر پدر موجود بود الله قلی اسلامی عبارتی چند از متن سنگ قبر را به روی قطعه سنگ مرمری نقرشده بود به شرح ذیل خوانده است:[1]

«الی الله فی الارضین سید مجدالدین ابن رکن الملل و الدین دانیال قدس الله سره».

ویژگی‌های منار

منار بقعه شیخ دانیال خنجی که در ده متری شرق بقعه واقع شده به صورت میل استوانه ایست که بر روی یک فیلپایه هشت ضلعی قرار دارد.

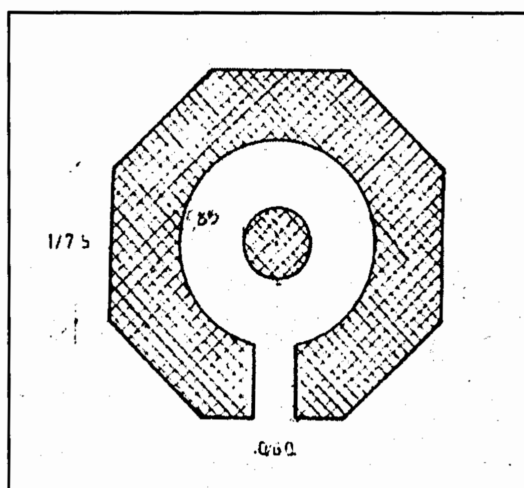
با عملیات خاکبرداری از اطراف پایه‌ها و تخلیه نخاله‌های مصالح بناهای فروریخته تا عمق یک متر، وضعیت کف و پایه اصلی و زیرین مشخص شد. این بخش از پایه از سنگ اتابکی قرمز با قاعده چهار ضلعی به ابعاد ۴/۲۰ متر و ارتفاع ۷۰ سانتی متر ساخته شده و فاقد هرگونه تزئیناتی است.

بخش دوم منار را یک فیلپایه هشت ضلعی زیبا به ارتفاع ۲/۴۵ مترتشکیل می‌دهد که بر روی پایه مربع شکل زیرین استوار شده است. ارتفاع این بخش به احتساب کتیبه پیشانی آن به

۱ - هنر و مردم شماره ۱۲۸ ص ۸۴

۳/۱۵ متر می‌رسد. عرض هر ضلع ۱/۷۵ متر و وسط هر ضلع طاقنمائی با فرم محراب مانند به عرض یک متر و ارتفاع ۱/۵ متر حجاری شده و حواشی و داخل آن با تزئینات زیبائی آرایش یافته است. تزئینات حاشیه طاقنما شامل اسلیمی و تزئینات وسط طاقنما طرح لوزی شکل با طرح گل و بوته است. این تزئینات سنگی در منار شیخ دانیال، آن را به یک نمونه کم نظیر و شاید بی‌نظیر در میان منارهای ایران تبدیل نموده و ممتاز کرده است.

بخش اصلی منار به فرم مدور به ارتفاع حدود ۱۵متر است، لذا با احتساب پایه‌های زیرین به حدود ۱۹ متر می‌رسد. یقیناً این منار دارای ارتفاع بسیار زیادتری بوده که در اثر زلزله‌های سهمگین فارس فرو ریخته است.[۱]



پلان منار

کتیبه منار

در پیشانی بخش هشت ضلعی منار کتیبه‌ای جالب از سنگ به عرض ۷۰ سانتی متر در دو سطر تعبیه شده است. این کتیبه به خط ثلث بر روی سنگ قرمز اتابکی از ضلع جنوب شرقی آغاز شده و محیط چهار ده متری پیرامون پایه هشت ضلعی را دور می‌زند و در ضلع شرقی،

۱ - در متون تاریخی چند زلزله سهمگین منطقه لار و خنج ثبت شده است. ر ک تاریخ زلزله‌های ایران، ص ۱۳۹ و ۱۵۷.

زیر مدخل ورودی پایان می‌یابد.

متن بخشی از این کتیبه که خوانده شده و در اختیـار الله قلـی اسـلامی قـرار گرفتـه، دارای تناقضات و اشتباهات فاحش تاریخی و لغوی به شرح زیر است:[۱]



منار بقعه

۱ - هنر و مردم شماره ۱۲۸ ص ۸۲



تزئینات حجاری پایه منار

«بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسم یسجد لی الله بالغدو و ال وصال.»

بعد فان المناره فی الاسلام... قد صح اول بناء مناره فی السلام عمربن عبدالعزیز رضی الله عنه و تلاتلوه انصارالدین و صح عن التقات حضرت سلطان الاولیاء و الاقطاب ولی الله المتعال شیخ الرکن الحق و الولایه و الدین دانیال (نام صاحب بقعه) قدس الله و سره العزیز و اشاره بینا المناره – فی هذا المحل بخمسین سنه و اکثر قبل و حدوثها اخوانه یعنو بجانب سلاطین هرمز (سنگ یک کتیبه افتاده است) الیهم السلطان السعید رکن الحق و الدین گردانشاه بناها من حاکف (یک سنگ افتاده است)...

ما یحتاج الیه عماره و توجه الی الدوله السلطنه مجلس الحضره الاعلی السلطان الاعظم ما ثمره شجره شاه گردان...

توران شاه ابن تهمتن ابن محمد بن تهمتن ابن گردانشاه خلدالله ملکه و سفارین لسنه

عشر احدی و سبع مائه ۷۱۱»

اما صحیح متن کتیبه براساس آنچه که در منار موجود است چنین است:

« بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه و یسبح له فیها بالغدو و الاصال.[1] بعد فان المناره فی الاسلام شعار الدین و محل... وقعه الله لمن بذل جهده فی بنائها و طوبی لمحدثها فقد صح ان اول من بناء المناره فی السلام [عمر] بن عبدالعزیز رضی الله عنه / و تلاتلوه انصارالدین و صح عن الثقات ان حضرة سلطان الاولیا و الاقطاب ولی الله المتعال شیخ الرکن الحق و الولایته و الدین دانیال قدس الله سره العزیز قد اشار بنباء المناره فی هذا المحل / بخمسین سنه او اکثر قبل حدوثها جوا [نب] معنویه بجانب سلاطین هرموز منهم السلطان السعید رکن الحق و الدین کردانشاه و بناها من خانق[اه] .... اصلها ما اصاب من ضرر هدمها ...... دور کرامه ظاهره لحضرة المقدسه فاراد من یتولی من امر الخانقاه المقدسه و موقوفاتها حضره المولی شیخ الاسلام الاعظم مرشد طوایف الامم ملجاء الفقراء/ و المساکین مقتدای العر [فا] و ملاذ اهل الیقین شیخ الملة والدین... خلد الله ظلال ارشاده المسلمین [...] مجمع ما تحتاج الیه العماره و توجه الی بیت الدوله و السلطنه مجلس الاعلی یحضره السلطان الاعظم مالک رقاب الامم ثمره شجره الکردانشاهیه / الذی بناء المناره اولاً خلاصه سلاله... المیله المبارک ثانیاً.. الحاج... العز... السلطنه تورانشاه بن تهمتن بن محمد شاه بن تهمتن بن کردانشاه خلدالله ملکه وسلطانه و استعان من ثوابه لیبدل ما بقی مصلح... فتلقی /... القاهره...

... من المناره فالقابه المیمون الموسم... بالاستخاره من الله تعالی و الاستخاره من ارواح اجداده.

..... بلاد من سعی فیها... بهم لسنه تسع و اربعین و ثمانمائه » (تصویر ۱ تا ۸)

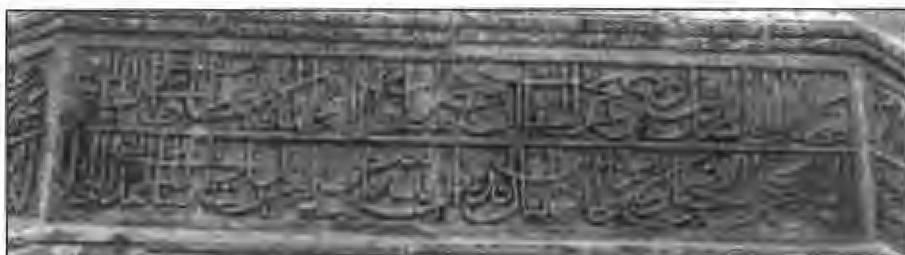
تاریخ هر چند فرسوده شده ولی باز قابل قرائت است. متأسفانه هیچ اثری از نام خطاط و حجار در متن کتیبه دیده نمی‌شود. محتمل است که بخش پایانی کتیبه منار به این امر اختصاص داشته که بشدت سائیده شده و از بین رفته است.

---

۱ - سوره نوح آیه ۳۶



تصویر ۱



تصویر ۲



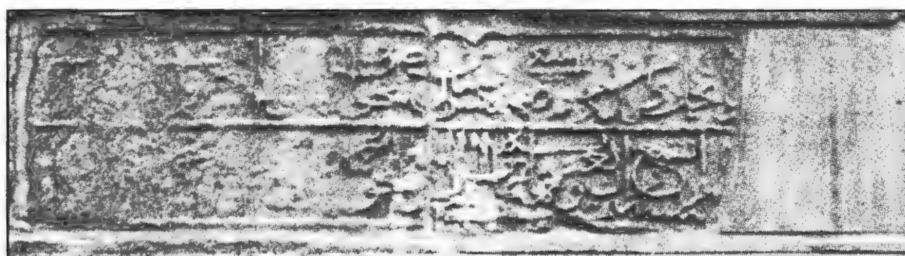
تصویر ۳



تصویر ۴، کتیبه سنگی منار



تصویر ۵



تصویر ۶



تصویر ۷



تصویر ۸، کتیبه سنگی منار

تزئینات منار

تزئینات منار را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: تزئینات حجاری و تزئینات کاشیکاری دو مورد تزئیناتت حجاری که عمدتاً در اضلاع پایه هشت ضلعی و کتیبه‌های زیبای آن تجلی یافته که به آن اشاره شد.

۲- تزئینات کاشیکاری روی میله مدور منار که عمدتاً به صورت معقلی و الحاقی است بدین ترتیب که ابتدا بدنه منار ساخته شده و سپس تزئینات بر روی آنها انجام گرفته است.

طراحی و تزئینات منار نیز از طراحی‌ها و الگوئی تبعیت می‌کنند که بیشتر در منارهای قرن هشتم دیده می‌شود بعلاوه اینکه از ابتکارات جدیدی مایه می‌گیرد که در کمتر مناری دیده شده است. هر چند بنا به دوره تیموری و قرن نهم تعلق دارد لیکن از آنچه که در معماری خراسان و آذربایجان از این دوره باقی مانده نشانی به چشم نمی‌خورد.

تزئینات معقلی دربخش مدور مناره عبارتست از:

الف: بخش زیرین آن که به صورت ساده است و از قطعات سنگ‌های مستطیل شکل اتابکی ساخته شده و فاصله بین آنها از سفال لعابدار فیروزه‌ای به صورت حاشیه افقی استفاده شده است. مدخل ورودی منار در این بخش قرار دارد. و برفراز آن کتیبه‌ای سنگی حاوی نام استادان مناره به چشم می‌خورد. متن کتیبه به شرح ذیل است:

« استادان مناره استاد محمود و حاج [من]صورالدین بن حاج محمد و

استاد حاج [نـ]ورالدین سیاه کلاه [و] ...... محمد ...... جمال »

ب: بخش دوم را تزئیناتی تشکیل می‌دهد که شامل تزئینات معقلی بصورت طرح‌های زیگزاکی با سفال لعابدار فیروزه ایست که در بین آنها مربع لوزی‌هایی از سفال لعابدار لاجوردی تعبیه شده است.

ج: بخش سوم تزئینات: ستاره‌های هشت پر بزرگ و باریکی از سفال لعابدار فیروزه‌ای درمتن آجر است که در بین آنها مربع لوزی‌هایی از سفال لعابدار لاجوردی تعبیه شده است.

د: بخش چهارم شامل مربع لوزی‌های منظمی از سفال فیروزه‌ای است و به کتیبه‌ای به خط کوفی بنائی اختصاص یافته است که حاوی صلوات بر پیامبر (ص) و چهار خلیفه راشدین و حسنین (ع) است.

به رنگ لاجوردی در زمینه آجر، عبارات ذیل نوشته است که هر مربع به یک عبارت اختصاص یافته است. سه مربع از طرح‌های مزبور فاقد نوشته بود و در هنگام مرمت منار نیز تکمیل نشده است. متن این کتیبه عبارتست از:

«الله الباقی» «سبحان الله» «والحمدالله»، [و لا اله الا اله]، [و الله اکبر]، [و لاحول و لا][1] «قوه الابالله» «العلی العظیم»، «اللهم صل علی»، «محمد المصطفی»،«و علی آل محمد»، «عمر فاروق»، «خلفاء راشدین»، «امیرالمؤمنین»، «ابوبکر صدیق»، «عثمان عفان» «علی مرتضی»، «حسن الرضا» و «حسین شهید»[2]

بخش تزئیناتی فوقانی، که قسمت اعظم بدنه مناره را می‌پوشانده «عبارت لا اله الله» به خط کوفی بنائی فیروزه‌ای در زمینه آجر است که در بین آنها حاشیه‌ای از خطوط موازی دورانی از سفال لاجوردی تعبیه شده که تا نوک منار ادامه می‌یابد.

قطعاً ارتفاع منار بسیار از آن چیزی که باقی مانده بیشتر و بلندتر بوده است که به مرور زمان فرو ریخته است.

مدخل ورودی منار در بخش مدور و بالای پایه هشت ضلعی ورو به غرب قرار دارد، عرض مدخل ۶۰ سانتی متر و ارتفاع آن ۱/۲۵ متر است. قطر دیوار مدور ۹۰ سانتی متر است که تا بالا این ضخامت حفظ شده است.

پله‌های مثلثی شکل به عرض ۸۶ سانتی متر حول دکل سنگی به قطر ۹۰ سانتی متر به صورت مارپیچ چرخیده تا بالا ادامه می‌یابد.

---

۱ - عبارات داخل [ ] در متن وجود ندارند و سه طرح مربع مزبور خالی از کتیبه است.

۲ - الله قلی اسلامی متن درعباراتی را در قرائت کتیبه. یادداشت کرده است که در هیچ یک از کتیبه‌های فوق دیده نمی‌شود و معلوم نیست اسامی دوازده امام که وی از آنها نام برده در کجای این خطوط کوفی جای گرفته‌اند. متن قرائت شده مشارالیه به شرح ذیل است:

(اللهم صل علی محمد المصطفی و ابوبکر الصدیق و عمرالفاروق و عثمان بن عفان و علی بن ابیطالب و امام حسن المجتبی و امام الحسین الشهید و امام زین‌العابدین و امام محمد الباقر و امام جعفر الصادق و امام موسی الکاظم و امام علی موسی الرضا و امام محمد تقی و امام علی النقی و امام حسن العسکری و امام محمد مهدی) مجله هنر و مردم شماره ۱۲۸ ص ۲۸.



کتیبه بالای مدخل منار





کتیبه بنائی بر فراز مناره





کتیبه بنایی مناره





کتیبه بنایی مناره



تزئینات بدنه منار



منار شیخ دانیال خنجی قبل از مرمت

مصالح ساختمانی

مصالح به کار رفته در منار بسیار متنوع است، ویرانی نمای پایه‌ها و بدنه منار بوضوح مصالح مصرفی در داخل و پی‌های مناره را نمایان ساخته است (تصویر ۱۱).

قلوه سنگ‌های بزرگ با ملات ماسه و آهک در پایه‌ها به کار رفته و در نمای پایه‌ها از سنگ اتابکی سرخ که معدن آن در.. نزدیکی... خنج می‌باشد استفاده شده است و بوسیله بست‌های آهنی به هم اتصال یافته است.

کتیبه‌ها نیز از سنگ سرخ اتابکی می‌باشند که در بالای پایه نصب شده اند. نمای زیرین بخش مدور نیز از همان مصالح و از نوع سفید آن ساخته شده. دکل مدور داخل منار نیز از سنگ است. کلیه بخش‌های مدور منار از آجر است و در نمای خارجی آن از آجرتراش و سفالینه‌های لعابدار فیروزه‌ای لاجوردی سفید و مشکی بعنوان عناصر تزئین بهره گرفته شده است.

منابع

۱. اقتداری لارستانی احمد، **لارستان کهن**، تهران، ۱۳۳۴، بی‌جا.

۲. **فرهنگ جغرافیایی ایران**، ج۷، استان هفتم، تهران، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، ۱۳۳۰.

۳. مستوفی حمدالله، **تاریخ گزیده** به اهتمام دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۹.

۴. ابن بطوطه، **سفرنامه**، ترجمه محمد علی موحد انتشارات آگاه ۱۳۷۰.

۵. شیروانی میرزا زین العابدین، ریاض السیاحه تصحیح و مقابله اصغر حامد ربانی، تهران انتشارات سعدی، ۱۳۳۹.

۶. محمود بن عثمان، **فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه**، به کوشش ایرج افشار تهران انتشارات انجمن سیاسی، ۱۳۵۸.

۷. سدید السلطنه کبابی محمد علی، **بندر عباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندر عباس)** به تصحیح و مقدمه و فهارس ازاحمد اقتداری، به کوشش علی ستایش،

کتابخانه ابن سینا تهران، ۱۳۴۳.

۸. قوچانی عبداله، مجله باستانشناسی و تاریخ، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۳۷۶، مقاله **بازشناسی یک مسجد قدیمی در قشم.**

۹. زامبادر، **نسب نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام،** ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۶.

۱۰.نطنزی معین الدین، **منتخب التواریخ معینی،** به تصحیح ژان اوبن تهران، کتابفروشی خیام ۱۳۳۶.

۱۱.قزوینی، **یادداشت‌ها،** به کوشش افشار ایرج، جلد نهم انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷

۱۲.سرفراز علی اکبر، **راهنمای جزیره خارک،** انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی تهران ۱۳۵۵.

۱۳.پاپلی یزدی محمد حسین، **فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور** گروه جغرافیایی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۶۷.

۱۴.**فرهنگ جغرافیایی کشور،** سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و دستیابی نیروهای مسلح ۱۳۷۹.

۱۵.فرهنگ جغرافیایی ایران ج۷ انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.

۱۶.نوربخش حمید، **جزیره قشم و خلیج فارس،** انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.

۱۷.وثوقی باقر، **خنج درگذرگاه باستانی لارستان،**انتشارات خرم، ۱۳۷۴.

۱۸.آدمیت رکن الدین، **بزرگان و سخن رایان فارس،** کتابفروشی خیام تهران ۱۳۴۰.

۱۹.اقتداری احمد، **آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایرخلیج فارس و دریای عمان،** انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.

۲۰.مستوفی حمداله، **نزهت القلوب،** لسترنج.



Collection of Articles on Islamic Inscrip Tions & Texts





شابک: ۹۶۴-۴۲۱-۰۰۸-۵

قیـ ۱۵۰۰۶۰ ریال